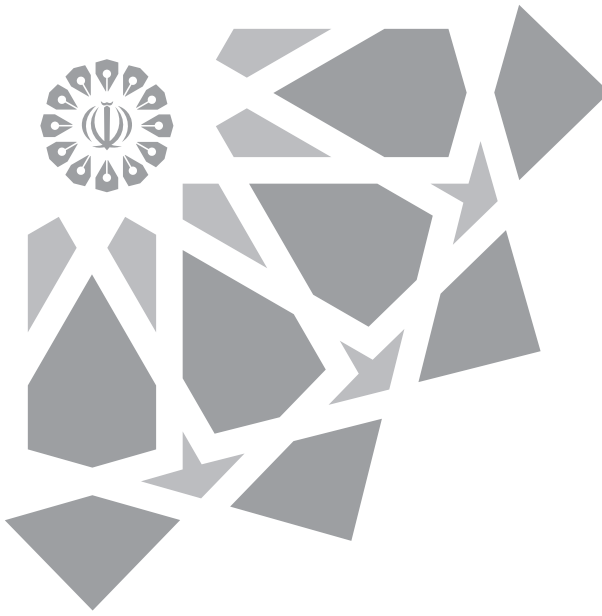




- عنوان قراردادی: ایران. قانون اساسی (جمهوری اسلامی)
- عنوان و نام پدیدآور: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۶) مشتمل بر... / تهیه و تنظیم: محمد فتحی، کاظم کوهی اصفهانی.
- مشخصات نشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۱-۱
- وضعیت فهرست نویسی: فیپا
- موضوع: ۱- ایران، قانون اساسی (جمهوری اسلامی) ۲- قانون اساسی- ایران
- شناسه افزوده: ۲. Constitutions -- Iran
- رده‌بندی کنگره: الف. فتحی، محمد، ۱۳۶۰-، گردآورنده ب. کوهی اصفهانی، کاظم، ۱۳۵۸-، گردآورنده ج. شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان
- رده‌بندی دیویی: ۱۳۹۷ ی ۸ / ۱۳۶۸ / ۵ / ۲۰۶۴ / ۵ KMHT
- شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲/۵۵۰۲۳
- ۵۱۵۳۳۶۹



پژوهشکده شورای نگهبان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان

پژوهشکده شورای نگهبان



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان

تهیه و تنظیم:
محمد فتحی، کاظم کوهی اصفهانی

• ناشر: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان • نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷
• شمارگان: ۵۰۰ نسخه • بها: ۳۴۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۲۱-۱

• همه حقوق برای انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان محفوظ است.
• نشر و تکثیر تمام یا بخشی از اثر به هر شکل،
بدون کسب اجازه کتبی از انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان ممنوع است.

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۴۵ نمایر: ۰۲۱-۸۸۳۲۵۰۸۰

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱

بخش اول: قانون اساسی ۵

مقدمه ۷

فصل اول- اصول کلی ۱۴

اصل	موضوع
۱	نوع حکومت؛ جمهوری اسلامی
۲	مبانی و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی
۳	وظایف کلی دولت جمهوری اسلامی ایران
۴	ضرورت ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی
۵	ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت
۶	اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی
۷	نقش شوراها در تصمیم‌گیری و اداره امور کشور
۸	دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر
۹	تفکیک‌ناپذیر بودن آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور
۱۰	خانواده، واحد بنیادین جامعه اسلامی
۱۱	امت واحد اسلامی
۱۲	دین و مذهب رسمی کشور
۱۳	اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده و حقوق آنها
۱۴	حقوق غیر مسلمانان

فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور ۱۸

اصل	موضوع
۱۵	زبان و خط رسمی
۱۶	ضرورت آموزش زبان عربی به عنوان زبان قرآن و معارف اسلامی
۱۷	مبدأ تاریخ رسمی کشور
۱۸	پرچم رسمی ایران

فصل سوم - حقوق ملت ۱۹

اصل	موضوع
۱۹	تساوی همه در حقوق
۲۰	تساوی همه در برابر قانون
۲۱	تضمین حقوق زن و خانواده
۲۲	مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض
۲۳	ممنوعیت تفتیش عقاید
۲۴	آزادی مطبوعات
۲۵	ممنوعیت بازرسی و نرساندن نامه‌ها، استراق سمع، سانسور
	مکالمات و هر گونه تجسس غیر قانونی
۲۶	آزادی احزاب و تشکله‌ها
۲۷	آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها
۲۸	حق داشتن شغل و آزادی انتخاب شغل
۲۹	حق همگانی برخورداری از تأمین اجتماعی
۳۰	آموزش و پرورش رایگان
۳۱	حق داشتن مسکن متناسب با نیاز
۳۲	ممنوعیت بازداشت غیر قانونی
۳۳	ممنوعیت تبعید و اقامت اجباری افراد به صورت غیر قانونی
۳۴	حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه صالح
۳۵	حق انتخاب وکیل در دادگاه‌ها
۳۶	لزوم قانونی بودن حکم به مجازات و اجرای آن
۳۷	اصل برائت
۳۸	ممنوعیت شکنجه و اجبار افراد به شهادت، اقرار یا سوگند
۳۹	ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت متهمان و محکومان
۴۰	منع اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی
۴۱	حق تابعیت ایرانیان
۴۲	اعطای تابعیت ایرانی به اتباع خارجه

فصل چهارم - اقتصاد و امور مالی ۲۳

اصل	موضوع
۴۳	ضوابط حاکم بر نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
۴۴	بخش‌های مختلف نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
۴۵	انفال و ثروت‌های عمومی و نحوه مدیریت آنها
۴۶	مالکیت افراد نسبت به حاصل کسب و کار مشروع خویش
۴۷	محترم بودن مالکیت خصوصی مشروع
۴۸	ممنوعیت تبعیض بین مناطق مختلف کشور در بهره برداری از منابع طبیعی و درآمدهای ملی
۴۹	مقابله با ثروت‌های نامشروع
۵۰	حفاظت از محیط زیست
۵۱	لزوم قانونی بودن وضع مالیات و هرگونه معافیت از مالیات
۵۲	تهیه و تصویب لایحه بودجه سالانه کل کشور
۵۳	تمرکز دریافت‌های دولت در خزانه‌داری کل و بر اساس قانون بودن هرگونه پرداخت
۵۴	جایگاه دیوان محاسبات کشور
۵۵	صلاحیت دیوان محاسبات کشور

فصل پنجم - حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن ۲۷

اصل	موضوع
۵۶	حق حاکمیت الهی و حق حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش
۵۷	قوای حکام در جمهوری اسلامی و اعمال آنها زیر نظر ولایت مطلقه فقیه
۵۸	طریق اعمال قوه مقننه
۵۹	همه‌پرسی تقنینی
۶۰	طریق اعمال قوه مجریه
۶۱	طریق اعمال قوه قضائیه

فصل ششم - قوه مقننه ۲۹

موضوع	اصل
مبحث اول - مجلس شورای اسلامی	۲۹
تشکیل مجلس شورای اسلامی	۶۲
دوره نمایندگی مجلس	۶۳
تعداد نمایندگان مجلس و نمایندگان اقلیت‌های دینی	۶۴
نصاب رسمیت جلسات مجلس و تصویب مصوبات	۶۵
محتوای آیین‌نامه داخلی مجلس	۶۶
سوگند نمایندگان	۶۷
شرایط توقف انتخابات مجلس در زمان جنگ و اشغال نظامی و لزوم ادامه کار مجلس سابق در صورت عدم تشکیل مجلس جدید	۶۸
علنی بودن مذاکرات مجلس و انتشار گزارش کامل آن	۶۹
حق شرکت رئیس‌جمهور، معاونان او و وزیران در جلسات مجلس و همچنین تکلیف وزراء به حضور در جلسات علنی مجلس در صورت درخواست نمایندگان	۷۰
مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی	۳۱
صلاحیت مجلس در وضع قانون	۷۱
ممنوعیت مجلس در وضع قوانین مغایر با احکام اسلامی یا قانون اساسی	۷۲
صلاحیت مجلس در شرح و تفسیر قوانین عادی	۷۳
شرایط ارائه لایحه و طرح قانونی	۷۴
ممنوعیت ایجاد بار مالی و یا تعیین تکلیف جدید بدون تعیین محل تأمین اعتبار مورد نیاز برای آن توسط نمایندگان	۷۵
صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص	۷۶
صلاحیت مجلس در تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی	۷۷
ممنوعیت تغییر خطوط مرزی و ضوابط اعمال اصلاحات جزئی در مرزها توسط مجلس	۷۸
ممنوعیت برقراری حکومت نظامی و ضوابط تعیین محدودیت‌های ضروری	۷۹

موضوع	اصل
ضرورت تصویب مجلس در گرفتن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی	۸۰
ممنوعیت دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به بیگانگان	۸۱
ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی و استثنای آن	۸۲
ممنوعیت انتقال بناها و نفایس ملی به غیر و استثنای آن	۸۳
مسئولیت هر نماینده در برابر تمام ملت	۸۴
قائم به شخص بودن سِمَت نمایندگی، غیر قابل تفویض بودن صلاحیت قانون‌گذاری، شرایط قانون‌گذاری آزمایشی و قابل تفویض بودن صلاحیت تصویب اساسنامه‌های مؤسسات و شرکت‌های دولتی	۸۵
آزادی نمایندگان در اظهار نظر و رأی	۸۶
اخذ رأی اعتماد برای هیئت وزیران توسط رئیس‌جمهور	۸۷
سؤال نمایندگان از رئیس‌جمهور و وزراء	۸۸
استيضاح هیئت وزیران، هر یک از وزراء و رئیس‌جمهور	۸۹
اعلام شکایت مردم از طرز کار قوای سه‌گانه به مجلس	۹۰
صلاحیت شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس و ترکیب اعضای آن	۹۱
نحوه انتخاب اعضای شورای نگهبان	۹۲
عدم اعتبار قانونی مجلس بدون وجود شورای نگهبان	۹۳
لزوم ارسال کلیه مصوبات مجلس به شورای نگهبان به منظور انطباق با موازین اسلامی و قانون اساسی و مهلت رسیدگی و اظهار نظر شورای نگهبان	۹۴
تمدید مهلت رسیدگی و اظهار نظر شورای نگهبان	۹۵
مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی در شورای نگهبان	۹۶
حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس جهت تسریع در کار و در هنگام تصویب لوایح و طرح‌های فوری	۹۷
صلاحیت شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی و نصاب آن	۹۸
نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی	۹۹

فصل هفتم - شوراه ۳۸

اصل	موضوع
۱۰۰	شوراهای محلی و انتخاب اعضای آنها توسط مردم
۱۰۱	شورای عالی استان‌ها
۱۰۲	صلاحیت شورای عالی استان‌ها در ارائه پیشنهاد قانون‌گذاری
۱۰۳	لازم‌الرعایه بودن تصمیمات شوراها برای مقامات کشوری دولتی
۱۰۴	تشکیل شوراها در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری، خدماتی و ...
۱۰۵	لزوم مخالف نبودن تصمیمات شوراها با موازین اسلام و قوانین کشور
۱۰۶	انحلال شوراها در صورت انحراف از وظایف قانونی

فصل هشتم - رهبر یا شورای رهبری ۴۰

اصل	موضوع
۱۰۷	نحوه تعیین رهبر
۱۰۸	مجلس خبرگان رهبری و مرجع ضابطه‌گذاری در خصوص قانون آن
۱۰۹	شرایط و صفات رهبر
۱۱۰	وظایف و اختیارات رهبر
۱۱۱	برکنار شدن رهبر از مقام خود و نحوه تعیین رهبر جدید در صورت فوت، کناره‌گیری یا عزل رهبر و ضوابط شورای موقت رهبری
۱۱۲	مجمع تشخیص مصلحت نظام

فصل نهم - قوه مجریه ۴۴

اصل	موضوع
۴۴	مبحث اول - ریاست جمهوری و وزراء
۱۱۳	رئیس جمهور، عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری
۱۱۴	مدت ریاست جمهوری
۱۱۵	شرایط داوطلبان ریاست جمهوری

اصل	موضوع
۱۱۶	اعلام آمادگی نامزدهای ریاست جمهوری
۱۱۷	نحوه و نصاب انتخاب رئیس جمهور
۱۱۸	نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری
۱۱۹	مهلت زمانی انتخاب رئیس جمهور جدید
۱۲۰	تمدید مهلت انتخابات در صورت فوت نامزدهای انتخاباتی
	ریاست جمهوری
۱۲۱	سوگند رئیس جمهور
۱۲۲	مسئولیت رئیس جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی
۱۲۳	امضای مصوبات مجلس و نتیجه همه‌پرسی به‌وسیله رئیس جمهور
۱۲۴	معاون اول و سایر معاونان رئیس جمهور
۱۲۵	امضای عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها و موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران پس از تصویب مجلس توسط رئیس جمهور یا نماینده وی
۱۲۶	مسئولیت رئیس جمهور در امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور
۱۲۷	حدود صلاحیت و نحوه تعیین نمایندگان ویژه رئیس جمهور
۱۲۸	تعیین سفیران و امضاء و پذیرش استوارنامه آنان توسط رئیس جمهور
۱۲۹	اعطای نشان‌های دولتی توسط رئیس جمهور
۱۳۰	استعفای رئیس جمهور
۱۳۱	فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری رئیس جمهور و انتخاب رئیس جمهور جدید و نحوه انجام وظایف رئیس جمهور در این زمان
۱۳۲	ممنوعیت استیضاح یا ابراز رأی عدم اعتماد به وزراء و تجدیدنظر در قانون اساسی و همه‌پرسی در مدتی که اختیارات رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است
۱۳۳	صلاحیت رئیس جمهور در تعیین وزراء و لزوم اخذ رأی اعتماد برای آنها از مجلس؛ لزوم تعیین وزارتخانه‌ها و صلاحیت آنان به موجب قانون
۱۳۴	ریاست رئیس جمهور بر هیئت وزیران؛ صلاحیت هیئت وزیران در حل اختلافات میان دستگاه‌های دولتی در مواردی که نیازمند تفسیر یا تغییر قانون نیست؛ مسئولیت رئیس جمهور در رابطه با اقدامات هیئت وزیران

اصل	موضوع
۱۳۵	استعفای هیئت وزیران یا هریک از وزراء و نحوه تعیین سرپرست برای وزارتخانه‌ها
۱۳۶	صلاحیت رئیس جمهور در عزل وزراء و ضرورت کسب رأی اعتماد برای هیئت وزیران در موارد تغییر بیش از نیمی از آنها
۱۳۷	مسئولیت جمعی هیئت وزیران و مسئولیت وزراء در برابر رئیس جمهور و مجلس
۱۳۸	صلاحیت هیئت وزیران و وزراء در وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه
۱۳۹	ضوابط صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری
۱۴۰	رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزراء در دادگاه‌ها
۱۴۱	ممنوعیت داشتن بیش از یک شغل دولتی
۱۴۲	رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور و وزراء
۵۱	مبحث دوم- ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۴۳	ارتش جمهوری اسلامی ایران و نقش آن در پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی
۱۴۴	ارتش مکتبی و مردمی
۱۴۵	ممنوعیت عضویت خارجی‌ان در ارتش و نیروهای انتظامی کشور
۱۴۶	ممنوعیت استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی در کشور
۱۴۷	استفاده از افراد و تجهیزات فنی ارتش در زمان صلح
۱۴۸	ممنوعیت بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش
۱۴۹	ترفیع و سلب درجه نظامیان
۱۵۰	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۵۱	آمادگی نظامی و آموزش نظامی همگانی

فصل دهم - سیاست خارجی ۵۳

اصل	موضوع
۱۵۲	اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۵۳	ممنوعیت انعقاد قراردادی که موجب سلطه بیگانه شود
۱۵۴	حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در هر نقطه از جهان
۱۵۵	اعطای پناهندگی سیاسی

فصل یازدهم - قوه قضائیه ۵۴

اصل	موضوع
۱۵۶	وظایف قوه قضائیه
۱۵۷	شرایط، مدت تصدی و نحوه تعیین رئیس قوه قضائیه
۱۵۸	وظایف رئیس قوه قضائیه
۱۵۹	دادگستری، مرجع رسمی تظلمات و شکایات
۱۶۰	وظایف وزیر دادگستری و نحوه انتخاب وی
۱۶۱	دیوان عالی کشور
۱۶۲	شرایط و نحوه انتصاب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل
۱۶۳	صفات و شرایط قاضی
۱۶۴	ضوابط انفصال یا تغییر محل خدمت و سمت قاضی
۱۶۵	علنی بودن محاکمات و استثنای آن
۱۶۶	مستند و مستدل بودن احکام دادگاهها
۱۶۷	تکلیف قاضی به رسیدگی و صدور حکم
۱۶۸	رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه
۱۶۹	عطف به ما سبق نشدن قوانین در تعیین جرایم
۱۷۰	تکلیف قضات به خودداری از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی مخالف با احکام اسلام و خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه
۱۷۱	لزوم جبران خسارت افراد در موارد تقصیر یا اشتباه قاضی
۱۷۲	محاکم نظامی و حدود صلاحیت آنها

اصل	موضوع
۱۷۳	دیوان عدالت اداری
۱۷۴	سازمان بازرسی کل کشور
۵۸	
۵۹	فصل دوازدهم - صدا و سیما
۱۷۵	صدا و سیماي جمهوری اسلامی ایران
۵۹	
۶۰	فصل سیزدهم - شورای عالی امنیت ملی
۱۷۶	شورای عالی امنیت ملی
۶۰	
۶۱	فصل چهاردهم - بازنگری در قانون اساسی
۱۷۷	بازنگری در قانون اساسی
۶۱	
۶۳	بخش دوم: نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان
۶۵	اصل ۴ (ضرورت ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی)
۶۷	اصل ۲۲ (مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض)
۶۹	اصل ۳۰ (آموزش و پرورش رایگان)
۷۴	اصل ۴۳ (ضوابط حاکم بر نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران)
۷۶	اصل ۴۴ (بخش‌های مختلف نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران)
۷۹	اصل ۴۹ (مقابله با ثروت‌های نامشروع)
۸۰	اصل ۵۲ (تهیه و تصویب لایحه بودجه سالانه کل کشور)
۸۶	اصل ۵۳ (تمرکز دریافت‌های دولت در خزانه‌داری کل و براساس قانون بودن هرگونه پرداخت)
۸۷	اصل ۵۵ (صلاحیت دیوان محاسبات کشور)
۸۹	اصل ۵۷ (قوای حاکم در جمهوری اسلامی و اعمال آنها زیر نظر ولایت مطلقه فقیه)
۹۰	اصل ۵۸ (طریق اعمال قوه مقننه)
۹۱	اصل ۵۹ (همه‌پرسی تقنینی)
۹۲	اصل ۶۰ (طریق اعمال قوه مجریه)
۹۴	اصل ۶۱ (طریق اعمال قوه قضائیه)

- اصل ۶۹ (علنی بودن مذاکرات مجلس شورای اسلامی و انتشار گزارش کامل آن) ۹۵
- اصل ۷۰ (حق شرکت رئیس جمهور، معاونان او و وزیران در جلسات مجلس و همچنین تکلیف وزراء به حضور در جلسات علنی مجلس در صورت درخواست نمایندگان) ۷۰
- اصل ۷۱ (صلاحیت مجلس در وضع قانون) ۱۰۱
- اصل ۷۳ (صلاحیت مجلس در شرح و تفسیر قوانین عادی) ۱۰۳
- اصل ۷۴ (شرایط ارائه لایحه و طرح قانونی) ۱۰۶
- اصل ۷۵ (ممنوعیت ایجاد بار مالی و یا تعیین تکلیف جدید بدون تعیین محل تأمین اعتبار مورد نیاز برای آن توسط نمایندگان) ۱۰۷
- اصل ۷۶ (صلاحیت مجلس در تحقیق و تفحص) ۱۱۷
- اصل ۷۷ (صلاحیت مجلس در تصویب عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی) ۱۲۲
- اصل ۸۰ (ضرورت تصویب مجلس در گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی) ۱۳۰
- اصل ۸۱ (ممنوعیت دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به بیگانگان) ۱۳۱
- اصل ۸۲ (ممنوعیت استخدام کارشناسان خارجی و استثنای آن) ۱۳۶
- اصل ۸۴ (مسئولیت هر نماینده در برابر تمام ملت) ۱۳۸
- اصل ۸۵ (قائم به شخص بودن سمت نمایندگی و غیر قابل تفویض بودن صلاحیت قانون‌گذاری مجلس، شرایط قانون‌گذاری آزمایشی و قابل تفویض بودن صلاحیت تصویب اساسنامه‌های مؤسسات و شرکت‌های دولتی) ۱۳۹
- اصل ۸۶ (آزادی نمایندگان در اظهار نظر و رأی) ۱۴۸
- اصل ۸۸ (سؤال نمایندگان از رئیس جمهور و وزراء) ۱۵۴
- اصل ۸۹ (استیضاح هیئت وزیران، هر یک از وزراء و رئیس جمهور) ۱۶۰
- اصل ۹۰ (اعلام شکایت مردم از طرز کار قوای سه‌گانه به مجلس شورای اسلامی) ۱۶۱
- اصل ۹۱ (صلاحیت شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس و ترکیب اعضای آن) ۱۶۲
- اصل ۹۴ (لزوم ارسال کلیه مصوبات مجلس به شورای نگهبان به منظور انطباق با موازین اسلامی و قانون اساسی و مهلت رسیدگی و اظهار نظر شورای نگهبان) ۱۶۵
- اصل ۹۶ (مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با احکام اسلام و قانون اساسی در شورای نگهبان) ۱۶۶

- اصل ۹۷ (حضور اعضای شورای نگهبان در مجلس جهت تسریع در کار و در هنگام تصویب لوایح و طرح‌های فوری)..... ۱۶۹
- اصل ۹۸ (صلاحیت شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی و نصاب آن)..... ۱۷۱
- اصل ۹۹ (نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی)..... ۱۷۲
- اصل ۱۰۲ (صلاحیت شورای عالی استان‌ها در ارائه پیشنهاد قانون‌گذاری)..... ۱۷۳
- اصل ۱۱۱ (برکنار شدن رهبر از مقام خود و نحوه تعیین رهبر جدید در صورت فوت، کناره‌گیری یا عزل رهبر و ضوابط شورای موقت رهبری)..... ۱۷۴
- اصل ۱۱۲ (مجمع تشخیص مصلحت نظام)..... ۱۷۶
- اصل ۱۱۳ (رئیس جمهور، عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری)..... ۱۸۱
- اصل ۱۱۷ (نحوه و نصاب انتخاب رئیس جمهور)..... ۱۸۴
- اصل ۱۲۱ (سوگند رئیس جمهور)..... ۱۸۶
- اصل ۱۲۳ (امضای مصوبات مجلس و نتیجه همه‌پرسی به وسیله رئیس جمهور)..... ۱۸۷
- اصل ۱۲۴ (معاون اول و سایر معاونان رئیس جمهور)..... ۱۸۸
- اصل ۱۲۵ (امضای عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها و موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران پس از تصویب مجلس توسط رئیس جمهور یا نماینده وی)..... ۱۹۰
- اصل ۱۲۶ (مسئولیت رئیس جمهور در امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور)..... ۱۹۴
- اصل ۱۲۷ (حدود صلاحیت و نحوه تعیین نمایندگان ویژه رئیس جمهور)..... ۱۹۸
- اصل ۱۲۸ (تعیین سفیران و امضاء و پذیرش استوارنامه آنان توسط رئیس جمهور)..... ۲۰۳
- اصل ۱۳۰ (استعفای رئیس جمهور)..... ۲۰۴
- اصل ۱۳۱ (فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری رئیس جمهور و انتخاب رئیس جمهور جدید و نحوه انجام وظایف رئیس جمهور در این زمان)..... ۲۰۵
- اصل ۱۳۳ (صلاحیت رئیس جمهور در تعیین وزراء و لزوم اخذ رأی اعتماد برای آنها از مجلس؛ لزوم تعیین وزارتخانه‌ها و صلاحیت آنها به موجب قانون)..... ۲۰۶
- اصل ۱۳۴ (ریاست رئیس جمهور بر هیئت وزیران؛ صلاحیت هیئت وزیران در حل اختلاف میان دستگاه‌های دولتی در مواردی که نیازمند تفسیر یا تغییر قانون نیست؛ مسئولیت رئیس جمهور در رابطه با اقدامات هیئت وزیران)..... ۲۰۸
- اصل ۱۳۵ (استعفای هیئت وزیران یا هر یک از وزراء و نحوه تعیین سرپرست برای وزارتخانه‌ها)..... ۲۱۲

- اصل ۱۳۶ (صلاحیت رئیس جمهور در عزل وزراء و ضرورت کسب رأی اعتماد
برای هیئت وزیران در موارد تغییر بیش از نیمی از آنها)..... ۲۲۰
- اصل ۱۳۷ (مسئولیت جمعی هیئت وزیران و مسئولیت وزراء در برابر رئیس جمهور و مجلس) ۲۲۳
- اصل ۱۳۸ (صلاحیت هیئت وزیران و وزراء در وضع تصویب نامه و آیین نامه)..... ۲۲۴
- اصل ۱۳۹ (ضوابط صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری). ۲۴۶
- اصل ۱۴۱ (ممنوعیت داشتن بیش از یک شغل دولتی)..... ۲۵۴
- اصل ۱۴۴ (ارتش مکتبی و مردمی)..... ۲۶۵
- اصل ۱۴۵ (ممنوعیت عضویت خارجیان در ارتش و نیروهای انتظامی کشور)..... ۲۶۷
- اصل ۱۵۶ (وظایف قوه قضائیه)..... ۲۶۸
- اصل ۱۵۷ (شرایط، مدت تصدی و نحوه تعیین رئیس قوه قضائیه)..... ۲۶۹
- اصل ۱۵۸ (وظایف رئیس قوه قضائیه)..... ۲۷۰
- اصل ۱۶۰ (وظایف وزیر دادگستری و نحوه انتخاب وی)..... ۲۷۷
- اصل ۱۶۱ (دیوان عالی کشور)..... ۲۸۱
- اصل ۱۶۴ (ضوابط انفصال یا تغییر محل خدمت و سمت قاضی)..... ۲۸۴
- اصل ۱۷۰ (تکلیف قضات به خودداری از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های
دولتی مخالف با احکام اسلام و خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه)..... ۲۸۶
- اصل ۱۷۴ (سازمان بازرسی کل کشور)..... ۲۹۰
- اصل ۱۷۵ (صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران)..... ۲۹۱



پیشگفتار

قانون اساسی هر کشور، بنیادین‌ترین قانون آن کشور و پایه‌ی ثبات سیاسی و حقوقی آن سرزمین است که هنجارهای حقوقی برتر و اساسی آن جامعه‌ی سیاسی را در خود جای داده است. از این رو، تغییر و اصلاح آن غالباً سخت و مستلزم طی شدن فرایندی پیچیده و طولانی است. از طرفی، قانون اساسی هم مانند هر قانون بشری دیگر، عاری از عیب و نقص نیست و در عین حفظ ثبات این قانون، باید برای رفع نقص‌ها، برطرف کردن ابهامات احتمالی آن و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی جامعه چاره‌اندیشی کرد. راهکاری که در اغلب کشورها در جهت حل این مشکل پیش‌بینی شده، استفاده از ابزار «تفسیر» است.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، شورای نگهبان که بر طبق قانون اساسی صلاحیت‌ها و وظایف مختلفی برعهده دارد، به‌عنوان مفسر رسمی قانون اساسی معرفی شده است. اصل (۹۸) قانون اساسی در این باره مقرر داشته است: «تفسیر قانون اساسی به‌عهده‌ی شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود.» در همین راستا، از ابتدای تشکیل شورای نگهبان، به‌طور پیوسته و البته با فراز و نشیب‌هایی، این شورا نظراتی را در تفسیر اصول قانون اساسی ابراز داشته است که به‌عنوان «نظر تفسیری» شناخته می‌شوند. البته بر طبق مقررات^۱، تعداد محدودی از مقامات این امکان را دارند که از شورای نگهبان درخواست تفسیر قانون اساسی را داشته باشند.

پژوهشکده‌ی شورای نگهبان به‌عنوان بازوی پژوهشی این شورا، با توجه به نقش مهم نهاد شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی، کلیه‌ی نظرات تفسیری از

۱. مطابق ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹ «تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس‌جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.»

اصول قانون اساسی را در مجموعه‌ی حاضر جمع‌آوری کرده است. مجموعه‌ی حاضر ویژگی‌هایی دارد که توجه به آن در استفاده‌ی بهینه از این مجموعه ضروری است:

۱. از ویژگی‌های شاخص این مجموعه، ذکر همه‌ی نظرات تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصول قانون اساسی در مجموعه‌ای واحد است.
 ۲. در هنگام درج نظرات شورای نگهبان در این مجموعه، تطبیق متون نظرات با اسناد مکتوب موجود وجهه‌ی همت قرار گرفته است تا اثری با بیشترین دقت و اتقان ممکن در اختیار مخاطبان قرار گیرد.
 ۳. در مجموعه‌ی حاضر، نکاتی از جمله سوابق موضوع که می‌تواند به فهم بیشتر موضوع کمک کند در پانویست بیان شده است.
- در خصوص ساختار کتاب نیز باید به این نکته اشاره شود که این مجموعه در دو بخش سازمان‌دهی شده است: **بخش اول**، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و **بخش دوم**، نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان از اصول قانون اساسی. در بخش اول، به جهت سهولت دسترسی مخاطبان به متن قانون اساسی، صرفاً متن مقدمه و اصول آن بدون هیچ توضیح و تفصیلی به صورت یکجا آمده است. در این بخش، متن بازنگری‌شده‌ی اصول قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، به عنوان متن مبنا ذکر شده است و متن سابق اصل‌ها، حسب مورد در پاورقی آمده است. در بخش دوم، تک تک اصول قانون اساسی که شورای نگهبان راجع به آنها نظریه‌ی تفسیری ابراز داشته است، به صورت مجزا آورده شده و در ذیل آن، کلیه‌ی نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان از آن اصل، به ترتیب تاریخ ابراز آن نظر از ابتدای انقلاب تا انتهای سال ۱۳۹۶ آمده است.^۱

۱. گفتنی است ملاک تفسیری قلمداد شدن نظریه‌های ارائه‌شده از سوی شورای نگهبان در خصوص اصول قانون اساسی، در درجه‌ی نخست، پاسخی است که شورای نگهبان به استفسار انجام‌شده داده است که در عمده‌ی موارد، به ویژه در نظریه‌های دهه‌ی هفتاد به بعد شورای نگهبان، صریحاً تفسیری بودن آنها در متن نظریه آمده است. در درجه‌ی دوم، این تفکیک بر اساس ملاک ارائه‌شده از سوی قائم‌مقام دبیر وقت شورای نگهبان در سال ۱۳۶۹ است که در پاسخ به استعلام اداره حقوقی دادگستری نسبت به برخی نظریه‌های شورای نگهبان در دهه‌ی شصت بیان شده است. در این اظهار نظر به شماره ۱۱۵۸ مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۶ آمده است: «... اصولاً نظریاتی که در ارتباط با قانون اساسی از سوی شورای نگهبان ابراز شده، در صورتی که تصریح نشده باشد که مشورتی است، طبق اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام شده و تفسیری است.»

با وجود این، به جهت جلوگیری از حجیم شدن کتاب، متن کامل نظریه‌های تفسیری شورا که با دو یا چند اصل از اصول قانون اساسی ارتباط داشته است صرفاً در یک اصل که ارتباط وثیق‌تری با موضوع نظریه داشته، آمده است و در سایر اصول مرتبط، به ذکر عنوان و شماره نظریه اکتفا شده و برای آگاهی خواننده از متن کامل آن نظریه، به صفحه مربوطه ارجاع داده شده است.

امید است مخاطبان گرامی با ارائه‌ی نظرات خود در خصوص این مجموعه و سایر مجموعه‌هایی که پژوهشکده‌ی شورای نگهبان در راستای رسالت خود منتشر می‌کند، ما را در عمل به وظایف خود یاری فرمایند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

پژوهشکده شورای نگهبان

بهار ۱۳۹۷

بخش اول
قانون اساسی



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلایه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد.

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی‌شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکورد کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد).

طلایه نهضت

اعتراض درهم کوبنده امام خمینی به توطئه آمریکایی «انقلاب سفید» که گامی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت استبداد و تحکیم وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و

اقتصادی ایران به امپریالیزم جهانی بود عامل حرکت یکپارچه ملت گشت و متعاقب آن انقلاب عظیم و خونبار امت اسلامی در خردادماه ۴۲ که در حقیقت نقطه آغاز شکوفایی این قیام شکوهمند و گسترده بود مرکزیت امام را به عنوان رهبری اسلامی تثبیت و مستحکم نمود و علی‌رغم تبعید ایشان از ایران در پی اعتراض به قانون ننگین کاپیتولاسیون (مصونیت مستشاران آمریکایی) پیوند مستحکم امت با امام همچنان استمرار یافت و ملت مسلمان و به ویژه روشنفکران متعهد و روحانیت مبارز راه خود را در میان تبعید و زندان، شکنجه و اعدام ادامه دادند.

در این میان قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب انقلابی و پُربار اسلام تلاش پی‌گیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کرد. رژیم استبداد که سرکوبی نهضت اسلامی را با حمله دژخیمانه به فیضیه و دانشگاه و همه کانون‌های پرخروش انقلاب آغاز نموده بود به مذبحانه‌ترین اقدامات ددمنشانه جهت رهایی از خشم انقلابی مردم، دست زد و در این میان جوخه‌های اعدام، شکنجه‌های قرون وسطایی و زندان‌های درازمدت، بهایی بود که ملت مسلمان ما به نشانه عزم راسخ خود به ادامه مبارزه می‌پرداخت. خون صدها زن و مرد جوان و با ایمان که سحرگاهان در میدان‌های تیر فریاد «الله اکبر» سر می‌دادند یا در میان کوچه و بازار هدف گلوله‌های دشمن قرار می‌گرفتند انقلاب اسلامی را تداوم بخشید. بیانی‌ها و پیام‌های پی‌درپی امام به مناسبت‌های مختلف، آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد.

حکومت اسلامی

طرح حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه که در اوج خفقان و اختناق رژیم استبدادی از سوی امام خمینی ارائه شد انگیزه مشخص و منسجم نوینی را در مردم مسلمان ایجاد نمود و راه اصیل مبارزه مکتبی اسلام را گشود که تلاش مبارزان مسلمان و متعهد را در داخل و خارج کشور فشرده‌تر ساخت.

در چنین خطی نهضت ادامه یافت تا سرانجام نارضایی‌ها و شدت خشم مردم بر اثر فشار و اختناق روزافزون در داخل و افشاگری و انعکاس مبارزه به وسیله روحانیت و دانشجویان مبارز در سطح جهانی، بنیان‌های حاکمیت رژیم را به شدت متزلزل کرد و به ناچار رژیم و اربابانش مجبور به کاستن از فشار و اختناق و به اصطلاح باز کردن فضای سیاسی کشور شدند تا به گمان خویش دریچه اطمینانی به منظور پیشگیری از سقوط حتمی خود بگشایند. اما ملت برآشفته و آگاه و مصمم به رهبری قاطع و خلل‌ناپذیر امام، قیام پیروزمند و یکپارچه خود را به طرز گسترده و سراسری آغاز نمود.

خشم ملت

انتشار نامه توهین‌آمیز به ساحت مقدس روحانیت و به ویژه امام خمینی در ۱۷ دی ۵۶ از طرف رژیم حاکم، این حرکت را سریع‌تر نمود و باعث انفجار خشم مردم در سراسر کشور شد و رژیم برای مهار کردن آتشفشان خشم مردم کوشید این قیام معترضان را با به خاک و خون کشیدن خاموش کند؛ اما این خود خون بیشتری در رگ‌های انقلاب جاری ساخت و طپش‌های پی‌درپی انقلاب در هفته‌ها و چهل‌م‌های یادبود شهدای انقلاب، حیات و گرمی و جوشش یکپارچه و هر چه فزون‌تری به این نهضت در سراسر کشور بخشید و در ادامه و استمرار حرکت مردم تمامی سازمان‌های کشور با اعتصاب یکپارچه خود و شرکت در تظاهرات خیابانی در سقوط رژیم استبدادی مشارکت فعالانه جستند. همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین‌کننده بود و مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ، حضور فعال و گسترده‌ای داشتند. صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش، شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود.

بهایی که ملت پرداخت

نهال انقلاب پس از یک سال و اندی مبارزه مستمر و پیگیر با باروری از خون بیش از شصت هزار شهید و صد هزار زخمی و معلول و با بر جای نهادن میلیاردها تومان خسارت مالی در میان فریادهای «استقلال، آزادی، حکومت اسلامی» به ثمر نشست و این نهضت عظیم که با تکیه بر ایمان و وحدت و قاطعیت رهبری در مراحل حساس و هیجان‌آمیز نهضت و نیز فداکاری ملت به پیروزی رسید موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید که در نوع خود سرفصل جدیدی بر انقلابات گسترده مردمی در جهان شد.

۲۱ و ۲۲ بهمن سال یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت روزهای فرو ریختن بنیاد شاهنشاهی شد و استبداد داخلی و سلطه خارجی متکی بر آن را در هم شکست و با این پیروزی بزرگ، طلیعه حکومت اسلامی که خواست دیرینه مردم مسلمان است نوید پیروزی نهایی را داد. ملت ایران به طور یکپارچه و با شرکت مراجع تقلید و علمای اسلام و مقام رهبری در همه‌پرسی جمهوری اسلامی، تصمیم نهایی و قاطع خود را بر ایجاد نظام نوین جمهوری اسلامی اعلام کرد و با اکثریت ۹۸/۲٪ به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت داد.

اکنون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بیانگر نهادها و مناسبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه باید راهگشای تحکیم پایه‌های حکومت اسلامی و ارائه‌دهنده طرح نوین نظام حکومتی بر ویرانه‌های نظام طاغوتی قبلی گردد.

شیوه حکومت در اسلام

حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید. ملت ما در جریان تکامل انقلابی خود از غبارها و زنگارهای طاغوتی زدوده شد و از آمیزه‌های فکری بیگانه خود را پاک نمود و به مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی بازگشت. اکنون بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند. بر چنین پایه‌ای، رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرایطی را به وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمامی مستضعفین بر مستکبرین بود زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند؛ به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. (این هده اُمتمک اُمه واحده و انا ربکم فاعبدون) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد.

با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. (و یضع عنهم إصرهم و الأغلال الّتی کانت علیهم) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده‌دار حکومت و اداره مملکت می‌گردند. (ان الأرض یرثها عبادی الصالحون) و قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام‌شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقه‌های عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و إلى الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد.

با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود دست‌اندرکار و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود. (و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الأرض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)

ولایت فقیه عادل

بر اساس ولایت امر و امامت مستمر، قانون اساسی زمینه تحقق رهبری فقیه جامع‌الشرایطی را که از طرف مردم به عنوان رهبر شناخته می‌شود (مجاری‌الأمور بید العلماء بالله الأمانة علی حلاله و حرامه) آماده می‌کند تا ضامن عدم انحراف سازمان‌های مختلف از وظایف اصیل اسلامی خود باشند.

اقتصاد وسیله است نه هدف

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

زن در قانون اساسی

در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «بزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

ارتش مکتبی

در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور توجه بر آن است که ایمان و مکتب،

اساس و ضابطه باشد. بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق شکل داده می‌شوند و نه تنها حفظ و حراست از مرزها بلکه با رسالت مکتبی، یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان را نیز عهده‌دار خواهند بود. (و أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ)

قضاء در قانون اساسی

مسئله قضاء در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی. از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. این نظام به دلیل حساسیت بنیادی و دقت در مکتبی بودن آن لازم است به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد. (و إذا حکمتهم بین الناس أن تحکموا بالعدل)

قوه مجریه

قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید.

وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی (رادیو- تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.

پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولین کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند؛ به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند

الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد موفق گردد. (و کذلک جعلنا أمة وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس)

نمایندگان

مجلس خبرگان متشکل از نمایندگان مردم، کار تدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیش‌نویس پیشنهادی دولت و کلیه پیشنهادهایی که از گروه‌های مختلف مردم رسیده بود در دوازده فصل که مشتمل بر یکصد و هفتاد و پنج اصل می‌باشد در طلیعه پانزدهمین قرن هجرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، بنیان‌گذار مکتب‌رهای بخش اسلام با اهداف و انگیزه‌های مشروح فوق به پایان رساند؛ به این امید که این قرن، قرن حکومت جهانی مستضعفین و شکست تمامی مستکبرین گردد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فصل اول - اصول کلی

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالی‌قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در

برابر امر او؛

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛

۴- عدل خدا در خلقت و تشریع؛

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا،

که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین

سلام‌الله علیهم اجمعین؛

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی

ملی را تأمین می‌کند.

اصل سوم

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل

دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

- ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی
- ۲- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر
- ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی
- ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان
- ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب
- ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی
- ۷- تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون
- ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش
- ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی

- ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور
- ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور
- ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه
- ۱۳- تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها
- ۱۴- تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون
- ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم
- ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

اصل پنجم^۱

در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل ششم

در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» و «شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل هشتم

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

اصل نهم

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت اراضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام

۱. اصل سابق: در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه)، در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است، که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد، رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا، طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل دهم

از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل یازدهم

به حکم آیه کریمه: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُون»، همه مسلمانان یک اُمتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.

اصل دوازدهم

دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیرقابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

اصل سیزدهم

ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.

اصل چهاردهم

به حکم آیه شریفه «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.

فصل دوم- زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور

اصل پانزدهم

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل شانزدهم

از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی، عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود.

اصل هفدهم

مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام ﷺ است و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است، اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است.

اصل هجدهم

پرچم رسمی ایران به رنگ‌های سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار «الله اکبر» است.

فصل سوم - حقوق ملت

اصل نوزدهم

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اصل بیستم

همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست
- ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

اصل بیست و سوم

تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

اصل بیست و چهارم

نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.

اصل بیست و ششم

احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.

اصل بیست و هفتم

تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

اصل بیست و هشتم

هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل بیست و نهم

برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.

اصل سی‌ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل سی و یکم

داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

اصل سی و دوم

هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و سوم

هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهل

هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهل و یکم

تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.

اصل چهل و دوم

اتباع خارجه می‌توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران درآیند و سلب تابعیت این‌گونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند.

فصل چهارم - اقتصاد و امور مالی

اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهانند.

اصل چهل و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ،

بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و پنجم

انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و ششم

هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم

مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم

در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.

اصل چهل و نهم

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل پنجاهم

در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل پنجاه و یکم

هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل پنجاه و دوم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

اصل پنجاه و سوم

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل پنجاه و چهارم

دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات

مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون، جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

فصل پنجم - حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن

اصل پنجاه و ششم

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند.

اصل پنجاه و هفتم^۱

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

اصل پنجاه و نهم

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

اصل شصتم^۲

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.

۱. اصل سابق: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد.

۲. اصل سابق: اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است.

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

فصل ششم - قوه مقننه

مبحث اول - مجلس شورای اسلامی

اصل شصت و دوم

مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

اصل شصت و سوم

دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به طوری که کشور در هیچ‌زمان بدون مجلس نباشد.

اصل شصت و چهارم^۱

عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی دویست و هفتاد نفر است و از تاریخ همه‌پرسی سال یک‌هزار و سیصد و شصت و هشت هجری شمسی پس از هر ده سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آنها حداکثر بیست نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند. محدوده حوزه‌های انتخابیه و تعداد نمایندگان را قانون معین می‌کند.

اصل شصت و پنجم

پس از برگزاری انتخابات، جلسات مجلس شورای اسلامی با حضور دو سوم مجموع نمایندگان رسمیت می‌یابد و تصویب طرح‌ها و لوایح طبق آیین‌نامه مصوب داخلی انجام می‌گیرد، مگر در مواردی که در قانون اساسی نصاب خاصی تعیین شده باشد. برای تصویب آیین‌نامه داخلی موافقت دو سوم حاضران لازم است.

۱. اصل سابق: عده نمایندگان مجلس شورای ملی دویست و هفتاد نفر است و پس از هر ده سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابی به نسبت هر یکصد و پنجاه هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شود. زرتشتیان و کلیمیان هرکدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هرکدام یک نماینده انتخاب می‌کنند و در صورت افزایش جمعیت هر یک از اقلیت‌ها پس از هر ده سال به ازای هر یکصد و پنجاه هزار نفر اضافی یک نماینده اضافی خواهند داشت. مقررات مربوط به انتخابات را قانون معین می‌کند.

اصل شصت و ششم

ترتیب انتخاب رئیس و هیئت رئیسه مجلس و تعداد کمیسیون‌ها و دوره تصدی آنها و امور مربوط به مذاکرات و انتظامات مجلس به وسیله آیین‌نامه داخلی مجلس معین می‌گردد.

اصل شصت و هفتم

نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضاء نمایند:

بسم الله الرحمن الرحيم

«من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.»

نمایندگان اقلیت‌های دینی این سوگند را با ذکر کتاب آسمانی خود یاد خواهند کرد. نمایندگانی که در جلسه نخست شرکت ندارند باید در اولین جلسه‌ای که حضور پیدا می‌کنند مراسم سوگند را به جای آورند.

اصل شصت و هشتم

در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.

اصل شصت و نهم^۱

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو

۱. اصل سابق: مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای نخست‌وزیر یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل هفتم^۱

رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.

مبحث دوم - اختیارات و صلاحیت مجلس شورای اسلامی

اصل هفتماد و یکم

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

اصل هفتماد و دوم

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

اصل هفتماد و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.

اصل هفتماد و چهارم

لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

۱. اصل سابق: رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود. دعوت رئیس جمهور به مجلس باید به تصویب اکثریت برسد.

اصل هفتاد و پنجم

طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اصل هفتاد و ششم

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

اصل هفتاد و هفتم

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و هشتم

هرگونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور، به شرط اینکه یک‌طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هفتاد و نهم

برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتاً محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.

اصل هشتادم

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

اصل هشتاد و یکم

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است.

اصل هشتاد و دوم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتاد و سوم

بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد قابل انتقال به غیر نیست مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی، آن هم در صورتی که از نفایس منحصر به فرد نباشد.

اصل هشتاد و چهارم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

اصل هشتاد و پنجم^۱

سیمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل هشتاد و ششم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

۱. اصل سابق: سیمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

اصل هشتم و هفتم^۱

رئیس جمهور برای هیئت وزیران پس از تشکیل و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس برای هیئت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل هشتم و هشتم^۲

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

اصل هشتم و نهم^۳

۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر

۱. اصل سابق: هیئت وزیران پس از تشکیل و معرفی و پیش از هر اقدام دیگر باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد. در دوران تصدی نیز در مورد مسائل مهم و مورد اختلاف می‌تواند از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

۲. اصل سابق: در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

۳. اصل سابق: نمایندگان مجلس می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت نخست‌وزیر یا وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل نودم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل نود و یکم^۱

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۱. اصل سابق: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به‌وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

اصل نود و دوم

اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به جای آنها انتخاب می‌شوند.

اصل نود و سوم

مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان اعضای شورای نگهبان.

اصل نود و چهارم

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

اصل نود و پنجم

در مواردی که شورای نگهبان مدت ده روز را برای رسیدگی و اظهار نظر نهایی کافی نداند، می‌تواند از مجلس شورای اسلامی حداکثر برای ده روز دیگر با ذکر دلیل خواستار تمدید وقت شود.

اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

اصل نود و هفتم

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

اصل نود و نهم^۱

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.

۱. اصل سابق: شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.

فصل هفتم - شوراها

اصل یکصدم

برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و یکم

به منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در تهیه برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آنها، شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و دوم

شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

اصل یکصد و سوم

استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

اصل یکصد و چهارم

به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران، و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می‌شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و پنجم

تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد.

اصل یکصد و ششم

انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست. مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آنها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

فصل هشتم - رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم^۱

پس از مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی «قدس سره الشریف» که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. خبرگان رهبری درباره همه فقه‌های واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می‌کنند. هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می‌کنند و در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می‌نمایند. رهبر منتخب خبرگان، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت. رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است.

اصل یکصد و هشتم^۲

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به‌وسیله فقه‌های اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.

۱. اصل سابق: هرگاه یکی از فقه‌های واجد شرایط مذکور در اصل پنجم این قانون از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده باشد، همان‌گونه که در مورد مرجع عالی‌قدر تقلید و رهبر انقلاب آیت‌الله‌العظمی امام خمینی چنین شده است، این رهبر، ولایت امر و همه مسئولیت‌های ناشی از آن را بر عهده دارد؛ در غیر این صورت خبرگان منتخب مردم درباره همه کسانی که صلاحیت مرجعیت و رهبری دارند بررسی و مشورت می‌کنند، هرگاه یک مرجع را دارای برجستگی خاص برای رهبری بیابند او را به عنوان رهبر به مردم معرفی می‌نمایند، وگرنه سه یا پنج مرجع واجد شرایط رهبری را به عنوان اعضای شورای رهبری تعیین و به مردم معرفی می‌کنند.

۲. اصل سابق: قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آنها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به‌وسیله فقه‌های اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون، در صلاحیت مجلس خبرگان است.

اصل یکصد و نهم^۱

شرایط و صفات رهبر:

- ۱- صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه
 - ۲- عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام
 - ۳- بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری.
- در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است.

اصل یکصد و دهم^۲

وظایف و اختیارات رهبر:

- ۱- تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۲- نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام

۱. اصل سابق: شرایط و صفات رهبر یا اعضای شورای رهبری:

- ۱- صلاحیت علمی و تقوایی لازم برای افتاء و مرجعیت
 - ۲- بینش سیاسی و اجتماعی و شجاعت و قدرت و مدیریت کافی برای رهبری.
۲. اصل سابق: وظایف و اختیارات رهبری:
- ۱- تعیین فقه‌های شورای نگهبان
 - ۲- نصب عالی‌ترین مقام قضایی کشور
 - ۳- فرماندهی کلی نیروهای مسلح به ترتیب زیر:
 - الف- نصب و عزل رئیس ستاد مشترک
 - ب- نصب و عزل فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 - ج- تشکیل شورای عالی دفاع ملی، مرکب از هفت نفر از اعضای زیر: رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیر دفاع، رئیس ستاد مشترک، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو مشاور به تعیین رهبر.
 - د- تعیین فرماندهان عالی نیروهای سه‌گانه به پیشنهاد شورای عالی دفاع
 - ه- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها به پیشنهاد شورای عالی دفاع.
 - ۴- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
 - ۵- عزل رئیس جمهور یا در نظر گرفتن مصالح کشور، پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای ملی به عدم کفایت سیاسی او
 - ۶- عفو یا تخفیف مجازات محکومین، در حدود موازین اسلامی، پس از پیشنهاد دیوان عالی کشور.

- ۳- فرمان همه‌پرسی
 - ۴- فرماندهی کل نیروهای مسلح
 - ۵- اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها
 - ۶- نصب و عزل و قبول استعفاء:
 - الف- فقهای شورای نگهبان
 - ب- عالی‌ترین مقام قوه قضائیه
 - ج- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
 - د- رئیس ستاد مشترک
 - هـ- فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
 - و- فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی
 - ۷- حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه
 - ۸- حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام
 - ۹- امضاء حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم- صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.
 - ۱۰- عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی، یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم
 - ۱۱- عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه.
- رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم^۱

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.

۱. اصل سابق: هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم گردد از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است. مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاس خبرگان تعیین می‌شود.

در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای (۱) و (۳) و (۵) و (۱۰) و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند (۶) اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه‌چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند.

هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

اصل یکصد و دوازدهم^۱

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

۱. اصل سابق: رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی هستند.

فصل نهم - قوه مجریه

مبحث اول - ریاست جمهوری و وزراء

اصل یکصد و سیزدهم^۱

پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهاردهم

رئیس جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است.

اصل یکصد و پانزدهم

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد:

ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.

اصل یکصد و شانزدهم

نامزدهای ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند. نحوه برگزاری انتخاب رئیس جمهوری را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و هفدهم

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان، انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

۱. اصل سابق: پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل یکصد و هجدهم

مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری طبق اصل نود و نهم بر عهده شورای نگهبان است، ولی قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان بر عهده انجمن نظارتی است که قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و نوزدهم

انتخاب رئیس جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس جمهور جدید و پایان دوره ریاست جمهوری سابق، رئیس جمهور پیشین وظایف رئیس جمهوری را انجام می‌دهد.

اصل یکصد و بیستم

هرگاه در فاصله ده روز پیش از رأی‌گیری یکی از نامزدهایی که صلاحیت او طبق این قانون احراز شده فوت کند، انتخابات به مدت دو هفته به تأخیر می‌افتد. اگر در فاصله دور نخست و دور دوم نیز یکی از دو نفر حائز اکثریت دور نخست فوت کند، مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود.

اصل یکصد و بیست و یکم^۱

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید: «بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه

۱. اصل سابق: رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه‌ای که با حضور رئیس دیوان عالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید: «بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

اصل یکصد و بیست و دوم^۱

رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.

اصل یکصد و بیست و سوم

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل یکصد و بیست و چهارم^۲

رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

اصل یکصد و بیست و پنجم

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است.

اصل یکصد و بیست و ششم^۳

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را

۱. اصل سابق: رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایف خویش در برابر ملت مسئول است.

نحوه رسیدگی به تخلف از این مسئولیت را قانون معین می‌کند.

۲. اصل سابق: رئیس جمهور فردی را برای نخست‌وزیری نامزد می‌کند و پس از کسب رأی تمایل از مجلس شورای ملی، حکم نخست‌وزیری برای او صادر می‌نماید.

۳. اصل سابق: تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می‌رسد و در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران می‌فرستد.

مستقیماً بر عهده دارد و می‌تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل یکصد و بیست و هفتم^۱

رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل یکصد و بیست و هشتم^۲

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل یکصد و بیست و نهم

اعطای نشان‌های دولتی با رئیس جمهور است.

اصل یکصد و سی‌ام^۳

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل یکصد و سی و یکم^۴

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت

۱. اصل سابق: هرگاه رئیس جمهور لازم بداند جلسه هیئت وزیران در حضور او به ریاست وی تشکیل می‌شود.

۲. اصل سابق: رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

۳. اصل سابق: در هنگام غیبت یا بیماری رئیس جمهور شورایی به نام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی کشور وظایف او را انجام می‌دهد، مشروط بر اینکه عذر رئیس جمهور بیش از دو ماه ادامه نیابد و نیز در مورد عزل رئیس جمهور یا در مواردی که مدت ریاست جمهوری سابق پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده، وظایف ریاست جمهوری بر عهده این شورا است.

۴. اصل سابق: در صورت فوت، کناره‌گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس جمهور، یا موجبات دیگری از این‌گونه، شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست جمهوری را جز در امر همه‌پرسی بر عهده دارد.

رهبری، اختیارات و مسئولیتهای وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور، معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

اصل یکصد و سی و دوم^۱

در مدتی که اختیارات و مسئولیتهای رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می‌گردد، وزراء را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه‌پرسی اقدام نمود.

اصل یکصد و سی و سوم^۲

وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و سی و چهارم^۳

ریاست هیئت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجراء است.

۱. اصل سابق: در مدتی که وظایف رئیس جمهور بر عهده شورای موقت ریاست جمهوری است دولت را نمی‌توان استیضاح کرد یا به آن رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی‌توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی اقدام نمود.

۲. اصل سابق: وزراء به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس جمهور معین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

۳. اصل سابق: ریاست هیئت وزیران با نخست‌وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. نخست‌وزیر در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

رئیس جمهور در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

اصل یکصد و سی و پنجم^۱

وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سِمَت خود باقی می‌مانند. استعفای هیئت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیئت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل یکصد و سی و ششم^۲

رئیس جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیئت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل یکصد و سی و هفتم^۳

هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل یکصد و سی و هشتم^۴

علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین

۱. اصل سابق: نخست‌وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس است در سِمَت خود باقی می‌ماند. استعفای دولت به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و تا تعیین دولت جدید، نخست‌وزیر به وظایف خود ادامه می‌دهد.

۲. اصل سابق: هرگاه نخست‌وزیر بخواهد وزیری را عزل کند و وزیر دیگری را به جای او برگزیند، باید این عزل و نصب با تصویب رئیس جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیئت وزیران تغییر نمایند دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

۳. اصل سابق: هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

۴. اصل سابق: علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.

اصل یکصد و سی و نهم

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داورى در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و چهلم^۱

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهل و یکم^۲

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس

۱. اصل سابق: رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزیران در مورد جرایم عادی با اطلاع مجلس شورای ملی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

۲. اصل سابق: رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

نخست‌وزیر می‌تواند در موارد ضرورت به طور موقت تصدی برخی از وزارتخانه‌ها را بپذیرد.

شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سِمَت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

اصل یکصد و چهل و دوم^۱

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

مبحث دوم - ارتش و سپاه پاسداران انقلاب

اصل یکصد و چهل و سوم

ارتش جمهوری اسلامی ایران پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور را بر عهده دارد.

اصل یکصد و چهل و چهارم

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

اصل یکصد و چهل و پنجم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

اصل یکصد و چهل و ششم

استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و هفتم

دولت باید در زمان صلح از افراد و تجهیزات فنی ارتش در کارهای امدادی، آموزشی، تولیدی و جهاد سازندگی، با رعایت کامل موازین عدل اسلامی استفاده کند در

۱. اصل سابق: دارایی رهبر یا اعضای شورای رهبری، رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

حدّی که به آمادگی رزمی ارتش آسیبی وارد نیاید.

اصل یکصد و چهل و هشتم

هر نوع بهره‌برداری شخصی از وسایل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد آنها به صورت گماشته، راننده شخصی و نظایر اینها ممنوع است.

اصل یکصد و چهل و نهم

ترفیع درجه نظامیان و سلب آن به موجب قانون است.

اصل یکصد و پنجاهم

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به‌وسیله قانون تعیین می‌شود.

اصل یکصد و پنجاه و یکم

به حکم آیه کریمه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ» دولت موظف است برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را بر طبق موازین اسلامی فراهم نماید، به طوری که همه افراد همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند، ولی داشتن اسلحه باید با اجازه مقامات رسمی باشد.

فصل دهم - سیاست خارجی

اصل یکصد و پنجاه و دوم

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحابرب استوار است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم

هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و چهارم

جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.

اصل یکصد و پنجاه و پنجم

دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر این که بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند.

فصل یازدهم - قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدّیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدوّن

جزائی اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم^۱

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدیر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم^۲

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱. اصل سابق: به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل

می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر است:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

۴. اصل سابق: شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور

۲- دادستان کل کشور

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم^۱

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تامّ مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم^۲

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

→

اعضای این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است. شرایط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را قانون معین می‌کند.

۱. اصل سابق: وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

۲. اصل سابق: دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که شورای عالی قضایی تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم^۱

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سِمَت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم^۲

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سِمَتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد

۱. اصل سابق: رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سِمَت منصوب می‌کند.

۲. اصل سابق: قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنست بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سِمَتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضایی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به‌وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضای ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرایم عمومی آنان یا جرایمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاه‌های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم^۱

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم^۲

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

۱. اصل سابق: به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر شورای عالی قضایی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

۲. اصل سابق: بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌کند.

فصل دوازدهم - صدا و سیما

اصل یکصد و هفتاد و پنجم^۱

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.
خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

۱. اصل سابق: در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضائیه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون معین می‌کند.

فصل سیزدهم - شورای عالی امنیت ملی

اصل یکصد و هفتاد و ششم^۱

به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد:

- ۱- تعیین سیاست‌های دفاعی- امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری
- ۲- هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی- امنیتی
- ۳- بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی.

اعضای شورا عبارتند از:

- رؤسای قوای سه‌گانه
 - رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
 - مسئول امور برنامه و بودجه
 - دو نماینده به انتخاب مقام رهبری
 - وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات
 - حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه
- شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد. ریاست هر یک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند و تشکیلات آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد.
- مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.

۱. اصل یکصد و هفتاد و ششم به موجب اصلاحاتی که در سال ۱۳۶۸ نسبت به قانون اساسی صورت گرفت، به قانون اساسی الحاق شده است.

فصل چهاردهم - بازنگری در قانون اساسی

اصل یکصد و هفتاد و هفتم^۱

بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در موارد ضروری به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی با ترکیب زیر پیشنهاد می‌نماید:

- ۱- اعضای شورای نگهبان
- ۲- رؤسای قوای سه‌گانه
- ۳- اعضای ثابت مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۴- پنج نفر از اعضای مجلس خبرگان رهبری
- ۵- ده نفر به انتخاب مقام رهبری
- ۶- سه نفر از هیئت وزیران
- ۷- سه نفر از قوه قضائیه
- ۸- ده نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی
- ۹- سه نفر از دانشگاهیان.

شیوه کار و کیفیت انتخاب و شرایط آن را قانون معین می‌کند.
مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی برسد.
رعایت ذیل اصل پنجاه و نهم در مورد همه‌پرسی «بازنگری در قانون اساسی» لازم نیست.

محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکاء به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییرناپذیر است.

۱. اصل یکصد و هفتاد و هفتم به موجب اصلاحاتی که در سال ۱۳۶۸ نسبت به قانون اساسی صورت گرفت، به قانون اساسی الحاق شده است.

بخش دوم

نظریه‌های تفسیری شورای نگهبان



اصل چهارم

کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران:

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۵ - شماره: ۱/۱۱۴۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اجرای قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های گذشته که برخلاف موازین اسلام است و صدور حکم بر طبق آنها در محاکم، به خصوص با توجه به اصل چهارم و اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی به هیچ عنوان موجه نیست. این نظر به شورای عالی قضایی پیشنهاد شده که با توجه به این دو اصل، همه قوانین و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلاف اسلام، منسوخ و محاکم موظفند طبق اصل یکصد و شصت و هفتم بر طبق موازین اسلام رأی دهند و این موازین به وسیله شورای عالی قضایی طبق فتوای امام استخراج و به دادرها و دادگاه‌های انقلاب و دادرها و دادگاه‌های دیگر ابلاغ گردد و به این ترتیب تا تصویب لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی جلوی اجرای احکام خلاف اسلام گرفته شود. خواهشمند است نظر آن شورا را کتباً اعلام فرمائید.

از طرف شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران - عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۱۹۸۳ - تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۸

شورای محترم عالی قضایی

عطف به نامه شماره ۱/۱۱۴۳ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۵، موضوع در جلسات شورای

نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است. بنابراین قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضایی اجرا می‌گردد و شورای عالی قضایی آنها را مخالف موازین اسلامی می‌داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهاء شورای نگهبان ارسال دارید.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به ملاک و مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۶)، ص ۱۶۷.

۳- نظریه تفسیری شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نخست‌وزیر نسبت به مشروعیت اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه از بیگانگان:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۴۳)، ص ۷۴.

۴- نظریه‌های تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳، شماره ۴۸۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۰ و شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ در پاسخ به استفسار رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به حدود صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی و اعتبار مصوبات آن از جهت شرعی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۱۲)، ص ۱۷۶.

۵- نظریه تفسیری شماره ۸۰/۲۱/۱۳۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به زمان ترتب آثار ابطال بر مقررات دولتی مغایر شناخته شده با موازین شرع:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۷۰)، ص ۲۸۶.

۶- نظریه تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ در پاسخ به استفسار عضو حقوقدان شورای نگهبان نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۱)، ص ۱۶۳.

اصل بیست و دوم

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۱- نظریه تفسیری شماره ...^۱ مورخ ۱۳۶۰/۶/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام مرکز اسناد انقلاب اسلامی نسبت به نحوه پاسخ به درخواست ارائه سوابق نمایندگان مجلس شورای اسلامی:

شماره: ۶۰/۲۵۳۴- تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

خواهشمند است نظر خود را در باب درخواست سوابق نمایندگان مجلس شورای اسلامی که از سوی مسئولان و ارگان‌های مختلف دولتی انجام می‌پذیرد، با توجه به اعطای مصونیت سیاسی و اهمیت رعایت مسائل حفاظتی به این مرکز اعلام فرمایید. مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شماره: - تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۸

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عطف به نامه شماره ۶۰/۲۵۳۴ مورخ ۱۳۶۰/۶/۲۶، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضای شورا به این شرح اعلام می‌شود: «به طور کلی اطلاع‌دادن از سوابق در موارد تعرض به حیثیت اشخاص طبق اصل ۲۲ قانون اساسی در غیر مواردی که قانون تجویز می‌نماید، جایز نیست.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۳۶۷۰ مورخ ۱۳۶۰/۶/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام مرکز اسناد انقلاب اسلامی نسبت به نحوه پاسخ به درخواست ارائه سوابق داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی:

شماره: ۶۰/۲۵۳۵- تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۶

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر خود را پیرامون درخواست سوابق داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی که از سوی دست‌اندرکاران وزارت کشور صورت می‌پذیرد، با توجه به اهمیت و مسئولیت شرعی حفظ سوابق طبقه‌بندی شده، اعلام فرمایند. مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۱. نظر مزبور، بدون شماره، در مستندات مربوط ضبط شده است.

شماره: ۳۶۷۰- تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۲۸

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۶۰/۲۵۳۴ مورخ ۶۰/۶/۲۶، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و نظر اکثریت اعضای شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«در صورتی که از طرف مسئولین قانونی تشخیص صلاحیت داوطلبان نمایندگی در خصوص موانع مذکور در ماده (۱۰) قانون انتخابات پرسشی شود، مرکز می‌تواند در خصوص نفی یا اثبات هر یک از موانع مذکور بدون شرح و تفصیل پاسخ دهد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۱. به نظر می‌رسد با توجه به شماره مربوط به این استعلام، شماره ۶۰/۲۵۳۵ صحیح است.

اصل سی ام

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۶۳/۵/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر و وزیر آموزش و پرورش نسبت به دایره شمول عبارت «وسایل آموزش و پرورش رایگان»:

شماره: ۱۰۳۰۳/م ن- تاریخ: ۱۳۶۲/۱۰/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
سلام علیکم

احتراماً به پیوست عین نامه نظرخواهی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در ارتباط با مشکلات قانون نسبت به اخذ شهریه از دانشجویان ایرانی و یا خارجی دانشگاه‌های ایران که به امضای برادر موسوی نخست‌وزیر محترم رسیده است ایفاد می‌گردد. هادی مهاجری- دفتر نخست‌وزیر

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بدین وسیله به استحضار می‌رساند دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور قبل از اجرای مقررات مربوط به آموزش رایگان بر اساس مصوبات وزارت علوم و آموزش عالی (سابق) سالیانه مبلغی در حدود (۸/۵۰۰) ریال الی (۱۲/۰۰۰) ریال برای دانشگاه‌های دولتی و رقمی در حدود (۴۱/۰۰۰) ریال برای مؤسسات آموزش عالی غیردولتی به عنوان شهریه متناسب با رشته و دوره تحصیلی از دانشجویان خود دریافت می‌نمودند.

در مردادماه سال ۱۳۵۳ با تصویب قانون «تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی» تحصیلات در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور مجانی اعلام گردید و به موجب ماده (۷) همین قانون بهره‌مندان از آموزش رایگان مکلف شدند معادل دو برابر مدتی که از تحصیلات رایگان استفاده نموده‌اند، در صورت نیاز دولت در رشته متناسب با تحصیلات خود در دستگاه‌های دولتی و یا به معرفی دولت در دستگاه‌های خصوصی در کشور خدمت نمایند و در صورت استتکاف از انجام تمام و یا قسمتی از خدمات مذکور باید هزینه تحصیلات رایگان را به تناسب مدتی که خدمت نکرده‌اند، به دولت بپردازند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، لایحه قانونی مذکور در شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۶ بررسی و ماده (۷) قانون مذکور، اصلاح و مدت تعهد فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان به میزان مدت بهره‌مندی از آموزش رایگان به ازای هر سال بهره‌مندی یک سال اصلاح گردید که تاکنون نیز ملاک

عمل بوده است و در حال حاضر نیز به همین نحو عمل می‌گردد.

در جهت اجرای این قانون و به موجب مواد (۴) و (۱۰) همین قانون، دانشگاه‌ها در هر نیمسال تحصیلی فهرست اسامی و مشخصات تحصیلی و سنجلی فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان را به تفکیک رشته تحصیلی و با قید مدت تعهد آنان به وزارت فرهنگ و آموزش عالی ارسال می‌دارند تا از طریق سازمان امور اداری و استخدامی کشور نسبت به کارایی آنان اقدام گردد و در همین مورد صراحتاً اعلام گردیده است چنانچه فارغ‌التحصیلان مشمول ماده (۷) تمام و یا قسمتی از خدمت مذکور در ماده (۷) این قانون را انجام نداده باشند، باید هزینه تحصیلات خود اعم از شهریه و کمک‌های دریافتی را به طور کامل یا به تناسب عدم انجام خدمت مقرر نقداً از طریق وزارت فرهنگ و آموزش عالی به خزانه دولت پرداخت نمایند.

لذا بر همین اساس در سال ۵۴ کمیته‌ای به منظور بررسی و تعیین هزینه تحصیلی سرانه دانشجویان در گروه‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی تشکیل و هزینه شهریه سالانه دوره‌های مختلف تحصیلی را مشخص و به عنوان ملاک میزان شهریه طی بخشنامه‌های شماره ۱۰۶/۲۶۶ مورخ ۵۴/۴/۸ و شماره ۱۰۶/۶۵۱ مورخ ۵۵/۳/۱۹ به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی اعلام گردید تا در صورتی که دانشجویان مایل به استفاده از مزایای آموزش رایگان نباشند و یا قبل از انجام خدمت مقرر، تعهد خدمتی خود را لغو نمایند، نسبت به پرداخت هزینه شهریه خود اقدام نمایند و در همین رابطه از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بهره‌مند از آموزش رایگان که قبل از انجام تعهد مذکور قصد بازپرداخت هزینه شهریه به منظور لغو تعهد و دریافت مدرک تحصیلی خود را داشته‌اند، در خلال سال‌های ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۱ مبلغ (۷۳/۰۷۲/۹۹۱) ریال اخذ گردید و به حساب خزانه‌داری کل واریز شده است.

اکنون که براساس اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اشعار می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد»

خواهشمند است پاسخ سؤالات ذیل را با توجه به تفسیر اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند تا جهت اجرا به واحدهای ذی‌ربط ابلاغ گردد:

۱- آیا لایحه قانونی تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران که مؤخر به تصویب قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، کماکان به قوت خود باقی است و از اختیار قانونی جهت اجراء برخوردار می‌باشد؟ بدیهی است با اعلام پاسخ به سؤال فوق، نحوه برخورد با افرادی که حاضر به سپردن تعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل در قبال مدت استفاده از آموزش رایگان نیستند، مشخص خواهد شد.

۲- آیا مجوزی جهت اخذ وجه از افرادی که دارای تمکن مالی جهت پرداخت مبلغی به عنوان شهریه و یا کمک به دانشگاه می‌باشند، وجود دارد؟ آیا تصویب چنین مقرراتی خلاف قانون اساسی تلقی خواهد شد؟

۳- مسکوت بودن موضوع شهریه دانشجویان اتباع خارج که در دانشگاه‌های داخل کشور تحصیل می‌نمایند، در قانون اساسی جمهوری اسلامی با توجه به این نکته که امکان اخذ تعهد خدمت پس از فراغت از تحصیل از نامبردگان موجود نیست و همچنین به علت ضعف مالی بسیار شدید گروهی از این دانشجویان آیا:
الف- اخذ شهریه از دانشجویان اتباع خارج کدام یک از وجوه: الزامی، مجاز، و یا ممنوع را دارا می‌باشند؟

ب- در صورت الزامی بودن اخذ شهریه از دانشجویان اتباع خارج، در خصوص آن عده از آنان که از بضاعت مالی لازم برخوردار نیستند، به چه نحو می‌توان عمل نمود؟
۴- در مورد معاودین عراقی که براساس مصوبه هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران در دانشگاه‌های داخل کشور مشغول تحصیل می‌گردند، با توجه به بازگشت نامبردگان به کشور عراق پس از پیروزی هر چه سریع‌تر رزمندگان اسلام و نیز با توجه به وضعیت اخراج نامبردگان از عراق به چه نحو می‌توان اقدام نمود؟
میرحسین موسوی- نخست‌وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران

آقای پرورش وزیر وقت آموزش و پرورش نیز در همین رابطه نامه‌ای به شورای نگهبان ارسال داشته‌اند که به این شرح می‌باشد:

شماره: ۱۰۹۰۷- تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۳

دفتر شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
محترماً به استحضار می‌رساند نظر به اینکه در اجرای اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به خصوص در تعیین مصادیق (وسایل آموزش و پرورش رایگان و شمول یا عدم شمول رایگان بودن کارنامه و گواهی‌نامه‌های تحصیلی مقاطع تحصیلی (ابتدایی- راهنمایی تحصیلی، متوسطه - هنرستان‌ها و مراکز تربیت معلم) نظرات متفاوتی در وزارت آموزش و پرورش و سایر سازمان‌ها به وجود آمده است، لذا تقاضا

می‌شود موضوع به شورای محترم نگهبان قانون اساسی تسلیم و عنداللزوم با تعیین وقت، نمایندگان این وزارتخانه را برای اداء توضیح دعوت فرمایند تا اشکال موجود رفع گردد.

لروماً مختصری از توضیح و توجیهات مربوط به مطلب را ذیلاً به عرض می‌رساند:

وسایل آموزش و پرورش با توجه به گستردگی و تنوع دروس و رشته‌های موجود می‌تواند به کلیه ابزار و آلات و تجهیزاتی که برای آموزش و پرورش آن دروس به کار گرفته می‌شود اطلاق گردد. در این صورت کتاب‌های درسی و نوشت‌افزار و وسایل نقاشی و رسم و ابزار لازم برای تهیه نمونه و مدل در رشته‌های فنی نیز شمول تعریف خواهد بود و لباس ورزش و کفش و توپ و ... نیز که از وسایل اولیه پرورش می‌باشد، در نظر بالا باید به طور رایگان در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد.

البته در رشته‌های فنی و آموزش فنون مختلف، ابزار اولیه که برای ارائه آموزش کلی ضرورت دارد، از طرف هنرستان تهیه و در اختیار هنرآموزان و دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، لکن برای کسب مهارت بیشتر و انجام تمرین‌های مکرر و ذوق‌آزمایی‌های افزون بر آنچه در برنامه‌های مصوب آموزش و پرورش قرار دارد، دانش‌آموز خود وسایل و ابزار لازم را تهیه می‌نماید.

کارنامه و گواهی‌نامه‌های مؤید تحصیلات نیز با ترتیب و کیفیتی که مرسوم است نباید از بودجه دولت تهیه شود.

تقاضا می‌شود با عنایت به اصل سی‌ام قانون اساسی، دایره شمول عبارت وسایل آموزش و پرورش رایگان را تفسیر و ابلاغ فرمایند.

سید اکبر پرورش - وزیر آموزش و پرورش

شماره: ۱۵۴۳ - تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۱۷

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۳۰۳/م ن مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۹، موضوع سؤالات در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«اصل ۳۰ قانون اساسی و بعضی اصول مشابه آن، مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید و مقصود این است که دولت امکاناتی را که در اختیار دارد، در کل رشته‌هایی که در قانون اساسی پیشنهاد شده، به طور متعادل طبق قانون توزیع نماید. بنابراین آموزش رایگان، در حد امکان، کلاً یا بعضاً باید فراهم شود و با عدم امکانات کلی، دولت با رعایت اولویت‌ها مثل

ترجیح مستضعفان و مستعدان بر دیگران اقدام می‌نماید. لازم به تذکر است که مستفاد از اصل ۳۰ قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی به موجب قوانین عادی نمی‌باشد. علی‌هذا مادام که دولت از امکانات فراهم کردن وسایل آموزش رایگان برخوردار نیست، عمل به مصوبه شورای انقلاب مغایر با قانون اساسی نمی‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

رونوشت: جناب آقای پرورش وزیر محترم آموزش و پرورش، عطف به نامه شماره ۶۲/۹/۳ - ۱۰۹۰۷

۲- نظریه تفسیری شماره ۵۵۷۸ مورخ ۱۳۶۵/۲/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به امکان دریافت شهریه از دانشجویان دانشگاه‌ها:

شماره: ۵۷۵۰/د.ش - تاریخ: ۱۳۶۴/۱۲/۱

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

محترماً به استحضار می‌رساند، شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی مذاکرات جلسات اخیر در مورد دریافت شهریه از دانشجویانی که استطاعت پرداخت دارند علی‌الاصول نظر مساعد داشته است، ولی نظر به اینکه موضوع در رابطه با اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد، لذا در جلسه مورخ ۶۴/۱۱/۲۹ شورای عالی مقرر گردیده است که قبل از اخذ تصمیم در این مورد، نظر آن شورای محترم استفسار گردد. متمنی است پاسخ لازم عنایت فرمایند.

با آرزوی توفیقات الهی - دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی - دکتر سید محمدرضا هاشمی گلپایگانی

شماره: ۵۵۷۸ - تاریخ: ۱۳۶۵/۲/۱۶

شورای عالی انقلاب فرهنگی

عطف به نامه شماره ۵۷۵۰/د.ش مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱، موضوع در جلسه شورای

نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اظهار می‌گردد:

«با توجه به اینکه از اصل ۳۰ قانون اساسی، دولتی بودن آموزش و پرورش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاه‌های ملی استفاده نمی‌شود، چنانچه تأسیس مدارس و آموزشگاه‌های ملی در کشور آزاد اعلام شود، اضطراب دولت به دریافت شهریه مرتفع می‌گردد، و چنانچه با تأسیس مدارس ملی رفع اضطراب نشود، تفسیر قانون اساسی قابل بررسی خواهد بود.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل چهل و سوم

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

– نظریه تفسیری شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نخست‌وزیر نسبت به مشروعیت اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه از بیگانگان:

شماره: ۵۳۰۱۸- تاریخ: ۱۳۶۶/۷/۱۲

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت، مؤسسات و شرکت‌های ایرانی از دولت‌ها و مؤسسات و شرکت‌های خارجی براساس قراردادهای

منعقده غالباً از سوی اطراف و مراجع خارجی مغایر با موازین اسلامی و اصول ۴۳ و ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌گردد، علی‌هذا خواهشمند است با توجه به اینکه اصول قانون اساسی حاکم بر روابط اتباع ایرانی است در اجرای اصول ۴ و ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایند:

آیا حق اخذ بهره و خسارات تأخیر تأدیه توسط دولت و مؤسسات و شرکت‌های ایرانی از دولت‌ها، مؤسسات و شرکت‌های خارجی که در قراردادهای منعقدۀ ملحوظ یا براساس آنها ایجاد شده یا می‌شود و بنا به تفحص و تشخیص طرف ایرانی، اطراف و مراجع خارجی به لحاظ مبانی عقیدتی خود دریافت این وجوه را ممنوع ندانسته و حتی قانونی و یا مشروع می‌دانند مغایرتی با احکام و موازین شرع مقدس اسلام و یا اصول قانون اساسی دارد؟

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۹۳۴۸ - تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۴

جناب آقای مهندس موسوی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۳۰۱۸ مورخ ۱۳۶۶/۷/۱۲، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«دریافت بهره و خسارات تأخیر تأدیه از دولت‌ها و مؤسسات و شرکت‌ها و اشخاص خارجی که بر حسب مبانی عقیدتی خود دریافت آن را ممنوع نمی‌دانند، شرعاً مجاز است؛ لذا مطالبه وصول این گونه وجوه مغایر با قانون اساسی نیست و اصول چهل و سوم و چهل و نهم قانون اساسی شامل این مورد نمی‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل چهل و چهارم

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

– نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۹۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار عضو فقیه شورای نگهبان نسبت به امکان تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی:

تاریخ: ۱۳۷۹/۴/۲

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً، با توجه به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون نحوه اداره صدا و سیما و خصوصی‌سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و برداشت‌های مختلف از اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی و همچنین با عنایت به اینکه در جلسه‌ای که در محل شورای نگهبان در جریان مذاکرات اصل ۴۴ قانون اساسی به همراه دو تن از حقوقدانان این شورا با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت داشتیم در مورد امکان خصوصی‌سازی صدا و سیما مطالبی عنوان نمودند؛ لذا مطابق ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان درخواست می‌شود تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند:

الف- مطابق ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی، خط مشی و ترتیب اداره نظارت بر سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را قانون معین می‌کند. آیا عبارت «در

صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» نیز که در صدر این اصل ذکر شده، می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟

ب- آیا مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی وجود دارد یا خیر؟
محمد یزدی - عضو فقهاء شورای نگهبان

آقای علی لاریجانی رئیس وقت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در همین رابطه نامه‌ای به شورای نگهبان ارسال داشته‌اند که به این شرح می‌باشد:
شماره: ۱۳۷۹/۵/۳۰ - تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۳۰ - م/۲۳۰۰/۱۷۰۱/۵۴۰۰

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً با عنایت به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون خصوصی‌سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و چگونگی اداره این وسیله و رسانه ارتباط جمعی و معطوفاً به اصول ۵، ۴۴، ۵۷، ۱۱۰ و ۱۷۵ قانون اساسی، خواهشمند است تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند:

۱- تفسیر آن شورای محترم نسبت به اصل ۱۷۵ قانون اساسی در خصوص موارد

ذیل به چه ترتیبی است؟

۱-۱- آیا صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است؟

۱-۲- آیا مقام معظم رهبری صرفاً نصب و عزل و قبول استعفاء رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد یا اینکه علاوه بر آن، سیاست‌گذاری، هدایت و تدابیر معظم‌له در همه ابعاد، خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور نیز به آن اشاره شده است از اختصاصات مستمر مقام معظم رهبری بوده و بر صدا و سیما حاکم است؟
۲- تفسیر آن شورای محترم نسبت به اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص موارد

ذیل به چه ترتیبی است؟

آیا اجازه تأسیس و راه‌اندازی رادیو و تلویزیون و یا شبکه‌های خصوصی در داخل یا خارج از کشور و یا انتشار فراگیر (مانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و ...) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیمای جمهوری

اسلامی ایران مجاز می‌باشد؟

علی لاریجانی - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۷۹/۲۱/۹۷۹ - تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۱۰

حضرت آیت‌الله یزدی

عضو محترم فقهاء شورای نگهبان

عطف به نامه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲ جناب‌عالی مبنی بر اینکه آیا عبارت «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» که در صدر اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است، می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ و همچنین آیا امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد یا خیر؟

موضوع با توجه به ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی^۱ در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۶ شورای نگهبان مطرح و نظریه تفسیری شورا در خصوص این دو اصل به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

الف - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۱۷۵ قانون اساسی

«مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاست‌گذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است، از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد.»

ب - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی

«مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون، دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، خلاف اصل مذکور است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۱. ماده ۱۸ - تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.

اصل چهل و نهم

دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

- نظریه تفسیری شماره ۹۳۴۸ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نخست‌وزیر نسبت به مشروعیت اخذ بهره و خسارت تأخیر تأدیه از بیگانگان:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۴۳)، ص ۷۴.

اصل پنجاه و دوم

بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.

۱- نظریه تفسیری شماره ۲۸۳۵ مورخ ۱۳۶۰/۴/۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به وضعیت کمک دستگاه‌های دولتی به یکدیگر:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۰)، ص ۱۳۰.

۲- نظریه تفسیری شماره ۲۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۳/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان بررسی بودجه کل کشور، متمم بودجه و اصلاحات مربوط به آن از طریق ارائه «طرح»:

شماره: ۳۸۲۸-ق- تاریخ: ۱۳۷۴/۲/۱۸

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

خواهشمند است با توجه به اصول ۵۲، ۵۳ و ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایید آیا بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات مربوط به قانون باید به صورت لایحه از سوی دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد یا به صورت طرح هم ممکن است؟
علی‌اکبر ناطق‌نوری - رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۲۸۷- تاریخ: ۱۳۷۴/۳/۱۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۳۸۲۸-ق مورخ ۷۴/۲/۱۸، شورای نگهبان به منظور رسیدگی و تهیه پاسخ لازم به سؤال مذکور در نامه، تشکیل جلسه داد و نتیجه به شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به اصل ۵۲ قانون اساسی این است که:

بودجه سالانه کل کشور و متمم آن و اصلاحات بعدی مربوط - در غیر مورد تغییر در ارقام بودجه- می‌بایست به صورت لایحه و از سوی دولت تقدیم مجلس گردد.

۲- در مورد امکان تغییر در ارقام بودجه از طریق طرحی که نمایندگان محترم تقدیم مجلس می‌کنند، شورای نگهبان به رأی نرسید.»

دبیر شورای نگهبان- احمد جنتی

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان اصلاح قانون بودجه از طریق ارائه «طرح»:

شماره: ۳۰۴۴-ق- تاریخ: ۱۳۷۸/۲/۲۵

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اطلاق اصل (۵۲) قانون اساسی که دولت را مکلف به تهیه بودجه سالانه کل کشور و تسلیم آن به مجلس شورای اسلامی نموده است، آیا انجام هرگونه اصلاحات در قانون بودجه از قبیل تغییر در ارقام، الحاق، حذف، جابه‌جایی و متمم یا چنددوازدهم بودجه از طریق تقدیم طرح‌های قانونی موضوع اصل (۷۴) قانون اساسی امکان‌پذیر می‌باشد یا مستلزم تقدیم لایحه از سوی دولت محترم است؟

علی‌اکبر ناطق‌نوری- رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۷۸/۲۱/۵۱۴۶- تاریخ: ۱۳۷۸/۵/۲۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به شماره ۳۰۴۴-ق مورخ ۷۸/۲/۲۵، موضوع در جلسات شورای نگهبان

مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«نظر به اینکه عبارت «هرگونه اصلاحات در قانون بودجه» کلی است باید مصادیق آن مشخص گردد تا پاسخ روشن داده شود.

۱- تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد، به وسیله طرح قانونی، با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکان‌پذیر نیست.

۲- تصویب متمم و چنددوازدهم بودجه از طریق طرح قانونی، با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی جایز نمی‌باشد.

۳- در خصوص تغییر در ارقام بودجه به وسیله طرح قانونی، در صورتی که در بودجه کل کشور تأثیر نگذارد، رأی تفسیری نیاورده است.

۴- الحاق و حذف نیز همانند تغییر در ارقام بودجه است.»

دبیر شورای نگهبان- احمد جنتی

۴- نظریه تفسیری شماره ۹۲/۳۰/۵۰۰۰۲ مورخ ۱۳۹۲/۱/۳۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به امکان تغییر در ارقام بودجه از طریق ارائه «طرح»:

شماره: ۶۴۲۴-م/۱- تاریخ: ۱۳۹۱/۹/۲۵

«نامه شماره (۲۰۴) مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۹ رئیس محترم هیئت عالی حل اختلاف و

تنظیم روابط قوای سه‌گانه* در خصوص بررسی نامه شماره ۱۵۷۱۶۰ مورخ

۱۳۹۱/۸/۱۰ ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران پیرامون اشکالها و ابهامهایی که در خصوص قانون اصلاح جزء (۱) بند (۲۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور و نظریه اعلامی هیئت عالی به استحضار مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) رسید. مرقوم فرمودند: «شورای محترم نگهبان؛ مقتضی است نظر تفسیری آن شورای محترم را درباره مواد مندرج در این نامه اعلام فرمایید.»

مراتب به انضمام تصویر دستخط مبارک معظم‌له و تصویری از سوابق، برای اقدام مقتضی و اعلام نتیجه ایفاد می‌گردد.»

رئیس دفتر مقام معظم رهبری

* نامه رئیس هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به مقام معظم رهبری به شرح زیر است:

شماره: ۲۰۴- مورخ: ۱۳۹۱/۹/۱۹

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

رهبر معظم انقلاب اسلامی

با سلام و تحیت، به استحضار می‌رساند رئیس جمهور محترم در نامه شماره ۱۵۷۱۶۰ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۰ به هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه

۱.

شماره: ۱۵۷۱۶۰- مورخ: ۱۳۹۱/۸/۱۰

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم شورای عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا

سلام علیکم

با احترام، با ارسال مصوبه مجلس با عنوان اصلاح جزء (۱) بند (۲۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور (به شماره ۱۵۵/۴۳۳۷۴ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱) موارد زیر جهت رسیدگی به استحضار می‌رسد.

اصل (۵۲) قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«اصل پنجاه و دوم- بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد. هرگونه تغییر در ارقام بودجه نیز تابع مراتب مقرر در قانون خواهد بود.»

طبق نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان:

«۱- تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر بگذارد، به وسیله طرح قانونی، با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکان‌پذیر نیست.

۲- در خصوص تغییر در ارقام بودجه به وسیله طرح قانونی، در صورتی که در بودجه کل کشور تأثیر نگذارد رأی تفسیر نیاورد.»

→

مجلس شورای اسلامی بدون دریافت لایحه، نسبت به تغییر ارقام بودجه اقدام نموده؛ در حالی که نص قانون اساسی چنین مجوزی را به طور مطلق به طرح نمایندگان نداده است و در نظریه تفسیری شورای مذکور نیز «تغییر در ارقام بودجه» در صورتی که در کل بودجه تأثیر بگذارد نفی شده است.

مواد (۳۲) و (۳۳) اساسنامه صندوق بیمه محصولات کشاورزی که مصوبه مجلس به آن اشاره نموده است به این شرح است:

«ماده ۳۲- حق بیمه عبارت از وجوهی است که از بیمه‌گزاران وصول خواهد شد.
تبصره- به پیشنهاد مجمع عمومی قسمتی از حق بیمه بیمه‌گزاران از طریق دولت تأمین و همه‌ساله در لایحه بودجه منظور خواهد شد.

ماده ۳۳- در صورتی که در هر سال مالی شدت حوادث موجب خسارات بیش از موارد پیش‌بینی شده برای عملیات زیر پوشش بیمه گردد و صندوق قادر به پرداخت غرامت آن نباشد، کسری آن به پیشنهاد مجمع عمومی پس از تصویب هیئت وزیران از محل اعتبار ردیف بودجه که در اختیار دولت می‌باشد، قابل پرداخت خواهد بود.»

اولاً در ماده (۳۲) «پیشنهاد مجمع عمومی» و پیش‌بینی در «لایحه بودجه» نیز موضوعیت دارد که در فرآیند تصویب این مصوبه لحاظ نشده است.

ثانیاً در ماده (۳۳) نیز «پیشنهاد مجمع عمومی» و «تصویب هیئت وزیران» و «تعیین محل از طریق آنچه در اختیار دولت» می‌باشد پیش‌بینی شده است.

مفهوم این ماده که به دقت تنظیم شده است توجه به این نکته است که دولت که امر مدیریت منابع را به عهده دارد، در صورت امکان از ردیف‌های در اختیار دولت چنین امری را محقق نماید.
اما اگر در این سال منابع ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و ماده (۱۲) قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور برای حوادث قهریه همین سال ۱۳۹۱ کفایت نکرد، چگونه چنین قانونی قابل اجرا خواهد بود؟ تحریم‌های اقتصادی دشمنان یکی از مهم‌ترین حوادث قهریه است که در سال جاری وجود دارد و مدیریت آنها نیاز به حفظ اختیارات دولت لااقل در همان حدود قوانین سال‌های گذشته می‌باشد و این مصوبه اختیارات دولت را کاهش داده است.

مغایرت این مصوبه با نص صریح اصل (۷۵) قانون اساسی نیز مشهود است؛ هر چند که تفسیر شورای محترم نگهبان درباره پیشنهادات نمایندگان در لایحه بودجه آن را محدود کرده است ولی متن اصل (۷۵) قانون اساسی همه پیشنهادات نمایندگان را مشروط به پیش‌بینی راه تأمین درآمد و جبران هزینه نموده است مصوبه‌ای که پول و منابعی برای آن پیش‌بینی نشده چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ و نوعی تکلیف مالایطاق است.

۲- اگر بر اساس حسابرسی‌های دولت چنین مبلغی که در مصوبه اصلاحی مصوب شده است با لحاظ سایر اعتباراتی که در قانون‌های فوق‌الاشاره مقرر شده وجود نداشت چگونه باید قانون را اجرا نمود؟

۳- با توجه به اینکه در قانون بودجه برای درآمدهای مازاد بر درآمدهای پیش‌بینی شده در قانون بودجه از جمله در بند (۲-۳) تعیین تکلیف کرده است و در آن تقویت بنیه دفاعی و صنایع دفاعی،

←

اشکال‌ها و ابهام‌هایی را در خصوص قانون اصلاح جزء (۱) بند (۲۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مطرح کرده‌اند و خواستار حل مشکل شده‌اند. (تصویر پیوست) نامه مزبور با توجه به فوریت موضوع و ارتباط آن با بودجه سال جاری، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۹/۱ هیئت عالی مورد بررسی قرار گرفت. اینک نظر هیئت عالی در این زمینه را به شرح زیر به استحضار می‌رساند:

«با توجه به بند (۱) راهبردهای اجرای بند (۷) اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر استفاده حداقلی از راهکار این بند و تأکید بر راه‌هایی مانند تفسیر قانون اساسی، پیشنهاد می‌شود در صورت صلاحدید، نظر شورای نگهبان راجع به اصل ۵۲ قانون اساسی در موارد زیر استفسار شود:

→ کمک به آشیانه نیروی هوایی و ... اولویت داده شده‌اند، این احکام متزاحم را در یک سال چگونه می‌توان اجرا نمود؟

۴- پذیرش این امر که مجلس محترم در طول سال ارقام بودجه را یک‌جانبه تغییر دهد بدان معناست که نمی‌توان کشور را حتی برای یک‌سال با برنامه اداره کرد. روال این است که دولت بر اساس بودجه مصوب برای طول سال برنامه‌ریزی کرده و متناسب با پیش‌بینی دریافت، تعهد ایجاد می‌نماید و این تغییرات یک‌جانبه و برخلاف نظر دولت برنامه‌ریزی‌ها را مختل می‌نماید. بنابراین مغایر اصل (۱۲۶) قانون اساسی به نظر می‌رسد که به موجب آن رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً به عهده دارد و اقتضای این مسئولیت وجود اختیارات لازم برای برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور و نه سلب اختیارات مربوط به آن است.

۵- از آنجا که به دلیل پیش‌گفته امکان اجرای این مصوبات تماماً یا به طور نسبی وجود ندارد از یک سو ذی‌نفعان، دولت را تحت فشار قرار می‌دهند و از سوی دیگر نماینده‌های مجلس و نهادهای نظارتی دائماً دولت را مورد اتهام و تعقیب قرار می‌دهند.

۶- با توجه به شرایط خاص سال جاری برای تمام ارقام درآمدی سقف حداقل ملاک قرار گرفته و پیش‌بینی شده است و در هزینه‌ها اولویت‌های اصلی از جمله آموزش، بهداشت و دفاع تعیین شده و منابع مازادی وجود ندارد.

باید برای کشاورزان عزیز اقدامات زیادی انجام داد ولی این نیازمند تأمین منابع است والا مصوبه‌ای که پول و منابعی برای آن پیش‌بینی نشده است چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

۷- در خلال قانون بودجه، قانون پنجم توسعه کشور به کرات تغییر کرده و اصلاح می‌شود و در این مصوبه اخیر، احکام قانون بودجه نیز اصلاح شده است. در چنین شرایطی تدوین و تصویب قوانین برنامه چه فایده‌ای دارد؟

۸- مسئولیت تبعات منفی این‌گونه تصمیمات بر اداره کشور و اقتصاد عمومی بر عهده کیست؟ خواهشمند است جهت رفع این مشکل عنایت فرمایید.

محمود احمدی‌نژاد

۱- آیا تغییر در ارقام بودجه به نحوی که در کل بودجه تأثیر نگذارد، به وسیله طرح قانونی، با توجه به اصل ۵۲ قانون اساسی امکان‌پذیر است یا خیر؟

۲- با توجه به ذیل اصل ۵۲ قانون اساسی آیا مجلس می‌تواند برخلاف مراتب مقرر در قانون حاکم بر نحوه تغییر ارقام بودجه، ارقام مزبور را تغییر دهد یا آنکه باید پیشاپیش تغییرات لازم در قانون مذکور ایجاد شود.»

گزارش دبیرخانه هیئت عالی در این زمینه به پیوست تقدیم می‌گردد.

سید محمود هاشمی شاهرودی

شماره: ۹۲/۳۰/۵۰۰۰۲ - تاریخ: ۱۳۹۲/۱/۳۱

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی گلپایگانی (دامت برکاته)
رئیس محترم دفتر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۶۴۲۴-۱/م مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۵ مبنی بر اظهار نظر تفسیری در خصوص اصل پنجاه و دوم قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«در خصوص سؤال اول، تغییر در ارقام بودجه به نحوی که شاکله بودجه را تغییر دهد، امکان‌پذیر نیست و نتیجتاً خلاف اصل ۵۲ قانون اساسی می‌باشد؛ درمورد سؤال دوم، این شورا به نظر تفسیری نرسید.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل پنجاه و سوم

کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

- نظریه تفسیری شماره ۷۵/۲۱/۱۱۱۶ مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به حدود صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی به حساب‌های مؤسسات غیردولتی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۵۵)، ص ۸۷.

اصل پنجاه و پنجم

دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد، رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون، جمع‌آوری و گزارش تفریغ بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.

- نظریه تفسیری شماره ۷۵/۲۱/۱۱۱۶ مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به حدود صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی به حساب‌های مؤسسات غیردولتی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کند:

شماره: ۱۰۴۱۵۱- تاریخ: ۱۳۷۵/۹/۶

شورای محترم نگهبان

همان‌گونه که استحضار دارند در بودجه کل کشور جهت ایجاد و یا توسعه فعالیت‌های تولیدی بخش‌های مختلف اقتصادی، اعتباراتی برای پرداخت قسمتی از کارمزد تسهیلات بانکی شرکت‌های تعاونی و خصوصی منظور می‌گردد که از آن جمله بند (ب) تبصره (۳) و بند (ه) تبصره (۶) و بند (۴) تبصره (۱۱) و تبصره‌های (۵۱) و (۵۲) بودجه کل کشور سال جاری است.

همچنین در مورد مؤسسات غیردولتی که متصدی خدمات عمومی و عام‌المنفعه هستند و در عین حال جزء بخش دولتی اصل (۴۴) قانون اساسی و از مصادیق موضوعات اصل (۴۵) قانون اساسی محسوب نمی‌شوند از قبیل کمیته امداد امام- کمیته ملی المپیک- شهرداری‌ها- هلال احمر- مدیریت حوزه علمیه قم- کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی، قانونگذار اعتباراتی را در بودجه سالیانه منظور می‌نماید تا تداوم خدمات آنان میسر گردد. بدین ترتیب این قبیل مؤسسات تعاونی، خصوصی و یا عمومی غیردولتی به اصطلاح از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند.

اخیراً این توهم ایجاد شده است که دیوان محاسبات کشور مکلف است به کلیه حساب‌های این مؤسسات، هم در آن قسمت که از محل بودجه عمومی کل کشور تأمین شده است و هم قسمت‌های دیگر که مربوط به درآمدهای داخلی و موقوفات و هدایا و دیگر منابع باشد، رسیدگی و حسابرسی نماید.

خواهشمند است با توجه به اصل (۹۸) قانون اساسی تفسیر فرمایند آیا اصل (۵۵)

قانون اساسی ناظر به کلیه حساب‌ها و هزینه‌های مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات خصوصی و تعاونی است که جزئی از اعتباراتشان از محل بودجه کل کشور تأمین می‌شود یا اینکه با توجه به دلالت عبارت «اعتبارات مصوب» در اصول (۵۳) و (۵۵) قانون اساسی، حساب‌های این مؤسسات صرفاً در حدود اعتباراتی که در بودجه کل کشور برای آنان منظور شده و تخصیص یافته است مشمول رسیدگی دیوان محاسبات می‌باشد؟

اکبر هاشمی رفسنجانی - رئیس جمهور

شماره: ۷۵/۲۱/۱۱۱۶ - تاریخ: ۱۳۷۵/۹/۱۴

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۱۰۴۱۵۱ مورخ ۱۳۷۵/۹/۶ مبنی بر تفسیر اصل ۵۵ قانون اساسی، در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۹/۱۴ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«اصل ۵۵ قانون اساسی ناظر به اعتباراتی است که در بودجه کل کشور منظور شده و

صلاحیت دیوان محاسبات در رسیدگی و حسابرسی محدود به همان موارد است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

اصل سابق: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۶۰)، ص ۲۷۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۴۴۳۹ مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۹.

اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

– نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۶۰)، ص ۲۷۷.

اصل پنجاه و نهم

در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.

- نظریه تفسیری شماره ۸۱/۳۰/۴۱۰۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار دبیر شورای نگهبان نسبت به شمول اصل ۹۴ قانون اساسی به همه‌پرسی مصوب مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۴)، ص ۱۶۵.

اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزراء است.

اصل سابق: اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۶۰)، ص ۲۷۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۴۶۰ مورخ ۱۳۵۹/۹/۲۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به حق مداخله مشاورین و نمایندگان رئیس جمهور در امور اجرایی: شماره: ۲۸۸۶- تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۶

شورای محترم نگهبان

چون مسئولین امور اجرایی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی استفسار کرده‌اند که اخیراً افرادی به عنوان مشاور و یا نماینده ریاست محترم جمهوری به سازمان‌های دولتی مراجعه و پس از رهنمودها دستوراتی نیز می‌دهند که مأمورین دولتی نسبت به اجرای آنها با توجه به قوانین موضوعه مملکتی دچار تردید شده و غالباً از نخست‌وزیری کسب تکلیف می‌نمایند، با توجه به نظریه مشاورین حقوقی مبنی بر اینکه مداخله این‌گونه افراد در امور اجرایی که هیچ‌گونه مسئولیت قانونی ندارند مغایر قانون اساسی است، لذا جهت روشن شدن مسئله که مبتلا به عموم کارکنان دولت می‌باشد، متمنی است در این مورد نظریه شورای محترم را اعلام فرمائید تا مسئولیت مأمورین دولتی در قبال این‌گونه دستورات مشخص باشد.

نخست‌وزیر- محمدعلی رجائی

شماره: ۴۶۰- تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۲۶

جناب آقای محمدعلی رجائی

نخست‌وزیر جمهوری اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۸۸۶ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۶:

در مورد کسب تکلیف نسبت به مراجعه افرادی به عنوان نماینده و مشاور ریاست جمهوری به سازمان‌های دولتی و مداخله در امور اجرایی و صدور دستور به مأمورین

اشعار می‌دارد: موضوع در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت قاطع اعضای شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«چون مشاورین و نمایندگان رئیس جمهور مقام مسئول نیستند، طبق قانون اساسی حق مداخله در امور اجرایی و صدور دستور به مأمورین دولتی را ندارند.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

– نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۶۰)، ص ۲۷۷.

اصل شصت و نهم

مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس جمهور یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

اصل سابق: مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای نخست‌وزیر یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان جلسه غیرعلنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیرعلنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از برطرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد.

۱- نظریه تفسیری شماره م/۵۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به نحوه انتشار مشروح مذاکرات مجلس:

شماره: ۷۷/دال هـ- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۱۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

بر اساس اصل شصت و نهم قانون اساسی «مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود ...»
اولاً مشروح مذاکرات علنی مجلس از طریق صدای جمهوری اسلامی مستقیماً از مجلس پخش می‌گردد، به نظر می‌رسد که چنانچه گزارشی فشرده حاوی همه‌ی نکات و تصمیمات متخذه در جلسات علنی توسط رادیو تهیه و در پایان اخبار روز پخش گردد مفیدتر است، نظر شما را در این مورد خواستاریم.

ثانیاً با توجه به صرفه‌جویی و کمبود کاغذ، انتشار چندین ساعت مذاکرات علنی در روزنامه رسمی مشکلاتی را فراهم می‌سازد، لذا پیشنهادات زیر جهت تصمیم‌گیری ارائه می‌شود تا در صورت عدم مغایرت با قانون اساسی یکی از دو راه انتخاب و بدان عمل شود:

۱- یکصد نسخه از صورت مشروح مذاکرات از هر جلسه تهیه و در اختیار روزنامه

رسمی قرار گیرد تا به عنوان ضمیمه روزنامه در اختیار مراکز نیازمند گذارده شود.

۲- گزارشی فشرده حاوی تمام نکات و تصمیمات متخذه از مشروح مذاکرات در

هر جلسه تهیه و در اختیار روزنامه رسمی جهت انتشار گذارده شود.

ضمناً فتوایی مکاتبات مربوطه جهت اطلاع به پیوست ایفاد می‌گردد.^۱

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

۱.

شماره: ۱/۲۸ - تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

احتراماً فتوایی نامه شماره ۱۲۷۵۲ مورخ ۵۹/۸/۲۴ آقای مدیرعامل روزنامه رسمی و ضمائم آن* جهت استحضار و اعلام نظر به پیوست ایفاد می‌گردد.

برادر شما، ابراهیم احدی - وزیر دادگستری

* نامه شماره ۱۲۷۵۲ مورخ ۱۳۵۹/۸/۲۴ مدیرعامل روزنامه رسمی به وزیر دادگستری:

شماره: ۱۲۷۵۲ - تاریخ: ۱۳۵۹/۸/۲۴

جناب آقای وزیر دادگستری

محترماً اصل ۶۹ قانون اساسی صراحت دارد که «مذاکرات مجلس شورای ملی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود»؛ لذا روزنامه رسمی با توجه به اصل مرقوم شرحی به هیئت رئیسه موقت مجلس نوشته و مراتب فوق را اعلام نموده و چون به نامه مرقوم پاسخی داده نشده، لذا پس از انتخابات هیئت رئیسه دائمی مجلس مجدداً با مجلس شورای اسلامی در این مورد مکاتبه شده که تاکنون جوابی دریافت نگردیده است. اینک فتوایی مکاتبات قبلی را جهت استحضار ارسال و چنانچه اقدامات دیگری لازم باشد معمول فرمایند.

ضمناً یکی از وظایف روزنامه رسمی درج و نشر قوانین و تصویب‌نامه‌های هیئت دولت بوده که با تماس‌های مکرر هیچ قانون یا تصویب‌نامه‌ای برای چاپ به روزنامه نرسیده است. چون آقایان قضات و وکلای دادگستری و افراد عادی جهت اطلاع از مصوبات مراجع قانون‌گذاری مرتب به روزنامه مراجعه می‌نمایند خواهشمند است در صورتی که درج قوانین کماکان باید از طریق روزنامه به اطلاع عموم برسد، دستور فرمایید در این مورد اقدامات لازم را معمول فرمایند که موجب تشکر است.

مدیر عامل روزنامه رسمی - اخوان ملایری

نامه شماره ۲۳۵ مورخ ۱۳۵۹/۹/۲۰ سرپرست اداره کل قوانین مجلس به نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص موضوع:

شماره: ۲۳۵ - تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۲۰

جناب آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها

نایب رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

طبق اصل شصت و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مذاکرات مجلس باید از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود.

در این زمینه در ابتدای دوره نامه‌ای تقدیم هیئت رئیسه سنی شده که برای تصمیم‌گیری به کمیسیون تدوین آیین‌نامه ارجاع گردید تا ضمن تدوین آیین‌نامه، در این خصوص هم تصمیمی اتخاذ شود.

در تاریخ ۵۹/۸/۲۶ نامه‌ای در اجرای همین منظور از طرف جناب آقای وزیر دادگستری خدمت ریاست محترم مجلس تقدیم شد که مقرر فرمودند صورت جلسات ارسال گردد.

در پی این دستور آقای اخوان ملایری مدیرعامل شرکت سهامی روزنامه رسمی مراجعه و اظهار داشتند:

←

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه ۷۷/دال- هـ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«اصل ۶۹ قانون اساسی صراحت دارد که باید گزارش کامل مذاکرات مجلس شورای اسلامی از طریق رادیو و روزنامه رسمی منتشر شود. بنابراین اکتفا به دو طریق پیشنهاد شده خلاف قانون اساسی می‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۵۹۰ مورخ ۱۳۶۲/۷/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به مرجع تشخیص شرایط اضطراری برای تشکیل جلسه غیر علنی در مجلس:

شماره: ۵۶۲۸/۲۵۰ د. هـ- تاریخ: ۱۳۶۲/۶/۱۶

شورای محترم نگهبان

استفسار جمعی از نمایندگان از قانون اساسی را برای جواب تقدیم می‌دارم.

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۴۸۸۷- ق- تاریخ: ۱۳۶۲/۶/۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

در اجرای اصل ۹۸ قانون اساسی که تفسیر اصول قانون اساسی را به عهده شورای

نگهبان قرار داده است استدعا می‌شود نظرتان نسبت به مسئله زیر اعلام فرمایید:

→

چاپ مجدد صورت مذاکرات با توجه به ضرورت صرفه‌جویی و تأکید مکرر دولت و کمبود کاغذ ایجاد مشکلاتی می‌کند، چنانچه اولیای محترم مجلس موافقت فرمایند حدود یکصد نسخه از هر جلسه در اختیار روزنامه رسمی قرار گیرد تا به عنوان ضمیمه روزنامه رسمی در آرشیو نگهداری شود از صرف بودجه هنگفتی جلوگیری به عمل خواهد آمد.

چون نظر مدیرعامل روزنامه رسمی کاملاً صحیح به نظر می‌رسد مراتب به عرض عالی رسید تا با طرح در هیئت محترم رئیسه، به هر صورت که مقرر فرمایند عمل شود.

سرپرست اداره کل قوانین - سید حسین ناظم‌زاده

بسمه تعالی

لازم است که در هیئت رئیسه مطرح شود و نیز از جهت عمل به قانون اساسی باید با شورای نگهبان در میان گذاشته شود.

سید محمد موسوی خوئینی‌ها

اصل ۶۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مذاکرات مجلس شورای اسلامی را اساساً علنی اعلام کرده است و تشکیل جلسه غیر علنی را موکول به وجود شرایط اضطراری نموده است. چون آیین‌نامه داخلی مجلس پیش‌بینی کیفیت تشکیل جلسه غیر علنی را نکرده بود، ماده واحده‌ای به صورت طرح قانونی تقدیم شد و هنگام رسیدگی به این طرح که مرجع تشخیص شرایط اضطراری را مجلس شورای اسلامی قرار داده بود، برای کمیسیون این شبهه پیش آمد که اصل ۶۹ قانون اساسی مرجع تشخیص شرایط اضطراری را همان تقاضاکننده مذکور در اصل ۶۹ یعنی نخست وزیر، یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان می‌داند و نمی‌توان مرجع دیگری را برای این امر قرارداد. از طرف دیگر این نظر وجود داشت که با توجه به اینکه اساساً اصل ۶۹ الزام به علنی بودن مجلس دارد و یکی از پایه‌های مهم حفظ حاکمیت ملت نیز همین امر می‌باشد بنابراین اعلام شرایط اضطراری و بالتجیه تشکیل جلسه غیر علنی به صرف تقاضای تقاضاکننده مذکور در اصل مربوطه منطقی نبوده و علی‌الخصوص با توجه به اصل ۷۹ که برقراری محدودیت‌های ضروری و طبعاً اعلام شرایط اضطراری را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده منطقی به نظر می‌رسد که در مورد اصل ۶۹ نیز مرجعی تعیین شود، و بهترین مرجع خود مجلس می‌باشد، علی‌هذا:

پس از مذاکراتی که در کمیسیون به عمل آمد به این منجر شد که از شورای نگهبان استفسار شود که آیا مجلس می‌تواند مرجعی مثلاً خودش را برای اعلام شرایط اضطراری با وصفی که در اصل ۶۹ آمده است تعیین کند یا خیر؟

شماره: ۹۵۹۰- تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۱۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵۶۲۸/۲۵۰.د. ه مورخ ۱۳۶۲/۶/۱۶:

سؤال آقایان نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره تفسیر اصل ۶۹ قانون اساسی در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان مستفاد از اصل ۶۹ قانون اساسی این است که در شرایط اضطراری در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند مقامات صالح برای تقاضای جلسه غیرعلنی نخست‌وزیر یا یکی از وزراء یا ده نفر از نمایندگان می‌باشند و باید طبق تقاضای آنها جلسه غیرعلنی تشکیل شود، ولی پس از تشکیل جلسه غیرعلنی در صورتی که اکثریت مجلس شورای اسلامی دلایل تقاضاکننده را نسبت به وجود شرایط اضطراری کافی ندانست، موضوع در جلسه علنی قابل طرح و رسیدگی خواهد بود.

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل هفتم

رئیس جمهور و معاونان او و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود.
اصل سابق: رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزیران به اجتماع یا به انفراد حق شرکت در جلسات علنی مجلس را دارند و می‌توانند مشاوران خود را همراه داشته باشند و در صورتی که نمایندگان لازم بدانند، رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء مکلف به حضورند و هرگاه تقاضا کنند مطالبشان استماع می‌شود. دعوت رئیس جمهور به مجلس باید به تصویب اکثریت برسد.

– نظریه تفسیری شماره ۸۸۴۶ مورخ ۱۳۶۶/۷/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به تعیین محدوده حق مقرر در اصل ۷۰ قانون اساسی برای رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزراء:

شماره: ۲۹۹۸۸/۲۵۰. د. هـ. تاریخ: ۱۳۶۶/۴/۲۲

شورای محترم نگهبان

لطفاً نظر آن شورا را در تفسیر اصل هفتم قانون اساسی که به رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء حق داده مطالبشان را در جلسات مجلس شورای اسلامی اظهار نمایند، بفرمایید که آیا این حق مطلق است و در هر مورد که مطلبی دارند در محدوده آیین‌نامه مجلس حق دارند بگویند؟ یا اینکه حق، محدود به مطالب و موضوعات در دستور است؟

و در فرض محدودیت، آیا این حق شامل مواردی از قبیل گزارش کمیسیون‌های اصل نود و سؤالات و اصل ۷۶ و اظهارات نمایندگان در نطق‌های پیش از دستور می‌شود یا محدود به لوایح و طرح‌ها است؟

و در هر صورت این حق اظهار نظر محدود به زمان انجام دستور است یا اینکه ممکن است قبل یا بعد از آن انجام شود و اطلاق اصول فوق‌الذکر با اطلاق اصل هفتم قانون اساسی چگونه قابل جمع است؟

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۸۸۴۶ - تاریخ: ۱۳۶۶/۷/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به شماره ۲۹۹۸۸/۲۵۰. د. هـ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۲، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اینک نظریه اکثریت اعضای شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«آنچه از اصل هفتاد قانون اساسی استفاده می‌شود این است که مقامات مذکور در این اصل حق شرکت در جلسات مجلس شورای اسلامی را دارند و مطالبشان را در ارتباط با دستور مجلس بیان می‌نمایند. زاید بر این چنانچه در آیین‌نامه حقی برای آنها مقرر شود، گرچه به موجب قانون اساسی نیست، با قانون اساسی مغایرت ندارد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل هفتاد و یکم

مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

- نظریه تفسیری شماره ۷۵/۲۱/۰۶۵۰ مورخ ۱۳۷۵/۴/۱۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به ملاک و معیار ترجیح یکی از دو قانون معارض:
شماره: ۸۲۰۹۶- تاریخ: ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه تشخیص قانون مؤخر با عنایت به تحوّل و اصلاح قوانین، امری ضروری است و در مواردی احراز تقدّم و تأخّر، مستلزم آن است که معین شود اعتبار قانون متکی به تصویب یا تأیید شورای نگهبان می‌باشد، علی‌هذا با توجه به اصل ۷۱ قانون اساسی که وضع قانون را به مجلس شورای اسلامی محوّل نموده و اصل ۹۳ که مجلس را بدون شورای نگهبان، فاقد اعتبار قانونی اعلام داشته، نظر تفسیری آن شورای محترم در مسئله زیر مورد تقاضاست:

آیا در تشخیص قانون مؤخر، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی مؤثر در مقام است یا ملاک، تأیید شورای نگهبان می‌باشد؟

برای مزید استحضار و به عنوان نمونه اضافه می‌نماید قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور با قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، در موارد متعدد، تعارض دارد که لازم است تأخر یکی از آنها احراز شود، خصوصاً اینکه زمان تصویب، زمان اجراء و زمان تأیید شورای نگهبان در مورد آنها به شرح زیر بوده است:

قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور	قانون نحوه وصول برخی از درآمدها
۱۳۷۳/۱۲/۲۸	۱۳۷۳/۱۲/۲۸
مؤخر (بعد از دستور جلسه ش ۷- ص ۲۸)	مقدم (دستور جلسه ش ۶- ص ۲۵)
۱۳۷۴/۱/۱	۱۳۷۴/۱/۱
مقدم: ۱۳۷۳/۱۲/۲۸	مؤخر: ۱۳۷۴/۱/۱۶
زمان تصویب	زمان قابلیت اجراء
ساعت تصویب	تأیید شورای نگهبان

طبیعی است در صورتی که ملاک در مسئله مطروحه، زمان تصویب باشد قانون بودجه کل کشور که در روز ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ در دستور بعدی مجلس قرار داشته مؤخر است و چنانکه تأیید شورای نگهبان، ملاک در اعتبار قانون باشد قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، قانون مؤخر است، ولو آن که قابلیت اجراء هر دو ۷۴/۱/۱ بوده است.
رئیس جمهور- اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۷۵/۲۱/۰۶۵۰- تاریخ: ۱۳۷۵/۴/۱۲

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۸۲۰۹۶ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۱۴ در جلسه مورخ ۱۳۷۵/۴/۶ شورای

نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می گردد:

«بدون تردید اعتبار قانونی مصوبات مجلس شورای اسلامی منوط به اظهار نظر شورای نگهبان است و در مقام تعارض دو قانون که شورای نگهبان هر دو را تأیید نموده است، معیار و ملاک، تاریخ تصویب مجلس شورای اسلامی است و در صورت وحدت زمان، قانون خاص، قانون عام را تخصیص می زند.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل هفتاد و سوم

شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. مفاد این اصل مانع از تفسیری که دادرسان، در مقام تمیز حق از قوانین می‌کنند نیست.

– نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به اثر قوانین تفسیری بر حقوق و شرایط ایجاد شده برای اشخاص طبق قوانین اولیه:

شماره: ۷۸۱۰۸- تاریخ: ۱۳۷۳/۱۲/۲۲

شورای محترم نگهبان

همان‌گونه که عنایت دارند مطابق اصل ۷۳ قانون اساسی، قوانین عادی در موارد ابهام و اجمال، تفسیر می‌شوند؛ مع‌هذا نظر به اینکه اصولاً در اکثر قریب به تمامی موارد، بین وضع قانون و تفسیر آن فاصله زمانی وجود دارد و در این مدت با اجرای قانون اصلی، برای اشخاص، حقوقی ایجاد می‌شود و در بسیار از اوقات نیز این حقوق به غیر، منتقل و یا به ارث می‌رسد، مضافاً اینکه اجرای قوانین مزبور در موارد معتناهی مستلزم ارجاع امر به قوانین دیگر نیز هست (کما اینکه هزینه اعتبار طرح‌ها که موضوع قانون بودجه است در بسیاری از موارد ملازمه با پرداخت حقوق کارگر یا خرید اجناس دارد و این امر براساس قوانین کار و مدنی، حقوقی را برای طرف، ایجاد می‌کند) و در نتیجه بر حسب قوانین مرتبط با یکدیگر و در پی اجرای آنها پیچیدگی‌های زیادی در امور مردم به وجود می‌آید. با توجه به این پیچیدگی‌ها هنگامی که تفسیر مؤخر انجام می‌یابد این سؤال مطرح می‌شود که مطابق اصول کلی آیا تفسیر قانون به لحاظ آثار و نتایج مترتب بر آن تا چه حد باید و می‌تواند عطف به گذشته شود و حقوق ایجاد شده را منتفی نماید و یا کدام دسته از حقوق و آثار را می‌تواند نادیده بگیرد؟

به عنوان مثال به موجب قانونی که تحت عنوان اعاده به خدمت کارکنان بازنشسته دولت در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس رسید دولت اجازه یافت تعدادی از بازنشستگان را اعاده به خدمت نماید.

در سال ۱۳۶۶ نیز قانون تعدیل نیروی انسانی تصویب شد و در آن دولت اجازه یافت افراد بازنشسته را به صورت موقت به خدمت بگیرد. از آن پس دولت به دو صورت زیر عمل کرده است:

الف- اعاده به خدمت تعدادی از بازنشستگان متخصص به استناد قانون مصوب

سال ۱۳۶۱.

ب- تصویب اشتغال موقت برخی از بازنشستگان به استناد ماده (۸) قانون تعدیل نیروی انسانی مصوب ۱۳۶۶.

قابل ذکر است که مصوبات اعاده به خدمت دولت در فاصله دی‌ماه ۱۳۶۶ تا خرداد ۱۳۷۳ که بالغ بر (۴۶) تصویب‌نامه و ناظر به تعداد (۱۳۰) نفر است نیز مورد ایراد ریاست محترم جمهوری وقت به استناد اصل ۱۲۶ و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به استناد اصل ۱۳۸ قرار نگرفته است.

در سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با تصویب قانون تفسیر ماده (۸) قانون تعدیل نیروی انسانی مقرر داشت: «ممنوعیت اشتغال به کار بازنشستگان موضوع ماده (۸) قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی شامل اعاده به خدمت بازنشستگان نیز می‌گردد.» اکنون اگر قانون تفسیر فوق‌الذکر (مصوب ۱۳۷۳) در این قضیه، عطف به ماسبق گردد و شامل افرادی هم بشود که در فاصله سال‌های ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۳ اعاده به خدمت شده‌اند و مسئولیت‌های مختلفی را ایفا کرده و تعدادی از آنها تصمیمات مهم مالی و اداری فراوانی گرفته‌اند موجب می‌شود حقوق ایشان و حقوق دیگر اشخاص و حق کلیه اموری که براساس تصمیمات ایشان محقق شده است (از جمله معاملات و عقود) که با تجویز آنان صورت گرفته است) محل اشکال قرار گیرد؛ زیرا در قانون تفسیر، مقرر شده است که افراد مزبور، ممنوعیت از اشتغال داشته‌اند و علی‌القاعده بر امر ممنوع، آثار امر مجاز نباید مترتب شود.

اشاره به این نکته بجاست که با توجه به قواعد و اصول حقوق اداری، امور و حقوق مزبور براساس فهم مجری از قانون حاکم در زمان خود ایجاد شده است، به ویژه آنکه تفسیر، علی‌الاصول در مواردی صورت می‌گیرد که قانون، مشتمل بر چند معنی است و اتخاذ هر یک از آنها قبل از تغییر مرجع ذی‌صلاح، مغایر با قانون اصلی نمی‌باشد و همان‌طور که در بالا یادآوری شد در موضوع مطروحه، ریاست محترم جمهوری وقت و ریاست محترم مجلس شورای اسلامی نیز اعلام مغایرت مصوبات را با قانون اعلام نداشته‌اند.

با عنایت به آنچه گذشت خواهشمند است با توجه به اصول ۷۳ و ۹۸ قانون اساسی نظریه تفسیری شورای محترم نگهبان را در مورد اینکه آیا با قوانین تفسیری می‌توان حقوق و شرایطی را که طبق قوانین اولیه برای اشخاص ایجاد شده است خصوصاً در موارد زیر به طور یک‌جانبه زایل نمود، اعلام فرمایند:

۱- هنگامی که قانون تفسیری جدید، حوزه شمول قانون اصلی را توسعه می‌دهد

- به نحوی که برای افراد در زمان مقدم بر تصویب، تکالیفی ایجاد می‌نماید.
- ۲- تجدید یا تضييع حقوق استخدای که در زمان گذشته برای افراد ایجاد شده است.
- ۳- تأثیر در عقود و معاملات گذشته و سایر تصمیماتی که برای اشخاص غیردولتی، حقوقی ایجاد کرده است.
- ۴- تسری مستقیم یا غیرمستقیم مقررات جزایی به فعل یا ترک فعلی که در گذشته انجام شده است.

رئیس جمهور- اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۷۶/۲۱/۵۸۳- تاریخ: ۱۳۷۶/۳/۱۰

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام، نامه شماره ۷۸۱۰۸ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۳/۷ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«۱- مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است؛ بنابراین تضييق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر تلقی نمی‌شود.

۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم‌الاجرا است؛ بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند، تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور، تسری نمی‌یابد.»

دبیر شورای نگهبان- احمد جنتی

اصل هفتاد و چهارم

لوايح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۱۴۶ مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان اصلاح قانون بودجه از طریق ارائه «طرح»:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۵۲)، ص ۸۱.

۲- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به ماهیت لوايح قضایی و تفاوت آن با لوايح قانونی و تشریفات بررسی و تصویب آنها در مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۵۸)، ص ۲۷۴.

اصل هفتاد و پنجم

طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۵۸۸۱/۳۰/۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به تسری مفاد اصل ۷۵ قانون اساسی به طرح‌های ارائه‌شده به مجلس از طریق شورای عالی استان‌ها:

شماره: ۱۳۸۵/۳/۸ - تاریخ: ۱۳۸۵/۳/۸ - ۵/۱۰/۳۶۱۵۵

حضرت آیت‌الله جنتی (ایده‌کم الله)

دبیر محترم شورای نگهبان

با احترام

از آنجا که اصل هفتاد و پنجم بررسی طرح‌های قانونی و پیشنهادات اصلاحی نمایندگان در خصوص لوایح را که دارای بار مالی باشند منع نموده و از طرفی در اصل یکصد و دوم به شورای عالی استان‌ها اجازه تقدیم طرح به صورت مستقیم به مجلس شورای اسلامی را داده است، خواهشمند است نظریه تفسیری شورای نگهبان را در پاسخ به این سؤال اعلام فرمایید «آیا ممنوعیت بار مالی برای طرح‌های ارائه‌شده به مجلس شامل طرح‌های موضوع اصل یکصد و دوم قانون اساسی نیز می‌شود یا خیر؟»
غلامعلی حداد عادل - رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۱۵۸۸۱/۳۰/۸۵ - تاریخ: ۱۳۸۵/۴/۱

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۵۸۸۱/۳۶/۱۰/۵ مورخ ۱۳۸۵/۳/۸، مبنی بر تقاضای اظهار نظر تفسیری درباره «آیا ممنوعیت بار مالی برای طرح‌های ارائه‌شده به مجلس شامل طرح‌های موضوع اصل یکصد و دوم قانون اساسی نیز می‌شود یا خیر؟» در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«اصل هفتاد و پنج قانون اساسی شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد

و بار مالی داشته باشد می‌شود.»

احمد جنتی - دبیر شورای نگهبان

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به نحوه رفع ایراد اصل ۷۵ در مفاد طرح‌های قانونی یا پیشنهادهای نمایندگان:

شورای محترم نگهبان

- مقتضی است نظریه تفسیری در دو مورد مندرج در نامه* از سوی آن شورای

محترم اعلام گردد.

سید علی خامنه‌ای- ۹۱/۹/۲۲

* نامه رئیس هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به مقام معظم

رهبری به شرح زیر است:

شماره: ۱۴۶- تاریخ: ۱۳۹۱/۹/۱۹

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت برکاته

مقام معظم رهبری

با سلام و تحیت، پیرو پیشنهاد شماره ۱۲۶ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۱ در خصوص بررسی

برخی موضوعات اختلافی بین قوا از جمله موضوع اصل ۷۵ قانون اساسی و بازگشت به

پاسخ شماره ۵۶۳۴-۱/م مورخ ۱۳۹۰/۷/۵ و با توجه به درخواست‌های رئیس جمهور

محترم (شماره ۹۰/۲۱/۴۴/م مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۸، ۱۳۹۰/۱۰/۱۱ مورخ ۲۰۰۱/۴۶ و شماره

۱.

شماره: ۲۰۰۱۴۶- تاریخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۱

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا

سلام علیکم

با احترام، به استحضار عالی می‌رساند، اصل هفتاد و پنج قانون اساسی، یکی از مهم‌ترین اصول

محدودکننده صلاحیت قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در ارتباط با قوه مجریه است.

پرتکرارترین تخلفات مجلس شورای اسلامی از قانون اساسی نیز همین است؛ زیرا بنابر گزارش

مرکز تحقیقات شورای نگهبان، از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۹، شورای محترم نگهبان، (۲۱۹) مرتبه به

طرح‌ها و پیشنهادات نمایندگان در لوایح دولت، به مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با این

اصل تصریح نموده است. (دادرسی اساسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مرکز تحقیقات

شورای نگهبان صفحات ۳۲۶ تا ۴۲۵ همان)

از سال ۱۳۸۸ تاکنون نیز (۲۰) بار شورای نگهبان مصوبات مجلس را با استناد به این اصل اعاده

نموده است. این ایرادات بعضاً با ورود به اصلاح یا الحاق مواد یا تبصره‌هایی به لایحه دولت یا

تدوین طرح از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی حادث شده است.

فهرست این موارد عبارتند از:

-
- ۱- ماده (۸) طرح نظام جامع دامپروری کشور (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۲۵۲ مورخ ۱۳۸۸/۲/۶ شورای نگهبان)
- ۲- ماده (۴) اصلاحیه طرح زکات (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۲۸۵۳ مورخ ۱۳۸۸/۳/۱۳ شورای نگهبان)
- ۳- مواد (۴) و (۵) و (۷) لایحه فروش و انتقال پادگان‌ها و اماکن نیروهای مسلح به خارج از حریم شهرها (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۳۶۳۵ مورخ ۱۳۸۸/۴/۱۷)
- ۴- ماده (۱۱) طرح تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریسی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۵۵۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۶/۱۱)
- ۵- تبصره ماده واحده لایحه اصلاح ماده (۱۴) قانون حقوق و مزایای مستمر، پس‌انداز، ثابت، حق بیمه و بیمه درمانی مشمولین قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ و ماده (۱۹۰) قانون استخدامی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲ و الحاق ماده (۱۸۷) مکرر به قانون مقررات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۸۰ (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۱۳۲ مورخ ۱۳۸۸/۷/۱۵)
- ۶- ماده (۳۰)، (۳۸)، (۴۰)، (۷۴)، (۷۸) و (۸۱) الحاقی طرح اصلاحی موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳ (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۳۷۵ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۱)
- ۷- تبصره الحاقی به ماده (۱) و متن اضافه‌شده به ماده (۲) طرح اصلاح مواد (۱) و (۷) قانون نحوه اجراء قانون مربوط به خدمت نیمه‌وقت بانوان مصوب ۱۳۶۴ (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۶۸۲ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۱)
- ۸- ماده واحده طرح افشاء نقض حقوق بشر توسط آمریکا و انگلیس در جهان امروز (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۷۴۵ مورخ ۱۳۸۸/۹/۱۸)
- ۹- ماده واحده طرح یک‌فوریتی استفاده از تسهیلات حساب ذخیره ارزی برای حمل و نقل ریلی و عمومی شهرها (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۶۸۲۹ مورخ ۱۳۸۸/۹/۲۵)
- ۱۰- تبصره ماده (۳۸۳) لایحه مجازات اسلامی (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۷۱۳۵ مورخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹)
- ۱۱- مواد (۴)، (۶) و (۲) طرح اصلاح موادی از قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۳۶۲ (نظریه شماره ۸۸/۳۰/۳۷۵۷۵ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۲)
- ۱۲- مواد (۵)، (۱۳) و (۱۴) طرح تقویت مرزبانی جمهوری اسلامی ایران (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۳۸۶۲۷ مورخ ۱۳۸۹/۳/۱۹)
- ۱۳- تبصره (۲) ماده واحده طرح تعیین تکلیف چاه‌های آب فاقد پروانه بهره‌برداری (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۳۸۰۳۶ مورخ ۱۳۸۹/۲/۴)
- ۱۴- ماده (۱۱) طرح ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۳۸۰۳۵ مورخ ۱۳۸۹/۲/۴)
- ۱۵- مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) طرح حمایت از احیاء و بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۳۹۲۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۵/۲۰)
- ۱۶- ماده (۴) لایحه حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌نیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۳۹۵۵۱ مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۸)
- ۱۷- ماده واحده طرح دوفوریتی حمایت از افرادی که توسط گروهک‌های ضد انقلاب و منحرفین
- ←

→

اعتقادی اسیر، کشته و یا معلول می‌شوند (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۴۱۵۵۳ مورخ ۱۳۸۹/۱۱/۲۷)

۱۸- طرح دوفوریتی تمدید قانون استفاده از تسهیلات حساب ذخیره ارزی برای حمل و نقل ریلی و عمومی شهرها مصوب ۱۳۸۸ (نظریه شماره ۸۹/۳۰/۴۱۶۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۸)

۱۹- ماده (۵) طرح اصلاح قانون نفت (نظریه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۱۹۴ مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۴)

۲۰- مواد (۴) و (۴۵) لایحه امور گمرکی (نظریه شماره ۹۰/۳۰/۴۳۹۶۲ مورخ ۱۳۹۰/۷/۶)

علاوه بر موارد فوق، مصوبات دیگری وجود داشته است که در نهایت به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است که از نظر کارشناسان مالی و محاسباتی دولت دارای بار مالی بوده است و در عمل اجرای آن میسر نگردیده است. از این قبیل می‌توان به «قانون تمدید بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶» که تأمین بار مالی آن از محل اعتبارات جاری دستگاه و پیش‌بینی در بودجه سنواتی کل کشور در سال‌های آتی مقرر شده است. همچنین «قانون ادغام سازمان‌های تربیت بدنی و ملی جوانان و تشکیل وزارت ورزش و جوانان» که در آن هزینه ناشی از تغییر عنوان دستگاه از محل صرفه‌جویی در هزینه‌های وزارت ورزش و جوانان تعیین شده بود. علاوه بر آن «قانون استفساریه ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۹» که در قالب تفسیر، ولی با افزایش مشمولین قانون (بر خلاف اصل ۷۳ قانون اساسی) و با احتساب پرداخت حقوق دو برابر به آزادگان عزیز پیش‌بینی گردید.

موارد دیگری نیز در طرح‌های در دست تصویب و ارسال به شورای محترم نگهبان وجود دارد که خلاف اصل (۷۵) قانون اساسی است؛ مانند «طرح ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار»، ماده (۸)، بند (ج) ماده (۱۱)، ماده (۲۹) مغایر با این اصل می‌باشد. همچنین «طرح بیمه بیکاری و متقاضیان جویای کار»، در موارد متعددی از جمله مواد (۴)، (۷)، (۱۱) و دارای بار مالی می‌باشد و ماده (۳۲) طرح، با پیش‌بینی درصدی از بودجه کل کشور و (۵۰٪) منابع ناشی از هدفمندی یارانه‌ها سعی به رفع مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی نموده است که این موارد وافی به چنین مقصودی نیست و صرفاً موجب فشار بر دولت و افزایش نارضایتی عمومی می‌گردد.

همان‌طور که حضرت عالی استحضار دارند شورای محترم نگهبان نظریه تفسیری (شماره ۸۵۱۳۰/۱۵۸۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱) به این مضمون داده‌اند: «اصل (۷۵) قانون شامل هر طرحی که طبق قانون به مجلس ارائه گردد و بار مالی داشته باشد می‌شود.» طبق این نظریه، تسری و شمول اصل (۷۵) به طرح‌های پیشنهادی شورای عالی استان‌ها (موضوع اصل ۱۰۲ قانون اساسی) پذیرفته شده است و این نظریه بیانگر اهمیت و عام بودن اصل فوق است. دو نظریه مشورتی مهم نیز از سوی شورای محترم نگهبان درباره این اصل وجود دارد: ۱- نظریه مشورتی (شماره ۵۵۹۹ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۷) مبنی بر اینکه «اصل (۷۵) قانون اساسی ناظر به پیشنهاد‌های نمایندگان در لایحه بودجه نمی‌باشند.» به نظر می‌رسد که اصل (۷۵) باید در خصوص تغییرات اساسی ارقام لایحه بودجه و سقف آن رعایت شود به نحوی که لایحه بودجه مصوب برای دولت بار مالی نداشته باشد. ۲- نظریه مشورتی (شماره ۱۴۲۳ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۵) بر این امر که «تأمین جبران کاهش و یا تأمین هزینه برای قابلیت یافتن طرح در مجلس شورای اسلامی لازم است» تأکید نموده است و صرف موافقت دولت با پیشنهاد دارای بار مالی نمایندگان را بدون مشخص کردن منبع تأمین بار مالی برای رفع مغایرت کافی ندانسته است.

←

→

اما در اعلام نظرات آن شورای محترم نسبت به طرح‌های مصوب مجلس شورای اسلامی که دارای بار مالی بوده است با این شرط که در طرح قید شود که «با استفاده از امکانات موجود یا اعتبارات دستگاه» یا در حدود اعتبارات مصوب یا موجود یا «پیش‌بینی در بودجه سنواتی» تأیید طرح‌ها و پیشنهاد انجام شده است؛ در حالی که این امر منجر به نوعی تصنع در تأمین بار مالی طرح‌ها گردیده است. به عبارتی این وضع، عدم وجود یا وجود اصل (۷۵) قانون اساسی را یکسان نموده است؛ زیرا در هر طرحی این قابلیت وجود دارد که ابتدای اجرای آن به سال آتی موکول گردد. به هر حال به نظر می‌رسد غایت اصل (۷۵) قانون اساسی آن بوده است که دولت بتواند کشور را با درآمدهای مشخص و محدود مدیریت کند. در مشروح مذاکرات بررسی نهایی قانون اساسی آمده است: «اگر قوه مقننه می‌خواهد به قوه مجریه پیشنهادی بدهد که مستلزم این است که باید هزینه‌ها را بالا ببرد یا درآمدی را کم بکند باید به او بگوید که جای خالی را از کجا پر کند و نمی‌تواند بگویند ما تصویب کردیم حالا خودت جایش را پیدا کن، این قابل عمل نیست.» (جلسه سی و دوم - جلد ۲ - ص ۸۴۷)

همچنین مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس دوره هفتم فرمودند: «..... یک وقتی امام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند که درست است که هر چه شما تصویب کنید به شورای نگهبان می‌رود و اگر مخالف قانون اساسی است رد می‌شود؛ آیا این معنایش این نیست که شما از اول چیزی را که می‌دانید مخالف قانون اساسی است تصویب کنید و به آنجا بفرستید آنها هم رد کنند بعد هم بالاخره یک مجمع تشخیص مصلحت وجود دارد که برود آنجا؛ نه، این تضييع وقت مجلس است.» (از بیانات معظم‌له در تاریخ ۱۳۸۶/۳/۸)

در برخی از کشورهای دیگر نیز مفهوم «قابل طرح در مجلس» آن است که در خود مجالس تدبیری برای جلوگیری از ارائه چنین طرح‌هایی وجود دارد، حتی به صراحت قانون اساسی پیشنهادها را نمایندگان در لایحه بودجه دارای محدودیت‌هایی است. (پیوست)

لذا در نهایت برای رفع این تراحمات بین قوه مقننه و مجریه و اجرای درست اصل (۷۵) قانون اساسی چند راهکار و پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱- مجلس شورای اسلامی مکلف باشد ترتیبی اتخاذ نماید که قبل از ارائه طرح یا پیشنهاد به مجلس شورای اسلامی، سازوکار لازم برای جلوگیری از طرح پیشنهاداتی که بار مالی آن تأمین نشده است وجود داشته باشد به نحوی که در پیشنهادات، طرق جبران کاهش درآمد یا افزایش هزینه به طور واقعی پیش‌بینی شود.

۲- شورای محترم نگهبان از کارشناسان دولت برای بررسی بار مالی طرح‌ها و پیشنهادات نمایندگان در لوایح استفاده نماید.

۳- طرح پیشنهادهای نمایندگان که دارای بار مالی است و نحوه جبران آن پیش‌بینی نشده در لایحه بودجه سنواتی مسدود شود، به نحوی که این پیشنهادات نتواند تعادل هزینه و درآمد کل کشور را تحت تأثیر قرار ندهد.

۴- تأمین بار مالی با عباراتی مثل «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، «از محل اعتبارات مصوب مربوط یا دستگاه»، «صرفه‌جویی» و پذیرفته نشود؛ زیرا با این وضع، وجود اصل (۷۵) قانون اساسی بیهوده و عبث می‌گردد.

←

۱۰۳۱۴۰ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲۰^۱ نظریه هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه را به شرح زیر به استحضار می‌رساند:

→

خواهشمند است اینجانب از نتیجه بررسی‌های به عمل آمده مطلع فرمایید.

محمود احمدی‌نژاد

۱.

شماره: ۱۰۳۱۴۰- تاریخ: ۱۳۹۱/۶/۲۰

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوا

سلام علیکم

با احترام به استحضار می‌رساند «طرح یک‌فوریتی تبدیل وضعیت مربیان حق‌التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور به رسمی و پیمانی» که به دلیل ایراد شورای محترم نگهبان و مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی اعاده گردیده بود پس از اصلاحاتی به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده و سپس برای ابلاغ به ریاست جمهوری ارسال گردیده است.

این مصوبه مجلس با اصول متعددی از قانون اساسی مغایرت دارد:

۱- مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی:

«اصل هفتاد و پنجم- طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.»

مجلس شورای اسلامی برای رفع مغایرت این طرح با قانون اساسی، تبصره (۴) ماده واحده را به شرح زیر پیش‌بینی نموده است:

«تبصره ۴- بار مالی اضافی ناشی از اجرای قانون از محل وجوه مربوط به حق‌التدریس مربیان موضوع ماده (۱۷) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴/۸/۱۵ و همچنین دریافتی مربوط به آموزش نیروی کار ایرانی تأمین می‌شود.»

اما ماده (۱۷) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴ به این شرح می‌باشد:

«وزارتخانه‌های کشور، صنایع، بازرگانی، نفت، نیرو، مسکن و شهرسازی، تعاون، راه و ترابری، ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مجاز هستند از محل اعتبارات مصوب خود و به منظور ارائه آموزش به شاغلین بخش‌های تعاونی و خصوصی مرتبط با حرف و مشاغل تحت پوشش خود از طریق عقد قرارداد با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و جهاد دانشگاهی و سایر مؤسسات آموزش غیردولتی مجاز با هماهنگی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و پرداخت هزینه‌ها اقدام نمایند.»

در این ماده هیچ درآمد قطعی وجود ندارد تا قابل برنامه‌ریزی باشد؛ زیرا اولاً تکلیفی برای

←

→

وزارتخانه‌های مذکور جهت انعقاد قرارداد با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای وجود ندارد، بلکه «جواز» و امکان انعقاد قرار داد «و حسب نیاز آموزشی» فراهم است.

ثانیاً چون بودجه آموزشی از محل اعتبارات مربوط بر اساس درآمد حاصله کل کشور می‌باشد باید امکان چنین تخصیص اعتباری را برای آموزش کارکنان فراهم آورد، لذا این تحصیل درآمد برای سازمان فنی و حرفه‌ای تنها یک پیش‌بینی و احتمال است، در حالی که پرداخت حقوق کارکنان و هزینه‌های ناشی از تغییر وضعیت آنان یک امر حتمی و مقدر است.

ثالثاً در حکم قانونی مذکور اجازه داده شده است که وزارتخانه‌های نامبرده - غیر از سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای- با جهاد دانشگاهی و سایر مؤسسات آموزش غیردولتی قرار داد منعقد نمایند. بنابراین از قبل امکان پیش‌بینی این امر که وجوه حاصل از انعقاد قرار داد مستقیم با سازمان چه میزان خواهد بود و چه تعداد از قراردادهای با سایر مؤسسات آموزشی یا جهاد دانشگاهی منعقد خواهد شد ممکن نیست.

حال سؤال این است که چگونه شورای محترم نگهبان برای چنین درآمد احتمالی که نه وجود آن، نه دریافت‌کننده آن، نه میزان آن معلوم است، مصوبه مجلس شورای اسلامی را که آشکارا مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی است تأیید می‌نماید! و دولت را در هرگونه برنامه‌ریزی برای تأمین نیروی انسانی و نحوه جذب و به‌کارگیری کارکنان خود و پرداخت حقوق و مزایای آنان دچار گرفتاری و اختلال می‌نماید و این تعداد از اشخاص ذی‌نفع را در مقابل دولت قرار می‌دهد.

۲- مغایرت با اصول (۵۷)، (۶۰) و (۱۲۶) قانون اساسی:

اصل (۶۰) قانون اساسی مقرر می‌دارد:

«اعمال قوه مجریه از طریق رئیس جمهور و وزراء است»

سؤال این است که غرض از امور اجرایی کشور چیست؟ اگر قرار باشد مصداق روشن امور اجرایی کشور را معلوم کرد «امور اداری، استخدامی کارکنان دولت» آشکارترین مصداق آن است و چنانچه در اصل (۱۲۶) نیز به صراحت آمده است: «رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری، استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارند.»

این وضع که نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای جذب، تغییر وضعیت کارکنان دولت مرتب طرح‌هایی را تقدیم نمایند (صرف نظر از بار مالی آن) مداخله مجلس در قوه مجریه و امور اجرایی کشور است و امکان مدیریت قوه مجریه را از رئیس جمهور و وزراء سلب می‌کند و از حیث دخالت در امور اجرایی (اداری و استخدامی) مغایر (اصل ۵۷) قانون اساسی و استقلال قوا از یکدیگر (اصل ۶۰) است.

۳- مغایرت با بند (۳) اصل (۹) قانون اساسی:

تعداد کارکنان دولت که در نوبت تغییر وضعیت به‌سر می‌برند بیشتر از تعداد مذکور در این مصوبه است، بنابراین انتخاب مربیان حق‌التدریسی این سازمان از میان همه واجدین شرایط در انتظار تغییر وضعیت تبعیض بین کارکنان دولت بدون دلیل موجه است. اصولاً انتخاب افراد برای حق‌التدریس چگونه انجام شده است که مجلس برای آنان حق استخدام تصویب کرده است.

۴- مغایرت با قانون برنامه پنجم توسعه:

←

«با توجه به بند (۱) راهبردهای اجرای بند (۷) اصل ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر استفاده حداقلی از راهکار این بند و تأکید بر راه‌هایی مانند تفسیر قانون اساسی،

→

در ماده (۵۱) قانون برنامه پنجم توسعه آمده است:

«ماده ۵۱- هرگونه به‌کارگیری نیروی انسانی رسمی و پیمانی، در دستگاه‌های اجرایی مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری ممنوع است.»

و مطابق ماده (۵۷) قانون یادشده

«ماده ۵۷- جذب نیروی انسانی به صورت رسمی یا پیمانی در قوه مجریه با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی به ترتیب با تشخیص و تأیید معاونت و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور موکول به آزمون عمومی است.»

نیروی انسانی به صورت رسمی یا پیمانی در قوه مجریه با رعایت سقف اعتبارات و مجوزهای استخدامی به ترتیب با تشخیص و تأیید معاونت و معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور موکول به آزمون عمومی است که ظاهراً در ماده واحده رعایت شرایط عمومی استخدام و ماده (۴۴) قانون مدیریت خدمات کشوری لحاظ شده است.

با توجه به مراتب فوق چون مربیان حق‌التدریس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای اصولاً به صورت حق‌التدریس که تمام‌وقت تلقی نمی‌شود در خدمت این سازمان می‌باشند، بنابراین چنانچه در نظر باشد به صورت پیمانی و رسمی به خدمت پذیرفته شوند بر اساس مقررات سابق‌الذکر برنامه پنجم توسعه می‌تواند به خدمت پذیرفته شوند و در این زمینه نیاز به کسب مجوز قانونی نمی‌باشد ضمن اینکه طرح یادشده با مفاد قانون برنامه پنجم توسعه منافات داشته است.

با توجه به جمیع جهات چون مربیان حق‌التدریس بر اساس تخصصی که دارا می‌باشند به صورت حق‌التدریس نیاز سازمان فنی و حرفه‌ای را مرتفع می‌نمایند و از طرفی این افراد معمولاً در بخش خصوصی اشتغال دارند، به خدمت‌پذیری و تبدیل وضعیت پیمانی و رسمی آنان توجیهی ندارد و چنانچه سازمان در نظر داشته باشد از مربیان مزبور به صورت دائم و به صورت پیمانی و رسمی استفاده نماید با انتشار آگهی و بر اساس مقررات عمومی استخدام و با رعایت مقررات مربوط می‌تواند اقدام نماید و نیازی به کسب مجوز استخدامی نمی‌باشد.

لذا خواهشمند است این وضع را در قانون‌گذاری کشور به یکی از طرق زیر حل و فصل فرمایید:

۱- اصدار این نظریه که قوانینی که بر اساس درآمدهای محتمل و غیر قابل پیش‌بینی توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود برای دولت الزام‌آور نیست.

۲- مجلس محترم شورای اسلامی، از طرح قوانینی که خلاف اصل ۷۵ قانون اساسی می‌باشد در صحن مجلس شورای اسلامی به جهت تضییع حقوق نمایندگان و سوگندی که به قانون اساسی یاد کرده‌اند خودداری نماید و شورای محترم نگهبان نیز در مواردی که منابع مالی غیر محقق‌الحصول در طرح پیش‌بینی می‌شود رفع ایراد را نپذیرد، مگر اینکه کارشناسان دولت فقدان بار مالی و یا امکان تأمین آن را تأیید نمایند.

محمود احمدی‌نژاد

پیشنهاد می‌شود در صورت صلاحدید، برای تنظیم روابط قوای مجریه و مقننه در زمینه اصل ۷۵ قانون اساسی، نظر شورای نگهبان در مورد اصل مزبور در محورهای زیر استفسار شود:

۱- در مواردی که طرح‌های قانونی و پیشنهادها و اصلاحاتی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند، به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، آیا درج عباراتی مانند «از محل صرفه‌جویی»، «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، «از محل اعتبارات مصوب مربوط»، «از محل اعتبارات مصوب دستگاه» و «از محل حساب ذخیره ارزی» به عنوان طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید، قابل قبول است یا خیر؟

۲- اگر شورای نگهبان به استناد اموری مانند:

- معلوم نشدن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید
- غیر قابل تحقق و صوری بودن طریق پیش‌بینی شده
- کافی نبودن طریق پیش‌بینی شده، برای جبران کامل کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید
- مقبول نبودن درج عباراتی مانند آنچه در بند (۱) فوق ذکر شد، برای جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید

مصوبه مجلس را مغایر اصل ۷۵ قانون اساسی بشناسد، آیا مصوبه مزبور از باب اصرار مجلس بر مصوبه خود با در نظر گرفتن مصلحت نظام (اصل ۱۱۲ قانون اساسی) قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام است یا خیر؟

گزارش دبیرخانه هیئت عالی در این زمینه به پیوست تقدیم می‌گردد.

سید محمود هاشمی شاهرودی - ۹۱/۹/۱۴

شماره: ۹۱/۳۰/۴۹۷۴۹ - تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی گلپایگانی (دامت برکاته)

رئیس محترم دفتر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۶۴۲۵-۱/م مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۵، مبنی بر اظهار نظر تفسیری درخصوص اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی، موضوع در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«۱- درج عبارت «از محل صرفه‌جویی»، به نحو مطلق و برای مدت نامحدود و بدون

تعیین محل و همچنین درج عبارت «پیش‌بینی در بودجه سنواتی»، بدون تأمین منبع و نیز

درج عبارت‌های «از محل اعتبارات مصوب مربوط» و «از محل اعتبارات مصوب دستگاه»، اگر مستلزم بار مالی جدید بوده، طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید مذکور در اصل ۷۵ قانون اساسی محسوب نمی‌گردد.

۲- در مورد بند یک سؤال دوم یعنی «معلوم نشدن طریق کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید»، با توجه به اینکه اصل طرح یا پیشنهاد به صراحت اصل ۷۵ قانون اساسی قابل طرح در مجلس نبوده، بنابراین قابل ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نمی‌باشد. در خصوص سایر موارد، این شورا به نظر تفسیری نرسید.»

احمد جنتی - دبیر شورای نگهبان

اصل هفتاد و ششم

مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۲۸۱۳ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به متعلق علیه حق مذکور در اصل ۷۶ قانون اساسی: شماره: ۱۲۳۱/دال- ه- تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۵

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در ارتباط با مسائل حوزه انتخابیه خویش اقدام به ایجاد و تأسیس «دفتر همکاری‌های مردم با نمایندگان» در شهرستان‌های مختلف می‌نمایند. این دفاتر با ارسال نامه به ادارات و سازمان‌های اجرایی خواستار اطلاعات مختلف می‌شوند. در پاره‌ای از شهرستان‌ها مسئولین اجرایی و فرمانداری‌ها از پاسخ گفتن به سؤالات و نامه‌های دفاتر همکاری خودداری نموده‌اند که این امر موجب دل‌تنگی و اظهار گلایه نمایندگان شده است. لذا با عنایت به مفاد اصل ۷۶ قانون اساسی و مطالب فوق، نظر خود را در این خصوص که این عمل از حقوق نمایندگان است یا مجلس شورای اسلامی اعلام فرمایید. رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۲۸۱۳- تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۳

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۲۳۱-دال- ه مورخ ۱۳۶۰/۳/۲۵، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضاء بر این است که «حق مذکور در اصل ۷۶، در حقوق مجلس شورای اسلامی است و نمایندگان این حق را ندارند.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره م/۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حق نمایندگان بر مکاتبه با دستگاه‌های اجرایی جهت کسب اطلاع از امور کشور در راستای انجام وظایف نمایندگی مقرر در قانون اساسی، از جمله حق اظهار نظر راجع به تمامی مسائل داخلی و خارجی کشور:

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۷

شورای محترم نگهبان

لطفاً به این سؤال، پاسخ فرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی رفسنجانی

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با توجه به نامه مورخ ۶۰/۳/۱۸ اینجانب در مورد دفتر ارتباطی مردم با نماینده

مجلس و سؤال ریاست مجلس در رابطه با آن از شورای محترم نگهبان قانون اساسی^۱ لازم است به عرض برساند که در اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده را در برابر تمام ملت مسئول دانسته و به او حق اظهار نظر در مسائل داخل و خارجی کشور داده است. طبیعی است برای انجام این مسئولیت و توان اظهار نظر باید اطلاعات لازم را داشته باشد که یکی از راه‌های کسب اطلاعات و انجام وظیفه، وجود دفتری است که هم محلّ مشخصی داشته باشد و هم در حدود اختیارات و امکانات مکاتباتی بنماید، که به عملی شدن کار کمک کرده و از اتلاف وقت بیشتر هم جلوگیری می‌نماید.

اما در نامه ۱۲۳۱- دال- ه مورخ ۶۰/۳/۲۵ ریاست محترم مجلس به شورای نگهبان ضمن عنوان کردن دفتر ارتباطی مردم با نمایندگان در مورد اصل ۷۶ که حق تحقیق و تفحص را به مجلس داده است سؤال شده و استناد گردیده است و جواب شورای نگهبان نیز در نامه شماره ۲۸۱۳ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳ با استناد به اصل ۷۶ قانون اساسی که از حقوق مجلس است و نماینده بشخصه این حق را ندارد می‌باشد. بنابراین تقاضا دارد برای روشن شدن مسئله و رفع ابهام موضوع مربوطه را با استناد به اصل ۸۴ قانون اساسی از شورای نگهبان استفسار بفرمایید.

با تشکر و به امید توفیق برای شما- لطیف صفری- نماینده مردم اسلام‌آباد غرب

شماره: ۳۰۹۳/م- تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه بدون شماره مورخ ۱۳۶۰/۴/۲۷، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان به این شرح اعلام می‌شود:

«از دقت در اصول ۷۶، ۸۴، ۸۸، ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون اساسی استفاده می‌شود که دولت و وزراء در برابر مجلس و نمایندگان مجلس مسئولند و سؤال نمایندگان باید در مجلس به آن پاسخ داده شود و به غیر این صورت، سؤال نمایندگان از دولت و هر مقام اجرایی دیگر و پاسخ آنها حکم سؤال و پاسخ‌های عادی را دارد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۱. منظور، استفساری است که در نظریه تفسیری پیشین (= نظریه تفسیری شماره ۱) بدان اشاره شد.

۳- نظریه تفسیری شماره ۴۴۳۹ مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس:

شماره: ۲۲۳۵- ق- تاریخ: ۱۳۶۰/۱۲/۲۶

شورای محترم نگهبان

یادداشت مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۳ جناب آقای هرایر خالاتیان،^۱ منضم به مراسله شماره ۵۰/۴۴۸ مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۱۸ اسقف اعظم آرداک مانوکیان خلیفه ارامنه تهران و شمال ایران در خصوص تفسیر اصول بیست و ششم، پنجاه و هفتم، هفتاد و ششم و هشتاد و چهارم قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی

شماره: ۵۰/۴۴۸- تاریخ: ۱۳۶۰/۱۲/۱۸

به نام خدا

جناب آقای هرایر خالاتیان

نماینده محترم ارامنه شمال در مجلس شورای اسلامی

ضمن قدردانی از زحمات شما در انجام وظایف خطیر نمایندگی و با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین در مصوبات مجلس شورای اسلامی، پرسش‌های زیرین در رابطه با وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس مطرح گردیده است که تقاضا دارد از طریق ریاست محترم مجلس و شورای محترم نگهبان تفسیرها و پاسخ‌های لازمه را دریافت و در اختیار اینجانب قرار دهید که موجب نهایت امتنان خواهد بود.

با علم و آگاهی از اصول ۷۶ و ۸۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که از طرفی حق تحقیق و تفحص را در تمامی امور کشور را به مجلس و مجلسیان می‌دهد

۱. نامه جناب آقای هرایر خالاتیان به رئیس مجلس شورای اسلامی

تاریخ: ۱۳۶۰/۱۲/۲۳

جناب آقای هاشمی رفسنجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

اسقف اعظم آرداک مانوکیان خلیفه ارامنه تهران و شمال ایران، نامه‌ای مرقوم فرموده و طی آن از طریقی آمده از جناب عالی و همچنین شورای نگهبان سؤالاتی در رابطه با تفسیر چند اصل قانون اساسی و یکی از مصوبات مجلس نموده‌اند که عیناً نامه را حضورتان تقدیم و تقاضا دارد نظر خودتان و در صورت امکان، با مراجعه به شورای محترم نگهبان قانون اساسی، نظر شما نیز اعلام فرمایید. با تشکر و احترام- هرایر خالاتیان- نماینده ارامنه شمال

و از طرف دیگر هر نماینده را در برابر تمام ملت مسئول قرار داده و حق اظهار نظر در همه مسائل داخلی و خارجی را به آنان می‌دهد:

۱- آیا نمایندگان مجلس به عنوان نمایندگان قوه مقننه، با توجه به اصل تفکیک قوا حق دارند به طور انفرادی یا گروهی با وزارتخانه‌ها و به طور کلی ارگان‌های اجرایی دولتی، قرارداد یا موافقتنامه امضاء نموده و در امور اجرایی عملاً مداخله نمایند؟

۲- آیا نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی با توجه به اصل ۲۶ قانون اساسی (احزاب و جمعیت‌ها) و لایحه تصویبی مجلس شورای اسلامی در خصوص احزاب و جمعیت‌ها، حق دارند امور اجرایی اقلیت‌های دینی را در امور اجتماعی و فرهنگی و غیره انجام دهند؟

خواهشمند است پاسخ‌های خودتان یا تفسیرها و پاسخ‌های دریافتی را به طور کتبی در اختیار اینجانب گذارده شود تا از این راه وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های مراجع دینی و انجمن‌ها و شوراهای جوامع اقلیت‌های دینی که طبق اساسنامه‌های خود و رأی مردم اقلیت‌ها انتخاب و اداره امور اقلیت‌ها به آنها سپرده شده است، قانوناً و شرعاً روشن و معین گردد.

دعاگو- اسقف اعظم آرداک مانوکیان- پیشوای روحانی جامعه
ارامنه تهران و شمال و رئیس شورای خلیفه‌گری ارامنه

شماره: ۴۴۳۹- تاریخ: ۱۳۶۱/۱/۱۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۲۳۵- ق مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۲۶ موضوع سؤال نماینده ارامنه در مجلس شورای اسلامی، آقای هرایر خالاتیان، در ارتباط با اصول ۷۶، ۸۴ و ۲۶ قانون اساسی به استحضار می‌رساند که مفاد قانون اساسی در این موارد روشن است. اصل ۷۶ قانون اساسی مربوط به مجلس شورای اسلامی است نه آحاد نمایندگان و اصل ۸۴ نیز ناظر به حق اظهار نظر نمایندگان است. البته طبق اصل ۸۸ نماینده مجلس حق دارد از وزیر مسئول سؤال نماید و از او توضیح بخواهد و به هر حال از این اصول و سایر اصول قانون اساسی استفاده نمی‌شود که نماینده مجلس شورای اسلامی بتواند در امور اجرایی مربوط به انتخاب‌کنندگان خود دخالت کند و برای انجام آنها با ارگان‌های دولتی قرارداد یا موافقتنامه‌ای امضاء کند.

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۴- نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود حقوق نمایندگان مجلس در رابطه با سؤال از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی و حدود پاسخگویی وزیر دادگستری و دیگر مسئولان قضایی به این سؤالات:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۸)، ص ۱۵۴.

۵- نظریه تفسیری شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ شورای نگهبان در پاسخ به درخواست رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس نسبت به تحقیق و تفحص از ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه:

شماره: ۴۳۳- ۳۱۳/۲۱۴- تاریخ: ۱۳۶۷/۱۰/۱

تلفنگرام فوری

از کمیسیون داخلی مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان

برادر ارجمند آیت‌الله محمدی گیلانی، دبیر شورای محترم نگهبان دامت برکاته

سلام علیکم

احتراماً در پی درخواست جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ریاست محترم مجلس بر اساس اصل هفتاد و شش قانون اساسی در مورد تحقیق و تفحص در خصوص علت ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه در مرحله اول دوره سوم و ارجاع نامه شماره ق- ۳۰۳۹ مورخ ۶۷/۹/۱۷ ریاست محترم مجلس به کمیسیون داخلی، نظر به اینکه کمیسیون مزبور قرار است کار تحقیقات و تفحص انتخابات مذکور را با مدارک لازم انجام و گزارش آن را به ریاست محترم مجلس ارسال نماید، لذا تقاضامندم حضرت‌عالی در جلسه کمیسیون شوراها و امور داخلی مورخه ۶۷/۱۰/۴ ساعت ۱۴ تشریف‌فرما شوید. ضمناً مدارک ابطال را کتباً به این کمیسیون ارسال فرمایید. موجب کمال تشکر و امتنان است.

اشرفی اصفهانی- رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی

شماره: ۳۳۴۴- تاریخ: ۱۳۶۷/۱۰/۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

شورای نگهبان در مقام تفسیر اصل ۷۶ قانون اساسی، نظر تفسیری متفق‌علیه خود

را به شرح ذیل اعلام می‌دارد:

«اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و

شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند، نمی‌شود.»

دبیر شورای نگهبان- محمد محمدی گیلانی

اصل هفتاد و هفتم

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۳۶۸ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نسبت به شمول مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی در فسخ یا اقاله قراردادهای خارجی:

شماره: ۲۳/۵۶۵۴/۸۴۶۰- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه بعضی از قراردادهای منعقد شده بین سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات و شرکت‌های خارجی به زیان این سازمان است و در مواردی ایجاب می‌کند که فسخ شود، مقتضی است پاسخ فرمایند که آیا فسخ و اقاله قراردادها هم منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی است یا خیر؟

شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۳۶۸- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۴

شورای سرپرستی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
عطف به نامه شماره ۲۳/۵۶۵۴/۸۴۶۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و نظر شورا به این شرح اعلام می‌شود:

«فسخ یا اقاله قراردادهای مذکور، در حدود اختیارات قانونی که سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی دارد نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۱۸۹۷ و-۷ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس بانک ملی ایران نسبت به شمول مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی بر قراردادهای خارجی مربوط به نحوه وصول طلب و بازپرداخت اقساط معوقه:

شماره: ۲۹۸۹۳/۴- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۷

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

تصدیع می‌دهد: شعبه قاهره بانک ملی ایران در سال ۱۹۷۷ دو فقره اعتبار اسنادی به نفع شرکت بازرگانی دولتی سودان و به منظور ورود شکر و به تقاضای بانک اف سودان خرطوم جمعاً به مبلغ ۱/۸۵۴/۴۵۰ دلار افتتاح نموده است که وثیقه آن دو فقره سفینه با ظهنویسی بانک مرکزی سودان بوده است. اما به علت قطع کمک‌های عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی به سودان، بنا بر جهات سیاسی، بانک

مرکزی سودان نتوانسته تعهدات خود ناشی از سفته‌های مذکور را ایفاء نماید. اخیراً مؤسسه MORGAN GENERAL به نمایندگی از طرف دولت سودان جلسه‌ای با حضور نمایندگان طلبکاران در لندن تشکیل که نماینده بانک ملی ایران نیز در آن حضور داشته است، و از طرف بانک مرکزی سودان پیشنهادی به منظور بازپرداخت اقساط معوق اعتبار فوق‌الذکر ارائه گردیده که با توجه به اوضاع و احوال فعلی و سنجش جوانب و اطراف امر، قبول پیشنهاد مطروحه به سود این بانک خواهد بود. اکنون نظر به اینکه این امر مستلزم امضای قراردادی فی‌مابین بانک اف سودان (دولت سودان) و بانک ملی ایران و تبادل اسناد و مدارک مربوط به مطالبات این بانک ناشی از اعطای دو فقره اعتبار اسنادی فوق‌الاشعار است که صرفاً به منظور وصول مطالبات بانک از یکی از مشتریان در خارج از کشور صورت می‌گیرد، خواهشمند است مقرر فرمایید رسیدگی فرموده جواباً تعیین و اعلام فرمایند امضاء قرارداد از طرف بانک با اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی مباینتی دارد یا نه؟ موجب مزید تشکر و امتنان است.

بانک ملی ایران

شماره: ۲۹۶/۴ - مورخ: ۱۳۶۰/۱/۱۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

پیرونامه شماره ۲۹۸۹۳/۴ مورخ ۵۹/۱۲/۷، نظر به فوریت موضوع، مستدعی است مقرر فرمایید در اعلام پاسخ تسریع لازم مبذول فرمایند، موجب امتنان و تشکر است. بانک ملی ایران

شماره: ۱۸۹۷ و -۷- تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۰

ریاست بانک ملی ایران

عطف به نامه شماره ۲۹۸۹۳/۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۷ و شماره ۲۹۶/۴ مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۶، اشعار می‌دارد:

«مورد سؤال در شورای نگهبان مطرح شد و به نظر شورا موضوع که مربوط به نحوه وصول طلب و بازپرداخت اقساط معوقه است، مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد.» دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۳- نظریه تفسیری شماره ۱۹۰۰ د-۱۲ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر دفاع ملی نسبت به شمول مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی بر قراردادهای خارجی خرید مایحتاج نظامی ارتش:

شماره: ۱۴۰۱/۰۹/۴- تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۱۹

شورای نگهبان قانون اساسی

۱- به موجب اصل ۷۷ قانون اساسی عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

۲- در اثر تجاوز دولت بعثی عراق و جنگ تحمیلی به منظور تأمین نیازمندی‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع ملی ناگزیر از عقد قرارداد خرید اسلحه با شرکت‌های خارجی و یا ایرانی گردیده است و قراردادهای بین این وزارت و شرکت طرف قرارداد امضاء شده و می‌شود.

خواهشمند است با توجه به قانون اساسی اعلام دارند آیا این قراردادها نیز احتیاج به کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی دارد یا خیر تا بر طبق نظریه آن شورا رفتار گردد. از طرف وزیر دفاع ملی- سرهنگ جواد فکوری

شماره: ۱۹۰۰ د-۱۲- تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۰

وزارت دفاع ملی (پارلمانی)

عطف به نامه شماره ۱۴۰۱/۰۹/۴ مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۹، مورد سؤال در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا بدین شرح است:

«عقد قرارداد مذکور در موضوع سؤال، مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۴- نظریه تفسیری شماره ۳۹۰۳ مورخ ۱۳۶۰/۸/۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون نخست‌وزیر در امور حقوقی و پارلمانی نسبت به شمول اصل ۷۷ قانون اساسی بر قراردادهای منعقد شده میان وزارتخانه‌ها، مؤسسات و یا شرکت‌های دولتی ایران با وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا خصوصی خارجی:

شماره: ۸۵۱۱۴- تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۲

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه مقداری از طرح‌های پیشنهادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی در ارتباط با قراردادهایی است که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت خصوصی خارجی می‌باشد و تطابق و یا عدم تطابق مورد با اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی که قراردادهای بین‌المللی را موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نموده مواجهه با ابهام است، لذا

خواهشمند است دستور فرمایید موضوع با رعایت اصل نود و نهم قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته و نظر آن شورای محترم را در خصوص اینکه قراردادهای فوق‌الذکر از جمله قراردادهای بین‌المللی محسوب می‌گردند یا خیر اعلام نمایند.

معاون نخست‌وزیر در امور حقوقی و پارلمانی - احمد اشرف اسلامی

شماره: ۳۹۰۳ - تاریخ: ۱۳۶۰/۸/۷

نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۸۵۱۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲، موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد، شرکت خصوصی خارجی می‌باشد قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی‌باشد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

۵- نظریه تفسیری شماره ۹۰۳۹ مورخ ۱۳۶۲/۴/۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نسبت به شمول مفاد اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی بر اقدامات پیش‌قراردادی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۵)، ص ۱۹۰.

۶- نظریه تفسیری شماره ۹۷۸۱ مورخ ۱۳۶۲/۸/۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به وحدت یا تعدد موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و مرتبه زمانی مرحله «تصویب» قرارداد توسط مجلس نسبت به انعقاد قرارداد:

شماره: ۱/۱۱۲۷۸ - تاریخ: ۱۳۶۲/۷/۲۳

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر آن شورای محترم را درباره اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی

به شرح زیر اعلام فرمایید:

۱- آیا «تصویب» عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی (مندرج در اصل ۷۷) با «تصویب» عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی (مندرج در اصل ۱۲۵) موضوعاً یکی هستند؟

۲- آیا منظور از «تصویب» مندرج در اصل ۱۲۵، «تصویب» مقدم بر انجام قرارداد است یا تصویب مؤخر از انعقاد قرارداد؟

۳- آیا به فرض آنکه جواب بند (۲)، تصویب مقدم بر انجام قرارداد باشد، نیازی به تصویب مجدد از سوی مجلس شورای اسلامی (اصل ۷۷) خواهد بود یا خیر؟

سید علی خامنه‌ای - رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۹۷۸۱- تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۳

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی خامنه‌ای
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
عطف به نامه شماره ۱/۱۱۲۷۸، سؤالات در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و
مورد بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:
«موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی واحد است و تصویب مجلس شورای
اسلامی که به قرارداد رسمیت می‌دهد، مؤخر از انعقاد قرارداد انجام می‌شود.»
دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۷- نظریه تفسیری شماره ۹۹۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۹/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار
رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به لزوم یا عدم لزوم تصویب مجلس در هنگام انجام
تصرفات جزئی در قراردادها، امضای یادداشت تفاهم‌ها و انعقاد قراردادهای جزئی در
چارچوب قراردادهای کلی:

شماره: ۶۷۰۱/۲۵۰-د.ه- تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۲۶

شورای محترم نگهبان
به پیوست، نامه آقای ابوالقاسم وافی رئیس کمیسیون سؤالات* با پی‌نویس
ریاست محترم مجلس^۱ جهت ارسال پاسخ ارسال می‌گردد.
دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی - سید جمال ساداتیان
* نامه آقای ابوالقاسم وافی به رئیس مجلس شورای اسلامی:

شماره: ۴۶-ک-س- تاریخ: ۱۳۶۲/۸/۲۱

برادر بزرگوار جناب آقای هاشمی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی
با احترام، همان‌طور که اطلاع دارید اصل ۱۳۹ و اصل ۷۷ قانون اساسی، صلح
دعای راجع به اموال عمومی و دولتی را در صورتی که مورد دعوی خارجی باشد،
موکول به تصویب مجلس دانسته و عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه، قراردادها نیز باید به تصویب
مجلس برسند. آنچه که برای کمیسیون سؤالات باید روشن گردد این است که آیا در
موارد جزئی که تصرف در قراردادها می‌شود و بعضی از مواد آن را از نظر مقدار پول و

۱. پی‌نویس رئیس مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان:

شورای محترم نگهبان

لطفاً پرسش‌های فوق را پاسخ فرمایید.

یا زمان تحویل تغییر می‌دهند این نیز باید به تصویب مجلس برسد یا خیر؟
و آیا تفاهم‌نامه‌هایی که نمایندگان دولت با طرف‌های خارجی امضاء می‌کنند و بر آن فعالیت طرفین مبتنی می‌گردد، جزء قرارداد حساب می‌آید؟
و آیا بعد از تصویب اصل داشتن رابطه تجاری با دولت‌های خارجی، مسئولین دولت جمهوری اسلامی حق دارند در این چهارچوب در هر موردی که صلاح دانستند، برای داد و ستد قرارداد بسته، موارد جزئی را مشخص نمایند؟ لطفاً پاسخ موارد فوق را از شورای محترم نگهبان استفسار نموده به اطلاع کمیسیون رسانید.
با تشکر - رئیس کمیسیون سؤالات - ابوالقاسم وافی

شماره: ۹۹۹۳ - تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به‌نامه شماره ۵/۶۷۰۱/۲۵۰ هـ. مورخ ۶۲/۸/۲۶، پاسخ پرسش‌ها در رابطه با اصول ۱۳۹ و ۷۷ به‌شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- در هر مورد عمل دولت یا هر مقام مسئولی به استناد تصویب مجلس شورای اسلامی انجام می‌شود، فقط در محدوده مصوبه، قانونیت دارد و خارج از آن محدوده، جزئاً و کلاً به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارد.

۲- یادداشت تفاهم چنانچه ایجاد تعهد نماید، مثل قرارداد است و بایستی ضوابط مذکور در قانون اساسی نسبت به آن رعایت شود.

۳- قراردادهای جزئی در رابطه با اصل قراردادهای موضوع اصل ۷۷ قانون اساسی، در صورتی که خارج از محدوده قرارداد اصل [= اصلی] باشد، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۸- نظریه تفسیری شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به شمول اصل ۷۷ قانون اساسی نسبت به قراردادهای منعقد شده میان وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت‌های دولتی ایران با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی: شماره: ۵۸۱۱۰ - تاریخ: ۱۳۶۳/۸/۳

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه دستگاه‌های مختلف اجرایی در رابطه با اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی دچار ابهاماتی هستند و همین امر موجبات رکود نسبی اقدامات این دستگاه‌ها را فراهم آورده، خواهشمند است نسبت به سؤال زیر که در نامه‌های شماره ۳۰۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۲/۱۷ و شماره ۸۸۰۳۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۱ نیز آمده است، اعلام نظر فرمایند:

«آیا قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت دولتی ایران از یک طرف، با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی از طرف دیگر منعقد می‌شود، قرارداد بین‌المللی محسوب و مشمول اصل فوق‌الذکر می‌باشد؟»
تسریع در اعلام نظر موجب امتنان خواهد بود.

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۲۰۰۹ - تاریخ: ۱۳۶۳/۸/۱۶

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۵۸۱۱۰ مورخ ۱۳۶۳/۸/۳، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح گردید و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:
«اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارتخانه‌ها و سایر سازمان‌های دولتی ایران و شرکت‌های خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می‌گردد، منصرف است و موارد خاص این‌گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشد، نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد، ولی قانون عادی می‌تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز به‌طور موردی موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی بنماید.»
دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۹- نظریه تفسیری شماره ۱... مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به لزوم یا عدم لزوم تصویب مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی، در قراردادهای خارجی که انعقاد آنها نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نبوده است:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۹)، ص ۲۴۶.

۱۰- نظریه تفسیری شماره ۳۷۸۶ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به لزوم یا عدم لزوم تصویب مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی، در قراردادهای خارجی که انعقاد آنها نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نبوده است:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۹)، ص ۲۴۸.

۱. نظر مزبور، بدون شماره، در مستندات مربوط ضبط شده است.

۱۱- نظریه تفسیری شماره ۱۰۱۳۷ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی بر لوایح الحاق ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی:

شماره: ۳۲۸۵۱/۲۵۰.د- هـ- تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۲

شورای محترم نگهبان

لوایحی در خصوص الحاق ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از قبیل بانک توسعه اسلامی در مجلس مطرح می‌شود، در اینکه این‌گونه موارد از مصادیق عهدنامه‌ها، موافقتنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی مذکور در اصل ۷۷ می‌باشد یا نمی‌باشد بین نمایندگان اختلاف نظر وجود دارد. لطفاً نظر آن شورای محترم را در این خصوص بفرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۱۰۱۳۷- تاریخ: ۱۳۶۶/۱۰/۲۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۳۲۸۵۱/۲۵۰.د- هـ- مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۲، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«با توجه به اینکه بر الحاق‌های مورد سؤال علیه طرفی که ملحق می‌شود، نتیجتاً آثار موارد مذکور در اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مترتب می‌شود، در حکم موافقتنامه است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

اصل هشتادم

گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.

- نظریه تفسیری شماره ۲۸۳۵ مورخ ۱۳۶۰/۴/۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به شمول اصل ۸۰ قانون اساسی بر کمک دستگاه‌های دولتی به یکدیگر: شماره: ۷۱۴۵۰- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

ساحت مقدس مجلس شورای اسلامی

شورای محترم نگهبان

به طوری که استحضار دارند طبق اصل هشتادم قانون اساسی: «گرفتن و دادن وام یا کمک‌های بدون عوض داخلی و خارجی از طرف دولت باید با تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.» از مفاد این اصل چنین استنباط می‌شود که اخذ و پرداخت وام‌ها و کمک‌های یک دستگاه دولتی به دستگاه دیگر دولت مشمول این اصل نمی‌شود. چون مطابق اصل نود و هشتم قانون اساسی تفسیر قانون اساسی در صلاحیت آن شورای محترم است، لذا تمنی دارد در این خصوص اعلام نظر فرمایند. محمدعلی رجائی - نخست‌وزیر

شماره: ۲۸۳۵ - تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۶

جناب آقای محمدعلی رجائی

نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه‌های شماره ۷۵۲۸ مورخ ۱۳۶۰/۴/۳^۱ و ۷۱۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰، موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح شد و نظر اکثریت اعضای شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود: «اخذ و پرداخت وام‌ها و کمک‌های یک دستگاه دولتی به دستگاه دیگر دولتی مشمول اصل ۸۰ قانون اساسی نمی‌باشد، ولی با توجه به اصل ۵۲، اگر متبهی به تغییری در ارقام بودجه شود، تابع مراتب مقرر در قانون می‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

شماره: ۷۵۲۸ - تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۳

۱.

دبیرخانه شورای نگهبان

احتراماً پیرو نامه شماره ۷۱۴۵۰ مورخ ۵۹/۱۲/۱۰، موضوع استفسار در خصوص اصل هشتادم قانون اساسی، ضمن ارسال فتوایی نامه سازمان برنامه و بودجه به شماره ۶۶۵-۳۸۹۷/۷۳ مورخ ۱۳۶۰/۳/۲۴ خواهشمند است سازمان مزبور را از نظر آن شورا مطلع و نتیجه امر را به این دفتر اعلام نمایند. با دعای توفیق - حسن عسکری راد - دفتر نخست‌وزیر

اصل هشتاد و یکم

دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۷۷۵ مورخ ۱۳۶۰/۲/۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به امکان ثبت و فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران:

شماره: ۸۳۲۴۰- تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۸

شورای محترم نگهبان

همان‌طور که استحضار دارند حسب اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر است «دادن اختیار تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است» و از طرفی به موجب ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها، از تاریخ اجرای قانون مزبور به شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده خود به امور تجاری و صنعتی و یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود، شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی در تهران به ثبت رسیده باشد. برخی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در رابطه با بهره‌گیری از متخصصین خارجی ناگزیر به انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی می‌باشند و به همین لحاظ لازم است حسب ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها این شرکت‌ها شعب خود را در ایران به ثبت برسانند تا اولاً اقامتگاه قانونی آنها معلوم و ثانیاً از نظر حقوق بین‌الملل بتوان در محلی که شعبه خود را به ثبت رسانده‌اند عندالزوم علیه آنها اقامه دعوی نمود و بدین ترتیب علی‌الاصول تعیین اقامتگاه قانونی و ثبت شرکت‌های طرف قرارداد با دولت ایران به منزله دادن امتیاز تأسیس شرکت نبوده، بلکه ثبت شرکت در جهت انجام امور قانونی مربوط در حدود قرارداد منعقد خواهد بود. پس از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت‌های صنعتی با استناد به اصل هشتاد و یکم قانون اساسی از ثبت شرکت‌های خارجی امتناع می‌نماید که این امر برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که طرف قرارداد شرکت‌های خارجی می‌باشند مشکلاتی را به وجود آورده است و فعالیت برخی از این شرکت‌ها که طرف قرارداد با دولت ایران می‌باشند به لحاظ عدم ثبت آنها در ایران تاکنون امکان‌پذیر نگردیده است. خواهشمند است با عنایت به اصل هشتاد و یکم قانون اساسی نظر شورای محترم نگهبان را در این مورد که آیا شرکت‌های خارجی طرف قرارداد با دستگاه‌های دولتی ایران که در کشور خود به ثبت رسیده و فعالیت دارند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و

فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد با دولت جمهوری اسلامی ایران به ثبت رسیده و فعالیت نمایند یا خیر؟

نخست‌وزیر - محمدعلی رجائی

شماره: ۱۷۷۵ - تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۲

جناب آقای رجائی

نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۸۳۲۴۰ مورخ ۱۳۶۰/۱/۸، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت. نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«شرکت‌های خارجی که با دستگاه‌های دولتی ایران قرارداد قانونی منعقد نموده‌اند می‌توانند جهت انجام امور قانونی و فعالیت‌های خود در حدود قراردادهای منعقد طبق ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها به ثبت شعب خود در ایران مبادرت نمایند و این امر با اصل ۸۱ قانون اساسی مغایرتی ندارد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۱۷۲۳ ر- ۲۴ مورخ ۱۳۶۰/۲/۳ در پاسخ به استفسار وزیر نیرو نسبت به امکان ثبت شرکت خارجی با مشارکت طرف ایرانی در ایران:

شماره: ۳۴۷۱/۴۵۰ - ۲۵۲۵۰ - تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۵

شورای نگهبان قانون اساسی

به استحضار می‌رساند شرکت سهامی خدمات مهندسی آب که یکی از شرکت‌های تابعه این وزارت است به لحاظ فوریت اجرای طرح‌های عمرانی و شرایط خاص مربوط به سد گتوند و سد استور به منظور انعقاد قرارداد با شرکت خارجی انرگوپروژکت طی نامه شماره ۴/۵۴۱۱ مورخ ۵۹/۱۲/۹ درخواست نموده تا در

شماره: ۴/۵۴۱۱ - تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۹

۱.

جناب آقای عباسپور

وزیر محترم نیرو

موضوع: تقاضای استعلام نظر شورای نگهبان قانون اساسی و پیشنهاد ماده واحده قانون به مجلس شورای اسلامی

محترماً عطف به مذاکرات حضوری به لحاظ تأکید و تسریع در فراهم آوردن موجبات انعقاد قراردادهای مربوط به سد گتوند و سد استور با شرکت انرگوپروژکت که به علت شرایط خاص زمانی حائز اهمیت و فوریت می‌باشد، استدعا می‌نماید موافقت فرمایند پیرو نامه‌های شماره ۱۳۲۶۹/۲۰۶۸/۴۵۰ مورخ ۵۹/۹/۱ و ۱۶۷۲۱/۲۴۸۱/۴۵۰ مورخ ۵۹/۹/۳۰ پیشنهاد صریح زیر عنوان شود:

→

۱- از شورای محترم نگهبان قانون اساسی استعلام شود که آیا ثبت شعبه شرکت یا مؤسسه خارجی در ایران و مشارکت و تحصیل مالکیت سهام شرکت‌های ایرانی در حد کمتر از پنجاه درصد سهام در هر مورد، مشروط بر آنکه در اساسنامه و موافقتنامه‌های فی‌مابین قدرت تصمیم‌گیری مدیران و مالکین ایرانی سهام شرکت در جلسات هیئت مدیره و مجامع عمومی محدود نگردیده، بلکه تفوق سهام ایرانی بر خارجی به نحو بارزی پیش‌بینی شده باشد، مورد شمول حکم اصل هشتاد و یکم قانون اساسی است یا نه.

۲- ماده واحده‌ای با قید دو فوریت با نظر شورای عالی قضایی تهیه و جهت تسریع بیشتر در ادامه اجرای عملیات طرح‌های عمرانی پیشنهاد گردد مبنی بر اینکه در مواردی که به پیشنهاد وزیر دستگاه اجرایی استفاده از تخصص کارشناسان خارجی در داخل یا خارج از کشور به لحاظ عدم دسترسی به خدمات افراد ایرانی در رشته مورد نظر و یا به علت موانع اقتصادی و امثال آن ضروری به نظر می‌رسد از طریق مراجعه مستقیم به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، که برای یک دوره آزمایشی یکساله وفق مقررات اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در صورت تصویب می‌تواند اختیار قانون‌گذاری داشته باشد، مصوبه لازم تحصیل شود.

محمد تقی کوپائی- شرکت سهامی خدمات مهندسی

۱.

شماره: ۱۳۲۶۹/۲۰۶۸/۴۵۰ - تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱

جناب آقای رجائی

نخست‌وزیر

به طوری که استحضار دارید به موجب اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع شده است.

از طرفی به موجب ماده (۳) قانون ثبت شرکت‌ها از تاریخ اجرای قانون مزبور هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده خود به امور تجاری و صنعتی و یا مالی در ایران مبادرت نماید باید در مملکت اصلی خود، شرکت قانونی شناخته شده و در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی در تهران به ثبت رسیده باشد.

در اجرای اصل ۸۱ قانون اساسی اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی، شعبه ثبت شرکت‌های خارجی را منحل نموده و شعبه هیچ شرکت خارجی را ثبت نمی‌نماید.

در این رابطه مشکلاتی برای این وزارت به وجود آمده که یک مورد آن ذیل‌اً به اطلاع می‌رسد:

شرکت بودیمکس پیمانکار ساختمانی نیروگاه بزرگ حرارتی اصفهان با شرکت تولید و انتقال نیروی برق ایران (توانیر) که از شرکت‌های تابع این وزارت است طرف قرارداد بوده که شرکت مذکور در کشور خود (لهستان) تشکیل و به ثبت رسیده است و در تاریخ ۵۷/۶/۲۲ متفقاً با شرکت تکنوپروم اکسپورت نسبت به انعقاد قرارداد با شرکت توانیر جهت احداث ساختمان بزرگ نیروگاه اصفهان اقدام نموده است.

برای اجرای قرارداد و فعالیت در ایران لازم است شعبه شرکت‌های مزبور در ایران به ثبت برسد که

←

مورخ ۱۳۵۹/۹/۳۰ به شورای عالی قضایی (فتوکی نامه‌ها پیوست است) مجدداً از آن شورای محترم تقاضا گردد تا نسبت به موارد مذکوره در ذیل اعلام نظر فرمایند.

۱- نظر به اینکه برابر اصل هشتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است»، هرگاه ثبت شعبه شرکت یا مؤسسه خارجی در ایران و یا مشارکت و تحصیل مالکیت سهام شرکت‌های ایرانی در حد کمتر از پنجاه درصد سهام در هر مورد، مشروط بر آنکه در اساسنامه شرکت و موافقتنامه‌های فی‌مابین قدرت تصمیم‌گیری مدیران و سهامداران ایرانی در مجامع عمومی محدود نگردیده، بلکه تفوق سهامداران ایرانی بر سهام خارجی به نحو بارزی مشهود و پیش‌بینی شده باشد، باز هم مورد از نظر ثبت شرکت‌ها مشمول اصل هشتاد و یکم قانون اساسی است یا خیر؟

→

این امر با انحلال دفتر شعبه ثبت شرکت‌های خارجی غیرممکن شده است. از طرفی اجرای طرح مصوب نیروگاه بزرگ اصفهان یکی از طرح‌های عمرانی مملکت و از اهمیت خاصی برخوردار است؛ مضافاً اینکه امضاء و مبادله قرارداد از طرف ایران تعهداتی را برای دولت جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده که هر روز تأخیر در ایجاد زمینه فعالیت شرکت خارجی، زیان‌هایی را در پی خواهد داشت.

بنا به مراتب، نظر این وزارت بر این است که اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل و سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی را در ایران ممنوع نموده و ثبت شعبه شرکت آن هم برای اجرای مفاد قراردادی که با یک شرکت خارجی منعقد شده از شمول اصل مزبور خارج است. علی‌هذا چنانچه با این نظر موافقت دارند خواهشمند است دستور لازم به وزارت دادگستری در مورد ثبت شعبه این‌گونه شرکت‌ها صادر و نتیجه را به این وزارت ابلاغ و در صورتی که موضوع باید به شورای نگهبان قانون اساسی احاله گردد موافقت فرمایید که موضوع را به شورای نگهبان قانون اساسی برای تفسیر اصل فوق و چگونگی اجرای قراردادهای منعقد با خارجیان احاله نمایند.

حسن عباسپور- وزیر نیرو

۱.

شماره: ۱۶۷۲۱/۲۴۸۱/۴۵۰- تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۳۰

نخست‌وزیر

پیرو نامه شماره ۱۳۲۶۹/۲۰۶۸/۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱ در مورد عدم امکان ثبت شرکت بودیمکس، پیمانکار ساختمانی نیروگاه بزرگ اصفهان طبق اصل ۸۱ قانون اساسی، خواهشمند است دستور فرمایید نتیجه اقداماتی را که در این مورد به‌عمل آمده، به این وزارت اعلام فرمایند.

حسن عباسپور- وزیر نیرو

۲- تقاضا گردیده عندالاقضاء و در صورتی که قانوناً میسر باشد ماده واحده‌ای با قید دو فوریت با نظر شورای عالی قضایی تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد تا در جهت تسریع بیشتر در ادامه اجرای عملیات طرح‌های عمرانی در مواردی که به پیشنهاد رئیس دستگاه اجرایی و وزیر مربوط استفاده از تخصص کارشناسان خارجی در داخل یا خارج از کشور به لحاظ عدم وجود یا دسترسی به خدمات افراد مشابه ایرانی داشته و ضرورت امر ایجاب نماید از طریق مراجعه مستقیم به کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی برای یک دوره آزمایشی یکساله وفق ضوابط اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی اختیار صدور مجوز مصوبات لازم را همانند مجلس داشته باشد.

قبلاً از دستوراتی که در این زمینه صادر خواهند فرمود سپاسگزاری می‌نماید.
با تقدیم احترام- حسن عباسپور- وزیر نیرو

شماره: ۱۷۲۳ ر- ۲۴- تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۳

وزیر محترم نیرو

عطف به نامه شماره ۲۵۲۵۰/۳۴۷۱/۴۵۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۵، موضوع در شورای

نگهبان مطرح شد. نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«در هر دو موردی که سؤال شده، با توجه به قیودی که در نامه مرقوم شده، مغایر با

قانون اساسی شناخته نشد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

اصل هشتاد و دوم

استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۳۸۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر دفاع ملی نسبت به امکان به کارگیری موقت کارشناسان خارجی در ارتش، در موارد ضروری:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۴۵)، ص ۲۶۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۱۷۲۳ ر- ۲۴ مورخ ۱۳۶۰/۲/۳ در پاسخ به استفسار وزیر نیرو نسبت به امکان بررسی «ضرورت استخدام کارشناسان خارجی» در قالب مصوبه کمیسیون داخلی مجلس (بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی):

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۱)، ص ۱۳۲.

۳- نظریه تفسیری شماره ۳۱۷۹ مورخ ۱۳۶۰/۵/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار سرپرست وزارت نیرو نسبت به امکان استفاده موقت از کارشناسان خارجی متخصص در پروژه‌های نیمه تمام، بدون تصویب مجلس:

شماره: ۱۰۸۱۰/۱۵۷۸/۴۵۰ - تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۳

شورای نگهبان قانون اساسی

محترماً چون به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخدام کارشناسان خارجی قبل از تصویب مجلس شورای اسلامی منع شده، از آنجا که بعضی از شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به این وزارت در مورد غالب پروژه‌های نیمه تمام و در دست ساختمان خود نیاز به استفاده از کارشناسان خارجی متخصص به طور موقت دارند، مستدعی است نظر آن شورا را در مورد استفاده از کارشناسان خارجی در پروژه‌های نیمه تمام و در دست ساختمان، دائر به اینکه در این گونه موارد تصویب مجلس شورای اسلامی ضرورت دارد یا خیر به این وزارت اعلام فرمایند.

محمود مقلّم - سرپرست وزارت نیرو

شماره: ۳۱۷۹ - تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۱۴

سرپرست وزارت نیرو

عطف به نامه شماره ۱۰۸۱۰/۱۵۷۸/۴۵۰ مورخه ۱۳۶۰/۵/۳، موضوع در شورای

نگهبان مورد بررسی قرار گرفت.

۱۳۷ «به نظر اعضای شورا همان‌طور که در اصل ۸۲ قانون اساسی تصریح شده است استخدام کارشناسان خارجی فقط در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است؛ بنابراین در مورد سؤال نیز استخدام کارشناس خارجی باید با تصویب مجلس باشد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل هشتاد و چهارم

هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.

۱- نظریه تفسیری شماره م/۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حق نمایندگان بر مکاتبه با دستگاه‌های اجرایی جهت کسب اطلاع از امور کشور در راستای انجام وظایف نمایندگی مقرر در قانون اساسی، از جمله حق اظهار نظر راجع به تمامی مسائل داخلی و خارجی کشور:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۴۴۳۹ مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۹.

۳- نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود حقوق نمایندگان مجلس در رابطه با سؤال از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی و حدود پاسخگویی وزیر دادگستری و دیگر مسئولان قضایی به این سؤالات:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۸)، ص ۱۵۴.

اصل هشتاد و پنجم

سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند و یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

اصل سابق: سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۷۲۳ ر- ۲۴ مورخ ۱۳۶۰/۲/۳ در پاسخ به استفسار وزیر نیرو نسبت به امکان صدور مجوز توسط کمیسیون داخلی (= کمیسیون برنامه و بودجه) مجلس برای استفاده از کارشناسان متخصص خارجی در داخل یا خارج از کشور در مواقع ضروری:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۱)، ص ۱۳۲.

۲- نظریه تفسیری شماره ۵۶۵+ مورخ ۱۳۶۹/۶/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به تعیین دامنه اساسنامه‌های سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که مشمول نظارت شورای نگهبان هستند:

شماره: ۴۳۶-م/ تاریخ: ۱۳۶۸/۱۱/۲۹

شورای محترم نگهبان

با اهداء سلام و تحیات، استحضار دارید که دیوان محاسبات کشور حسب وظیفه قانونی خود می‌بایستی نسبت به حسابرسی و رسیدگی کلیه حساب‌های درآمد و هزینه و سایر دریافت‌ها و پرداخت‌ها و صورت‌های مالی دستگاه‌ها از نظر انطباق با قوانین و مقررات اقدام نماید. بر اساس قسمتی از اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«... همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون صورت می‌گیرد.» بنابراین وظیفه دیوان محاسبات کشور انطباق دریافت و پرداخت کلیه دستگاه‌ها با قوانینی است که در اجرای اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد. در رسیدگی‌های به عمل آمده مشاهده می‌شود با وجود گذشت ده سال از تصویب قانون اساسی، برخلاف اصل ۵۳ قانون اساسی، پرداخت در شرکت‌های دولتی و مصرف برخی اعتبارات بر اساس قانون نمی‌باشد. تاکنون هیچ قانونی جهت تعیین نحوه پرداخت شرکت‌های دولتی به تصویب نرسیده است بلکه در حال حاضر پرداخت در شرکت‌های دولتی مستند به آیین‌نامه‌هایی صورت می‌گیرد که مرجع تصویب آنها متفاوت است. همچنین اعتبارات کلیه شرکت‌های دولتی که به موجب اصل ۵۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌بایستی توسط دیوان محاسبات کشور رسیدگی یا حسابرسی گردد، در قانون بودجه منظور نمی‌شود. با وجود تصریح تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۶۷ اعتبارات بسیاری از شرکت‌های دولتی و بانک‌ها در

۱. تبصره ۲-

الف- کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت مکلفند بودجه سال ۱۳۶۸ خود را همراه با نظر مشورتی وزارت برنامه و بودجه در مجمع عمومی یا شورای عالی مربوط مطرح و پس از تأیید آن حداکثر تا اول آذرماه ۱۳۶۷ برای درج در لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور به وزارت برنامه و بودجه ارسال دارند.

وزارت برنامه و بودجه مکلف است از تاریخ ارسال بودجه به این وزارتخانه ظرف یک ماه نظر مشورتی خود را اعلام نماید و عدم ارائه آن به شرکت، مانع طرح و تأیید بودجه در مراجع صلاحیتدار مربوط نخواهد شد. ارائه گزارشات توجیهی بودجه هر شرکت و چهارچوب تهیه و تنظیم بودجه شرکت‌های دولتی برای سال ۱۳۶۸ تابع دستورالعمل و ضوابطی خواهد بود که از سوی وزارت برنامه و بودجه تهیه و به پیوست بخشنامه بودجه ابلاغ خواهد گردید. ارائه ارقام عملکرد مالی عملیاتی سال ۱۳۶۶ شرکت‌های دولتی جزء لاینفک گزارش توجیهی مزبور خواهد بود.

ب- کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت مذکور در بند (ج) این تبصره مکلفند لیست کامل مشخصات سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، مشارکت حقوقی و نیز سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک‌ها و همچنین میزان دریافت‌ها و پرداخت‌های ارزی سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ شرکت‌ها و مؤسسات انتفاعی مذکور را حداکثر تا پایان شهریورماه سال ۱۳۶۷ طبق فرم‌هایی که از وزارت برنامه و بودجه دریافت و تکمیل می‌نمایند، به وزارت برنامه و بودجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی ارسال دارند.

ج- کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و سایر شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و سایر شرکت‌های تابعه

بودجه کل کشور درج نگردیده و مفاد اصل ۵۵ قانون اساسی نادیده گرفته شده است. ذیلاً شرح مبسوط جهت در نظر داشتن موضوع در اجرای اصل ۹۶ قانون اساسی به استحضار می‌رسد.

۱- اساسنامه شرکت بازرسی مهندسی صنعتی ایران در جلسه مورخ ۶۵/۱/۶ هیئت وزیران به تصویب رسیده است. به موجب ردیف (۵) ماده (۱۰) اساسنامه مذکور، تصویب آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت بر اساس قوانین و مقررات مربوط از وظایف مجمع عمومی می‌باشد. همچنین در اصلاحیه اساسنامه (مصوبه ۶۶/۲/۶ هیئت

→

وزارت نفت، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، و مراکز تهیه و توزیع و سازمان صنایع ملی ایران نیز مشمول این تبصره می‌باشند.

د- به مجمع عمومی یا شورای عالی شرکت‌ها و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی مندرج در قسمت هشتم این قانون اجازه داده می‌شود بر اساس سیاست‌های دولت یا تصمیماتی که بر طبق اساسنامه یا قانون تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات مذکور مجاز به اتخاذ آن هستند و یا در صورت فراهم شدن موجبات افزایش تولید و یا سایر فعالیت‌های اصلی شرکت یا مؤسسه انتفاعی مربوط و یا بنا بر مقتضیات ناشی از نوسانات قیمت‌ها و یا به تبع سایر تحولات اقتصادی و مالی، ارقام مربوط به بودجه مصوب سال ۱۳۶۷ شرکت‌ها و مؤسسات انتفاعی ذی‌ربط مندرج در قسمت هشتم این قانون را با رعایت مقررات اساسنامه مورد عمل تغییر دهند مشروط بر آنکه این تغییر اولاً موجب کاهش ارقام مالیات و سود سهم دولت پیش‌بینی شده در جدول مذکور را فراهم ننماید، ثانیاً میزان استفاده شرکت یا مؤسسه انتفاعی مربوط از محل درآمد عمومی را افزایش ندهد.

تغییرات موضوع این بند باید حداکثر ظرف مدت پانزده روز همراه با گزارش توجیهی لازم به اطلاع وزارت برنامه و بودجه برسد. وزارتی که ریاست مجامع عمومی شرکت‌های دولتی را عهده‌دار می‌باشند، مسئول اجرای این بند خواهند بود.

وزارت برنامه و بودجه مکلف است ماهانه گزارش تغییرات موضوع این بند را همراه با نظرات خود به اطلاع کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی برساند.

ه- دولت مکلف است وضعیت آن دسته از شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور را که زیانده می‌باشند، مورد بررسی همه‌جانبه قرار داده و در صورتی که تنظیم برنامه‌های زمان‌بندی شده لازم در محدوده اختیارات دولت برای سودآور نمودن شرکت‌های مذکور مقدور نباشد، حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این قانون با رعایت اصول مربوط در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لوایح لازم برای سودآور شدن یا انحلال یا فروش یا ادغام یا تغییر وظایف و یا تبدیل آنها به مؤسسه دولتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

منظور نمودن و پذیرش هر نوع کمک در لایحه بودجه سال ۱۳۶۸ کل کشور برای جبران زیان عملیات جاری شرکت‌های مزبور موکول به تقدیم لوایح مذکور و یا ارائه برنامه‌های زمان‌بندی شده فوق‌الذکر به مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

وزیران) عبارت «بر اساس قوانین و مقررات مربوط» حذف گردیده است؛ بنابراین آیین‌نامه مالی و معاملاتی شرکت فوق‌الذکر بدون رعایت قوانین و مقررات به تصویب مجمع عمومی شرکت می‌رسد.

۱-۱- بر اساس بند (۶) ماده (۱۰) اساسنامه، تصویب تشکیلات و آیین‌نامه‌های استخدامی شرکت با رعایت قوانین و مقررات مربوط از وظایف مجمع عمومی تعیین گردیده است.

ملاحظه می‌فرمایید که:

الف: مرجع تصویب‌کننده تشکیل شرکت، هیئت وزیران است.

ب: مرجع تصویب‌کننده آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی، مجمع عمومی شرکت می‌باشد.

۲- اساسنامه شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ۶۶/۶/۲۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. به موجب بند (۸) ماده (۱۰) اساسنامه مذکور، بررسی و تصویب آیین‌نامه‌های استخدامی و مالی و معاملاتی شرکت و ارائه آن به هیئت وزیران جهت تصویب نهایی از وظایف مجمع عمومی شرکت راه‌آهن تعیین گردیده است.

این امر بیانگر آن است که:

الف: مرجع تصویب‌کننده اساسنامه، مجلس شورای اسلامی است.

ب: آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی شرکت به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۳- اساسنامه سازمان مرکزی تعاونی‌های معدنی در جلسه مورخ ۶۵/۷/۶ هیئت وزیران به تصویب رسیده و بر اساس ماده (۶) اساسنامه، سازمان از لحاظ استخدامی، مالی و معاملاتی تابع مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی می‌باشد. بدین ترتیب چون هیچ مقرراتی از لحاظ مالی و معاملاتی بر شرکت‌های دولتی مترتب نمی‌باشد، تکلیف شرکت از این لحاظ مشخص نمی‌باشد.

۴- به موجب ماده (۴) قانون اداره امور شرکت‌های بیمه، «شرکت‌های بیمه ایران، البرز و دانا با رعایت قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری و این قانون، طبق مقررات اساسنامه مربوط اداره خواهند شد و در موارد پیش‌بینی نشده مشمول قانون تجارت می‌باشند و در صورتی تابع مقررات عمومی مربوط به دولت و مؤسساتی که با سرمایه دولت تشکیل شده‌اند، می‌گردند که در مقررات مزبور صراحتاً از آنها یاد شده باشد.» هیئت وزیران در جلسه مورخ ۶۸/۹/۱۵ اساسنامه شرکت‌های یادشده را به

تصویب رسانده است. بر اساس بند (۷) اساسنامه، تصویب تشکیلات و آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت [که] از طرف مدیرعامل پس از تأیید هیئت مدیره پیشنهاد می‌شود، از وظایف مجمع عمومی تعیین شده است. همچنین به موجب ماده (۵) قانون اداره امور شرکت‌های بیمه، آیین‌نامه استخدامی مشترک شرکت‌های بیمه و بیمه مرکزی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید. بنابراین:

الف: آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی شرکت‌های بیمه به تصویب مجمع عمومی می‌رسد.
ب: آیین‌نامه استخدامی بنا به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

آنچه که در کلیه اساسنامه‌ها و یا قانون تشکیل رعایت نشده است اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. با وجود آنکه قانون استخدام شرکت‌های دولتی کماکان به قوت خود باقی است لکن به موجب اساسنامه و قوانین موجود حتی امور استخدامی شرکت‌های دولتی را نیز خارج از شمول قانون مذکور دانسته‌اند. آیا با وجود اصل ۵۳ قانون اساسی می‌توان پرداخت را اعم از حقوق و مزایا و یا خرید و معاملات را تابع آیین‌نامه‌ای نمود که به تصویب هیئت وزیران و یا مجمع عمومی می‌رسد؟ در بسیاری از موارد مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان حتی از تشکیل شرکت‌های دولتی اطلاعی ندارند. آیا می‌توان قبول نمود که مصوبات هیئت وزیران و هر مرجع دیگری به جز مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و یا احکام اسلام نایستی تطبیق داده شود؟ مصوبات هیئت وزیران در اجرای اصل ۱۲۶ قانون اساسی^۱ به اطلاع ریاست مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد. حال در صورتی که مصوبات هیئت وزیران برخلاف قانون اساسی و یا به احتمال ضعیف و خدای ناکرده برخلاف احکام اسلام باشد چه مرجعی مسئولیت تشخیص را به عهده دارد؟

اعضاء محترم شورای نگهبان به استحضار می‌رساند در قانون تشکیل و یا اساسنامه شرکت‌های دولتی که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد اجازه داده شده است تا شرکت بتواند رأساً نسبت به تشکیل شرکت‌های فرعی اقدام نماید. طبق قسمت اخیر بند (۳) اساسنامه شرکت‌های بیمه البرز، دانا، ایران و آسیا «شرکت می‌تواند طبق

۱. به نظر می‌رسد در اینجا منظور، «اصل ۱۳۸» بوده است که در متن این نامه، به اشتباه «اصل ۱۲۶» درج شده است.

مقررات به هر نوع عملیات از جمله تأسیس شرکت‌های فرعی... مبادرت نماید» و یا بر اساس تبصره (۲) ماده واحده قانون تشکیل شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایران و اساسنامه آن (مصوب ۶۶/۶/۲۹) «شرکت مجاز است برای انجام قسمتی از وظایف محوله با تصویب مجمع عمومی خود مبادرت به تشکیل شرکت‌های دیگر نماید...». این امر سبب خواهد شد تا شرکت‌هایی که به موجب قانون تشکیل شده‌اند به صورت ستادی عمل نموده و اجراء را به شرکت‌های ایجاد شده بسپارند. چه تضمینی وجود دارد که تشکیل شرکت‌های جدید با اساسنامه مصوب مجمع عمومی شرکت اصلی و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی مصوب مجمع عمومی شرکت جدید (که از بین وزراء نمی‌باشند) در چارچوب قانون اساسی عمل نمایند؟ آیا پرداخت شرکت‌های جدید به استناد آیین‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی، مغایر با اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد؟ آیا عدم درج اعتبارات شرکت‌های جدید (که بر اساس اطلاعات موجود چند برابر شرکت‌های اصلی می‌باشند) در بودجه کل کشور مغایر اصل ۵۵ قانون اساسی نیست؟

التهایه به لحاظ انجام تکلیف شرعی و قانونی اعلام می‌گردد علاوه بر اینکه کلیه پرداخت‌های شرکت‌های دولتی که هم‌اکنون بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب مجمع عمومی شرکت‌های اصلی، مجمع عمومی شرکت‌های فرعی، هیئت وزیران و... صورت می‌گیرد، بر خلاف نصّ صریح اصل ۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. چندانگی در پرداخت سبب بروز تبعیض در توزیع نیروی انسانی، عدم توانایی دولت در مهار تورم، رشد بی‌رویه جمعیت، بالا رفتن حجم نقدینگی و... نیز گردیده است. مضاف اینکه برخی از شرکت‌های دولتی بدون اساسنامه، قانون تشکیل و آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و استخدامی به فعالیت ادامه می‌دهند.

ایرج صفاتی دزفولی - رئیس دیوان محاسبات کشور

شماره: ۰۲۵۴ - تاریخ: ۱۳۶۹/۲/۲۶

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم رئیس جمهوری

با سلام، حسب اعلام دادستان محترم دیوان محاسبات، اخیراً اساسنامه‌هایی در اجرای اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب دولت رسیده و به مورد اجرا گذاشته شده، بدون اینکه اصل ۹۶ قانون اساسی رعایت شده و جهت اظهار نظر از لحاظ انطباق با قانون اساسی و موازین شرع به شورای نگهبان فرستاده شده باشد. خواهشمند است

دستور فرمایید چگونگی امر به شورای نگهبان اعلام و مفاد اصل ۸۵ در این خصوص رعایت گردد.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان - دکتر حسین مهرپور

شماره: ۱۶۱۹۸ - تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۷

جناب آقای دکتر مهرپور

قائم مقام محترم دبیر شورای نگهبان

عطف به نامه شماره ۰۲۵۴ مورخ ۶۹/۲/۲۶، به پیوست نظریه اداره کل حقوقی ریاست جمهوری^۱ را ملاحظه می فرمایند.

۱.

شماره: ۱/۲۵۴ الفح - تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۹

برادر گرامی دکتر حبیبی

معاون اول محترم رئیس جمهور

عطف به مرقومه در هاشم نامه ۰۲۵۴ مورخ ۶۹/۲/۲۶ شورای نگهبان در خصوص گزارش دادستان محترم دیوان محاسبات مبنی بر عدم رعایت اصل ۹۶ قانون اساسی در مورد اساسنامه‌هایی که اخیراً دولت در اجرای اصل ۸۵ اصلاحی قانون اساسی تصویب نموده، پیرو گزارش قبلی به استحضار می‌رساند:

۱- فهرست اساسنامه‌هایی که دولت جدید بعد از اصلاح قانون اساسی تصویب نموده پیوست است. همان گونه که ملاحظه می‌فرمایند مستند تصویب کلیه اساسنامه‌های مزبور مقدم بر اصلاحیه قانون اساسی است؛ فلذا طبعاً در اجرای اصل ۸۵ اصلاحی قانون اساسی به تصویب نرسیده است تا مشمول احکام مقرر در اصل اصلاحی باشد.

۲- نکته قابل توجه در مورد اساسنامه‌هایی که بعد از اصلاحیه قانون اساسی اجازه تصویب آن به دولت داده می‌شود این است که آیا به صرف تصویب قانونی در مجلس شورای اسلامی متضمن تعیین هیئت دولت به عنوان مرجع تصویب اساسنامه، موضوع، مشمول اصل ۸۵ قانون اساسی است یا اینکه مجلس در مواردی که نظر دارد اصل ۸۵ قانون اساسی اجرا شود لازم است نسبت به موضوع تصریح نماید؟ طبیعی است تبیین این نکته برای اساسنامه‌هایی که بعد از اصلاحیه قانون اساسی اجازه تصویب آنها به دولت داده شود حائز اهمیت است.

به نظر این دفتر، مجلس شورای اسلامی در هر مورد که نظر دارد اجازه مشمول اصل ۸۵ قانون اساسی باشد باید نسبت به موضوع تصریح نماید؛ زیرا اصل ۸۵ اصلاً ناظر به ممنوعیت تفویض حق قانونگذاری بوده است و اصلاحیه اصل مزبور موارد استثناء را توسعه داده است. از طرفی تصویب اساسنامه فی حد نفسه به منزله قانونگذاری نیست؛ زیرا در غیر این صورت مجلس شورای اسلامی قبل از اصلاحیه قانون اساسی نمی‌توانست اجازه تصویب اساسنامه‌ای را به دولت بدهد، حال آنکه به دفعات این امر قبل از اصلاحیه قانون اساسی محقق شده و شورای محترم نگهبان نیز آن را تأیید نموده است.

طبعاً اساسنامه‌هایی که بدون استناد بر اصل ۸۵ اجازه تصویب آنها داده می‌شود صرفاً در حد تصویب نامه دولت اعتبار دارد. ایرادات شرعی آن از طریق ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری به

←

نکته مهم همان است که در بند دوم نامه آمده است و بر اساس آن باید به یکی از دو صورت زیر عمل شود:

۱- چنانچه استدلال مذکور در بند (۲) بدون اظهار نظر تفسیری شورای محترم نگهبان مورد قبول باشد، به طور عادی به ترتیبی که ذکر شده است عمل خواهد شد؛ یعنی در مواردی که اجازه تصویب اساسنامه - نظیر گذشته - بدون اشاره به اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به دولت داده می‌شود (نظیر تبصره (۲) قانون انتزاع سازمان چای کشور از وزارت بازرگانی و الحاق آن به وزارت کشاورزی مصوب شانزدهم اسفندماه ۱۳۶۸)^۱، نیاز به مراجعه به شورای محترم نگهبان نیست، و در مواردی که تصریح می‌شود باید به شورا مراجعه شود.

۲- در صورتی که به نظر شورای محترم نگهبان، اصل هشتاد و پنجم از جهت مورد بحث نیاز به تفسیر داشته باشد، شورای محترم به ترتیبی که مقتضی می‌داند اعلام نظر فرمایند تا به همان صورت عمل شود.

حسن حبیبی - معاون اول رئیس جمهور

→

شورای محترم نگهبان منعکس می‌گردد و مرجع رسیدگی به ایرادات قانونی آن، هم ریاست محترم مجلس شورای اسلامی است و هم دیوان عدالت اداری.

در صورتی که اساسنامه‌هایی که در اجرای اصل ۸۵ به تصویب دولت می‌رسد در حکم قانون است و دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات از مصوباتی که در حکم قانون است نمی‌باشد. به همین جهت است که در اصل ۸۵ اصلاحی، ترتیب مندرج در اصل نود و ششم قانون اساسی در مورد آنها اعمال می‌شود. مؤید مطلب آنکه اصل ۸۵ هیئت دولت را مقید ننموده که در چارچوب قوانین، اساسنامه‌های مزبور را تصویب نماید، بلکه دولت صرفاً موظف شده از وضع احکام مغایر با قوانین خودداری نماید؛ لذا چنانکه در اساسنامه حکمی وضع نماید که قوانین در مورد آن ساکت است قابل رد کردن نیست.

در خاتمه خواهشمند است به لحاظ تأثیراتی که توضیحات مندرج در بند (۲) این نامه در اساسنامه‌های آتی دارد نسبت به آن اتخاذ تصمیم یا چنانکه مقتضی و ضروری تشخیص فرمایند مراتب در شورای محترم نگهبان جهت تفسیر نهایی مطرح گردد.

سعید تقدیسیان

۱. ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون سازمان چای کشور با کلیه امکانات و کارکنان و تأسیسات به جز امور بازرگانی و توزیع از وزارت بازرگانی منتزع و به وزارت کشاورزی منتقل می‌شود. تبصره ۱- ...

تبصره ۲- اصلاح اساسنامه سازمان مذکور به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کشاورزی و بازرگانی و سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم ریاست جمهوری

عطف به نامه شماره ۱۶۱۹۸ مورخ ۱۳۶۹/۵/۷ و پیرو نامه شماره ۰۲۵۴ مورخ ۱۳۶۹/۲/۲۶، موضوع در جلسه روز یکشنبه چهارم شهریورماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورا (۱۰ نفر) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«کلیه اساسنامه‌های سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت که پس از تاریخ اصلاحیه قانون اساسی به تصویب هیئت دولت رسیده یا برسد، خواه اجازه تصویب آن قبل از تاریخ اصلاحیه قانون اساسی داده شده و یا بعد از تاریخ مزبور باشد و خواه در ضمن واگذار کردن اجازه تصویب، تصریح به اصل ۸۵ قانون اساسی شده یا نشده باشد، مشمول حکم مقرر در اصل فوق‌الذکر بوده و باید برای تشخیص عدم مغایرت آنها با موازین شرع و قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به مرجع وضع آیین‌نامه، تصویب‌نامه و اساسنامه در قوه مجریه و امکان وضع این مقررات توسط نمایندگان ویژه رئیس جمهور (موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی):

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۷)، ص ۱۹۸.

۴- نظریه تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۷۳۲ م مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به حیطه صلاحیت و اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی، مقرر در اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۸)، ص ۲۴۴.

اصل هشتاد و ششم

نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظرانی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.

– نظریه تفسیری شماره ۸۰/۲۱/۳۰۳۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به مصونیت پارلمانی نمایندگان مجلس و حدود آن: شماره: ۱/۸۰/۱۹۱۰۶- تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۹

حضرت آیت‌الله جنتی (دام عزّه‌العالی)
دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی
سلام علیکم

موجب امتنان خواهد بود تا با طرح و بررسی اصل هشتاد و ششم (۸۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آن شورای محترم، نظریه تفسیری شورا نسبت به مصونیت پارلمانی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و حدود آن به این قوه، اعلام فرمایید تا در اختیار مراجع قضایی قرار گیرد.

ضمناً (۸) برگ مکاتبات و سوابق موجود در این قوه در خصوص مورد، جهت استحضار به پیوست ارسال می‌گردد.^۱

سید محمود هاشمی شاهرودی- رئیس قوه قضائیه

۱. صورت جلسه اعضای هیئت مشترک نمایندگان قوای قضائیه و مقتنه و نامه‌های ریاست محترم قوه قضائیه به ریاست محترم جمهوری به این شرح می‌باشد:

الف- صورت جلسه اعضای هیئت مشترک

محتوای اصل ۸۴ و ۸۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مواد (۷۵)، (۷۶) و (۷۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی و دامنه شمول آنها طی ده جلسه مورد بحث نمایندگان قوای قضائیه و مقتنه، به عنوان اولین دستور جلسه آنان قرار گرفت و نهایتاً تفسیر ریاست محترم قوه قضائیه به شرح زیر مورد توافق طرفین قرار گرفت.

امید است که این تفسیر مورد توجه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و قضات محترم دادگستری قرار گیرد و موجب ایجاد جوّ تفاهم بیشتر بین دو قوه شود.

«مصونیت نماینده یا از باب مصونیت قضایی به معنای عدم امکان پیگرد قضایی (احضار و محاکمه) در فرض صدور بزه از او می‌باشد، و یا از باب عدم مجرمیت به معنای نفی وصف بزه از فعل انجام شده است.

معنای نخست که مصونیت قضایی نام دارد، مورد نظر قانون‌گذار ما نبوده است؛ زیرا هم قانون

→

اساسی در اصل ۸۶ و هم آیین‌نامه داخلی مجلس ناظر به اظهار نظر نمایندگان در مجلس بوده و آنچه را که وظیفه ایفای نمایندگی می‌باشد مصون دانسته که این به معنای نفی جرم بودن اظهار نظر در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است، نه مصونیت کسوت نمایندگانی از تعقیب قضایی در صورت صدور بزه و اساساً چنانچه نظر قانون‌گذار مصونیت قضایی از بزه واقع شده بوده باشد می‌بایستی در خود آن قانون، راهکار و چگونگی سلب و تعلیق منشأ مصونیت در صورت صدور جرم قطعی نیز دیده می‌شد، همان‌گونه که در مصونیت قضات و غیره دیده شده است.

بنابراین منظور قانون‌گذار معنای دوم مصونیت یعنی نفی جرم بودن اظهارات نماینده در مقام ایفای وظیفه نمایندگی است. حال بایستی دیده شود این مصونیت به چه اندازه و در چه محدوده‌ای است؟ قطعاً نمی‌توان گفت منظور قانون‌گذار این بوده است که کلیه بزه‌ها و جرایمی که در قوانین جرم و جزا به تصویب رسیده است در مورد نماینده منتفی بوده و در صورت صدور از او جرم تلقی نخواهد شد. از طرف دیگر هم قطعاً در این قانون توجه ویژه‌ای به نماینده مبذول شده است، و نمی‌توان گفت که هیچ فرقی میان او و دیگر شهروندان نیست؛ زیرا در چنین حالتی دیگر این قانون لغو و بی‌معنی بوده و نیازی به تصویب آن نمی‌باشد.

آنچه در تفسیر این قانون به نظر می‌رسد آن است که قانون‌گذار درصدد برآمده است تا نقش نمایندگان را در محدوده ایفای وظایف نمایندگی مصون از تعرض قضایی قرار دهد؛ زیرا که وظیفه و تکلیف و حق قانونی او می‌باشد. مفاد این قانون این خواهد بود که هر چه اقتضای وظیفه نمایندگی و اختیارات مجلس نسبت به دستگاه‌های دیگر و مسئولین قرار داده شده است گرچه مستلزم دخالت در شئون و اختیارات آن دستگاه‌ها و یا مسئولین می‌باشد و در حقیقت به نوعی آزادی و فعالیت آنان را محدود می‌کند که در فرض نبودن چنین اختیاری این حق نمی‌بود و لذا هر شهروندی حق محدودکردن و یا دخالت در فعالیت‌های دیگران و مخصوصاً دستگاه‌ها را ندارد، جرم نبوده و صدور آن از نمایندگان قابل تعقیب نیست. همانند وظیفه مدعی‌العموم که عبارت است از اتهام و تعقیب و بازرسی و یا کیفر خواستن در موارد مشاهده علانم جرم که نسبت به او جرم افترا و یا توهین محسوب نمی‌شود. ولی چنانچه همین امر از غیر مدعی‌العموم و یا قاضی پرونده صادر شود جرم تلقی خواهد شد. و یا مانند مأمور راهنمایی و رانندگی که هرگونه منعی را از عبور و مرور اتومبیل‌ها در خیابان‌ها انجام دهد جرم نبوده؛ زیرا در محدوده وظیفه و اختیارات اوست، لیکن همین امر چنانچه از غیر مأمور راهنمایی و رانندگی صادر شود تجاوز به حقوق دیگران بوده و جرم تلقی شده و قابل تعقیب است.»

محل امضای اعضاء هیئت مشترک نمایندگان قوای قضائیه و مقننه

ب-

شماره: ۸۰/۱۴۲۶۷- تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۲۲

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد خاتمی

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیات

چندی است که نامه‌های پیاپی با امضای رئیس هیئت پی‌گیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

←

→

همراه با توشیح حضرت عالی توسط دفتر شما در رابطه با پرونده‌های متهمین یا محکومین ارسال و سیر طبیعی خود را طی می‌نمود. ولی دریافت نامه مورخ (۱۳۸۰/۷/۸) در رابطه با پرونده‌های دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سپس پخش وسیع آن در شبکه جهانی اینترنت و رسانه‌ها مایه شگفتی گردید. زیرا گذشته از آنکه وضعیت فعلی منطقه، وحدت و انسجام ملی و همدلی بیشتر مسئولان را می‌طلبد، در ادوار مختلف چنین پرونده‌هایی در محاکم قضایی سیر طبیعی‌اش را سپری کرده است و این دو پرونده ... است که در محاکم قضایی مطرح و رسیدگی شده است.

به هر حال اینجانب با اینکه هرگونه حرکتی را که شبهه وجود اختلاف میان مسئولان را در اذهان پدید آورد، مقرون به صواب نمی‌دانم چند نکته‌ای را تنها از باب تبیین موضوع عرض می‌نمایم:

۱- قانون اساسی در بند سوم از اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴، نظارت بر حسن اجرای قوانین را از وظایف ذاتی قوه قضائیه برشمرده و در اصل ۱۱۳، اجرای قانون اساسی را از وظایف رئیس جمهور دانسته است و تفاوت میان این دو با اندک تأملی واضح و روشن می‌باشد.

«نظارت بر حسن اجراء» مربوط به موارد تخلف دستگاه‌ها از اجرای صحیح قانون و نقض آن است و اجرای قانون اساسی، اجراء و احیا و معطل نماندن و شکل‌گیری اجرایی قوانین را می‌رساند. بر این اساس مفاد اصل ۱۱۳ که مورد استناد و فلسفه وجودی هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی قرار گرفته، به معنای پیگیری اجرا و احیای اصول قانون اساسی است و رئیس قوه مجریه موظف است وظایف مربوط به آن را مستقیماً اجرا کند و در رابطه با دیگر قوا و نهادها مانند رهبری نظام، مجلس، قوه قضائیه، شورای نگهبان و نظایر آنها باید شرایط و مقدمات لازم را جهت اجرا و احیاء آن قوانین که در اختیار او می‌باشد مهیا کرده و در صورت عدم اجراء، تذکر دهد و این منافی با بند (۳) اصل ۱۵۶ نمی‌باشد؛ زیرا مفاد این بند نظارت بر حسن اجرا و رسیدگی به تخلفات از قوانین و معنای اصل ۱۱۳، پیگیری و تذکر درباره لزوم اجرای قانون اساسی است.

۲- علاوه بر آنکه در متن اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه مستقل از دیگر قوا دانسته شده است و برای رسیدگی به اعتراضات و پیشگیری از تضییع حقوق مردم نهادهای نظارتی مشخص (مانند محاکم تجدیدنظر، دیوان عالی کشور، محکمه انتظامی قضات و نظایر آن) در قانون اساسی و قوانین عادی برای قضات و محاکم پیش‌بینی شده است و ایجاد و فعالیت هرگونه نهاد نظارتی دیگر، به ویژه اگر در درون قوه دیگر شکل بگیرد، با برخی از اصول قانون اساسی «مخصوصاً» اصول ۱۵۶ و ۱۶۱ مغایرت دارد.

۳- «ماده ۱۵» قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ «در مورد حق رئیس جمهوری برای دادن اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه با توجه به اصلاح اصل ۱۱۳ قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف عبارت «تنظیم روابط قوای سه‌گانه» از میان مسئولیت‌های رئیس جمهور و حذف «نخست‌وزیر» از تشکیلات دولت» قابل استناد برای اطلاق نظارت نیست. بدیهی است هرگونه نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد «اصل ۱۱۳ اصلاحی» برای همه قوای کشور لازم‌الاتباع خواهد بود.

۴- در رابطه با موضوع مصونیت نمایندگان مجلس، هر چند که این موضوع طی جلسات مختلفی در هیئت مشترک مجلس و قوه قضائیه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و منظور نظر حضرت عالی

←

→

هم مصونیت مطلقه نیست، قصد ورود به ماهیت این بحث را ندارم، لیکن مناسب است بر این نکته تأکید ورزم که چون قاضی بر اساس اصول قانون اساسی و قوانین عادی و مبانی مسلم فقهی و حقوقی در برداشت از قانون و اعلام نظر و انشای حکم کاملاً مستقل است و هیچ‌کس، حتی رئیس قوه قضائیه، حق تحمیل برداشت خود را از قانون به قاضی ندارد و تنها دادگاه صالح برتر است که از حق نقض حکم قاضی بر اساس موازین قانونی برخوردار می‌باشد، درخواست از رئیس قوه قضائیه برای الزام قضات به در پیش گرفتن رویه و برداشتی خاص با اصول مسلم حقوقی و اصول قانون اساسی مغایر است، مگر آنکه شورای نگهبان با تفسیر اصلی از اصول قانون اساسی همه قضات را به برداشتی خاص از قانون ملزم نماید.

در پایان، امیدوارم با تدبیر و درایت جناب‌عالی، که همواره مورد ارادت اینجانب بوده و هستید و خود بارها از ایجاد بحران و تنش در جامعه شکوه نموده‌اید، این‌گونه مباحث و مسائل که نیازمند بررسی‌های دقیق علمی و حقوقی می‌باشد، قبل از آنکه به عرصه رسانه‌ها کشیده شده و ایجاد دغدغه و شبهه برای مردم نماید، در محافل کارشناسی بررسی گردیده و در جلسات سران قوا، راهکارهایی روشن برای حل و فصل آنها اندیشیده شود. بدیهی است این تدبیر مخصوصاً در شرایط حساس کنونی حاکم بر منطقه ضروری‌تر می‌نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۸۰/۷/۲۲

ج -

شماره: ۱/۶۴۹ - تاریخ: ۱۳۸۰/۸/۲۸

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی «دام عزه»

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

باسلام و تحیت

دو نامه از جناب‌عالی در یک روز و به یک تاریخ (۸۰/۸/۱۶) واصل شد. قبلاً نیز نامه دوم جناب‌عالی را ابتدا از رسانه‌های عمومی کشور و مصاحبه جناب‌عالی در مجلس و سپس از طریق دفتر جناب‌عالی دریافت کردم. لحن و سیاق کیفیت این نامه‌ها با کلیه نامه‌های دیگر حضرت‌عالی فرق‌های زیادی در بر دارد که مایه شگفتی اینجانب گردید.

اینجانب همان‌طوری که در نامه قبل عرض کردم ادامه این قبیل مکاتبات را صلاح نمی‌دانم؛ زیرا هم خلاف مصلحت نظام است و هم مخالف شأن رؤسای محترم سه قوه، به ویژه اینکه این دو نامه تکرار و شرح همان مطلب نامه اول جناب‌عالی است که خیال می‌کنم پاسخ علمی آن را داده‌ام. مطلب جدید این دو نامه یا مطالبی است که در برخی مطبوعات علیه قوه قضائیه آمده و یا برگرفته از گزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس که برای خود اختیارات و وظایف فراقانونی و بر خلاف قانون اساسی در رابطه با پرونده‌های قضایی قائل شده است می‌باشد. ضمیمه نامه هم نظریات شخصی یکی از اعضای هیئت نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی است که مکرر در مطبوعات پخش شده و مورد نقد و نقض برخی حقوقدانان و قضات قرار گرفته است.

در هر صورت همان‌طوری که در نامه قبل عرض کردم نه اصل ۸۶ دلالتی بر مصونیت نمایندگان مجلس دارد و نه این نظر را که برخلاف نظر قاطبه قضات دستگاه قضایی است می‌توان بر آنان تحمیل نمود و نه

←

→

نظارت بر حسن اجرای قانون اساسی برای رئیس جمهور از اصل ۱۱۳ استفاده می‌شود، بلکه به مقتضای صریح قانون اساسی در اصل ۱۵۶، این حق بر عهده قوه قضائیه نهاده و ریاست جمهوری در اصل ۱۱۳ تنها وظیفه اجرای قانون اساسی به معنای عدم معطل ماندن اصول آن را بر عهده دارد و هیچ مفسر حقوقی از واژه «اجرای قانون»، نظارت بر حسن اجرا را که در بند (۳) اصل ۱۵۶ قانون اساسی از وظایف صریح قوه قضائیه شمرده شده استفاده نمی‌کند. بسیار جای تعجب است که برخی خواسته‌اند مفهوم نظارت را لازمه مسئولیت اجرای قانون بدانند، غافل از اینکه معمولاً در قوانین، دستگاه نظارت‌کننده جدا از دستگاه اجراکننده است و وظیفه نظارت بر حسن اجرا و عدم نقض، ماهیتاً وظیفه‌ای قضایی است که در مقابل وظیفه اجرا قرار می‌گیرد و نه تنها لازمه آن نبوده، بلکه با آن تقابل دارد.

و اما در رابطه با استناد به قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی که در نامه جناب‌عالی آمده است و در گذشته به آن پاسخ دادیم، باید عرض کنم: اولاً این قانون عادی قبل از بازنگری تصویب شده است که قطعاً برخی از بندهای آن با تغییر اصل ۱۱۳ قانون اساسی در بازنگری لغو شده است که خود نیاز به بازنگری و اصلاح دارد که چه بسا در اصلاح این ماده نیز مشمول اصلاح گردد.

ثانیاً آنچه در این بند آمده باز هم در حوزه مسئولیت اجرایی قانون اساسی می‌باشد نه بیشتر؛ یعنی در این بند در فرض قبول و عدم تغییر آن، «حق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم» را جهت انجام مسئولیت اجرای قانون اساسی به رئیس جمهوری داده است که طبق آنچه در رابطه با معنای اجرای قانون عرض شد ارتباطی با نظارت بر حسن اجرای قانون و عدم نقض آن ندارد، بلکه در چارچوب نظارت بر اجرا و پیاده شدن اصول قانون اساسی و معطل نماندن آن مفهوم پیدا می‌کند؛ مثلاً چنانچه دستگاه قضایی اصل ۱۷۳ را که مربوط به تشکیل دیوان عدالت اداری است ایجاد نکرده، رئیس جمهور مسئول است در این رابطه به قوه قضائیه اخطار داده و اقدامات لازم جهت ایجاد این دیوان را آماده کند و این مطلبی است جدا از نظارت بر قضات دیوان عدالت و احکام آنان که آیا برخلاف قانون اساسی یا عادی حکمی صادر نموده‌اند یا خیر؟ که از آن تعبیر می‌شود به حسن اجرای قوانین و عدم تخلف از آنها زیرا ماهیت قضایی داشته و طبق اصل ۱۵۶ تنها در اختیار قوه قضائیه و دادگاه‌های صالحه آن می‌باشد.

مسئله نظارت ریاست جمهوری بر زندان‌ها و یا پرونده‌های متهمین بند (۵۹) نیز که در نامه دیگر حضرت‌عالی آمده است مخالف اصول قانون اساسی و استقلال قضات است که در فقه و قانون اساسی بر آن استقلال تأکید شده است. اینجانب به هیچ وجه به خود اجازه نمی‌دهم برخلاف آن عمل کرده و شأن قضاوت را خدشه‌دار کنم، مگر اینکه شورای محترم نگهبان تفسیری ارائه نماید و یا رهبری معظم انقلاب که نظارت عالی را بر نظام و قوای آن دارند فرمان دهند که در این صورت برای همه امثال آن واجب است.

آنچه عرض شد در حوزه قوانین و مقررات است. بی‌شک در فضایی صمیمی و همدلانه می‌توان سریع‌تر به مقاصد و حل مشکلات رسید. در این ایام مبارک توفیقات روزافزون را برای آن جناب در خدمت به انقلاب اسلامی و مردم عزیزمان خواستارم.

والسلام علیکم و رحمت‌الله - محمود هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه

شماره: ۸۰/۲۱/۳۰۳۶- تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۰

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی «دامت برکاته»

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۸۰/۱۹۱۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۹ در خصوص استفسار نظر شورای نگهبان راجع به اصل هشتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، موضوع در جلسه سه‌شنبه مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ مطرح گردید و نظر تفسیری شورا پس از بحث و بررسی مفصل و با مطالعه و امعان نظر در آرا و نظرات فقها، حقوقدانان و صاحب‌نظران، بدین شرح اعلام می‌گردد:

با عنایت به:

۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اصل هشتاد و ششم، حاکی از اینکه مصونیت ریشه اسلامی ندارد و تمام مردم در برابر حق و قانون الهی یکسان و برابرند، و هر فردی که در مظنه گناه یا جرم قرار گیرد قابل تعقیب است و اگر شکایتی علیه او انجام گیرد دستگاه قضایی باید او را تعقیب کند؛

۲- اصول متعدد قانون اساسی، از آن جمله اصول نوزدهم و بیستم دائر بر برخورداری

همه ملت ایران از حقوق مساوی؛

۳- اختصاص موضوع اصل هشتاد و شش مربوط به اظهار نظر و رأی نمایندگان در مجلس و در مقام ایفای وظایف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه؛

۴- عدم توجیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم؛

۵- نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دائر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضائیه،

«اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهار نظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی، در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می‌باشد و این آزادی، نافی مسئولیت مرتکب جرم نمی‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل هشتماد و هشتم

در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای اسلامی.

اصل سابق: در هر مورد که نماینده‌ای از وزیر مسئول درباره یکی از وظایف او سؤال کند آن وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید بیش از ده روز به تأخیر افتد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس شورای ملی.

۱- نظریه تفسیری شماره م/۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حق نمایندگان بر مکاتبه با دستگاه‌های اجرایی و سؤال از مسئولان در راستای انجام وظایف نمایندگی مقرر در قانون اساسی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۴۴۳۹ مورخ ۱۳۶۱/۱/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود وظایف، اختیارات و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۹.

۳- نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود حقوق نمایندگان مجلس در رابطه با سؤال از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی و حدود پاسخگویی وزیر دادگستری و دیگر مسئولان قضایی به این سؤالات:

شماره: ۴۵۳۶- ق- تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۹

شورای محترم نگهبان

معمولاً نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل ۸۸ قانون اساسی از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی کشور و امور مربوط به شورای عالی قضایی سؤالاتی می‌نمایند و شورای عالی قضایی خود را ملزم به جواب سؤالات نمی‌داند. وزیر دادگستری هم اظهار می‌دارد در اموری که تصمیم‌گیری آن به وزیر دادگستری محول نشده امکان جواب گفتن ندارد.

لطفاً با توجه به همه اصول مربوطه قانون اساسی حدود و حقوق نمایندگان، وظایف شورای عالی قضایی و وزارت دادگستری را در رابطه با اصل ۸۸ مشخص فرمایید.

رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی

شماره: ۹۰۷۵- ق مورخ: ۱۳۶۲/۴/۱۶

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۵۳۶- ق مورخ ۶۲/۴/۹، موضوع سؤال در جلسه شورای

نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بدین شرح اعلام نظر شد:

«در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل ۸۸ قانون

اساسی مصرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظایفی که در اصل ۱۶۰ قانون اساسی

برای او مقرر شده است مسئول می باشد و علی هذا در رابطه با مسئولیت های قوه قضائیه،

وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود، ولی در رابطه با شکایات از طرز کار قوه قضائیه به

موجب اصل ۹۰ قانون اساسی عمل خواهد شد و نیز در رابطه با مواردی که مجلس

شورای اسلامی تحقیق و تفحص را لازم بداند، طبق اصل ۷۶ قانون اساسی می تواند

تحقیق و تفحص نماید. بدیهی است در رابطه با این دو اصل و کیفیت تحقیق و تفحص و

اقدامی که مجلس شورای اسلامی در صورتی که پاسخ را قانع کننده ندانست باید بنماید،

می تواند قانون لازم را تصویب نماید.

علاوه بر این، چون طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده می تواند در همه مسائل

داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید، در امور قضایی نیز می تواند هرگونه نظری را

لازم بداند در مجلس شورای اسلامی اظهار نماید.»

دبیر شورای نگهبان- لطف الله صافی

۴- نظریه تفسیری شماره ۱۰۱۸۴ مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به

استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به پاسخگویی وزیر مشاور در امور اجرایی

به سؤالات نمایندگان مجلس:

شماره: ۵۳۵۳- ق- تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۱

شورای محترم نگهبان

در اجرای اصل هشتاد و هشتم قانون اساسی وزراء موظف به حضور در مجلس و

پاسخ به سؤالات نمایندگان محترم می باشند.

خواهشمند است اعلام فرمایند آیا وزیر مشاور در امور اجرایی نیز چون سایر

وزراء موظف به پاسخگویی است یا خیر؟

از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی- سید محمد موسوی خوئینی ها

شماره: ۱۰۱۸۴- تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۲۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۵۳۵۳- ق مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۱، موضوع در جلسه شورای

نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضای شورا (بیش از سه چهارم) به شرح ذیل اعلام می شود:

«هر وزیری که طبق قانون و با رأی اعتماد مجلس به عنوان وزیر تعیین شده باشد، طبق اصل ۱۳۷ قانون اساسی در برابر مجلس مسئول است و مطابق اصل ۸۸ می توان از او سؤال کرد، و تعیین مشاور یا معاون نخست وزیر به عنوان وزیر مشاور جهت عملیات اجرایی، مغایر قانون اساسی است.»

دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

۵- نظریه تفسیری شماره ۳۳۹۱ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی ایران نسبت به وضعیت سؤال نمایندگان از نخست وزیر:

شماره: ۱۵۵۶۸/۲۵۱. د. هـ- تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۱۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
پس از سلام، پیرو سؤال عده ای از نمایندگان مجلس از آقای نخست وزیر و اشکالی که در اعلام وصول آن مطرح فرمودید، اینک استفساریه جمعی از نمایندگان از شورای محترم نگهبان در خصوص مسئله «سؤال از نخست وزیر» به پیوست تقدیم و به منظور پیشگیری از فوت وقت و تضییع حقوق ملت ایران تقاضای تسریع در تعیین تکلیف می شود.^۱

شورای محترم نگهبان «ایدهم الله تعالی»
با سلام و تقدیم احترام. پس از نظری که آن شورا در بررسی آیین نامه داخلی مجلس طی شماره ۴۵۱۳ مورخ ۱۳۶۱/۲/۲^۲ درباره مسئولیت نخست وزیر، مستند به اصل ۸۸ قانون اساسی ارائه فرمودند و اظهار شد که سؤال به ترتیب موجود در اصل

۱. رئیس وقت مجلس شورای اسلامی پی نوشت نمود:

شورای محترم نگهبان
لطفاً به سؤال نمایندگان پاسخ فرمایید.

اکبر هاشمی رفسنجانی - ۱۳۶۴/۲/۱۸

۲. نظر شماره ۴۵۱۳ مورخ ۱۳۶۱/۲/۲ شورای نگهبان در خصوص آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی: «... آن قسمت از ماده (۱۴۷) و (۱۴۸) که اجازه می دهد هر یک از نمایندگان نخست وزیر را مورد سؤال قرار دهند، با توجه به اینکه در اصل ۸۸ تصریح شده که نماینده از وزیر مسئول می تواند سؤال کند و سؤال به مفهوم مذکور در قانون اساسی از نخست وزیر پیش بینی نشده، مغایر قانون اساسی می باشد.»

۸۸ از وزیر عملی می‌شود،^۱ طی نظریه شماره ۶۲۰۶ مورخ ۶۱/۸/۲۳ درباره طرح قانونی تشکیل شورای عالی صنایع به این شرح: «تشکیل این شورا با توجه به اینکه مسئول تصمیمات آن در برابر مجلس معلوم نشده است و مستفاد از اصل ۸۸، ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون اساسی این است که مجلس و نمایندگان در کل امور اجرایی از نخست‌وزیر و وزراء حق سؤال دارند، با سه اصل مذکور مغایر است» نخست‌وزیر را مسئول دانسته و اجازه سؤال از وی داده‌اید. همچنین در ماده (۱۵۱) آیین‌نامه داخلی^۳ که به تأیید آن شورا نیز رسیده اجازه سؤال از نخست‌وزیر داده شده است و خصوصاً که بر اساس نص صریح ذیل اصل ۱۳۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است» طبعاً و به طور قطع نظریه شماره ۴۵۱۳ شورای نگهبان نمی‌تواند منجر و منتج به عدم مسئولیت نخست‌وزیر گردد. به علاوه:

۱. اولاً وزیر مسئول در اصل ۸۸ نخست‌وزیر را هم شامل می‌شود؛ چرا که نخست‌وزیر خود یک وزیر است و کلمه وزیر اول به نخست‌وزیر ترجمه شده است و کلمه وزیر مسئول در این اصل، عام می‌باشد. ثانیاً به نظر می‌رسد که اصل ۸۸ قانون اساسی بحث در نحوه و کیفیت پاسخگویی به مجلس دارد و مسئله امکان و توانایی سؤال از وزیر یا نخست‌وزیر مطرح نیست که شورای نگهبان در نظریه شماره ۴۵۱۳ مورخ ۶۱/۲/۲ خویشت با عبارت «با توجه به اینکه در اصل ۸۸ تصریح شده که نماینده از وزیر مسئول می‌تواند سؤال کند ...» روی مسئله امکان سؤال تکیه کرده است؛ در حالی که قانون اساسی در اینجا در مقام بیان این مطلب نبوده است که نماینده از وزیر می‌تواند و از نخست‌وزیر نمی‌تواند سؤال کند، حتی دامنه‌اش توسعه هم یافته و گفته شود در قانون اساسی پیش‌بینی سؤال از نخست‌وزیر نشده است. در این صورت صراحت اصل ۱۳۴ چه می‌شود؟ (پاورقی مربوط به نامه مذکور می‌باشد).

۲. نظر شماره ۶۲۰۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۳ شورای نگهبان در خصوص طرح تشکیل شورای عالی صنایع مصوب ۱۳۶۱/۸/۹ مجلس شورای اسلامی: «... در ماده (۳) اشکالات زیر وارد است: الف- ...

ب- تشکیل این شورا با توجه به اینکه مسئول تصمیمات آن در برابر مجلس معلوم نشده است و مستفاد از اصل ۸۷، ۱۳۴ و ۱۳۷ قانون اساسی این است که مجلس و نمایندگان در کل امور اجرایی از نخست‌وزیر و وزراء حق سؤال دارند، با سه اصل مذکور مغایر است.»

۳. ماده ۱۵۱- چنانچه سؤال یا استیضاح نمایندگان با عمل نهادهای انقلابی جدید یا آینده که از بودجه دولت استفاده می‌نمایند و به موجب قانون در حوزه اختیارات قوه اجراییه مملکت می‌باشند ارتباط داشته باشد، آن سؤال یا استیضاح از طریق نخست‌وزیر یا وزیری که نهاد مورد بحث در حوزه مسئولیت او قرار گرفته صورت می‌گیرد.

اولاً ذیل اصل ۱۳۴ نمی‌تواند ناظر بر مسئولیت نخست‌وزیر به عنوان امکان استیضاح باشد، چون استیضاح نخست‌وزیر به تنهایی معنا ندارد؛ زیرا هم قانون اساسی در اصل ۸۹ پیش‌بینی استیضاح هیئت وزیران را کرده است و هم اینکه چون در استیضاح مسئله اخذ رأی اعتماد مطرح است نمی‌تواند درباره شخص نخست‌وزیر معنی داشته باشد.

ثانیاً کلمه «مجلس» در ذیل اصل ۱۳۴ به این معنی نیست که نخست‌وزیر باید پاسخگوی کل مجلس به عنوان یک شخصیت حقوقی باشد؛ چرا که مجلس اساساً یک شخصیت حقوقی نیست، و به علاوه در اصل ۱۳۷ درباره وزراء نیز عیناً چنین عبارتی وجود دارد.

یا مثلاً نمی‌توان چنین تفسیر کرد که باید مجلس مورد سؤال را تصویب کند، آنگاه نخست‌وزیر برای پاسخگویی حاضر شود؛ زیرا وقتی قانون اساسی به (۱۰) نفر نماینده اجازه استیضاح هیئت دولت را می‌دهد، چطور می‌توان پذیرفت که برای یک سؤال از نخست‌وزیر آرای حداقل نصف به علاوه یک نمایندگان حاضر ضروری است. خواهید گفت از ذیل اصل ۱۳۴ چه چیزی مورد نظر بوده است؟ به نظر می‌رسد که عمده دلیلی که برای ذیل اصل ۱۳۴ قانون اساسی وجود دارد این است که خواسته است مواردی را که به وزارتخانه خاصی ارتباط نداشته و بلکه با تصمیم هیئت وزیران عملی می‌شود بلا تکلیف نگذاشته و مسئولش را مشخص کند که گفته است «نخست‌وزیر» باید پاسخگو باشد که مورد پیوست نمونه‌ای از این حالت است.

بالطبع اختیارات و مسئولیت‌هایی که در قانون اساسی منحصر به نخست‌وزیر بوده و به وی واگذار شده باید پاسخگویی باشد یا تصمیماتی که شخص وی اتخاذ نموده و یا اقداماتی که شخص وی می‌نماید باید نسبت به آنها در برابر مجلس پاسخگو باشد و اساساً نمی‌شود فردی به هر عنوان از مجلس رأی اعتماد بگیرد و پاسخگوی مجلس نباشد^۱ و البته به غیر از شیوه مذکور در اصل ۸۸ روش دیگری که با سایر اصول قانون اساسی سازگاری

۱. وظایف انحصاری نخست‌وزیر مثل معرفی وزراء به مجلس چگونه باید مورد سؤال قرار گیرد؟ (قریب یک سال است که وزیر دفاع در شرایط جنگی وجود ندارد) و کلاً تصمیماتی که نخست‌وزیر اتخاذ می‌نماید چه کسی باید پاسخگویی باشد؟ چه بر اساس قوانینی که از همین مجلس گذشته و شورای نگهبان هم تأیید کرده است (مثل قانون نحوه اداره صدا و سیما مستند به اصل ۱۷۵ قانون اساسی)، یا تصمیماتی که هیئت وزیران بر اساس اصل ۱۳۹ قانون اساسی می‌گیرد؟ یا نخست‌وزیر باید دستور اجرای قوانین را بدهد و... یا در مورد مسائل مربوط به داوری در لایحه بین ایران و آمریکا که شخص نخست‌وزیر تصمیم‌گیرنده است؟ (پاورقی مربوط به نامه مذکور می‌باشد)

داشته و اقناع‌کننده آنها باشد، نمی‌توان یافت. مضافاً بر اینکه اعلام غیر مسئول بودن نخست‌وزیر به نحوی که الآن مطرح است، باعث می‌شود که قانون‌گذار نتواند هیچ وظیفه‌ای را به عهده وی بگذارد، در حالی که در مواردی، غیر از نخست‌وزیر هیچ عنصری نمی‌تواند آن وظیفه را به نحو احسن اداره نماید (سازمان امور اداری و استخدامی، سازمان حفاظت محیط زیست و ... از آن جمله‌اند). لذا استدعا می‌شود راهنمایی بفرمایید.

محمدرضا باهنر، اسماعیل فدایی، سید احمد کاشانی، سید محمدحسن علوی، سید رضا زواره‌ای، لطیف صفری، غلامرضا رحیمی، محمد یزدی، رحیم علیزاده، فریدون استکی، حسین محمد خانی شاهرودی، جعفری، محمد صالح طاهری، سید جواد حسینی، سید اسداله بادامچیان، محمدرضا عباسی‌فرد، محمد محمدی، سید ابوطالب محمودی، سید جلیل صدر طباطبایی.

شماره: ۳۳۹۱- تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۲۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۵۵۶۸/۲۵۱/د. ه مورخ ۱۳۶۴/۲/۱۸، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح شد و پس از دقت مجدد در اصل ۸۸ قانون اساسی، نظر اکثریت اعضا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«به موجب اصل مذکور، نمایندگان فقط حق سؤال از وزیر مسئول را دارند.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل هشتاد و نهم

۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

۲- در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد.

اصل سابق: نمایندگان مجلس می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت نخست‌وزیر یا وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیئت وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند.

- نظریه تفسیری شماره ۱۰۳۶ مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به ملاک رأی‌گیری در استیضاح وزراء برای برکناری وزیر، از جهت اخذ رأی به «عدم اعتماد» یا اخذ «رأی اعتماد مجدد» به وزیر:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۴.

اصل نودم

هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود حقوق نمایندگان مجلس در رابطه با سؤال از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی و حدود پاسخگویی وزیر دادگستری و دیگر مسئولان قضایی به این سؤالات:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۸)، ص ۱۵۴.

۲- نظریه تفسیری شماره ۸۸۴۶ مورخ ۱۳۶۶/۷/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به تعیین محدوده حق مقرر در اصل ۷۰ قانون اساسی برای رئیس جمهور، نخست‌وزیر و وزراء و امکان تسری شمول آن به هنگام قرائت گزارش کمیسیون اصل (۹۰) و...:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۰)، ص ۹۹.

اصل نود و یکم

به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به‌وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

اصل سابق: به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:

۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با رهبر یا شورای رهبری است.

۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به‌وسیله شورای عالی قضایی به مجلس شورای ملی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۸۰/۲۱/۱۶۸۲ مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به نحوه انتخاب حقوقدانان شورای نگهبان توسط مجلس شورای اسلامی:

شماره: ۱/۸۰/۵۹۶۸- تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۷

شورای محترم نگهبان (دامت برکاتهم)

سلام علیکم

با آرزوی موفقیت و عزت روزافزون برای آن عزیزان، فقهای عظام و حقوقدانان ارجمند که به حق نگهبانان راستین قانون اساسی و پایگاه سلامت و اسلامیت قوانین کشور هستید، استدعا دارم نظر تفسیری آن شورای محترم را در رابطه با ذیل بند دوم اصل ۹۱ قانون اساسی اعلام فرمایید.

در این اصل تصریح شده است که مجلس موظف است در هر دوره از میان حقوقدانان معرفی‌شده از سوی رئیس قوه قضائیه عدد لازم را برای عضویت در شورای نگهبان انتخاب کند. ظاهر این تعبیر دلالت دارد که عدد معرفی‌شده به مجلس می‌بایست بیش از عدد لازم برای عضویت در شورا باشد. حال استفسار از این جهت است که آیا مجلس می‌تواند همه افراد معرفی‌شده را رد کرده و قوه قضائیه موظف باشد مکرراً افراد دیگری را معرفی نماید یا مفاد این اصل آن است که مجلس موظف است به هر حال از میان حقوقدانان معرفی‌شده، عدد لازم را انتخاب نماید.

سید محمود هاشمی شاهرودی- رئیس قوه قضائیه

شماره: ۸۰/۲۱/۱۶۸۲ - تاریخ: ۱۳۸۰/۴/۱۰

ریاست محترم قوه قضائیه

عطف به نامه شماره ۱/۸۰/۵۹۶۸ مورخ ۱۳۸۰/۴/۷، موضوع نامه مذکور در جلسه مورخ ۱۳۸۰/۴/۱۰ شورای نگهبان مطرح شد و نظریه تفسیری شورا به این شرح اعلام می‌گردد:

«مطابق بند (۲) اصل ۹۱ قانون اساسی اختیار معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به تعداد بیش از افراد مورد نیاز به عهده رئیس قوه قضائیه می‌باشد و مجلس شورای اسلامی موظف است فقط از میان همان افراد معرفی شده، تعداد لازم را انتخاب نماید.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۲- نظریه تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ در پاسخ به استفسار عضو حقوقدان شورای نگهبان نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان:

شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۸۲۰ - تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۹

حضرت آیت‌الله جنتی (مد ظله العالی)

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

احتراماً، با توجه به اینکه قانون اساسی در اصول متعدد مانند اصول ۴ و ۹۱ تا ۹۹ قانون اساسی وظایف و اختیاراتی را مستقیماً به عهده شورای نگهبان گذاشته است و انجام آنها مستلزم وجود ساختار و ضوابط متناسب می‌باشد، همچنین با عنایت به آنکه شورای نگهبان نهادی مستقل بوده و زیر نظر هیچ‌کدام از قوا و دیگر دستگاه‌ها نمی‌باشد، تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی توسط مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران و دیگر مقامات و دستگاه‌ها ممکن است موجب اختلال در انجام وظایف و اختیارات شورای نگهبان گردد و متناسب با وظایف تفویض شده نباشد.

اعضاء محترم شورای نگهبان نیز در آراء و نظرات قبلی خود به این مهم توجه داشته و این وضع قانون و یا انجام تحقیق و تفحص توسط مجلس شورای اسلامی نسبت به شورای نگهبان را مغایر با قانون اساسی شناخته‌اند. در این ارتباط توجه حضرت‌عالی و اعضاء محترم را به دو نظر صادره از سوی این شورا جلب می‌نمایم.

در تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۰ طرح استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب جلسه ۱۳۷۲/۵/۶ آن مجلس واصل گردید که در جلسه ۱۳۷۲/۵/۲۷ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا متعاقباً اعلام شد. از آنجا که تبصره (۱) ماده (۲) طرح یادشده،

تعیین ضوابط استخدامی مستخدمین شورای نگهبان را به موجب آن قانون بر عهده کمیسیون مشترک مجلس و دیوان محاسبات قرار می‌داد، شورای نگهبان اعلام نمود تبصره مزبور از این جهت که کارکنان شورای نگهبان را نیز در بر می‌گیرد مغایر قانون اساسی شناخته می‌شود. علاوه آنکه سایر تبصره‌های مربوط در این قانون که مبتنی بر این تبصره می‌باشد نیز مغایر قانون اساسی شناخته شده است.

همچنین در پی استفساریه مجلس شورای اسلامی از شورای نگهبان در خصوص اصل ۷۶ قانون اساسی، این شورا در تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۷ و طی نظریه شماره ۳۲۴۴ اعلام داشت: «اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند نمی‌شود».

اکنون با عنایت به رویه سابق و مطابق با اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، درخواست می‌شود نظر تفسیری شورای نگهبان را در خصوص اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مذکور اعلام فرمایید.

با تجدید احترام - کدخدائی

شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ - تاریخ: ۱۳۸۶/۴/۱۹

جناب آقای دکتر کدخدائی

قائم‌مقام دبیر و عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان

با اهدای سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۸۶/۳۰/۲۱۸۲۰ مورخ ۸۶/۴/۹ جناب‌عالی مبنی بر تقاضای اظهار نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص مشخص نمودن مرجع تصویب ضوابط و مقررات اداری، استخدامی، مالی و تشکیلاتی شورای نگهبان، با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی و ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۳ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری این شورا در خصوص اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«مستفاد از اصول ۴، ۹۱ و ۹۹ قانون اساسی این است که تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان که انجام وظایف آن به تشخیص شورا متوقف بر آنها است، بر عهده خود این شورا می‌باشد.»

احمد جنتی - دبیر شورای نگهبان

اصل نود و چهارم

کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به ملاک و مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۶)، ص ۱۶۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۸۱/۳۰/۴۱۰۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار دبیر شورای نگهبان نسبت به شمول اصل ۹۴ قانون اساسی به همه‌پرسی مصوب مجلس:

شماره: ۸۱/د/۱۱۰- تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۱۹

شورای محترم نگهبان «دامت تأییداتهم»

با سلام

نظر به برخی شبهات و تشکیکات ایرادشده درباره شمول اصل نود و چهارم قانون اساسی نسبت به مصوبه درخواست مراجعه به آراء عمومی - موضوع اصل پنجاه و نهم قانون اساسی - لطفاً نظر تفسیری آن شورای محترم را در این زمینه اعلام فرمایید که اصل ۹۴ قانون اساسی شامل همه‌پرسی مصوب مجلس شورای اسلامی می‌شود یا خیر؟ با تشکر.

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

شماره: ۸۱/۳۰/۴۱۰۴- تاریخ: ۱۳۸۱/۱۲/۲۵

دبیر محترم شورای نگهبان

نامه شماره ۸۱/د/۱۱۰ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۱۹ مبنی بر تقاضای اظهار نظر تفسیری درباره شمول اصل ۹۴ قانون اساسی نسبت به مصوبه درخواست مراجعه به آراء عمومی - موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی - در جلسات شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«درخواست مراجعه به آراء عمومی موضوع اصل ۵۹ قانون اساسی از مصادیق مصوبات مجلس شورای اسلامی است و باید طبق اصل ۹۴ قانون اساسی به شورای نگهبان ارسال شود.»

سید رضا زواره‌ئی - قائم مقام دبیر شورای نگهبان

اصل نود و ششم

تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱... مورخ ۱۳۶۰/۴/۲ شورای نگهبان نسبت به نحوه رأی گیری از اعضای شورای نگهبان در بررسی مصوبات مجلس، از لحاظ رأی گیری به «عدم مغایرت مصوبه با قانون اساسی» یا «مغایرت مصوبه با قانون اساسی»^۲

«اصل ۹۶ قانون اساسی در مورد نحوه رأی گیری نسبت به مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و قانون اساسی مقرر می دارد: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلامی با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آنها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است.» در شورای نگهبان بر سر این موضوع بحث بود که آیا باید در مورد انطباق مصوبه مجلس با قانون اساسی رأی گیری شود و نتیجتاً اگر اکثریت مصوبه را مطابق قانون اساسی دانستند تأیید می شود و اگر اکثریت یعنی اقلاً (۷) نفر از (۱۲) نفر آن را منطبق بر قانون اساسی ندانستند رد می شود و یا اینکه باید رأی گیری بر مغایرت مصوبه با قانون اساسی به عمل آید به گونه ای که اگر اکثریت یعنی اقلاً (۷) نفر از (۱۲) نفر آن را مغایر قانون اساسی شناختند برای اصلاح به مجلس باز می گردد و اگر این اکثریت حاصل نشد مصوبه تأیید می شود. نتیجتاً اگر شش نفر آن را مغایر بدانند و شش نفر مغایر ندانند چون رأی اکثریت بر مغایرت حاصل نشده است مصوبه تأیید شده محسوب می شود، که همین نظر مورد تأیید اکثریت (۹) نفر اعضاء قرار گرفت و رأی گیری بر همین منوال ادامه یافت. متن بخصوصی در این زمینه به عنوان تفسیر تنظیم نشده، ولی صورت جلسه ای که این معنی را می رساند و حاوی رأی تفسیری، وجود دارد که عیناً نقل می شود:

۱. نظر مزبور، بدون شماره، در مستندات مربوط ضبط شده است.

۲. گفتنی است با توجه به اینکه این نظریه تفسیری شورای نگهبان، در قالب یک متن مشخص، به صورت رسمی منتشر نشده است، عبارات مربوط به این نظریه، عیناً از کتاب دکتر حسین مهرپور، عضو حقوقدان شورای نگهبان در زمان ارائه این نظریه، نقل شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲

در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۴/۲ که با حضور (۱۲) نفر اعضاء تشکیل شد در مورد نحوه رأی‌گیری در مورد مصوبات مجلس از لحاظ انطباق با قانون اساسی بحث و بررسی مفصل به عمل آمد. برخی معتقد بودند «باید رأی‌گیری به عدم مغایرت به عمل آید و چنانچه اکثریت اعضای شورای نگهبان رأی به عدم مغایرت مصوبه با قانون اساسی دادند، مصوبه قابل اجراء است.»

جمعی دیگر معتقد بودند «باید رأی‌گیری به مغایرت مصوبه با قانون اساسی به عمل آید و در صورتی که اکثریت اعضاء رأی دادند مصوبه با قانون اساسی مغایر است، مصوبه جهت تجدید نظر به مجلس شورای اسلامی داده می‌شود.»

در این خصوص رأی‌گیری به عمل آمد. (۹) نفر با برداشت و تفسیر دوم یعنی اینکه رأی‌گیری به عنوان مغایرت با قانون اساسی به عمل آید رأی دادند و سه نفر آقایان ... به تفسیر اول رأی دادند و در نتیجه تفسیر دوم تصویب شد.^۱

۲- نظریه تفسیری شماره ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به ملاک و مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع:

شماره: ۱۳۰۴۷/۲۵۱/د. هـ - تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۱۵

شورای محترم نگهبان

لطفاً به سؤال ضمیمه از جناب آقای رضوی نماینده تبریز جواب بفرمایید.
رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۴

حضور مبارک ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی «دام ظلّه»

سلام علیکم

در خصوص اصل ۹۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سؤال داشتم. از آن جایی که گمان کردم باید مسائل مربوط به قوه مقننه را به عنوان یک نماینده با مسئول خودم یعنی ریاست محترم مجلس در میان بگذارم، لذا مزاحم اوقات آن جناب شدم و

۱. متن فوق‌الذکر، عیناً از کتاب زیر نقل شده است: مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و شرعی) دوره اول از تیرماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۵، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۷.

اگر شرعاً یا قانوناً خودتان را مرجع این گونه سؤالات نمی‌دانید لطفاً به عنوان مسئول مجلس، پاسخ آن را از هر مقامی که صلاحیت و مسئولیت آن را شرعاً و قانوناً دارد تهیه فرموده و اینجانب را هدایت فرمایید.

سؤال:

طبق اصل ۹۶ قانون اساسی تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است. سؤال این است که این تشخیص کدام یک از صور زیر می‌باشد:

مغایرت با احکام شرع یعنی مغایرت:

- ۱- با اجماع مسلمین
 - ۲- با اجماع فقهاء مسلمین
 - ۳- با فتوای مشهور
 - ۴- با نظر و اجتهاد خود اعضای شورای نگهبان
- که در سه صورت اول نقش فقهای محترم شورای نگهبان، نقش تشخیص‌دهنده و در صورت اخیر نقش فتوادهنده خواهد بود.
- و مطابقت با احکام شرع یعنی مطابقت با:
- ۱- نظر و اجتهاد اعضاء محترم شورای نگهبان
 - ۲- با اجماع مسلمین
 - ۳- با اجماع فقهاء
 - ۴- با فتوای مشهور
 - ۵- با فتوای غیرمشهور و غیرنادر
- و به عبارت دیگر آیا موافقت فی‌الجمله کافی نیست (مانند صورت پنجم)؟
- با تقدیم احترام- مرتضی رضوی- نماینده مردم تبریز

شماره: ۲۴۳۷- تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۱۱

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۳۰۴۷/۲۵۱/د- هـ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۵ اگرچه پاسخ سؤال با دقت در اصل ۴، ۹۴ و ۹۶ قانون اساسی به وضوح معلوم می‌شود، مع‌ذلک پرسش ارسالی در جلسه شورای نگهبان مطرح و نظر اعضاء شورا بر این است که:

«تشخیص مغایرت یا انطباق قوانین با موازین اسلامی به طور نظر فتوایی با فقهاء شورای نگهبان است.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

اصل نود و هفتم

اعضای شورای نگهبان به منظور تسریع در کار می‌توانند هنگام مذاکره درباره لایحه یا طرح قانونی در مجلس حاضر شوند و مذاکرات را استماع کنند. اما وقتی طرح یا لایحه‌ای فوری در دستور کار مجلس قرار گیرد، اعضای شورای نگهبان باید در مجلس حاضر شوند و نظر خود را اظهار نمایند.

– نظریه تفسیری شماره ۱۲۵۸ مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۵ شورای نگهبان نسبت به مفهوم فوری بودن لوایح و طرح‌ها:

شماره: ۱۲۵۸- تاریخ: ۱۳۶۸/۸/۱۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

به پیوست نظر تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل نود و هفتم قانون اساسی در رابطه با مفهوم فوری بودن لوایح و طرح‌ها ارسال می‌گردد. عنایت می‌فرمایید که با توجه به تفسیر مزبور، طرح‌ها و لوایح یک‌فوریتی که صرفاً رسیدگی خارج از نوبت و یک‌شوری بودن را طبق تعریف ماده (۱۱۶) و (۱۱۹) آیین‌نامه داخلی مجلس^۱ اقتضا دارد، از شمول فوری بودن مذکور در اصل ۹۷ خارج است. بنابراین

۱. مواد (۱۱۶) و (۱۱۹) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۳/۲۳: «ماده ۱۱۶- لوایح و طرح‌های یک‌فوریتی آن است که پس از تصویب فوریت به کمیسیون ارجاع می‌شود تا خارج از نوبت مورد بررسی قرار گیرد. و لوایح و طرح‌های دوفوریتی آن است که پس از تصویب دو فوریت بلافاصله به طبع و توزیع آن اقدام و (۲۴) ساعت پس از توزیع در مجلس مطرح می‌شود. لایحه و طرح سه‌فوریتی آن است که وقتی که سه فوریت طرح یا لایحه به تصویب مجلس رسید در همان جلسه وارد دستور می‌گردد. در موقعی که فوریت طرح یا لایحه تقاضا می‌شود باید در همان جلسه در باب لزوم و عدم لزوم فوریت پس از توضیح پیشنهادکننده یا یکی از پیشنهادکنندگان و اظهارات یک مخالف و یک موافق (هر یک در حدود (۵) دقیقه) رأی گرفته شود. اگر تقاضای یک یا دوفوریت ضمن لایحه و یا طرحی که در مجلس مطرح است نشده باشد (۱۵) نفر از نمایندگان نیز می‌توانند کتباً تقاضای یک‌فوریت و یا دوفوریت آن لایحه یا طرح را بنمایند که در این صورت بدون مباحثه در اصل مطلب، در باب فوریت اخذ رأی به عمل می‌آید. تقاضای دوفوریتی و سه‌فوریتی بودن طبق ماده (۷۰) در حکم تقاضای تغییر دستور است.

تبصره ۱- در تصویب سه‌فوریت بعد از صحبت دو مخالف و دو موافق، موافقت دوسوم آراء حاضران لازم است و فقط در موارد اضطراری می‌شود تقاضای سه‌فوریت نمود.

تبصره ۲- در صورتی که تقاضای سه‌فوریت یا دوفوریت لایحه یا طرح تصویب نشود ممکن است در همان جلسه مطابق آیین‌نامه تقاضای فوریت‌های دیگر به عمل آید و در صورت عدم تصویب اصل فوریت به صورت عادی عمل می‌شود.

پیشنهاد می‌شود ماده (۸۶) آیین‌نامه داخلی مجلس^۱ اصلاح یا به عدم شمول حکم آن نسبت به لوایح و طرح‌های یک‌فوریتی تفسیر گردد.

تفسیر اصل نود و هفتم قانون اساسی:

«مقصود از طرح یا لایحه فوری مذکور در اصل نود و هفتم قانون اساسی، طرح یا لایحه‌ای است که تأخیر در رسیدگی به آن مستلزم وقوع خسارت یا فوت فرصت باشد و لوایح و طرح‌هایی را که رسیدگی به آن در این حد از لزوم سرعت نیست شامل نمی‌شود.»

تفسیر فوق در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۸/۱۴ شورای نگهبان با اکثریت (۱۱) رأی به عمل آمد.

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

→

ماده ۱۱۹- لوایح و طرح‌های یک‌فوریتی، یک‌شوری است و پس از وصول گزارش کمیسیون خارج از نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و یک نوبت درباره آن شور به عمل می‌آید، بدین ترتیب که بدو در اصل آن و پس از آن در باب ماده واحده یا مواد مذاکره و اخذ رأی به عمل می‌آید. هرگاه ورود در شور ماده واحده یا مواد تصویب نشد، آن طرح یا لایحه رد شده محسوب خواهد شد.»

۱. ماده (۸۶) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۳/۲۳: «ماده ۸۶- اعضای شورای نگهبان طبق اصل نود و هفتم قانون اساسی می‌توانند در کلیه جلسات مجلس شرکت کنند ولی هنگامی که طرح یا لایحه‌ای با قید فوریت در دستور کار مجلس قرار بگیرد قبلاً از طرف رئیس مجلس مراتب به اطلاع شورای مذکور خواهد رسید. شورای نگهبان باید در این جلسات حضور داشته و نظر خود را حتی‌المقدور بلافاصله پس از رأی مجلس و در غیر این صورت حداکثر تا (۲۴) ساعت اظهار نمایند.»

اصل نود و هشتم

تفسیر قانون اساسی به عهده شورای نگهبان است که با تصویب سه چهارم آنان انجام می‌شود.

- نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به اثر قوانین تفسیری بر حقوق و شرایط ایجادشده برای اشخاص طبق قوانین اولیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۳)، ص ۱۰۳.

اصل نود و نهم

شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.
اصل سابق: شورای نگهبان نظارت بر انتخاب رئیس‌جمهور، انتخابات مجلس شورای ملی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات نسبت به مدلول اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی:

شماره: ۳/۳۳- تاریخ: ۱۳۷۰/۲/۲۲

شورای محترم نگهبان

با سلام و تحیات

نظر به اینکه امر انتخابات از امور مهمه کشور است و امت اسلامی با رشد انقلابی در تمام دوره‌های اخذ رأی به نحو چشمگیری در انتخابات شرکت نموده‌اند و من بعد نیز باید به نحوی عمل شود که حضور آزادانه مردم هم چنان محفوظ بماند و این امر مستلزم نظارت شورای نگهبان است تا در تمام جهات رعایت بی‌طرفی کامل معمول گردد و در این خصوص در کیفیت اجراء و نظارت گاهی شائبه تداخل مطرح می‌گردد، بنا به مراتب استدعا دارد نظر تفسیری آن شورای محترم را در مورد مدلول اصل ۹۹ قانون اساسی اعلام فرمایند. غلامرضا رضوانی - رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

شماره: ۱۲۳۴- تاریخ: ۱۳۷۰/۳/۱

هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات

عطف به نامه شماره ۳/۳۳ مورخ ۱۳۷۰/۲/۲۲، موضوع در جلسه ۷۰/۳/۱ مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«نظارت مذکور در اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.»

دبیر شورای نگهبان - محمد محمدی‌گیلانی

۲- نظریه تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ در پاسخ به استفسار عضو حقوقدان شورای نگهبان نسبت به مرجع تصویب ضوابط و مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلاتی شورای نگهبان:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۹۱)، ص ۱۶۳.

اصل یکصد و دوم

شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

- نظریه تفسیری شماره ۸۵/۳۰/۱۵۸۸۱ مورخ ۱۳۸۵/۴/۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به تسری مفاد اصل ۷۵ قانون اساسی به طرح‌های ارائه‌شده به مجلس از طریق شورای عالی استان‌ها:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۵)، ص ۱۰۷.

اصل یکصد و یازدهم

هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می‌گردد. این شورا در خصوص وظایف بندهای (۱) و (۳) و (۵) و (۱۰) و قسمت‌های (د) و (ه) و (و) بند (۶) اصل یکصد و دهم، پس از تصویب سه چهارم اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می‌کند. هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود، در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده‌دار خواهد بود.

اصل سابق: هرگاه رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری از انجام وظایف قانونی رهبری ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم گردد از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است. مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل در اولین اجلاس خبرگان تعیین می‌شود.

– نظریه تفسیری شماره ۹۳۳۳ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نایب‌رئیس مجلس خبرگان نسبت به زمان تنظیم آیین‌نامه اجرایی اصل ۱۱۱ قانون اساسی:

شماره: ۴۹۶۳/۲۵۰.د.هـ- تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۱

شورای محترم نگهبان

لطفاً در تفسیر اصل ۱۱۱ قانون اساسی نظر بدهید که:

آیا مجلس خبرگان، آیین‌نامه اجرایی آن اصل را فقط می‌تواند در اجلاس اول تنظیم کند یا ممکن است در اجلاس‌های بعد هم اصلاحاتی به عمل آورد؟
نایب‌رئیس مجلس خبرگان- اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۹۳۳۳- تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۸

نایب‌رئیس محترم مجلس خبرگان

عطف به نامه شماره ۴۹۶۳/۲۵۰.د.هـ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۱، موضوع سؤال در جلسه

شورای نگهبان مطرح و مفصلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظریه تفسیری شورای نگهبان به شرح ذیل می‌باشد:

«مستفاد از اصل ۱۱۱ قانون اساسی این است که مقررات تشکیل خبرگان برای رسیدگی و عمل به این اصل به عهده مجلس خبرگان است و تعیین آن در اولین اجلاسیه مربوط به دستور اولین اجلاسیه می‌باشد. بنابراین تغییر و هرگونه اصلاح لازم از طرف مجلس خبرگان در مقررات مذکور از لحاظ قانون اساسی بلامانع است.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل یکصد و دوازدهم

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.

اصل سابق: رهبر یا اعضای شورای رهبری در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی هستند.

۱- نظریه‌های تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۱۳۷۲/۳/۳، شماره ۴۸۷۲ مورخ ۱۳۷۲/۴/۲۰ و شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ در پاسخ به استفسار رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به حدود صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در قانون اساسی و اعتبار مصوبات آن از جهت شرعی:

شماره: ۱/۱۶۴۶-ر- تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۱۸

شورای محترم نگهبان

لطفاً با توجه به اصول قانون اساسی در مورد مجمع تشخیص مصلحت، نظر آن شورای محترم را در خصوص مسائل زیر بیان فرمایید.

۱- آیا مجمع می‌تواند پس از تصویب و ابلاغ مصوبات خود درباره آنها تجدید نظر کند؟

۲- اگر ابهامی در مفهوم مصوبات بود، رفع ابهام آن و تفسیر مصوبه با خود مجمع است و یا مرجع تفسیر مجلس شورای اسلامی و یا تفسیرها احتیاج به ارجاع مجدد از سوی مقام رهبری است؟

۳- و اصولاً آیا مصوبات مجمع، قانون است و همه ویژگی‌های قوانین عادی باید در مورد آنها مراعات شود و من جمله تفسیر؟

۴- اگر تعارضی بین مصوبات مجمع و قوانین عادی و اساسی و مقررات رسمی دیگر کشور به وجود آید تکلیف چیست؟ و حاکم کدامند؟

۵- آیا مجلس شورای اسلامی و سایر مراکزی که به نحوی حق تعیین ضوابط و مقررات و قوانین را دارند می‌توانند مصوبات مجمع را رد و نقض و یا فسخ و ابطال کنند؟

اکبر هاشمی رفسنجانی- رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

شماره: ۴۵۷۵ - تاریخ: ۱۳۷۲/۳/۳

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام
عطف به نامه شماره ۱/۱۶۴۶ - ر مورخ ۱۳۷۲/۲/۱۸، نظر تفسیری شورای نگهبان
بدین شرح اعلام می‌گردد:
«۱- مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند مستقلاً در مواد قانونی مصوبه خود
تجدید نظر کند.

۲- تفسیر مواد قانونی مصوب مجمع در محدوده تبیین مراد با مجمع است، اما اگر
مجمع در مقام توسعه و تضییق مصوبه خود باشد مستقلاً نمی‌تواند اقدام نماید.
۳- مطابق اصل چهارم قانون اساسی مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام
نمی‌تواند خلاف موازین شرع باشد و در مقام تعارض نسبت به اصل قانون اساسی مورد
نظر مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان (موضوع صدر اصل ۱۱۲) و همچنین نسبت
به سایر قوانین و مقررات دیگر کشور، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام حاکم است.
لازم به ذکر است که در مورد تعارض مصوبات مجمع با سایر اصول قانون اساسی
شورای نگهبان به رأی نرسید.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی
شماره: ۲۴۰۹/۳۷۸۶ - تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۳

شورای محترم نگهبان
عطف به نظریه تفسیری شماره ۴۵۷۵ مورخ ۷۲/۳/۳ خواهشمند است اعلام
فرمایید، منظور آن شورای محترم از عبارت «خلاف موازین شرع» در بند سوم
تفسیری فوق‌الذکر چیست؟ با عنایت به اینکه بر اساس صدر اصل یکصد و دوازدهم
قانون اساسی، شأن مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین تکلیف در همین موارد است.
اکبر هاشمی رفسنجانی - رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

شماره: ۴۸۷۲ - تاریخ: ۱۳۷۲/۴/۲۰

ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام
عطف به نامه شماره ۲۴۰۹/۳۷۸۶ مورخ ۷۲/۴/۳ و پیرو نامه شماره ۴۵۷۵ مورخ
۱۳۷۲/۳/۳،

«منظور از «خلاف موازین شرع» آن است که نه با احکام اولیه شرع سازگار باشد و نه
با احکام عناوین ثانویه و در این رابطه صدر اصل ۱۱۲ به مجمع تشخیص مصلحت، تنها
اجازه تعیین تکلیف به لحاظ عناوین ثانویه را داده است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

نگهبان از اصل ۱۱۲ قانون اساسی به شرح ذیل جهت اقدام لازم اعلام می‌گردد:

«مستفاد از اصل ۱۱۲ قانون اساسی این است که مجمع تشخیص مصلحت نظام، حق تشخیص مصلحت در مصوبه‌ای از مجلس شورای اسلامی را دارد که شورای نگهبان در

→

مصلحت نظام در خصوص اقدام ناصواب مجلس شورای اسلامی در نحوه بررسی و تصویب برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران:

شماره: ۸۳/۳۰/۷۵۲۷-۸۳ تاریخ: ۱۳۸۳/۳/۱۰

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی

رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

با سلام

چنانکه مستحضرد نمایندگان ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در واپسین روزهای آن دوره، لایحه بسیار مهم برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بدون بررسی ایرادات شورای نگهبان و یا دست‌کم رفع ابهامات، به آن مجمع محترم ارجاع کرده‌اند. این اقدام، صرف‌نظر از آنکه موجب سلب حق نمایندگان دوره ششم و هفتم مجلس در ارائه پیشنهاد و طی روال طبیعی قانون‌گذاری می‌شود، به نظر شورای نگهبان مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و خلاف صریح ماده (۱۸۷) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی است. بدون تردید مجلس نمی‌تواند بدون بررسی ایرادات شورای نگهبان اقدام به ارجاع مصوبه به مجمع نماید. بر حسب روال طبیعی و قانونی طبق ماده (۱۸۶) آیین‌نامه، الزاماً مصوبه‌ای که «از طرف شورای نگهبان رد شده، به کمیسیون مربوطه ارسال می‌شود و با اعلام وقت قبلی با حضور نماینده شورای نگهبان، موارد اعتراض برای اصلاح مورد بحث قرار می‌گیرد.» سپس طبق ماده (۱۸۷) «پس از بررسی گزارش کمیسیون که در آن نظر شورای نگهبان ملحوظ شده است و پس از رأی‌گیری نسبت به آن، مصوبه مجدداً به شورای نگهبان ارسال می‌شود. اگر این مصوبه هنوز وافی به نظرات شورای نگهبان نباشد، مجدداً در مجلس مطرح می‌گردد. در صورتی که مجلس با در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام همچنان بر رأی خود باقی باشد رئیس مجلس مصوبه مذکور را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌دارد.»

بنابراین، چنین بدعتی که به هر بهانه‌ای اصولاً ایرادات شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار نگیرد، نقض آشکار قانون اساسی و فلسفه وجودی شورای نگهبان و نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام است. آیا به راستی «برای حفظ مصلحت نظام» است که هیچ‌یک از ایرادات متعدد شورای نگهبان و پیشنهادات مصرانه نمایندگان برای رفع آنها مورد توجه قرار نگرفته و صرفاً برای ممانعت از حق قانون‌گذاری دوره بعد، مصوبه‌ای به اهمیت برنامه چهارم توسعه مستقیماً به مجمع ارسال گردیده است؟!

به هر صورت انتظار دارد حضرت‌عالی نیز با ممانعت از این رویه غیرقانونی و نادرست به اجرای دقیق قانون اساسی و دفاع از احکام شرع مقدس تأکید فرمایید.

بدیهی است شورای نگهبان در صورت نیاز می‌تواند با تفسیر اصل مربوط، به حل نهایی موضوع کمک نماید.

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

مورد آن اعلام نظر نموده باشد و تمام یا قسمتی از آن را خلاف شرع یا مغایر قانون اساسی بدانند. هرگاه شورای نگهبان قسمتی از مصوبه‌ای را مبهم دانسته و از مجلس شورای اسلامی خواستار بیان مُراد خود از آن قسمت شده باشد تا پس از آن اعلام نظر کند، قبل از تبیین مُراد و اعلام نظر شورای نگهبان درباره آن، مجمع تشخیص مصلحت نظام حق بررسی و اعلام تشخیص مصلحت در موارد خلاف را ندارد.^۱

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۱. نامه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام به رئیس مجلس شورای اسلامی، پیرو نظریه تفسیری شورای نگهبان از اصل ۱۱۲ قانون اساسی:

شماره: ۳۴۹۴۱/۱۰۱ - تاریخ: ۱۳۸۳/۴/۲

جناب آقای دکتر حداد عادل

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

«لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران» که مورد ایراد شورای محترم نگهبان قرار گرفته و در اجرای اصل یکصد و دوازده (۱۱۲) قانون اساسی طی نامه شماره ۱۵۷۷۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۵ به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردید، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۳/۳۰ شورای مجمع تشخیص مصلحت نظام از نظر حقوقی مورد رسیدگی قرار گرفت و مقرر شد: «لایحه برنامه چهارم توسعه بر اساس تفسیر شماره ۸۳/۳۰/۷۵۴۷ مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۶ شورای محترم نگهبان در مورد اصل ۱۱۲ قانون اساسی، جهت طی مراحل قانونی برای رفع ابهامات و بررسی ایرادات به مجلس شورای اسلامی» ارجاع گردد.

اکبر هاشمی رفسنجانی - رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

اصل یکصد و سیزدهم

پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

اصل سابق: پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به امکان تشکیل واحد بازرسی ویژه در ریاست جمهوری برای نظارت دقیق بر ارگان‌های اجرایی:

شماره: ۱/۲۸۹-م/ تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۱۰

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

رئیس جمهور طبق قانون اساسی مکلف به اجرای قانون اساسی و شرع مقدس و ... است. به نظر می‌رسد که انجام این مسئولیت بدون نظارت دقیق بر ارگان‌های اجرایی (اعم از قوه قضائیه و مجریه) امکان‌پذیر نیست. بدین جهت دفتر ریاست جمهوری درصدد است به تشکیل یک واحد بازرسی ویژه اقدام نماید. خواهشمند است نظر آن شورا را در مورد این اقدام از جهت انطباق با قانون اساسی بیان نمایید.

سید علی خامنه‌ای- رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۴۲۱۴- تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۱

حضرت حجت‌الاسلام آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران دامت برکاته

عطف به نامه شماره ۳/۱۲۸۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۰/۱۳؛ موضوع در جلسه رسمی

شورای نگهبان مطرح و بررسی شد. نظر اکثریت به این شرح اعلام می‌شود:

«آنچه از اصل ۱۱۳ و ۱۲۱ در رابطه با اصول متعدد و مکرر قانون اساسی استفاده می‌شود رئیس جمهور پاسدار مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد. در رابطه با این وظایف و مسئولیت‌ها می‌تواند از مقامات مسئول اجرایی و قضایی و نظامی توضیحات رسمی بخواهد و مقامات مذکور موظفند توضیحات لازم را در اختیار ریاست جمهوری بگذارند. بدیهی است رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد، اقدامات لازم را معمول دارد.

بنابراین تشکیل واحد بازرسی در ریاست جمهوری با قانون اساسی مغایرت دارد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

شماره: ۲/۱۸۷م - تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۲۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

محترماً، پیرو نامه شماره ۱۲۸۹م و عطف به نامه شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱، نظر اعضاء محترم شورای نگهبان را به مراتب زیر جلب می‌نمایم:

نظر به اینکه مسئولیت اجرای قانون اساسی و پاسداری از آن و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و حمایت از حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته و به طور کلی سایر مسئولیت‌های مصرّحه در قانون اساسی به عهده رئیس جمهوری است، لذا:

۱- ایجاد تشکیلات لازم به منظور انجام وظایف و تکالیف محوله نیز در اختیار رئیس جمهور می‌باشد؛ زیرا به موجب قاعده کلی که اختیار، فرع و نتیجه مسئولیت است و همچنین نظر به قاعده دیگر که «اذن در شیء، اذن در لوازم آن نیز هست» تصمیماتی که برای اعمال مسئولیت‌های محوله به رئیس جمهور لازم و ضروری است از لوازم اجرای قانون اساسی محسوب می‌شود و رئیس جمهور مأذون به آن خواهد بود و عدم ذکر آن در قانون اساسی موجب عدم جواز نمی‌باشد.

۲- چنانچه انجام تکالیف ریاست جمهور محدود به مکاتبه گردد، معمولاً اختیار جواب با طرفی خواهد بود که گیرنده نامه است و نیز تشخیص صحت و سقم گزارشات و توضیحات رسیده از چه طریقی جز بازرسی میسر خواهد بود.

۳- به طوری که در نامه شورای محترم نگهبان آمده است ... رئیس جمهوری موظف است چنانچه جریانی را مخالف مذهب رسمی کشور و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی تشخیص داد، اقدامات لازم را معمول دارد به نظر می‌رسد یکی از وسایل لازم این تشخیص بازرسی خواهد بود.

۴- نظر به تقسیم کار و تسریع در امور و استفاده از اشخاص مطمئن و بصیر و بی‌نظر در امر بازرسی، اختصاص قسمتی از تشکیلات دفتر ریاست جمهور به عنوان واحد ویژه بازرسی ضروری به نظر می‌رسد. شایسته است چنانچه نامه دفتر ریاست جمهوری در مورد تشکیل واحد بازرسی گویا نبوده است، بنا به مراتب فوق، شورای محترم نگهبان در مورد واحد بازرسی دفتر ریاست جمهوری مشروحاً و با استناد به اصول مشخص قانون اساسی اعلام نظر فرمایند.

سید علی خامنه‌ای - رئیس جمهوری اسلامی ایران^۱

۱. در خصوص پاسخ شورای نگهبان به نامه دوم رئیس جمهور وقت، مطلبی در اسناد و مدارک در

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۱/۳۰/۴۷۱۴۲ مورخ ۱۳۹۱/۴/۱۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار عضو حقوقدان شورای نگهبان نسبت به حدود مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی:

شماره: ۹۱/۳۱/۴۶۹۰۹ - تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۱۷

محضر حضرت آیت الله جنتی (دامت برکاته) دبیر معزز و محترم شورای نگهبان نظر به اینکه اخیراً پیرامون اصل یکصد و سیزدهم قانون اساسی مباحثی نزد صاحب نظران و مسئولان کشوری مطرح شده و در جهت اجرایی شدن آن اقدامات چندی انجام گرفته که موجب بروز سؤالات و ابهاماتی در این خصوص شده، خواهشمند است دستور فرمایید موضوع در دستور کار شورای محترم نگهبان قرار گیرد تا با تفسیر اصل مزبور به سؤالات ذیل پاسخ داده شود.

۱- با عنایت به اصل تفکیک قوا و وجود نهادهای مسئول در قانون اساسی که هر یک سهمی از نظارت و اجرای آن را برعهده دارند، مقصود از مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی چیست؟

۲- آیا در مسئولیت اجرای قانون اساسی، رئیس جمهور می تواند از ابزارهایی مانند تشکیل نهاد و سازمان خاص برای نظارت و پیگیری عدم اجرای اصول قانون اساسی استفاده کند؟

۳- آیا مفهوم مسئولیت اجرای قانون اساسی شامل مسئولیت و پیگیری نقض آن نیز می شود؟

عضو حقوقدان شورای نگهبان - کدخدایی

شماره: ۹۱/۳۰/۴۷۱۴۲ - تاریخ: ۱۳۹۱/۴/۱۲

جناب آقای دکتر کدخدایی

عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان

عطف به نامه شماره ۹۱/۳۱/۴۶۹۰۹ مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۷، مبنی بر اظهار نظر تفسیری

→

دسترس یافت نشد. در این باره، آقای دکتر حسین مهرپور (عضو وقت حقوقدان شورای نگهبان)، در کتاب مجموعه نظریات شورای نگهبان اظهار داشته‌اند: «نامه ریاست جمهوری در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۱۲/۵ شورای نگهبان مطرح شد و در آن جلسه تصویب شد اینجانب (مهرپور) با ریاست محترم جمهوری ملاقات نموده و نظر شورا را در زمینه مغایرت تشکیل واحد بازرسی مستقل در دفتر ریاست جمهوری حضوراً تبیین کنم و توضیحات کافی را بدهم و اگر پس از این ملاقات لازم شد، شورا پاسخ کتبی بدهد که این ملاقات انجام گرفت و بعداً هم نیازی به دادن پاسخ کتبی پیش نیامد.» (مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۷۲)

در خصوص اصل یکصد و سیزدهم (۱۱۳) قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۳۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«۱- مستفاد از اصول متعدد قانون اساسی آن است که مقصود از مسئولیت اجراء در اصل ۱۱۳ قانون اساسی، امری غیر از نظارت بر اجرای قانون اساسی است.

۲- مسئولیت رئیس جمهور در اصل ۱۱۳ شامل مواردی نمی‌شود که قانون اساسی تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال اختیارات و وظایفی را به عهده مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه و هر مقام و دستگاه دیگری که قانون اساسی به آنها اختیار یا وظیفه‌ای محول نموده است.

۳- در مواردی که به موجب قانون اساسی رئیس جمهور حق نظارت و مسئولیت اجراء ندارد، حق ایجاد هیچ گونه تشکیلاتی را هم ندارد.»

دبیر شورای نگهبان- احمد جنتی

اصل یکصد و هفدهم

رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان، انتخاب می‌شود، ولی هرگاه در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت می‌کنند، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند، از میان بقیه، دو نفر که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند.

– نظریه تفسیری شماره ۲۷۶۴ مورخ ۱۳۶۴/۴/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر کشور نسبت به نصاب آرای لازم برای انتخاب رئیس جمهور، در صورت کشیده شدن انتخابات به مرحله دوم:

شماره: ۳۰۶/۵۵ – تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

به طوری که استحضار دارند به موجب اصل یکصد و هفدهم قانون اساسی، رئیس جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود و در صورتی که در مرحله اول هیچ یک از نامزدها چنین اکثریتی بدست نیاورند، انتخابات به مرحله دوم کشیده می‌شود.

با عنایت به اینکه کیفیت انتخاب رئیس جمهور در مرحله دوم مشخص نگردیده، خواهشمند است دستور فرمایند در پاسخ اعلام نمایند که در مرحله دوم نیز اکثریت مطلق آرا ملاک عمل خواهد بود و یا کسب اکثریت نسبی آرا کافی است.

علی‌اکبر ناطق نوری - وزیر کشور

شماره: ۲۷۶۴ – تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۵

جناب حجت‌الاسلام ناطق نوری

وزیر محترم کشور

عطف به نامه شماره ۳۰۶/۵۵ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۹:

نظر اکثریت (سه‌چهارم) اعضای شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«در دوره دوم هر یک از دو نفر که اکثریت داشته باشند انتخاب می‌شود. نهایت این است که اگر در قانون انتخابات آراء مربوط به غیر این دو نفر باطل اعلام شود که در این صورت صاحب اکثریت به اکثریت مطلق انتخاب شده است و اگر آراء مربوط به دیگران را هم در جمع آراء به حساب بیاورند به اکثریت نسبی انتخاب شده است و در هر صورت نتیجه واحد است و فردی که از دو نفر اکثریت دارد، منتخب و بعد از آن تجدید انتخابات قانونی نیست».

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل یکصد و بیست و یکم

رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید: «بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

اصل سابق: رئیس جمهور در مجلس شورای ملی در جلسه‌ای که با حضور رئیس دیوان عالی کشور و اعضای شورای نگهبان قانون اساسی تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید: «بسم الله الرحمن الرحيم. من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.»

- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به امکان تشکیل واحد بازرسی ویژه در ریاست جمهوری برای نظارت دقیق بر ارگان‌های اجرایی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۱۳)، ص ۱۸۱.

اصل یکصد و بیست و سوم

رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه‌پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی امضاء کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

- نظریه تفسیری شماره ۲۹۶۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به وضعیت حقوقی امضای رئیس جمهور در اصول ۱۲۳ و ۱۲۵ قانون اساسی و همسانی آنها با هم:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۵)، ص ۱۹۳.

اصل یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور می‌تواند برای انجام وظایف قانونی خود معاونانی داشته باشد. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها را به عهده خواهد داشت.

اصل سابق: رئیس جمهور فردی را برای نخست‌وزیری نامزد می‌کند و پس از کسب رأی تمایل از مجلس شورای ملی، حکم نخست‌وزیری برای او صادر می‌نماید.

۱- نظریه تفسیری شماره ۳۵۸۷ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت حقوقی نخست‌وزیر و کابینه سابق پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب رئیس جمهور جدید، از جهت لزوم یا عدم لزوم اخذ رأی اعتماد مجدد از مجلس:

شماره: ۱۶۰۴۸/۲۵. د. هـ- تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۸

شورای محترم نگهبان

به خاطر نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و نداشتن سه وزیر در کابینه و ابهام قانون اساسی لازم است که نظر شورا در تفسیر اصول ۱۲۴، ۱۳۵ و ۱۴۱ روشن باشد.

خواهشمند است نظر شورا را در مورد مسائل زیر بیان فرمایید:

۱- با توجه به دو اصل ۱۲۴ و ۱۳۵ آیا پس از انتخاب رئیس جمهور، نخست‌وزیر و کابینه به اعتبار سابق خود باقی هستند و یا نیاز به معرفی جدید به مجلس و گرفتن رأی تمایل و اعتماد وجود دارد؟

۲- بر فرض نیاز به معرفی جدید، در فرض انتخاب مجدد رئیس جمهور قبلی که خود، نخست‌وزیر و کابینه را به مجلس آورده نیز چنین نیازی هست یا نه؟

۳- جواز سرپرستی نخست‌وزیر نسبت به وزارتخانه‌های فاقد وزیر براساس اصل ۱۴۱، احتیاج به تصویب مجلس و موافقت ریاست جمهوری و یا یکی از آن دو دارد و یا ندارد؟

رئیس مجلس شورای اسلامی- اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۳۵۸۷- تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۸

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۶۰۴۸/۲۵. د. ه مورخ ۱۳۶۴/۳/۸، موضوع سؤالات در جلسات شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا (با اکثریت سه چهارم اعضاء) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- مستفاد از اصل ۱۲۴ قانون اساسی این است که رئیس جمهور پس از انتخاب موظف است فردی را برای نخست‌وزیری تعیین و برای کسب رأی تمایل به مجلس معرفی

نماید؛ بنابراین پس از تجدید انتخابات ریاست جمهوری، خواه رئیس جمهور جدیدی انتخاب شده یا همان رئیس جمهور قبلی مجدداً برگزیده شود، می‌بایست نسبت به تعیین نخست‌وزیر و معرفی او به مجلس برای کسب رأی تمایل اقدام نماید.

۲- جواز سرپرستی نخست‌وزیر نسبت به وزارتخانه‌های فاقد وزیر به موافقت ریاست جمهوری و تصویب مجلس احتیاج دارد. در این خصوص قبلاً هم طی شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ در پاسخ مقام محترم ریاست جمهوری^۱ به همین نحو اعلام نظر شده است.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۵۴۶۲ مورخ ۱۳۷۲/۸/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان واگذاری مسئولیت هیئت وزیران به معاونت‌های رئیس جمهور و چگونگی نظارت رئیس مجلس بر مصوبات آنها (و نیز مرجع حل اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی):

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۴)، ص ۲۱۰.

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۱۱۴۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به وضعیت تصدی امور توسط مقامات دولتی (از جمله معاونان رئیس جمهور)، در فاصله میان پایان دوره ریاست جمهوری تا انتخاب مقامات دولتی جدید:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۶.

۱. بند (۲) نظریه تفسیری شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ شورای نگهبان: «۲- در قانون اساسی سرپرستی (تصدی) موقت وزارتخانه‌ها جز برای نخست‌وزیر که آن هم باید با موافقت رئیس جمهور و تأیید مجلس شورای اسلامی انجام شود، پیش‌بینی نشده است و مسئولیت وزارتخانه‌ها فقط با وزراء یا نخست‌وزیر در حال تصدی او می‌باشد.»

برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۳.

اصل یکصد و بیست و پنجم

امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او است.

۱- نظریه تفسیری شماره ۹۰۳۹ مورخ ۱۳۶۲/۴/۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نسبت به شمول مفاد اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی بر اقدامات پیش‌قراردادی:
شماره: ۱۳۶۱/۱۲/۲۶-۱۰۱-۰۱-۲۱۰/۲۰۴- تاریخ:

شورای محترم نگهبان

پیرو شماره: ۱۳۵-۲۱۰-۰۱-۱۰۱ مورخ ۱۳۶۱/۹/۱۸ نداجا به سماجا ۴:

۱- موضوع استفاده از امکانات دریایی کشور هندوستان در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۴/۱ شورای عالی دفاع مطرح و مجوز بازدید و همکاری فنی نداجا با کشور هندوستان طی نامه شماره: ۱۲۸-۳-۰۵-۱۰۱ مورخ ۱۳۶۱/۴/۳ به این نیرو ابلاغ گردیده است.

۲- پیرو بازدید گروه هندی از امکانات نداجا، چارچوب همکاری‌های مورد نظر تعیین گردیده و متن مذاکرات انجام شده نیز تهیه که بر مبنای این متن قرار شد با توجه به نیازمندی، یک سری بررسی‌های فنی مقدماتی انجام و نداجا ضمن ارسال نامه درخواست کار (LETTER OF INTENT) همراه با مدارک و نقشه‌جات فنی به مقامات صنایع دریایی این کشور به مدت ۶۰ روز فرصت دهد که امکانات، نحوه و چگونگی انجام همکاری‌ها در چهارچوب مشخص شده مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه به این نیرو ارائه شود تا در صورت توافق نسبت به عقد قرارداد و موافقتنامه از طریق قوانین جاری مملکت اقدام گردد. بدیهی است نداجا هزینه مطالعات و بررسی‌های مقامات هندی در طول مدت روز را پرداخت خواهد نمود.

۳- یک نسخه از متن مذاکرات انجام شده (RECORD OF DISCUSSION) و ترجمه آن همراه با توضیحات مورد نظر در مورد ارسال نامه درخواست انجام کار (L.O.I) به سماجا و وزارت دفاع ملی ارسال گردید. (پیوستی)

۴- وزارت دفاع (دایره حقوقی و پارلمانی) طی نامه شماره ۵۲-۴۲-۱۴۰۱-۵۷۵ مورخ ۱۳۶۱/۹/۳۰ اعلام نمود که از آنجایی که بر طبق اصل ۱۲۵ قانون اساسی هرگونه تفاهم‌نامه یا مقاوله‌نامه و قرارداد با دول خارجی می‌باید با تصویب مجلس

شورای اسلامی و با امضاء ریاست جمهوری انجام پذیرد، ارسال نامه درخواست کار (L.O.I) منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد بود.

۵- ضمن تماس با مقامات وزارت دفاع (حقوقی و پارلمانی) توضیح داده شد که بدون بررسی‌های مقدماتی اصولاً امکان همکاری و یا عقد قرارداد و موافقتنامه برای نداجا ممکن نمی‌باشد و در عین حال با توجه به نیاز نداجا به چنین تعمیراتی و اینکه وضعیت و شرایط همکاری در کشور هندوس تان از نظر این تعمیرات روشن نبوده، ارجاع این امر در حال حاضر به مجلس شورای اسلامی زودرس بوده و مسلماً پس از دریافت درخواست و پیشنهاد کشور هندوستان در صورتی که شرایط پیشنهادی آن کشور مورد قبول قرار گیرد عقد قرارداد از طریق مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری اخذ خواهد شد.

۶- نظر به اینکه اخذ پیشنهاد مستلزم هزینه‌ای برای این نیرو و ارسال کتب و نقشه‌جات یگان‌های شناور است، وزارت دفاع (معاونت حقوقی) لازم می‌داند در این مرحله مجلس شورای اسلامی اجازه این اقدام را به نداجا صادر نماید. بدیهی است همان‌طوری که از عرض گذشت در صورت توافق با پیشنهادات دریافتی، توافق‌های حاصله منوط به تصویب مجلس خواهد بود.

۷- مکاتبات بیشتری در این زمینه با وزارت دفاع و سماجا ۴ به انجام رسید و نظریه این نیرو مبنی بر عدم نیاز به ارجاع مسئله در این مرحله به مجلس شورای اسلامی از طرف وزارت دفاع (معاونت حقوقی و پارلمانی) مورد تأیید واقع نگردید.

۸- استحضاراً حدود همکاری‌های تعمیراتی این دو نیرو منوط به تعمیرات اساسی دو فروند از یگان‌های نداجا در کشور هندوستان با همکاری پرسنل ایرانی و هم‌زمان تعمیرات اساسی یک فروند دیگر در کارخانجات بندرعباس با همکاری پرسنل هندی خواهد بود.

۹- با توجه به مراتب بالا و با توجه به ضرورت امر و احتمال طولانی شدن اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی، مستدعی است مقرر فرمایند تفسیر اصل ۱۲۵ قانون اساسی در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه جهت اجرا از طریق وزارت دفاع و سماجا به این نیرو ابلاغ گردد.

۱۰- با توجه به مراتب بالا و نظر به اینکه عقد قرارداد از طرف نیروی دریایی با کشورهای دوست (تأیید شده از نظر سیاست خارجی) در زمینه تعمیرات یگان‌های شناور و یا احتمالاً خرید بعضی از دستگاه‌ها و یا قطعات می‌تواند جزو اقدامات

معمول و مورد نیاز بوده و اجرای این برنامه از نظر زمانی حائز اهمیت می‌باشد، مستدعی است مقرر فرمایید اصل ۱۲۵ قانون اساسی تفسیر تا در صورت امکان در هر مرحله‌ای این نیرو مجبور نباشد وقت زیادی را برای اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی در آمادگی رزمی از دست بدهد.

بدیهی است در صورت نیاز نداجا به عقد قراردادهای کلی در سطح دولت‌ها (مثلاً خریدهای اقلام عمده دفاعی در سطوح بالا)، مراتب از تصویب مجلس خواهد گذشت. فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران - ناخدا یکم ستاد - بهرام افضلی

شماره: ۹۰۳۹ - تاریخ: ۱۳۶۲/۴/۹

فرمانده محترم نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران
عطف به نامه‌های شماره ۲۰۴/۲۱۰-۱۰۱-۱۰۱ مورخ ۶۱/۱۲/۲۶ و شماره ۳۰/۲۱۰-۱۰۱-۱۰۱ مورخ ۶۲/۴/۱

موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان بدین شرح اعلام می‌شود:
«چون ارسال نامه درخواست کار، چنانکه در صورت جلسه ارسالی مرقوم است، متضمن قرارداد و تعهدی نیست، مشمول اصل ۱۲۵ قانون اساسی نمی‌باشد و نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - محسن هادوی

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۷۸۱ مورخ ۱۳۶۲/۸/۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به وحدت یا تعدد موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و مرتبه زمانی مرحله «تصویب» قرارداد توسط مجلس نسبت به انعقاد قرارداد:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۷)، ص ۱۲۵.

۳- نظریه تفسیری شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی نسبت به قراردادهای منعقدہ میان وزارتخانه، سازمان تابعه و یا شرکت‌های دولتی ایران با شرکت و مؤسسات دولتی خارجی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۷)، ص ۱۲۷.

۴- نظریه تفسیری شماره ۲۹۶۱ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به وضعیت حقوقی امضای رئیس جمهور در اصول ۱۲۳ و ۱۲۵ قانون اساسی و همسانی آنها با هم:

شماره: ۱/۹۷۹۵ - تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۱

شورای محترم نگهبان

عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقتنامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی مصوب مجلس شورای اسلامی برای ابلاغ به دولت به امضای «رئیس جمهور» می‌رسد (مفاد اصل ۱۲۳ قانون اساسی). آیا مراد از «امضاء عهدنامه‌ها و... به وسیله رئیس جمهور یا نماینده قانونی او» که در اصل ۱۲۵ به آن تصریح شده، همان است که فوقاً بدان اشاره شد؟ خواهشمند است نظر تفسیری خود را بیان فرمایند.

سید علی خامنه‌ای - رئیس جمهور

شماره: ۲۹۶۱ - تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۸

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۹۷۹۵ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۱، در ارتباط با اصل ۱۲۵ قانون

اساسی نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

«مستفاد از اصل ۱۲۵ قانون اساسی این است که امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و...

با امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی او است و سند قرارداد با امضای رئیس جمهوری

یا نماینده قانونی او رسمیت خواهد یافت.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۵- نظریه تفسیری شماره ۱۰۱۳۷ مورخ ۱۳۶۶/۱۰/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به

استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی بر

لوايح الحاق ایران به سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۷)، ص ۱۲۹.

اصل یکصد و بیست و ششم

رئیس جمهور مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را مستقیماً بر عهده دارد و می تواند اداره آنها را به عهده دیگری بگذارد.

اصل سابق: تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع رئیس جمهور می رسد و در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران می فرستد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۹۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به مرجع تشخیص خلاف قانون بودن تصویب نامه ها و آیین نامه های هیئت دولت:

شماره: ۱/۴۸۴۸- تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۲

شورای محترم نگهبان

با توجه به اصل ۱۲۶ قانون اساسی، خواهشمند است تفسیراً نظر خود را در مورد این سؤالات اعلام فرمایید:

۱- تشخیص خلاف قانون بودن تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت با کیست؟
۲- در صورت اختلاف نظر میان رئیس جمهور و هیئت دولت، آیا نظر رئیس جمهور متعین است یا مرجع نهایی دیگری وجود دارد؟

سید علی خامنه ای- رئیس جمهور

شماره: ۱۹۴۷- تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۵

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه ای
ریاست محترم جمهوری اسلامی

عطف به نامه شماره ۱/۴۸۴۸ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۲، در ارتباط با اصل ۱۲۶ قانون اساسی نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می شود:

«در اینکه تشخیص مغایرت تصویب نامه ها و آیین نامه ها با رئیس جمهور است اصل ۱۲۶ به وضوح دلالت دارد و محتاج به تفسیر نیست و در موارد اختلاف بین رئیس جمهور و هیئت وزیران، نظر شورا بر این است که بدون رعایت نظر رئیس جمهور تصویب نامه و آیین نامه قابل اجراء نمی باشد.

تذکراً در صورتی که اختلاف مربوط به اختلاف استنباط از قانون اساسی یا قانون عادی باشد و شورای نگهبان طبق اصل ۹۸ قانون اساسی یا مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۷۳ قانون را تفسیر نمود، تفسیر قانون مستند خواهد بود.»

دبیر شورای نگهبان- لطف الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۲۳۶۰ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به تکلیف حقوقی نخست‌وزیر در مواردی که از نظر دولت، تصویب‌نامه اعاده‌شده از سوی رئیس جمهور به هیئت وزیران، مطابق با قوانین نباشد یا «از طرف رئیس جمهور»، مغایرت تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای از دولت با قوانین اعلام شود:

شماره: ۷۳۸۹۴- تاریخ: ۱۳۶۳/۹/۲۵

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عطف به نظریه شماره ۱۹۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ آن شورای محترم^۱ در خصوص اصل ۱۲۶ قانون اساسی خواهشمند است نسبت به موارد زیر اعلام نظر فرمایند:

۱- با توجه به اینکه ذکر دلیل برای اعاده تصویب‌نامه‌ها به هیئت وزیران مطابق اصل ۱۲۶ لازم می‌باشد، آیا در مواردی که در اعلام مغایرت مصوبات دولت بعضی از قوانین ملحوظ نگردیده باشد، می‌توان مراتب را به استحضار ریاست محترم جمهوری رساند تا چنانچه توضیحات را کافی دانستند مطابق تصویب‌نامه صادره عمل شود؟

۲- در مواردی که دلایل ابرازی موضوع اصل ۱۲۶ با صریح قوانین تعارض آشکار داشته باشد چه صورتی دارد و در این موارد استفسار از مجلس شورای اسلامی یا شورای نگهبان لازم است یا خیر و آیا می‌توان اختیاراتی را که در قانون برای هیئت وزیران در جهت وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه منظور شده به استناد اصل مزبور محدود نمود؟

جهت مزید اطلاع تصویر مصوبات شماره ۱۴۱۶۰ مورخ ۱۳۶۳/۵/۱ و شماره ۱۴۲۳۰ مورخ ۱۳۶۳/۳/۲۴ و شماره ۴۳۴۹۰ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۱ و شماره ۹۴۲۴۸ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۹ و شماره ۹۴۱۰۸ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۸ و شماره ۹۳۸۶۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۴ و شماره ۸۶۹۱۴ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۹ و شماره ۴۴۹۳۲ مورخ ۱۳۶۳/۶/۱۸ هیئت وزیران به انضمام مکاتبات مربوطه ایفاد می‌گردد.

۳- در صورتی که مصوبات دولت به تأیید دیوان عدالت اداری یا سازمان بازرسی کل کشور با توجه به وظایف و اختیاراتی که در قانون اساسی و قوانین تشکیل دارند برسد، در ارتباط با اصل ۱۲۶ به چه نحو اقدام باید کرد، علی‌الخصوص با عنایت به اینکه در اصل ۱۲۶ فرصتی معین نشده است.

۴- آیا به استناد اصل ۱۲۶ می‌توان از طرف ریاست محترم جمهوری مغایرت

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۲۶)، ص ۱۹۴.

تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولت را با قوانین اعلام نمود؟

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۲۳۶۰ - تاریخ: ۱۳۶۳/۱۰/۵

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۷۳۸۹۴ مورخ ۱۳۶۳/۹/۲۵، پرسش‌های مطروحه در جلسات شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اعلام نظر شد:

«۱- دولت در رابطه با نظر ریاست جمهوری اگر توضیحات و دلایلی داشته باشد به رئیس جمهوری ارائه دهد تا چنانچه رئیس جمهور توضیحات را کافی دانست تصویب نامه صادره اجرا شود.

۲- پاسخ سؤال دوم از نظریه شماره ۱۹۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ شورای نگهبان^۱ معلوم می‌شود و بررسی جدید لزوم ندارد.

۳- مستفاد از اصل ۱۲۶ قانون اساسی این است که قبل از اعلام نظر رئیس جمهور، مصوبه رسمیت اجرایی ندارد. علی‌هذا تعارض بین نظر دیوان عدالت اداری که پس از رسمیت یافتن مصوبه قابل اظهار است با نظر رئیس جمهور بی‌موضوع می‌باشد.

۴- به موجب این اصل بررسی و اظهار نظر در مغایرت مصوبه با قوانین با شخص رئیس جمهور است، ولی اعلام نظر او از سوی مشاور یا رئیس دفتر ریاست جمهوری به طور رسمی در صورتی که قبلاً رئیس جمهور به مسئولیت خود رسمیت و اعتبار امضاء او را اعلام کرده باشد، مغایر با قانون اساسی نیست.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۱۱۴۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به وضعیت تصدی امور توسط مقامات دولتی (از جمله اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی توسط معاونان رئیس جمهور)، در فاصله میان پایان دوره ریاست جمهوری تا انتخاب مقامات دولتی جدید:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۶.

۴- نظریه تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۱۱۷۳ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به امکان واگذاری مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور به سازمانی خاص بدون تفویض اختیار از سوی رئیس جمهور، و

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۲۶)، ص ۱۹۴.

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

استدعا دارد با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی نظر شورای محترم نگهبان را نسبت به امور زیر اعلام فرمایید:

نظر به اینکه اصل ۱۲۶ قانون اساسی مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی کشور را با هدف سرعت در کارها و تصمیم گیری ها و انجام و هماهنگی در اداره امور و با قید «مستقیماً» بر عهده رئیس جمهور قرار داده است و مطابق ذیل همین اصل، اشخاص دیگر تنها در صورتی می توانند عهده دار امور مزبور گردند که این امر از سوی رئیس جمهور به آنها محول گردد، آیا:

۱- الزام رئیس جمهور به اینکه امور مزبور را صرفاً از طریق تشکیلات و سازمان خاصی انجام دهد.

۲- سازمان خاصی بدون تفویض اختیار از سوی رئیس جمهور متصدی امور مزبور گردد.

۳- موظف نمودن رئیس جمهور به اینکه تشکیلات اداری و اجرایی کشور را به غیر از موارد مصرح در اصول ۱۳۳ و ۱۳۸ قانون اساسی، تنها از طریق قانون سازماندهی نماید.

مغایر اصل ۱۲۶ قانون اساسی شناخته نمی شود؟ و آیا همه اینها از سرعت در کارها و تصمیم گیری ها نمی کاهد؟

محمود احمدی نژاد

شماره: ۸۶/۳۰/۲۱۱۷۳ - تاریخ: ۱۳۸۶/۲/۲۵

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

نامه شماره ۱۰۹۶۶ مورخ ۱۳۸۶/۲/۱۸، مبنی بر تقاضای اظهار نظر تفسیری درباره

«اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی»

در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا

به شرح زیر اعلام می گردد:

«تفویض مسئولیت امور مذکور در اصل ۱۲۶ قانون اساسی به سازمان خاصی بدون

تفویض اختیار از سوی رئیس جمهور مغایر اصل مذکور است، لکن الزام رئیس جمهور به

اجرای آن امور از طریق تشکیلات خاص قانونی مانع ندارد.»

احمد جنتی - دبیر شورای نگهبان

اصل یکصد و بیست و هفتم

رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت با تصویب هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید. در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران خواهد بود.

اصل سابق: هرگاه رئیس جمهور لازم بداند جلسه هیئت وزیران در حضور او به ریاست وی تشکیل می‌شود.

۱- نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۱۴۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت وضعیت تصدی امور توسط مقامات دولتی (از جمله نمایندگان ویژه رئیس جمهور)، در فاصله میان پایان دوره ریاست جمهوری تا انتخاب مقامات دولتی جدید:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۶.

۲- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود اختیارات نمایندگان ویژه رئیس جمهور (موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی) و امکان وضع آیین‌نامه، تصویب‌نامه و اساسنامه توسط نمایندگان ویژه رئیس جمهور:

شماره: ۲۷۵۸/هـ-ب- تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۴

دبیر محترم شورای نگهبان

مقدمتاً یادآوری این نکته را لازم می‌داند که تا قبل از نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ آن شورای محترم،^۱ اولاً مصوبات ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه و به تبع آن، تصمیمات نماینده یا نمایندگان مزبور، حاوی امور اجرایی و غیر آن می‌بود؛ ثانیاً این مصوبات و تصمیمات حاوی امور اجرایی و غیر آن، کلاً برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال می‌شد و ثالثاً کلیه مصوبات و تصمیمات مزبور از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی مورد بررسی و اعلام نظر نهایی قرار می‌گرفت.

و اما در دفاع حقوقی و قانونی از شیوه فوق‌الذکر که پس از بازنگری قانون

۱. نظر شماره ۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان در خصوص طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۱۱/۴ مجلس شورای اسلامی: «در تبصره (۳) با استظهار اینکه اصل ۱۲۷ مربوط به امور اجرایی است، الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل ۱۲۷ قانون اساسی به رئیس مجلس، خلاف قانون اساسی شناخته شد.»

اساسی قریب به یازده سال مستمراً مورد استفاده مراجع قانونی ذی‌ربط قرار گرفته است، نظر آن شورای محترم را به استدلالات ذیل که با استفاده از الفاظ و عبارات اصل ۱۲۷ قانون اساسی و صورت مشروح مذاکرات شورای محترم بازنگری قانون اساسی در خصوص اصل مزبور، به‌عمل آمده و کلاً مبین شمول این اصل به امور اجرایی و غیر آن به نظر می‌رسد، جلب می‌نماید.

۱- در مجموع الفاظ و عبارات مذکور در اصل ۱۲۷ نه فقط هیچ لفظ و عبارتی مشاهده نمی‌شود که صریحاً مبین حصر این اصل به امور اجرایی باشد، بلکه هیچ لفظ و عبارتی وجود ندارد که تلویحاً نیز مفید حصر مزبور باشد.

۲- هیچ‌یک از دو عبارت «موارد خاص» و «اختیارات مشخص» مذکور در اصل ۱۲۷ که عمده‌ترین نقش را در تشخیص دامنه شمول اصل مزبور به امور اجرایی یا غیر آن ایفا می‌کند، مقید به امور اجرایی نبوده، همچنان‌که اطلاق دو عبارت دیگر مذکور در این اصل یعنی عبارت «تصمیمات نماینده یا نمایندگان ویژه» و عبارت «در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران» نه فقط شامل امور اجرایی و غیر آن می‌شوند، بلکه ذکر کلمه «تصمیمات» در هر دو عبارت، پیش و بیش از آنکه به امور اجرایی دلالت کند به غیر این امور دلالت دارد.

۳- صورت مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز ضمن آنکه مبین اهمیت فوق‌العاده انتخاب نماینده یا نمایندگان ویژه و وسعت دایره اختیار فراوان آنان در رفع مشکلات و معضلات پیچیده و سطوح بالای مملکتی است، نه فقط به هیچ وجه محدود و محصور به امور اجرایی نیست که نوعاً مستلزم ایفای نقش نمایندگی در رهگذر صدور دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، تصمیم‌نامه‌ها و از این قبیل است که اغلب به بیش از امور اجرایی تسری دارد. اینک برای ذکر نمونه بعضی از مذاکرات مزبور را ذیلاً به آگاهی می‌رساند:

الف: «ما فکر می‌کنیم دولت این اختیار را داشته باشد که گاهی در حدود اختیارات خودش نه فراتر از آن به بخشی از اختیارات خودش که مشخص می‌شود، تعیین می‌شود، حدودش در دولت تصویب می‌شود، به افرادی یا فردی یک اختیاراتی بدهد که اینها بروند کار بکنند و مسائل را حل کنند.» (دو سطر آخر صفحه ۱۱۳۲ و سطر اول صفحه ۱۱۳۳ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود اولاً واگذاری بخشی از اختیارات دولت به طور مطلق، مطرح است و نه مقید؛ ثانیاً حدود اختیارات اعطایی باز هم به طور مطلق از

طرف دولت تعیین می‌شود و ثالثاً مسائلی که نوعاً ناظر به اختیارات هیئت دولت است حداقل اغلب مستلزم وضع مقررات و ضوابطی بیش از محدوده امور اجرایی است. ب: «... حداقل در ذهن من این است که وزیری را که شما تعیین فرمودید در قانون اساسی که وزیر مسئول وظایف خاص خویش است، بر اساس همان اصل اگر رئیس جمهور و هیئت وزیران آمدند برای یک منطقه‌ای مثل کردستان گفتند ما یک نفر را می‌خواهیم بفرستیم تا الاختیار که مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی آنجا را همه تحت نظرش باشند، نمی‌تواند این کار را بکند. برای اینکه وزیر کشور می‌گوید من مسائل امنیتی را نمی‌خواهم واگذار کنم؛ قانون اساسی شما محدودش کرده است. بنابراین همین جا پیش‌بینی کنید یعنی در خود قانون اساسی باید راه حل بدهید که اگر فردا شورایی آمد تصمیمی گرفت، وزیری نباید بگوید نخیر، وظایف خاص من مربوط به خودم هست، نمی‌خواهم وظایفم را واگذار به شخصی دیگر بکنم ...» (پاراگراف دوم صفحه ۱۱۳۶ مجلد دوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود استنباط شورای محترم بازنگری از اصل ۱۲۷ قانون اساسی اولاً شامل اختیارات تام؛ ثانیاً شامل مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی و ثالثاً مقتضی واگذاری مطلق بعضی از وظایف خاص یک یا چند وزیر بوده است. بنابراین ایفاء مسئولیتی این چنین مهم که نوعاً بدون وضع ضوابط و مقررات لازم‌الاتباع امکان‌پذیر نیست، شمول مدلول اصل ۱۲۷ قانون اساسی به امور اجرایی و غیر آن را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

ج: «... یکی از اختیاراتی که او می‌تواند داشته باشد اختیار هماهنگی است و خوب ما در دستگاه‌های مختلف فرض بکنیم در یک موردی که مسائل امنیتی خوب اوایل انقلاب بود در بعضی استان‌ها دیدیم که خوب وزارت آموزش و پرورش یک نوعی می‌رود یعنی برخوردش با معلم‌ها، فرضاً استاندار که مسئول امنیت آن مناطق بود می‌گفت که این تصفیه باید انجام صورت بگیرد، برخوردها با ضد انقلاب باید صورت بگیرد. خوب یک مشکلی در این رابطه داشتیم. قسمت اقتصادی به یک نوعی، قسمت‌های انتظامی به نوعی دیگر، هماهنگ کردن تمام این دستگاه‌ها کار مشکلی در آنجا بود ...» (اواخر صفحه ۱۱۴۲ مجلد سوم صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی و نیمه اول سطر اول صفحه ۱۱۴۳ همین مجلد)

به‌طوری که ملاحظه می‌شود اولاً موضوع نمایندگی نوعاً رفع مشکلات و معضلات

پیچیده مملکتی است؛ ثانیاً رفع مشکلات و معضلات مزبور، نوعاً مستلزم ایجاد هماهنگی بین تعدادی از مقامات مسئول محلی است و ثالثاً رفع این قبیل مشکلات و معضلات و یا ایجاد این‌گونه هماهنگی‌ها مقتضی برخی امور اجرایی و وضع پاره‌ای ضوابط و مقررات به صورت دستورالعمل، بخشنامه، تصمیم‌نامه و از این قبیل است.

بنا به مراتب مذکور، به نظر می‌رسد شیوه قبلی هیئت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه و رئیس مجلس شورای اسلامی که به تبع استدلال‌ات فوق‌الذکر و صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی اتخاذ شده بود، حداقل فاقد قوت استدلال نبوده و از وجاهت حقوقی و قانونی بی‌بهره نباشد. و اما اینکه که شورای محترم نگهبان به موجب نظریه اخیر خود، تبصره (۳) طرح الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی را از جهت الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل (۱۲۷) برای رئیس مجلس شورای اسلامی خلاف قانون اساسی می‌داند این اشکال پدید آمده است که سوی شورای محترم نگهبان به اجرایی بودن موارد و اختیارات موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی دلالت دارد، لکن با التفات به اینکه قبل از تفسیر اصل مزبور و روشن شدن این نکته که شورای محترم نگهبان به لحاظ تفسیری نیز عقیده بر محدود و محصور بودن اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به امور اجرایی دارد یا نه، خواهشمند است برای روشن شدن تکلیف قانونی مراجع ذی‌ربط مقرر فرمایید با عنایت به اصل نود و هشتم قانون اساسی نسبت به تفسیر اصل مورد نظر اقدام و از نتیجه اینجانب و سایر مراجع ذی‌ربط مزبور را آگاه فرمایند.

ضمناً برای استحضار بیشتر از نحوه استنباط و عمل هیئت وزیران و نماینده یا نمایندگان ویژه، فهرست برخی از تصویب‌نامه‌های ناظر به تعیین نماینده یا نمایندگان ویژه به انضمام تصویب‌نامه‌های مزبور و نیز فهرست برخی از تصمیم‌نامه‌های این نماینده یا نمایندگان به انضمام تصمیم‌نامه‌های مزبور را که فهرست نخست مبین اعطای اختیاری بیش از موارد اجرایی به نماینده یا نمایندگان ویژه و فهرست اخیر نیز مبین اتخاذ تصمیماتی زائد بر امور اجرایی از سوی این نماینده یا نمایندگان است، به پیوست ارسال می‌دارد.

مهدی کروبی - رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۷۹/۲۱/۷۳۷ - تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۳۰

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲۷۵۸/هـ/ب مورخ ۷۹/۵/۴، موضوع در جلسه مورخ بیست

و چهارم مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه شورای نگهبان مطرح شد. نظر به اینکه اصول ۸۵ و ۱۳۸ مراجع وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده است و این امور غیر از تصمیم است و نظر به اینکه اصل ۱۲۷ صراحتاً به تصمیمات رئیس جمهور و هیئت وزیران اشاره کرده است، نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«محدوده اصل ۱۲۷ شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأ شامل تصمیمات خواهد بود.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل یکصد و بیست و هشتم

سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و تصویب رئیس جمهور تعیین می‌شوند. رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

اصل سابق: رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌کند و استوارنامه سفیران کشورهای دیگر را می‌پذیرد.

- نظریه تفسیری شماره ۱۵۷۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به مرجع تصویب صلاحیت و امضاء استوارنامه سفیران:

شماره: ۷۴۸۴۲- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۷

شورای محترم نگهبان

یکی از موارد اختلاف اینجانب با رئیس جمهور، اصل ۱۲۸ قانون اساسی است.

به نظر اینجانب رئیس جمهور استوارنامه را امضاء می‌کند، تصویب صلاحیت سفیر با وزیر امور خارجه است. آقای رئیس جمهور معتقدند که باید ایشان صلاحیت سفیر را تصویب کنند.

خواهشمند است نظر آن شورا را نسبت به موضوع فوق ابلاغ فرمایند.

نخست‌وزیر - محمدعلی رجائی

شماره: ۱۵۷۰ - تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۱

جناب آقای محمدعلی رجائی

نخست‌وزیر

عطف به نامه شماره ۷۴۸۴۲ مورخ ۵۹/۱۲/۱۷، موضوع مورد سؤال در شورای

نگهبان مطرح و مورد بحث قرار گرفت و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌شود:

«طبق اصل ۱۲۸ قانون اساسی رئیس جمهور استوارنامه سفیران را امضاء می‌نماید و

تصویب صلاحیت سفیر با رئیس جمهور نیست.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل یکصد و سی ام

رئیس جمهور استعفای خود را به رهبر تقدیم می‌کند و تا زمانی که استعفای او پذیرفته نشده است به انجام وظایف خود ادامه می‌دهد.

اصل سابق: در هنگام غیبت یا بیماری رئیس جمهور شورایی به نام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از نخست‌وزیر، رئیس مجلس شورای ملی و رئیس دیوان عالی کشور وظایف او را انجام می‌دهد، مشروط بر اینکه عذر رئیس جمهور بیش از دو ماه ادامه نیابد و نیز در مورد عزل رئیس جمهور یا در مواردی که مدت ریاست جمهوری سابق پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده، وظایف ریاست جمهوری بر عهده این شورا است.

– نظریه تفسیری شماره ۳۵۵۶ مورخ ۱۳۶۰/۶/۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به رسمیت و اعتبار قانونی تصمیمات شورای موقت ریاست جمهوری با وجود اکثریت اعضا:

شماره: ۱۷۶۲ دال هـ- تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

طبق اصل ۱۳۰ قانون اساسی که در هنگام غیبت یا بیماری و یا عزل رئیس جمهور، شورایی به نام شورای موقت ریاست جمهوری مرکب از رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس و نخست‌وزیر تشکیل می‌گردد، آیا طبق این اصل با وجود اکثریت اعضا این شورا، شورا قانونی است و می‌تواند به وظایف محوله در قانون عمل کند؟ مثلاً تشکیل شورا با وجود رئیس دیوان عالی کشور و رئیس مجلس قانونی است و می‌تواند وظایف تشریح شده در اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ را انجام دهد؟

مقتضی است هر چه سریع‌تر نظر آن شورای محترم به مجلس شورای اسلامی ابلاغ گردد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی رفسنجانی

شماره: ۳۵۵۶ - تاریخ: ۱۳۶۰/۶/۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۷۶۲ دال هـ- ۶۰/۶/۸ موضوع در شورای نگهبان مطرح و

مورد بررسی قرار گرفت. نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«با توجه به اینکه عمده نظر قانون اساسی در اصول ۱۳۰ و ۱۳۱ عدم وقوع فترت و جلوگیری از تعطیل امور کشور می‌باشد و نظر به اینکه در صورت اتفاق رأی دو نفر از سه عضو شورای موقت ریاست جمهوری، اکثریت که مناط اعتبار قانونی است حاصل می‌شود، در صورت فوت یکی از سه نفر اعضا شورای مذکور در مواردی که دو نفر دیگر اتفاق رأی داشته باشند، اقدامات و تصمیمات آنها به عنوان شورای ریاست جمهوری قانونی و معتبر است.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل یکصد و سی و یکم

در صورت فوت، عزل، استعفاء، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری، اختیارات و مسئولیت‌های وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور، معاون اول نداشته باشد مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

اصل سابق: در صورت فوت، کناره‌گیری یا بیماری بیش از دو ماه و عزل رئیس جمهور، یا موجبات دیگری از این‌گونه، شورای موقت ریاست جمهوری موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود و در این مدت وظایف و اختیارات ریاست جمهوری را جز در امر همه‌پرسی بر عهده دارد.

- نظریه تفسیری شماره ۳۵۵۶ مورخ ۱۳۶۰/۶/۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به رسمیت و اعتبار قانونی تصمیمات شورای موقت ریاست جمهوری با وجود اکثریت اعضا:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۰)، ص ۲۰۴.

اصل یکصد و سی و سوم

وزراء توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزراء لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

اصل سابق: وزراء به پیشنهاد نخست‌وزیر و تصویب رئیس جمهور معین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را قانون معین می‌کند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۳۵۸۷ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت حقوقی نخست‌وزیر و کابینه سابق پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب رئیس جمهور جدید، از جهت لزوم یا عدم لزوم اخذ رأی اعتماد مجدد از مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۴)، ص ۱۸۸.

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۰/۳۰/۴۲۲۴۹ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت حقوقی ادغام وزارتخانه‌هایی که از ادغام دو یا چند وزارتخانه تشکیل می‌شوند، از جهت لزوم یا عدم لزوم تصویب عنوان و وظایف و اختیارات آنها در مجلس و نیز از جهت لزوم یا عدم لزوم اخذ رأی اعتماد از مجلس برای وزیر این وزارتخانه:

شماره: ۱۳۹۰/۲/۱۹- تاریخ: ۱۳۹۰/۹/۸۷-۵

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

به استناد اصل نود و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تفسیر اصل یکصد و سی و سوم آن قانون به شرح ذیل مورد تقاضای مجلس شورای اسلامی می‌باشد:

اولاً با توجه به قسمت نخست اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی که بر معرفی وزراء به مجلس شورای اسلامی توسط رئیس جمهور برای گرفتن رأی اعتماد تصریح دارد، آیا با تغییر اساسی در وظایف و اختیارات هر یک از وزارتخانه‌ها، معرفی وزیر جدید به مجلس و اخذ رأی اعتماد برای وی از جمله تکالیف رئیس جمهور می‌باشد یا خیر؟

ثانیاً با عنایت به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی که تعداد وزیران و حدود اختیارات هر یک از آنان را موقوف به تعیین قانون نموده است، آیا عنوان و وظایف و اختیارات وزارتخانه جدیدی که با ادغام دو یا چند وزارتخانه یا

انتزاع بخشی از وظایف یکی از آنها تشکیل می‌گردد باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد یا از اختیارات رئیس جمهور و یا هیئت وزیران می‌باشد؟
خواهشمند است نظریه شورای محترم نگهبان را به مجلس شورای اسلامی ابلاغ فرمایید.

علی لاریجانی

شماره: ۹۰/۳۰/۴۲۲۴۹- تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۲۱

جناب آقای دکتر لاریجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۰/۹۶۸۷/د مورخ ۱۳۹۰/۲/۱۹ در خصوص درخواست تفسیر اصل یکصد و سی و سوم قانون اساسی، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۱ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورا به اتفاق آراء به شرح زیر اعلام می‌شود:
«با توجه به وضوح اصول قانون اساسی خصوصاً اصل ۱۳۳، هرگونه تغییر در وظایف و اختیارات قانونی و نیز ادغام دو یا چند وزارتخانه، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و تا قبل از تصویب مجلس، تغییری در مسئولیت و اختیارات وزیران و وزارتخانه‌های قبلی به وجود نخواهد آمد. وزیر وزارتخانه‌های جدید یا ادغام‌شده، در هر صورت وزیر جدید محسوب شده و نیاز به اخذ رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی دارد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل یکصد و سی و چهارم

ریاست هیئت وزیران با رئیس جمهور است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. در موارد اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی در صورتی که نیاز به تفسیر یا تغییر قانون نداشته باشد، تصمیم هیئت وزیران که به پیشنهاد رئیس جمهور اتخاذ می‌شود لازم‌الاجراء است. رئیس جمهور در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

اصل سابق: ریاست هیئت وزیران با نخست‌وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خط مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. نخست‌وزیر در برابر مجلس، مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

۱- نظریه تفسیری شماره م/۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حق نمایندگان بر مکاتبه با دستگاه‌های اجرایی و سؤال از مسئولان و حدود مسئولیت دولت و وزراء در این زمینه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۷.

۲- نظریه تفسیری ۱۶۱۹ مورخ ۱۳۶۳/۷/۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به امکان ایجاد سازمان‌های مستقل و وابسته به نخست‌وزیری در راستای انجام وظایف نخست‌وزیری و نیز امکان انتزاع این سازمان‌ها از نخست‌وزیری و واگذاری آنها به وزارتخانه‌ها:

شماره: ۳۶۹۷۸- تاریخ: ۱۳۶۳/۵/۳۰

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه در خصوص نحوه اداره بعضی از سازمان‌های مستقل که وابسته به نخست‌وزیری هستند ابهاماتی ایجاد شده، لذا خواهشمند است با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام فرمایند:

آیا وجود یا ایجاد سازمان‌های مستقل و وابسته که زیر نظر نخست‌وزیر اداره می‌شوند (مانند سازمان برنامه و بودجه) و در جهت انجام وظایف مذکور در اصل ۱۳۴ فعالیت می‌نمایند مغایرتی با قانون اساسی دارد یا خیر؟ و آیا با وضع قانون می‌توان سازمان‌هایی که وسیله و ابزار نظارت نخست‌وزیر بر کار وزیران و هماهنگی تصمیمات دولت و تعیین برنامه و خط مشی دولت و سایر موارد مندرج در این اصل

است از نخست‌وزیری منتزع و به وزارتخانه‌ای واگذار نمود؟

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۱۶۱۹ - تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۳

جناب آقای موسوی نخست‌وزیر

عطف به نامه شماره ۳۶۹۷۸ مورخ ۱۳۶۳/۵/۳۰، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«وجود یا ایجاد سازمان‌های وابسته به نخست‌وزیری که وسیله و ابزار نظارت نخست‌وزیر بر کار وزیران و هماهنگی تصمیمات دولت و تعیین برنامه و خط مشی دولت و به طور کلی مربوط به وظایف نخست‌وزیر مندرج در اصل ۱۳۴ قانون اساسی است، مغایر قانون اساسی نمی‌باشد. انتزاع سازمان‌های مزبور از نخست‌وزیری و واگذاری آنها به وزارتخانه‌ای دیگر با قانون اساسی مغایرت دارد.

بدیهی است مقررات قانونی مربوط به وظایف و اختیارات سازمان‌های یاد شده باید با قانون اساسی مطابقت داده شود.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۷۵۱ مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به امکان تشکیل سازمان دفاع غیرنظامی زیر نظر نخست‌وزیر:

شماره: ۱۰۱۲۶۲ - تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۲

شورای محترم نگهبان

با توجه به ضرورت هماهنگی و ایجاد تمرکز در دفاع غیرنظامی در زمان جنگ و به ویژه در شرایط کنونی که شهرهای کشور اسلامیان زیر فشار بمباران شدید و گسترده هواپیماهای رژیم بعثی عراق قرار گرفته، خواهشمند است با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی اعلام نظر فرمایند: آیا تشکیل سازمانی تحت عنوان سازمان دفاع غیرنظامی زیر نظر نخست‌وزیر جهت ایجاد هماهنگی و سیاست‌گذاری اقدامات دستگاه‌های اجرایی و برنامه‌ریزی‌های لازم به منظور انجام پدافند غیرعامل و بسیج امکانات همه دستگاه‌های اجرایی در این راستا با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مخالفت دارد یا خیر؟

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۷۷۵۱ - تاریخ: ۱۳۶۵/۱۲/۵

جناب آقای میرحسین موسوی

نخست‌وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۰۱۲۶۲ مورخ ۱۳۶۵/۱۲/۲، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح گردید و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌شود:

«نظر به اینکه به موجب اصل ۱۳۴ قانون اساسی هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت و... از وظایف نخست‌وزیر است، همان‌طور که در نامه شماره ۱۶۱۹ مورخ ۱۳۶۳/۷/۳ اظهار نظر شده است، تشکیل سازمانی تحت هر عنوان زیر نظر نخست‌وزیر صرفاً جهت ایجاد هماهنگی و سیاست‌گذاری اقدامات دستگاه‌های اجرایی و برنامه‌ریزی‌های لازم به منظور انجام پدافند غیرعامل و بسیج امکانات دستگاه‌های اجرایی با قانون اساسی مغایرت ندارد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - خسرو بیژنی

۴- نظریه تفسیری شماره ۵۴۶۲ مورخ ۱۳۷۲/۸/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به مرجع حل اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی (و نیز امکان واگذاری مسئولیت هیئت وزیران به معاونت‌های رئیس جمهور و چگونگی نظارت رئیس مجلس بر مصوبات آنها):

شماره: ۲/ب- تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۸

شورای محترم نگهبان

با عنایت به اینکه اولاً به موجب اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی هیئت وزیران می‌تواند برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید و نه به یکی از معاونت‌های ریاست جمهوری و ثانیاً نظر به اینکه رفع اختلافات موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی به صراحت این اصل با پیشنهاد رئیس جمهور به عهده هیئت وزیران محول شده است، لذا تصویب‌نامه شماره ۳۵۶۰۰/ت-۲۰۷ هـ - ۱۳۷۲/۷/۵ که نظر معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری را در زمینه رفع اختلافات مورد نظر کافی تلقی کرده است، مغایر دو اصل فوق‌الاشعار می‌باشد. ضمناً یادآوری این نکته را نیز لازم می‌داند که هیئت وزیران در محدوده اعمال یکصد و سی و چهارم قانون اساسی با ارسال این قبیل مصوبات نزد اینجانب این امکان آن را فراهم می‌ساخت که قطع نظر از بررسی مسئله مورد اختلاف یا تداخل در وظایف قانونی و ارزیابی امر نیاز به تفسیر یا تغییر قانون که از جمله مصوبات

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۳۴)، ص ۲۰۸.

۲. شماره: ۳۵۶۰۰/ت-۲۰۷ هـ - تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۵

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۶/۷ به استناد اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

در مواردی که اختلاف نظر دستگاه‌ها در استنباط از قوانین و مقررات، منجر به استعلام از معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری می‌شود، نظر معاونت یاد شده در صورتی که موضوع اختلاف نیاز به تفسیر و یا تغییر قانون نداشته باشد، برای کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط لازم‌الاتباع است.

اصل مزبور می‌باشد، چنانچه احتمالاً تصمیم متّخذ با قانون مغایرت می‌داشت ضمن استدلال و ذکر مستند یا مستندات قانونی، اینجانب مراتب مغایرت مصوبه را اعلام نمایم تا نسبت به الغاء آن قسمت از مصوبه که مغایر با قانون تشخیص شده اقدام قانونی به عمل آید؛ در حالی که تفویض اختیار یا مسئولیت قانونی موضوع اصل یکصد و سی و چهارم قانون اساسی به معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری علاوه بر اینکه امری آن چنان مهم و اساسی که واضعان قانون اساسی آن را در صلاحیت هیئت وزیران و آن هم به پیشنهاد ریاست جمهوری قرار داده‌اند به یک نفر محول شده است، اصولاً چون اتخاذ تصمیم معاونت مزبور در قالب تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی قرار نمی‌گیرد، لذا با عدم ارسال این قبیل تصمیمات نزد اینجانب عملاً انجام رسالت قانونی رئیس مجلس شورای اسلامی نیز متعسر و شاید هم غیرممکن خواهد شد. علی‌هذا با عنایت به تفسیری که طی شماره ۲۱۰۱-۱۳۷۲/۲/۱۵ آن شورای محترم^۱ از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به عمل آمده است، ضمن ارسال تصویری از تصویب‌نامه شماره ۳۵۶۰۰/ت ۲۰۷ هـ- ۱۳۷۲/۷/۵ هیئت وزیران، چگونگی امر جهت نوعی چاره‌جویی در این قبیل موارد و اعلام مراتب به اینجانب به آگاهی می‌رسد.

علی‌اکبر ناطق نوری- رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۵۴۶۲- تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۲/هـ/ب مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۸، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۸/۵ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«از اصل ۱۳۴ قانون اساسی استفاده می‌شود که در هر یک از موارد اختلاف، هیئت وزیران مرجع اتخاذ تصمیم است و لاغیر، مگر در واگذاری تصویب برخی از امور مربوط به وظایف دولت به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر (به موجب اصل ۱۳۸ قانون اساسی).»

دبیر شورای نگهبان- احمد جنتی

۱. نظریه تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ شورای نگهبان: «کلمه «قوانین» مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، شامل قانون اساسی می‌شود.»

[گفتنی است تاریخ نامه فوق، در متن نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان، به اشتباه ۱۳۷۲/۲/۱۵ درج شده که تاریخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ صحیح می‌باشد.]

برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۳۸)، ص ۲۲۴.

اصل یکصد و سی و پنجم

وزراء تا زمانی که عزل نشده‌اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سِمَت خود باقی می‌مانند. استعفای هیئت وزیران یا هر یک از آنان به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و هیئت وزیران تا تعیین دولت جدید به وظایف خود ادامه خواهند داد. رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.

اصل سابق: نخست‌وزیر تا زمانی که مورد اعتماد مجلس است در سِمَت خود باقی می‌ماند. استعفای دولت به رئیس جمهور تسلیم می‌شود و تا تعیین دولت جدید، نخست‌وزیر به وظایف خود ادامه می‌دهد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۹۳۴۱ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به موضوع تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بدون وزیر و لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی با تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر توسط نخست‌وزیر:

شماره: ۱۶۱۵-م/۱- تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۳

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

بعد السلام، خواهشمند است نظر آن شورای محترم را نسبت به موارد زیر اعلام فرمایند:

- ۱- تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بدون وزیر
 - ۲- لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی با تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر، به وسیله نخست‌وزیر.
- سید علی خامنه‌ای- رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۹۳۴۱- تاریخ: ۱۳۶۲/۵/۱۶

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۶۱۵-م/۱ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۳، سؤالات مرقوم در شورای نگهبان مطرح و مفصلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتیجه به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«۱- پرسش اول به عنوان تفسیر، رأی کافی نیلورد.

۲- نظر تفسیری شورای نگهبان نسبت به پرسش دوم این است که: در مواردی که بر حسب ضرورت، به طور موقت، نخست‌وزیر متصدی وزارتخانه‌ای می‌شود باید با تصویب رئیس جمهور و تصویب مجلس شورای اسلامی باشد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور با استعفای وزراء یا تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بی‌وزیر:

شماره: ۱/۱۰۵۰۴ - تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۲۵

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را درباره موارد زیر اعلام

فرمایید:

۱- آیا استعفای وزراء پس از موافقت نخست‌وزیر، به مانند عزل و نصب آنان، به

تصویب و تأیید رئیس جمهور نیاز دارد؟

۲- آیا تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌ای بی‌وزیر، به تصویب و تأیید

رئیس جمهور نیاز دارد؟

سید علی خامنه‌ای - رئیس جمهور

شماره: ۳۱۳۷ - تاریخ: ۱۳۶۳/۱۲/۲۹

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۱۰۵۰۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۵، نظر شورای نگهبان به شرح

زیر اعلام می‌شود:

«۱- از قانون اساسی راجع به لزوم یا عدم لزوم قبول استعفاء از طرف نخست‌وزیر یا

رئیس جمهور مطلبی استفاده نمی‌شود. علی‌هذا ترتیب کار باید طبق قانون عادی معین شود.

۲- در قانون اساسی سرپرستی (تصدی) موقت وزارتخانه‌ها جز برای نخست‌وزیر که

آن هم باید با موافقت رئیس جمهور و تأیید مجلس شورای اسلامی انجام شود پیش‌بینی

نشده است و مسئولیت وزارتخانه‌ها فقط با وزراء یا نخست‌وزیر در حال تصدی او

می‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۳- نظریه تفسیری شماره ۳۵۸۷ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار

رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به وضعیت حقوقی نخست‌وزیر و کابینه سابق پس از

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب رئیس جمهور جدید، از جهت لزوم یا عدم لزوم

اخذ رأی اعتماد مجدد از مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۴)، ص ۱۸۸.

۴- نظریه تفسیری شماره ۱۰۳۶ مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به ملاک رأی گیری در استیضاح وزراء برای برکناری وزیر، از جهت اخذ رأی به «عدم اعتماد» یا اخذ «رأی اعتماد مجدد» به وزیر:

شماره: ۱۳۷۱۸۲- تاریخ: ۱۳۶۹/۱۲/۱۳

شورای محترم نگهبان

با ابلاغ سلام

همان طور که مستحضرنه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به استیضاح هیئت وزیران و هر یک از وزراء اشارت دارد.

اصل هشتاد و نهم

«۱- نمایندگان مجلس شورای اسلامی می توانند در مواردی که لازم می دانند هیئت وزیران یا هر یک از وزراء را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیئت وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد.»

اصل یکصد و سی و دوم

«در مدتی که اختیارات و مسئولیت های رئیس جمهور بر عهده معاون اول یا فرد دیگری است که به موجب اصل یکصد و سی و یکم منصوب می گردد وزراء را نمی توان استیضاح کرد یا به آنان رأی عدم اعتماد داد و نیز نمی توان برای تجدیدنظر در قانون اساسی و یا امر همه پرسی اقدام نمود.»

اصل یکصد و سی و پنجم

«وزراء تا زمانی که عزل نشده اند و یا بر اثر استیضاح یا درخواست رأی اعتماد، مجلس به آنها رأی عدم اعتماد نداده است در سمت خود باقی می مانند...».

قسمت اخیر اصل هشتاد و نهم و اصول یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم، تعبیر «رأی عدم اعتماد» مجلس را به کار برده اند.

به این نکته هم باید عنایت داشت که متن کنونی اصل یکصد و سی و پنجم کلاً در بازنگری قانون اساسی تدوین و تصویب شده است و از لحاظ تاریخی مؤخر بر

اصل هشتاد و نهم است.

با توجه به اصول یاد شده، براساس دستور ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، تقاضا دارد که شورای محترم نگهبان تفسیر خود را از اصول مذکور اعلام فرمایند و معین نمایند که چنانچه هیئت وزیران یا هر یک از وزراء مورد استیضاح واقع شوند، مجلس محترم شورای اسلامی:

الف: باید به آنها رأی عدم اعتماد بدهد، به نحوی که در سه اصل هشتاد و نهم و یکصد و سی و دوم و یکصد و سی و پنجم به صراحت ذکر شده است.

ب: و یا باید رأی اعتماد بدهد، همان‌طور که در اصل هشتاد و هفتم و یکصد و سی و سوم و یکصد و سی و ششم آمده است.

این مطلب از آن جهت مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد، قانون اساسی هنگامی تعبیر «رأی اعتماد» را به کار می‌برد که مجلس درصدد است نسبت به هیئت وزیران یا وزیری که رئیس جمهور معرفی کرده است، قبل از شروع کار رسمی آنها، اعلام نظر کند؛ حال آنکه تعبیر «رأی عدم اعتماد» وقتی به کار رفته است که منظور از آن اعلام نظر مجلس، پس از استیضاح هیئت وزیران یا وزیر بوده است.

نتیجه یا ثمره بحث نیز در تعداد آرای لازم برای ابقای هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح و یا کناره‌گیری آنها پس از استیضاح ظاهر می‌شود، بدین معنی که اگر پس از استیضاح مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رأی اعتماد داده شود، باید نصف به اضافه یک آرای نمایندگان حاضر در مجلس به نفع وزیر (مثبت) باشد و آرای ممتنع جزء آرای مخالف محسوب گردد؛ حال آنکه اگر مقرر باشد که به وزیر یا وزیران مورد استیضاح رأی عدم اعتماد داده شود باید نصف به اضافه یک آرای نمایندگان حاضر در مجلس به ضرر وزیر (منفی) باشد و آرای ممتنع جزء آرای منفی به حساب نیاید.

حسن حبیبی - معاون اول رئیس جمهور

شماره: ۱۰۳۶ - تاریخ: ۱۳۷۰/۱/۲۲

جناب آقای دکتر حبیبی

معاون اول محترم ریاست جمهوری

عطف به نامه شماره ۱۳۷۱۸۲ مورخ ۶۹/۱۲/۱۳، موضوع سؤال در جلسه مورخ ۱۳۷۰/۱/۲۱ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر تفسیری اکثریت اعضای شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«با توجه به صراحت اصل ۱۳۵ قانون اساسی مصوب شورای بازنگری قانون اساسی در

سال ۱۳۶۸ که ملاک کنار گذاشتن وزراء را در مورد استیضاح، رأی عدم اعتماد مجلس شورای اسلامی دانسته است و با عنایت به استصحاب اعتماد ابراز شده به وزراء از سوی مجلس در آغاز کار آنها، هیئت وزیران یا وزیر مورد استیضاح هنگامی عزل می‌شود که اکثریت نمایندگان رأی عدم اعتماد بدهند و صرف عدم احراز رأی اعتماد اکثریت، موجب عزل نمی‌گردد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

۵- نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۱۱۴۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به وضعیت تصدی امور وزارتخانه‌ها و اعتبار تصمیمات هیئت وزیران و دیگر مقاماتی که به نمایندگی از ریاست جمهوری مسئولیت یافته‌اند، در فاصله میان پایان دوره ریاست جمهوری تا انتخاب مقامات دولتی جدید:

شماره: ۶۱۸۳۳/۲۰ - تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۱۱

شورای محترم نگهبان

با ابلاغ سلام، نظر به اینکه از زمان پایان یافتن دوره ریاست جمهوری تا معرفی وزراء به مجلس و اخذ رأی اعتماد، با توجه به سابقه، فاصله چند هفته‌ای وجود دارد و در این مدت، چگونگی تصدی امور وزارتخانه‌ها و اعتبار تصمیمات هیئت وزیران و مقاماتی که به نمایندگی از ریاست جمهوری مسئولیت یافته‌اند محل سؤال است، لطفاً نظر تفسیری آن شورا را نسبت به اصول قانون اساسی در موارد زیر اعلام فرمایند:

۱- آیا وزراء از زمان اختتام دوره ریاست جمهوری تا رأی اعتماد به وزرای جدید کماکان بر مسئولیت خود باقی می‌مانند؟

۲- در صورتی که وزرای موجود در فاصله مزبور بر مسئولیت باقی باشند، تشکیل و تصمیم‌گیری هیئت وزیران تحت نظر ریاست جمهوری جدید میسر است یا خیر؟

۳- معاونان رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۶ قانون اساسی برای اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی منصوب شده‌اند، بعد از پایان دوره ریاست جمهوری می‌توانند به کار ادامه دهند یا نیاز به حکم جدید دارند؟

۴- کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی انتخاب شده‌اند در این مدت نافذ است یا صرفاً تصمیماتی که در حکم تصمیم هیئت وزیران باشد اعتبار خواهد داشت؟

۵- آیا تشکیل کمسیون‌های متشکل از وزرای موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی در فاصله زمانی مزبور مجاز است و تصمیمات ایشان با تأیید ریاست جمهوری جدید، لازم‌الاجراء است یا خیر؟

معاون اول رئیس جمهور - حسن حبیبی

شماره: ۷۶/۲۱/۱۴۴- تاریخ: ۱۳۷۶/۵/۱۳

معاون اول محترم رئیس جمهور

با سلام، نامه شماره ۶۱۸۳۳/۲۰ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۱ در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«۱- وزراء از زمان اختتام دوره ریاست جمهوری تا رأی اعتماد به وزرای جدید کماکان بر مسئولیت خود باقی می‌مانند.

۲- وزرای موجود در فاصله مزبور بر مسئولیت باقی هستند و تشکیل و تصمیم‌گیری هیئت وزیران تحت نظر ریاست جمهوری جدید میسر است.

۳- معاونان رئیس جمهور به عنوان معاون به کار خود ادامه می‌دهند، لکن در آن قسمت که مربوط به اداره امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی است، اداره کار منوط به نوعی موافقت رئیس جمهور می‌باشد.

۴- کلیه تصمیمات نمایندگان ویژه رئیس جمهور که به استناد اصل ۱۲۷ قانون اساسی انتخاب شده‌اند، در این مدت نافذ نمی‌باشد.

۵- در بند (۵) با تأیید ریاست جمهوری جدید، تصمیمات مذکور، لازم‌الاجراء است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۶- نظریه تفسیری شماره ۸۶/۳۰/۲۴۴۹۸ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به چگونگی تعیین سرپرست برای وزارتخانه‌های بدون وزیر، مدت زمان مجاز برای تصدی، امکان تمدید زمان برای تصدی سرپرستی و...:

شماره: ۵/۱۰/۱۰۳۹۶۲-د/ تاریخ: ۱۳۸۵/۷/۵

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام، با توجه به قسمت اخیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی که مقرر داشته است: «... رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید»، نظر تفسیری آن شورا را در مورد این اصل، خصوصاً در موارد ذیل اعلام فرمایند:

۱- آیا رئیس جمهور تنها برای یک بار می‌تواند برای وزارتخانه‌ای که وزیر ندارد به مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید یا اینکه بیش از یک بار و به دفعات می‌تواند سرپرست تعیین کند ولی قید سه ماه یک بار رعایت شود؟

۲- چنانچه مدت سرپرستی بیش از سه ماه طول کشید، آیا سرپرست منعزل است یا وظیفه و اختیار و مسئولیت دارد؟

۳- در مدتی که وزارتخانه، وزیر یا سرپرست ندارد، مسئولیت وزارتخانه به عهده

۴- مدت زمان سه ماه از زمانی شروع می‌شود که وزارتخانه وزیر ندارد و یا از زمانی که سرپرست ابلخ سرپرستی می‌گیرد؟

۵- چنانچه وزیر توسط رئیس جمهور معرفی شد و به علت عدم رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی انتخاب وزیر بیش از سه ماه به درازا کشید، تکلیف چیست؟

۶- اگر رئیس جمهور در مهلت مناسب سرپرست معرفی نکرد، چه وضعیتی دارد؟
غلامعلی حداد عادل- رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۸۶/۳۰/۲۴۴۹۸- تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۴

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

نامه شماره ۱۵۲۰۶۵/د/۱۰/۱۰ مورخ ۱۳۸۵/۱۰/۳ مبنی بر اظهار نظر تفسیری درباره «قسمت اخیر اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی» در جلسات شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:
«در پاسخ به سؤال اول، مطابق اصل ۱۳۵ قانون اساسی تعیین سرپرست برای بیش از یک سه ماه امکان‌پذیر نمی‌باشد، لیکن در مدت سه ماه مذکور رئیس جمهور می‌تواند به دفعات سرپرست تعیین کند.

راجع به سایر موارد مطروحه در نامه فوق‌الذکر، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید.»
احمد جنتی - دبیر شورای نگهبان

۷- نظریه تفسیری شماره ۹۰/۳۰/۴۲۳۶۴ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار حقوقدان شورای نگهبان نسبت به امکان عهده‌دار شدن سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر توسط رئیس جمهور:

شماره: ۹۰/۳۱/۴۲۳۵۱ - تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۲۸

حضرت آیت‌الله جنتی «دامت برکاته»

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیت

با توجه به ذیل اصل ۱۳۵ قانون اساسی که مقرر داشته است: «رئیس جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارد حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید»، آیا رئیس جمهور می‌تواند رأساً تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر را عهده‌دار شود؟ خواهشمند است در اجرای اصل ۹۸ قانون اساسی نظر تفسیری آن شورا را اعلام فرمایید.

با تجدید احترام - عباسعلی کدخدائی - حقوقدان شورای نگهبان

شماره: ۹۰/۳۰/۴۲۳۶۴ - تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۲۹

جناب آقای دکتر کدخدائی

حقوقدان محترم شورای نگهبان

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۹۰/۳۱/۴۲۳۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۸ جناب‌عالی در خصوص درخواست تفسیر اصل ۱۳۵ قانون اساسی، موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر این شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و ظهور ذیل اصل ۱۳۵ و سابقه تاریخی وضع آن، رئیس جمهور نمی‌تواند شخصاً سرپرستی وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند را برعهده بگیرد.»

احمد جنتی - دبیر شورای نگهبان

اصل یکصد و سی و ششم

رئیس جمهور می‌تواند وزراء را عزل کند و در این صورت باید برای وزیر یا وزیران جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد، و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت نیمی از هیئت وزیران تغییر نماید باید مجدداً از مجلس شورای اسلامی برای هیئت وزیران تقاضای رأی اعتماد کند.

اصل سابق: هرگاه نخست‌وزیر بخواهد وزیری را عزل کند و وزیر دیگری را به جای او برگزیند، باید این عزل و نصب با تصویب رئیس جمهور باشد و برای وزیر جدید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیئت وزیران تغییر نماید دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۱۰۰۹۴ مورخ ۱۳۶۲/۹/۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به ملاک احتساب تغییر نیمی از اعضاء هیئت وزیران در متن اصل ۱۳۶ قانون اساسی:

شماره: ۸۳۳۴/م- تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۷

شورای محترم نگهبان

احتراماً نظر به اینکه در اجرای اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی ابهاماتی ایجاد شده است، علی‌هذا خواهشمند است با عنایت به اصل نود و هشتم در خصوص موارد زیر اعلام نظر فرمایند.

۱- آیا قسمت ذیل اصل یکصد و سی و ششم که مقرر نموده است: «در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضاء هیئت وزیران تغییر نماید دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.» ناظر به موردی است که تغییر نیمی از اعضاء هیئت وزیران دفعتاً واحده صورت پذیرفته باشد یا به هر ترتیبی که این تغییر از زمان ابراز رأی اعتماد مجلس به دولت حاصل گردد مشمول اصل فوق‌الذکر خواهد بود؟

۲- در صورت اخیر چنانچه تعداد اعضاء هیئت وزیران پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت افزایش یافته باشد، ملاک احتساب تغییر نیمی از اعضاء هیئت وزیران چیست؟
نخست‌وزیر- میرحسین موسوی

شماره: ۱۰۰۹۴- تاریخ: ۱۳۶۲/۹/۹

جناب آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر

عطف به نامه شماره ۸۳۳۴/م مورخ ۱۳۶۲/۹/۷ راجع به سؤال از اصل ۱۳۶ قانون اساسی، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضای شورا (بیش از سه‌چهارم) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- ذیل اصل ۱۳۶ قانون اساسی که مقرر نموده است «... و در صورتی که پس از ابراز اعتماد مجلس به دولت، نیمی از اعضای هیئت وزیران تغییر نمایند، دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند» منحصر به موردی نیست که تغییر نیمی از اعضای هیئت وزیران دفعتاً واحده صورت پذیرفته باشد، بلکه به هر ترتیبی پس از زمان ابراز اعتماد مجلس به دولت، این تغییر حاصل شود، مشمول اصل فوق‌الذکر است و دولت باید مجدداً از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند.

۲- در صورتی که تعداد اعضای هیئت وزیران افزایش یافته باشد، ملاک احتساب، تغییر نیمی از اعضای وضع حاضر هیئت وزیران است؛ یعنی هر زمان با توجه به تعداد اعضای هیئت وزیران در همان حال، چنانچه ملاحظه شد نیمی از اعضای آن تغییر یافته‌اند، تقاضای رأی اعتماد مجدد از مجلس لازم است.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۳/۱۰۲/۳۶۵۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به مفهوم واژه «تغییر» در اصل ۱۳۶ قانون اساسی و شمول آن بر استیضاح و رأی عدم اعتماد به وزیر، فوت وزیر، ایجاد وزارتخانه جدید و یا ادغام چند وزارتخانه:

شماره: ۹۳/۱۰/۶۳۹۶۳ - د/۱۰/۲۶ - تاریخ: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

احتراماً خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم در مورد سؤالات ذیل، موضوع اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی را اعلام فرمایید:

۱- آیا کلمه «تغییر» در اصل (۱۳۶) شامل استیضاح و رأی عدم اعتماد به وزیر، فوت وزیر، ایجاد وزارتخانه جدید و یا ادغام چند وزارتخانه می‌گردد.

۲- در صورتی که ادغام وزارتخانه‌ها تغییر محسوب شود، آیا ادغام چند وزارتخانه یک تغییر محسوب می‌گردد یا چند تغییر؟

علی لاریجانی

شماره: ۹۳/۱۰۲/۳۶۵۲ - تاریخ: ۱۳۹۳/۱۲/۳

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۹۳/۱۰/۶۳۹۶۲ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۶ مبنی بر اظهار نظر تفسیری در خصوص اصل یکصد و سی و ششم قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ

۱۳۹۱/۱۱/۱۸ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«استیضاح و رأی عدم اعتماد به وزیر» و «فوت وزیر» تغییر محسوب می‌شود و در خصوص سایر موارد سؤال معموله، این شورا به نظر تفسیری نرسید. پاسخ به سؤال دوم نیز با توجه به پاسخ سؤال اول، موضوعاً منتفی است.»

محمدرضا علیزاده- قائم مقام دبیر شورای نگهبان

اصل یکصد و سی و هفتم

هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

اصل سابق: هر یک از وزیران، مسئول وظایف خاص خویش در برابر مجلس است، ولی در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول اعمال دیگران نیز هست.

۱- نظریه تفسیری شماره م/۳۰۹۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حق نمایندگان بر مکاتبه با دستگاه‌های اجرایی و سؤال از مسئولان در راستای انجام وظایف نمایندگی مقرر در قانون اساسی و حدود مسئولیت دولت و وزراء در این زمینه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۶)، ص ۱۱۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۱۰۱۸۴ مورخ ۱۳۶۲/۹/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به پاسخگویی وزیر مشاور در امور اجرایی به سؤالات نمایندگان مجلس:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۸)، ص ۱۵۵.

اصل یکصد و سی و هشتم

علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.

اصل سابق: علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به محدوده صلاحیت رئیس مجلس در انطباق مصوبات دولت با «قانون»:

شماره: ۴۱۹ هـ ب- تاریخ: ۱۳۷۰/۸/۱۳

شورای محترم نگهبان

قطع نظر از یادآوری این نکته مهم که مقید تلقی کردن لفظ «قوانین» مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به قوانین عادی، حداقل نیازمند قوت استدلالی درخور و متناسب با ساقط ساختن لفظی از اطلاق آن است اصولاً آنچه مسلم است واضعان قانون اساسی با لحاظ اهمیت مصوبات دولت و آثار فراوان مترتب بر این مصوبات، با وضع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به مقام آن بوده‌اند که مصوبات دولت مورد بررسی و اعلام نظر مرجعی صالح قرار گیرد تا چنانچه برخی از این مصوبات با مطلق قانون اعم از قانون اساسی و یا قانون عادی مغایرت داشته باشد از اجرای آنها خودداری شود و حال اگر غرض از قوانین مذکور در اصل مزبور را به قوانین عادی محصور سازیم بی‌تردید نقض غرض محقق است؛ زیرا با وصف آنکه لزوم تطابق مصوبات دولت با قانون اساسی ارزش و اهمیت به مراتب بیشتری از لزوم تطابق این مصوبات با قوانین عادی دارد معذک با عنایت به

عدم پیش‌بینی مقام یا مرجعی برای تمییز و تشخیص تطابق یا عدم تطابق مصوبات دولت با قانون اساسی (به استثناء موارد مذکور در اصل هشتاد و پنجم) چنانچه مصوبه یا مصوباتی متضمن نقض بعضی اصول قانون اساسی باشد این قبیل مصوبه یا مصوبات بدون آنکه در هیچ مرجع صالحی مورد بررسی و اعلام نظر قرار گیرد خود به خود مجری خواهند بود.

علی‌هذا اگرچه نظر اینجانب به شرحی است که فوقاً به اختصار ذکر شد مع‌ذلک با توجه به نظر متفاوتی که از سوی برخی مقامات اجرایی ابراز شده، تفسیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در خصوص موضوع مطروحه مورد تقاضا است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

شماره: ۱۳۴۴۵- تاریخ: ۱۳۷۱/۵/۲۰

حضور مستطاب آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

پیرو نامه شماره ۴۱۹/هـ ب مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۳ ریاست محترم وقت مجلس شورای اسلامی در خصوص استفسار از اصل (۱۳۸) قانون اساسی، خواهشمند است با عنایت به اصل (۹۸) قانون اساسی نظر آن شورای محترم را در خصوص موارد زیر مرحمت فرمایند.

۱- آیا لفظ «قوانین» مندرج در قسمت اخیر اصل (۱۳۸) قانون اساسی قابل تسری به قانون اساسی نیز بوده و بالتبجیه ریاست محترم مجلس شورای اسلامی مسئولیت تطبیق مصوبات دولت با قانون اساسی را نیز خواهند داشت یا به دلالت قسمت اخیر اصل (۸۵) قانون اساسی ناظر به قوانین عادی است؟

خصوصاً با توجه به اینکه مصوبات دولت باید در چهارچوب قوانین عادی تنظیم گردد و علی‌القاعده در صورت تطبیق آنها با مصوبات مجلس شورای اسلامی قهراً و تبعاً مغایر با قانون اساسی نخواهند بود.

عنایت دارند در مصوبات مجمع تشخیص مصلحت مانند قانون کار تصویب برخی آیین‌نامه‌ها به هیئت دولت واگذار شده و به لحاظ اینکه در اصل قانون، به لحاظ مصلحت یا ضرورت، قانون اساسی به طور کامل مراعات نشده مصوبات هیئت وزیران نیز به تبع احکام قانون نمی‌تواند به طور کامل با قانون اساسی منطبق باشد و ایراد به مصوبات دولت در این موارد نقض غرض خواهد شد.

به‌علاوه همین اشکال به ترتیب دیگر در قوانینی که قبل از قانون اساسی وضع

شده امکان‌پذیر است. طبیعی است در این موارد که ایراد به عدم تطبیق قانون عادی با قانون اساسی برگشت دارد ترتیب و مرجع رسیدگی متفاوت می‌گردد و از طرفی عدم التزام مقامات و مراجع اجرایی به احکام قوانین عادی قبل از اصلاح و یا لغو آنها مشکلات پیچیده به دنبال دارد.

۲- آیا اصل (۸۵) قانون اساسی که تصویب اساسنامه را توسط دولت موکول به اخذ مجوز از مجلس شورای اسلامی نموده قابل تسری به اصلاح تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران نیز می‌باشد؟ و به عبارت دیگر آیا هیئت وزیران برای اصلاح مصوبات خود که متضمن اساسنامه است و قبلاً مجوز آن را از مجلس گرفته باید مجدداً از مجلس اجازه بگیرد؟

سید عطاءالله مهاجرانی - معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور

شماره: ۲۱۰۱ - تاریخ: ۱۳۷۱/۶/۱۵

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
عطف به نامه شماره ۴۱۹ ه ب مورخ ۱۳۷۰/۸/۱۳ در خصوص تفسیر اصل (۱۳۸) قانون اساسی، موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:
«کلمه «قوانین» مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، شامل قانون اساسی نمی‌شود.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

رونوشت: معاون محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور عطف به نامه شماره

۱۳۴۴۵ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰

۲- نظریه تفسیری شماره ۵۴۶۲ مورخ ۱۳۷۲/۸/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان واگذاری مسئولیت هیئت وزیران به معاونت‌های رئیس جمهور و چگونگی نظارت رئیس مجلس بر مصوبات آنها (و نیز مرجع حل اختلاف نظر و یا تداخل در وظایف قانونی دستگاه‌های دولتی):

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۴)، ص ۲۱۰.

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۱۱۴۴ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار معاون اول رئیس جمهور نسبت به وضعیت تصدی امور توسط مقامات دولتی (از جمله کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر)، در فاصله میان پایان دوره ریاست جمهوری تا انتخاب مقامات دولتی جدید:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۶.

۴- نظریه تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۴۵۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به امکان ارجاع تصویب آیین‌نامه به کمیسیون‌های داخلی مجلس:

شماره: ۱۴۴۹۰ - ۷۷م - تاریخ: ۱۳۷۷/۱۲/۱۸

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

طبق ماده (۱۸) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب شهریورماه ۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی مقرر شده است آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور توسط هیئت عالی گزینش و سازمان امور اداری و استخدامی کشور تهیه و به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی برسد.

در اجرای ماده مزبور آیین‌نامه فوق‌الذکر در مردادماه ۱۳۷۷ به تصویب جلسه مشترک کمیسیون‌های یادشده مجلس رسیده و ظاهراً بدون ملاحظه شورای نگهبان و اظهار نظر درباره آن، طی نامه شماره ۲۳۶۷ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ در اجرای اصل ۱۲۳ قانون اساسی با امضای رئیس مجلس شورای اسلامی برای رئیس جمهور فرستاده

۱.

شماره: ۲۳۶۷-ق- تاریخ: ۱۳۷۷/۶/۳۱

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

آیین‌نامه اجرایی مذکور در ماده (۱۸) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و قانون تسری قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ که در جلسه مشترک مورخ ۱۳۷۷/۵/۲۵ کمیسیون آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی به پیوست ارسال می‌گردد. علی اکبر ناطق نوری- رئیس مجلس شورای اسلامی

شده است و اینجانب نیز به حکم قانون، طی نامه شماره ۴۳۵۸۴ مورخ ۱۳۷۷/۷/۱۱ دستور اجرای آن را داده‌ام.

ولی مسئله‌ای که در اینجا مطرح است و خواستم نظر شورای محترم نگهبان را بدانم این است که مصوبه کمیسیون مشترک یا جلسه مشترک کمیسیون‌ها چه وضعیتی دارد؟ آیا طبع قانون و مصوبه مجلس را دارد یا طبع آیین‌نامه اجرایی از نوع آیین‌نامه‌های دولتی؟

طبق اصل ۹۴ قانون اساسی کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود تا از لحاظ مغایرت یا عدم مغایرت آنها با قانون اساسی و موازین شرع مورد بررسی قرار گیرد. در مواردی هم که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی تصویب برخی از قوانین به صورت آزمایشی یا تصویب اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت به طور دائم به کمیسیون‌ها تفویض می‌شود باید مصوبه کمیسیون به شورای نگهبان ارسال شود. بنابراین اگر ارجاع تصویب آیین‌نامه اجرایی به کمیسیون داخلی مجلس علی‌رغم اسم آن، طبع و خاصیت مصوبه قانونی را داشته و از نوع اول باشد می‌بایست به شورای نگهبان ارسال گردد که چنین چیزی صورت نگرفته است؛ ولی اگر کمیسیون‌های داخلی از سوی مجلس مأموریت پیدا کردند که آیین‌نامه اجرایی قانونی را تهیه کنند، به نحوی که طبق اصل ۱۳۸ ممکن است هیئت دولت یا یکی از وزراء چنین مأموریتی پیدا نمایند، در این صورت اولاً این سؤال مطرح است که آیا غیر از دولت و وزیر مربوط و یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر مذکور در اصل ۱۳۸، حق وضع آیین‌نامه به معنای خاص آن را دارند و مجلس می‌تواند حق وضع و تصویب آیین‌نامه را با داشتن طبع آیین‌نامه اجرایی با همان ماهیت و آثاری که آیین‌نامه دولتی دارد به غیر از هیئت وزیران و یا یکی از وزراء و یا کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید؟ ثانیاً اگر چنین امری مجاز

۱.

شماره: ۴۳۵۸۴ - تاریخ: ۱۳۷۷/۷/۱۱

نهاد ریاست جمهوری

آیین‌نامه اجرای قانون گزینش کشور که در تاریخ ۱۳۷۷/۵/۲۵ به تصویب کمیسیون مشترک آموزش و پرورش و امور اداری و استخدامی مجلس شورای اسلامی رسیده و طی نامه شماره ۲۳۶۷-ق مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ واصل گردیده به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

سیدمحمد خاتمی - رئیس جمهور

باشد، چه مرجعی صلاحیت کنترل و بررسی آیین‌نامه مزبور را از لحاظ عدم مغایرت با قوانین و موازین شرع دارد؟ ذیل اصل ۱۳۸ مقرر می‌دارد که تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی باید به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد، که اگر آنها را برخلاف قوانین دید، جهت تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستند. اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز قضات دادگاه‌ها را از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است منع کرده و ابطال آنها را با دیوان عدالت اداری دانسته است. اصل ۱۷۴ نیز مرجع رسیدگی به شکایات مردم از آیین‌نامه‌های دولتی را دیوان عدالت اداری دانسته است. حال آیا آیین‌نامه‌های اجرایی مصوب کمیسیون‌های داخلی مجلس می‌تواند مورد کنترل و ممیزی رئیس مجلس یا دیوان عدالت اداری قرار گیرند؟ یا در صورت مخالف بودن با موازین شرع و قانون، قضات از عمل کردن به آنها خودداری نمایند؟ با وجود اینکه در هر سه مورد، آیین‌نامه دولتی مورد تصریح قرار گرفته و اطلاق آیین‌نامه دولتی به مصوبه کمیسیون مجلس صحیح به نظر نمی‌رسد. اگر همان‌گونه که در شق اول بیان شد برای این نوع مصوبات کمیسیون‌ها نتوان خاصیت مصوبه قانونی قائل شد، به شورای نگهبان هم فرستاده نخواهد شد، همان‌طور که عملاً چنین شده است و نتیجتاً هیچ کنترلی در زمینه انطباق یا عدم انطباق آنها با موازین شرع و قانون اساسی و قوانین عادی وجود ندارد.

چنانچه صلاح می‌دانید شورای محترم نگهبان، موضوع را بررسی نموده و استنباط و تفسیر خود را از اصول قانون اساسی مربوطه در خصوص سه مسئله زیر اعلام فرماید:

۱- آیا ارجاع وضع و تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون به کمیسیون یا کمیسیون‌های داخلی مجلس صحیح است؟

۲- در صورت صحت، آیا این نوع مصوبات کمیسیون‌ها مانند سایر مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود یا خیر؟ و در صورت عدم لزوم ارسال به شورای نگهبان، آیا رئیس مجلس شورای اسلامی یا دیوان عدالت اداری می‌تواند آنها را مورد بررسی قرار دهند یا خیر؟

۳- آیا این‌گونه مصوبات کمیسیون‌ها مشمول عنوان مصوبات مجلس موضوع اصل ۱۲۳ قانون اساسی می‌باشند و رئیس جمهور طبق اصل مزبور موظف است آنها را امضاء و برای اجراء در اختیار مسئولان قرار دهد، با اینکه مورد رسیدگی و اظهار

سید محمد خاتمی - رئیس جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۷۸/۲۱/۴۵۱۲ - تاریخ: ۱۳۷۸/۱/۲۵

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۴۴۹۰-۷۷/م مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۸، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۵ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«ارجاع تصویب آیین نامه به کمیسیون یا کمیسیون‌های مجلس، خلاف اصل ۱۳۸ قانون اساسی است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۵- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود اختیارات نمایندگان ویژه رئیس جمهور (موضوع اصل ۱۲۷ قانون اساسی) و امکان وضع آیین نامه، تصویب نامه و اساسنامه توسط نمایندگان ویژه رئیس جمهور:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۷)، ص ۱۹۸.

۶- نظریه تفسیری شماره ۸۳/۳۰/۱۶۰/م مورخ ۱۳۸۳/۸/۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به محدوده صلاحیت دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی در اصل ۱۳۸ قانون اساسی:

شماره: ۷۲۹۳/هـ - ب - تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۱۵

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

ضمن ارسال رونوشتی از نقطه نظرات هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین که مورد تأیید اینجانب نیز می‌باشد نظر حضرت عالی را به نکات ذیل جلب و نظر تفسیری آن شورای محترم در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مورد تقاضا است:

۱- محدوده صلاحیت و مسئولیت دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی در اصل

یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

الف: اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در آغاز با بیان این عبارت «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها بپردازد»، اولاً این نکته را روشن می‌سازد که هیئت وزیران صلاحیت نامحدودی برای وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها نداشته؛ ثانیاً معلوم می‌کند صلاحیت این هیئت در وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها محدود به موارد چهارگانه مذکور در این اصل، یعنی وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه برای ۱- اجرای قوانین ۲- انجام وظایف اداری ۳- تأمین اجرای قوانین و ۴- تنظیم سازمان‌های اداری است و سپس در پاراگراف آخر اصل مزبور با این عبارت «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد»، در واقع اراده واضعان قانون اساسی در لزوم تطابق مصوبات دولت با قوانین را اعلام می‌دارد.

ب: اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی در آغاز با بیان قسمتی از پاراگراف سوم اصل مزبور با این عبارت «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل» که مفید وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌هایی در چهارچوب موارد چهارگانه مذکور در پاراگراف اول اصل مذکور است، در واقع صلاحیت امر بررسی و اعلام نظر ماهوی رئیس مجلس را محدود به مصوباتی می‌داند که در چهارچوب موارد چهارگانه به تصویب رسیده است و سپس با تصریح به عبارت «تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد» به مسئولیت رئیس مجلس در بررسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین اشاره دارد.

نتایج مترتب بر مندرجات جزءهای (الف) و (ب) این بند:

لزوم قانونی وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه در چهارچوب موارد چهارگانه مذکور در پاراگراف اول اصل یکصد و سی و هشتم از طرف هیئت وزیران و نیز مقید و محدود بودن صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی رئیس مجلس بر اینکه وضع تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های مطروحه نزد وی در چهارچوب موارد چهارگانه مزبور صورت گرفته باشد و یا به بیانی دیگر همان‌طوری که صلاحیت دولت در وضع

تصویب‌نامه یا آیین‌نامه محدود و مقید به چهار مورد مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و نه خارج از این موارد، صلاحیت رئیس مجلس در ورود ماهوی به مصوبه مطروحه نیز محدود و مقید است به اینکه مصوبه مزبور ناظر به یک یا چند و یا تمام موارد چهارگانه مذکور در این اصل باشد و نه خارج از آن.

۲- محدوده صلاحیت و مسئولیت کمیسیون‌های دولت و رئیس مجلس شورای

اسلامی در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

الف: واضعان قانون اساسی به شرح پاراگراف دوم اصل یکصد و سی و هشتم با این بیان «دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجراء است»، ضمن تعیین محدوده صلاحیت دولت به واگذاری تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود به کمیسیون‌ها و تعیین محدوده صلاحیت این کمیسیون‌ها به آنچه دولت به هر کمیسیونی واگذار نموده است، در واقع هم محدوده مسئولیت یا اختیار دولت و هم محدوده مسئولیت یا اختیار کمیسیون‌های مذکور در این اصل را مشخص نموده‌اند.

ب: با تحقق مدلول پاراگراف اول اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به شرح فوق که مبین اعمال نظر واضعان قانون اساسی چه از طرف دولت و چه از طرف کمیسیون‌های دولت است، صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در ورود ماهوی وی نسبت به چنین مصوباتی نیز تحقق یافته و سپس با توجه به پاراگراف دوم اصل فوق‌الذکر با این عبارت «تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجراء به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد»، صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیون‌های دولت استقرار می‌یابد.

نتایج مترتب بر جزء‌های (الف) و (ب) این بند:

لزوم قانونی واگذاری برخی از امور مربوط به وظایف دولت به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر از طرف هیئت وزیران و لزوم قانونی وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه از طرف این کمیسیون‌ها، اولاً در چهارچوب موارد مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم و ثانیاً در محدوده آنچه هیئت وزیران به آنها واگذار نموده است و نیز مقید بودن صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی

نسبت به مصوبات کمیسیون‌های دولت در آغاز، به اعمال نظر واضعان قانون اساسی در اصل فوق‌الذکر از طرف دولت در واگذاری برخی از امور مربوط به وظایف خود به کمیسیون متشکل از چند وزیر و سپس به لزوم رعایت این کمیسیون‌ها در وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه، چه در خصوص موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و چه در محدوده آنچه هیئت وزیران به کمیسیون‌های مزبور واگذار نموده است؛ یا به بیانی روشن‌تر اولاً صلاحیت دولت در واگذاری وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه به کمیسیون‌ها محدود و مقید است به برخی از امور مربوط به وظایف خود در چهارچوب موارد چهارگانه در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی؛ ثانیاً صلاحیت کمیسیون‌های مزبور در وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه نیز محدود و مقید است به اعمال نظر واضعان قانون اساسی در اصل مذکور از یک‌سو و رعایت اموری که هیئت وزیران به این کمیسیون‌ها واگذار نموده است از سوی دیگر و ثالثاً صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی در بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به مصوبات کمیسیون‌های دولت دایره مدار آن است که دولت در واگذاری برخی امور به کمیسیون‌ها در وضع مصوبات، نظر واضعان قانون اساسی در اصل یکصد و سی و هشتم را اعمال و کمیسیون‌ها نیز ضمن اعمال این نظر در چهارچوب امور محوله از طرف دولت به آنها عمل کرده باشند.

۳- عصاره و چکیده بندهای سه‌گانه قبل

الف: نه هیئت وزیران صلاحیت وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای را دارد که خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به تصویب رسیده است و نه رئیس مجلس شورای اسلامی، صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به چنین مصوباتی را دارد.

ب: نه کمیسیون‌های دولت صلاحیت وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای را دارند که خارج از امور واگذار شده به آنها از طرف هیئت وزیران و یا خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی است و نه رئیس مجلس شورای اسلامی صلاحیت بررسی و اعلام نظر ماهوی نسبت به این قبیل مصوبات را دارد.

۴- تجزیه و تحلیل حقوقی و قانونی رسالت رئیس مجلس شورای اسلامی در انطباق یا عدم انطباق مصوبات دولت و کمیسیون‌های دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی

نظر به اینکه از رهگذر طرح این سؤال مقدر و پاسخگویی به آن که آیا رئیس مجلس شورای اسلامی اساساً مجاز به بررسی ابتدایی تطابق یا عدم تطابق مصوبات

هیئت وزیران و کمیسیون‌های دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می‌باشد یا نه، قضیه وضوح بیشتری خواهد یافت؛ لذا ذیلاً با پاسخگویی به این سؤال مقدّر، به تجزیه و تحلیل حقوقی و قانونی رسالت رئیس مجلس شورای اسلامی در این خصوص می‌پردازد.

با اذعان به اینکه واضعان قانون اساسی در اصل مذکور به تصریح، چنین رسالت یا مسئولیتی را به رئیس مجلس شورای اسلامی محول ننموده‌اند، مع‌ذلک عقیده دارد با عنایت به ارزش و اهمیت بسیار مهم و بنیانی قانون اساسی و اولویت آن نسبت به سایر قوانین و نیز با التفات به ضرورت اجرا و اعمال آنچه واضعان این قانون تبیین و اراده کرده‌اند از یک‌سو و لزوم اهتمام فراوان به جلوگیری از هر اقدام و عمل مخالف نظر واضعان قانون مزبور و به اعتباری بیش از همه اهتمام تام و تمام به جلوگیری از اجراء مصوبات مغایر با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، چه از نظر بسیار مهم و نوعاً سرنوشت‌ساز بودن بسیاری از این مصوبات و چه از نظر قوت اجرایی یافتن مصوبات مزبور به محض ابلاغ، از سوی دیگر به نظر بسیار بعید می‌نماید که واضعان قانون اساسی با نادیده‌انگاشتن قاعده تلازم فیما بین مسئولیت و اختیار در مقام سلب اختیار رئیس مجلس شورای اسلامی از امری آن‌چنان مهم و اساسی یعنی تطابق یا عدم تطابق مصوبات دولت و کمیسیون‌های دولت با اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی بوده و در نتیجه اجازه داده باشند که وی با چشم بستن به هر آنچه واضعان قانون اساسی در این اصل تبیین یا اراده کرده‌اند فی‌المثل مصوباتی را که حسب مورد خارج از محدوده صلاحیت یا مسئولیت هیئت وزیران یا کمیسیون‌های دولت وضع شده است ماهیثاً مورد بررسی و اعلام نظر قرار داده و در نتیجه به لحاظ عدم مغایرت آنها با قوانین موضوعه که در درجه نازل‌تری از قانون اساسی قرار دارند از رهگذر صحه‌گذاشتن یا مهر تأیید زدن به چنین مصوباتی قوت و قدرت تداوم اجرا نیز ببخشد.

بنا به مراتب مذکور چنین بنظر می‌رسد که لازم است رئیس مجلس شورای اسلامی در نخستین اقدام، خود حسب مورد تصویب‌نامه مطروحه را از جهت مطابقت یا عدم مطابقت با نظر واضعان قانون در اصل یکصد و سی و هشتم مورد ارزیابی قرار داده و از این رهگذر دریابد که در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی حسب مورد دولت یا کمیسیون مربوط، نظر واضعان قانون اساسی این اصل را رعایت کرده‌اند یا نه و بدیهی است چنانچه رئیس مجلس شورای اسلامی در ارزیابی ابتدایی

خود به شرح فوق، به این نتیجه دست یافت که تصویب‌نامه مطروحه نزد وی بدون اعمال آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده‌اند به تصویب رسیده است در این صورت با منتفی بودن امر بررسی و اعلام مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه مطروحه با قوانین ناگزیر است به لحاظ مغایرت تصویب‌نامه مزبور با آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده‌اند از ورود ماهوی به متن تصویب‌نامه مورد نظر خودداری نماید.

۵- ارزیابی نتایج به‌دست آمده از استدلال‌های سابق‌الذکر در رابطه با نظر تفسیری

شورای محترم نگهبان

نظر به اینکه محتمل است گفته شود نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۶ شورای محترم نگهبان^۱ قانوناً مانع از آن است که رئیس مجلس شورای اسلامی بتواند از رهگذر ارزیابی مصوبات موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی و تشخیص عدم مطابقت مصوبات مذکور با نظر واضعان قانون اساسی، این قبیل مصوبات را مغایر قانون اساسی دانسته و در نتیجه از بررسی ماهوی مصوبات مطروحه خودداری کند، لذا در پاسخ به این احتمال گفته می‌شود همان‌گونه که حتی با اندک دقت به نظر تفسیری مزبور با بیان «کلمه قوانین مذکور در اصل ۱۳۸ قانون اساسی، شامل قانون اساسی نمی‌شود» به‌دست می‌آید شورای محترم نگهبان اساساً فارغ از صلاحیت شکلی یا مسئولیت ابتدایی رئیس مجلس شورای اسلامی در ارزیابی مصوبات دولت از جهت تطابق یا عدم تطابق آنها با آنچه واضعان قانون اساسی تبیین یا اراده کرده‌اند در واقع با این فرض که اولاً مصوبات مطروحه وفق نظر واضعان قانون اساسی به تصویب رسیده و ثانیاً رئیس مجلس شورای اسلامی نیز از رهگذر دقت در سوابق امر به همین نتیجه دست یافته است، در مقام بیان این معنی بوده است که با تحقق نظر واضعان قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی در رسیدگی ماهوی چنین مصوباتی نمی‌تواند با استناد به دیگر اصول قانون اساسی مصوبات دولت را مغایر با قانون بداند. بنا به مراتب مذکور به نظر می‌رسد نظر تفسیری فوق‌الاشعار اصولاً منصرف از مواردی است که رئیس مجلس شورای اسلامی به لحاظ عدم مطابقت مصوبات دولت با نظر واضعان قانون اساسی از

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۳۸)، ص ۲۲۴.

رسیدگی ماهوی نسبت به این قبیل مصوبات خودداری می‌کند. شاهد و مؤید این نظر آن است که در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی پس از نظریه تفسیری مزبور با خودداری از اعلام نظر نسبت به مصوباتی که مغایر شرع یا قانون اساسی تشخیص و آنها را برای اظهار نظر به شورای محترم نگهبان ارسال داشته است نه فقط خرده یا ایرادی به این امر گرفته نشده، بلکه در هر دو مورد، این شورا اظهار نظر نیز نموده است.

نظر به اینکه با عنایت به مراتب سابق‌الذکر، اتخاذ تصمیم یا اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص تصویب‌نامه شماره ۵۳۱/۲۰/س/ت/۳۱۲ ک مورخ ۱۳۸۳/۵/۱۱ و مصوبات مشابه نیازمند جلب نظر تفسیری آن شورای محترم

۱.

شماره: ۵۳۱/۲۰/س/ت/۳۱۲ ک- تاریخ: ۱۳۸۳/۵/۱۱

باسمه تعالی

وزارت امور خارجه- وزارت راه و ترابری- وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات- وزارت نفت- وزارت اطلاعات

وزاری عضو کمیسیون سیاسی، امنیتی و روابط خارجی در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۴/۶ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۲۰۰۲۰/ت/۲۳۲۷۴-هـ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۷ تصویب نمودند:

۱- با توجه به شفافیت اطلاعات موجود و بررسی‌های انجام‌شده، دلیلی برای ارتباطات صهیونیستی شرکت‌های ترک طرف قرارداد اپراتور دوم تلفن همراه و فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) وجود ندارد.

۲- در چارچوب الزام موجود برای استفاده از سرمایه شرکت‌های خارجی در پیشبرد پروژه‌های یادشده، کلیه مراحل قانونی برای نهایی شدن قراردادهای مربوط به نحو مطلوب طی شده و لغو آنها می‌تواند اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران را مخدوش سازد.

۳- بر اساس نظر تخصصی دستگاه‌های ذی‌ربط، مجموعه ملاحظات امنیتی موجود در قراردادهای منعقد با شرکت‌های «تاو» و «ترک‌سل» لحاظ گردد تا زمینه‌ای برای بروز نگرانی‌های امنیتی و تسلط طرف خارجی در این حوزه وجود نداشته باشد.

۴- قبل از سفر نخست‌وزیر ترکیه به ایران، انتظارات متقابل روشن شده و بر اساس مجموعه ملاحظات دو طرف در زمینه نهایی شدن قراردادهای تلاش لازم برای کسب مجوز ترانزیت گاز به اروپا، در دیدار پیش رو فراهم شود.

۵- در مراحل اجرایی پروژه‌ها، تلاش لازم برای حداکثر استفاده از خدمات مشورتی و مدیریتی اطراف خارجی و به‌کارگیری بیشتر نیروهای داخلی، به ویژه در حوزه‌هایی که حضور علنی ضرورت دارد، مبذول گردد.

۶- با توجه به ارائه گزارش کمیسیون سیاسی- دفاعی هیئت دولت در خصوص حوادث فرودگاه

است، لذا چنانچه استدلال‌های به‌عمل آمده در خصوص منصرف بودن نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ از اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی مورد تأیید قرار گیرد، خواهشمند است نظر تفسیری شورای محترم نگهبان در این خصوص را اخذ و به اینجانب ابلاغ فرمایید و لکن در غیر این صورت جلب نظر تفسیری آن شورای محترم که متضمن تعیین تکلیف رئیس مجلس شورای اسلامی در موارد ذیل باشد مورد تقاضا است:

الف: هیئت وزیران مستنداً به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، لکن

→

بین‌المللی امام خمینی (ره) در جلسه مورخ ۸۳/۴/۳ هیئت وزیران و ارجاع بررسی آن در کمیسیون ویژه، مجوزهای ارائه‌شده در گزارش مکتوب کمیسیون، به شرح زیر مورد تأیید قرار گرفته و بر اجرای آن تأکید می‌گردد.

الف- استفاده از روش BOT برای تکمیل ساخت فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) امری قانونی است که دولت و مجلس آن را تأیید کرده‌اند.

ب- واگذاری خدمات فرودگاهی فاز (۱) و همچنین فازهای بعدی (در آینده) به شرکت خارجی «تاو»، با توجه به شرایط پیشنهادی به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و اگر نگرانی‌های امنیتی در برخی از موارد وجود دارد، موضوع در دبیرخانه شورای امنیت کشور ظرف (۱۰) روز مطرح و راه حل لازم برای آنها اتخاذ شود. بعد از آن، شرکت ترکیه‌ای «تاو» می‌تواند فعالیت خود را آغاز نماید.

ج- مسئولیت به پرواز درآوردن هواپیمای جنگی «اسکرامبل» و تبعات ناشی از آن بر عهده رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می‌باشد.

د- مسئولیت اقدامات انجام‌شده در جریان فرود هواپیمای اول مستقیماً متوجه سلسله مراتب فرماندهی سپاه فرودگاه می‌باشد.

ه- جهت اثبات مخالفت و مقاومت وزارت راه و ترابری در مقابل اقدام پدافند هوایی مبنی بر بسته بودن فرودگاه از لحاظ امنیتی، کارگروهی مرکب از کارشناسان ذی‌ربط تشکیل تا با بررسی مدارک و مستندات هر دو طرف صحت و سقم دقیق آن را مشخص نمایند.

۷- ضمن تأیید کلیات توافق انجام‌شده در خصوص قرارداد احداث خط لوله انتقال و صادرات گاز به ارمنستان، با برگزاری نشستی با حضور وزاری امور اقتصادی و دارایی (ریاست کمیسیون مشترک)، نفت و نیرو و معاون آسیا-اقیانوسیه وزارت امور خارجه در مورد تفصیل محورهای ترانزیت برق و پوشش بیمه دولتی تصمیم‌گیری شود. صرفاً در صورت وجود هرگونه اختلاف نظر، مراتب در جلسه‌ای در حضور معاون اول رئیس جمهور، مورد بررسی قرار گرفته و تصمیم نهایی به مرحله اجرا گذاشته شود.

۸- این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است. محمدرضا عارف- معاون اول رئیس جمهور

خارج از موارد چهارگانه مذکور در این اصل، یعنی وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه برای

۱- اجرای قوانین ۲- انجام وظایف اداری ۳- تأمین اجرای قوانین ۴- تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه یا آیین‌نامه اقدام کرده باشد.

ب: هیئت وزیران ضمن استناد به اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، امر یا اموری را به کمیسیون مربوط محول نموده باشد که خارج از محدوده موارد چهارگانه مذکور در اصل مزبور است.

ج: کمیسیون مربوط با وصف استناد به اصل یکصد و سی و هشتم، خارج از چهارچوب امور محوله از طرف دولت به آن و یا زائد از موارد چهارگانه مذکور در اصل فوق‌الذکر، تصویب‌نامه یا آیین‌نامه‌ای وضع نموده باشد.

غلامعلی حداد عادل- رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۱۶۰/۸۳/۳۰/م- تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲

جناب آقای دکتر حداد عادل

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۱۰/۸۳۰۹۰۲ هـ ۱۳۸۳/۷/۱۸^۱ بدین وسیله نظریه تفسیری

۱.

شماره: ۱۰/۸۳۰۹۰۲ هـ س- تاریخ: ۱۳۸۳/۷/۱۸

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

پیرو شماره ۷۲۹۳ هـ- ب مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۵ ضمن پیوست نمودن تصویری از تصویب‌نامه شماره ۶۱۶-۲۰۱-س/ت ۳۳۷ ک مورخ ۱۳۸۳/۶/۱* و اتفاق نظر هیئت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین و تکرار درخواست نظر تفسیری شورای محترم نگهبان به شرح نامه فوق‌الذکر، با عنایت به اینکه از یک سو رئیس مجلس شورای اسلامی خصوصاً با توجه به نظر تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱۶/۱۵ شورای محترم نگهبان صلاحیت تطابق مصوبات هیئت وزیران و کمیسیون‌های مربوط با موازین شرع و قانون اساسی را نداشته و از سوی دیگر چنانچه تصویب‌نامه یا قسمتی از تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران یا کمیسیون‌های دولت، خلاف موازین شرع یا قانون اساسی وضع شده باشد محتمل است در ورود ماهوی رئیس مجلس شورای اسلامی به چنین مصوباتی با وصف مغایرت احتمالی با موازین شرع و قانون اساسی معذک مغایرتی با قوانین موضوعه نداشته و در نتیجه با اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی به تصریح اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به اجراء مصوباتی از این قبیل تداوم بخشیده شود؛ لذا خواهشمند است نسبت به جلب نظر تفسیری آن شورای محترم در این خصوص و اعلام آن به اینجانب بذل توجه فرمایید. لازم به یادآوری است که در دوره‌های سوم، چهارم، پنجم و اوایل دوره ششم این‌گونه مصوبات جهت

شورای نگهبان از اصل ۱۳۸ قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«همان‌طور که مصوبات دولت، خارج از موارد چهارگانه مذکور در اصل ۱۳۸ قانون اساسی، بر خلاف قانون اساسی و خارج از حدود و اختیارات دولت است، رسیدگی به این‌گونه مصوبات هم خارج از اختیارات ریاست مجلس است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

→

اعلام نظر به شورای محترم نگهبان ارسال و در صورتی که مصوبات مزبور مغایر موازین شرع یا قانون اساسی تشخیص می‌شد، نظر مزبور برای هیئت وزیران فرستاده شده و نسبت به اصلاح آن اقدام می‌شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل

* تصویب‌نامه شماره ۶۱۶-۲۰۱-س/ت ۳۳۷ ک مورخ ۱۳۸۳/۶/۱ کمیسیون موضوع اصل ۱۳۸ قانون اساسی
باسمه تعالی

وزارت اطلاعات - وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - وزارت امور خارجه
وزاری عضو کمیسیون ویژه سیاسی، امنیتی و روابط خارجی در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۵/۳ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۲۰۰۲۰/ت ۲۳۲۷۳-هـ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۷ تصویب نمودند:

۱- گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در خصوص ملاحظات امنیتی قرارداد اپراتور دوم تلفن همراه با ترکیه، صرف نظر از تعارض آن با مباحث اصولی مطروحه و مصوبات نشست‌های قبلی کمیسیون ویژه سیاسی، امنیتی و روابط خارجی، با واقعیت مباحث جلسه کمیته اقتصادی آن نیز مغایرت داشته و خصوصاً در آن بدون ذکر ابعاد مثبت، صرفاً به ابعاد منفی پرداخته شده است.

۲- مسایل فنی ملحوظ در پروژه یادشده در حوزه مسئولیت وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات قرار داشته و خارج از حوزه دخالت کمیسیون و سایر دستگاه‌های غیرمستول می‌باشد.

۳- دغدغه امنیتی ملحوظ در قرارداد مذکور، از دغدغه‌های متعارف در این‌گونه پروژه‌ها بوده و ابعاد ویژه ندارد. این دغدغه‌ها، بر اساس ملاحظات متعارف در سیستم ارتباطات همراه، باید از سوی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مورد توجه قرار گرفته و از سوی مجریان پروژه‌ها تأمین گردد.

۴- دلیل و مدرک روشنی در ارتباط با اسرائیلی و صهیونیستی بودن طرف قرارداد وجود ندارد.

۵- قائم‌مقام رئیس بازرسی ویژه رئیس جمهور، معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امورخارجه، معاون خارجی وزارت اطلاعات و معاون زیربنایی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در جلسه‌ای با بررسی گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، پاسخ‌های مکتوب واصله نسبت به آن و مذاکرات نشست، گزارش مشروح و مستدلی را تهیه و پس از امضای وزرای مربوط برای استحضار و تأیید رئیس جمهور آماده نمایند.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۳/۵/۲۸ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.
محمدرضا عارف - معاون اول رئیس جمهور

۷- نظریه تفسیری شماره ۹۰/۳۰/۴۳۴۵۸ مورخ ۹۰/۶/۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به امکان وضع آیین نامه قانونی توسط رئیس قوه قضائیه برای دستگاه های اجرایی خارج از این قوه:

شماره: ۱۰۹۰۲۹- تاریخ: ۱۳۹۰/۵/۲۹

حضرت آیت الله جنتی (دام ظلّه العالی)

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

با احترام، بازگشت به نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۳۰۴۶ مورخ ۹۰/۵/۵ قائم مقام محترم دبیر آن شورا^۱ و پیرو نامه شماره ۸۰۲۹-۹۰/۳ مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ معاونت حقوقی ریاست جمهوری^۲

۱.

شماره: ۹۰/۳۰/۴۳۰۴۶- تاریخ: ۱۳۹۰/۵/۵

سرکار خانم فاطمه بداغی

معاون محترم حقوقی رئیس جمهور

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۱۴۳۳۰-۹۰/۳ مورخ ۱۳۹۰/۵/۳؛ وفق ماده (۱۸) آیین نامه داخلی این شورا، تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می پذیرد. مراتب بدین وسیله به استحضار می رسد.

محمدرضا عزیززاده- قائم مقام دبیر شورای نگهبان

۲.

شماره: ۸۰۲۹-۹۰/۳-م- تاریخ: ۱۳۹۰/۳/۱۸

حضرت آیت الله جنتی - دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

با احترام، به استحضار می رساند بند (۱۰۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور که در لایحه دولت نبوده است مقرر نموده: «۱۰۷- به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می شود از طریق بانک های دولتی نسبت به تأمین و پرداخت مبلغ شش هزار و دویست میلیارد (۶/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال از محل پس اندازهای قرض الحسنه با در نظر گرفتن دوره تنفس دوساله جهت اشتغال مددجویان سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اقدام کند.

الف- بنیاد تعاون و حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور مکلف است با تسهیلات این بند نسبت به ایجاد شهرک ها و مجتمع های صنعتی، کشاورزی، دامداری برای مددجویان در کل کشور و اشتغال ده هزار نفر به صورت دائم در شهرک ها و مجتمع های فوق الذکر و در راستای ایجاد بیست و یک هزار و چهارصد نفر شغل موقت (داخل زندان ها) اقدام و گزارش پیشرفت کار را هر سه ماه یکبار به رئیس قوه قضائیه و کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

ب- وزارتخانه های جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، بازرگانی و نیرو مکلفند در جهت ایجاد

→

شهرک‌ها و مجتمع‌های فوق‌الذکر نسبت به واگذاری زمین و انتقال سند آن به قیمت تمام‌شده و همچنین اعمال معافیت‌ها، عوارض و سود بازرگانی به بنیاد مذکور اقدام نمایند.

پ- آیین‌نامه اجرایی این بند توسط بنیاد تعاون تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. از سوی دیگر مطابق اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی: «اصل یکصد و سی و هشتم- علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد، ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجراء است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

در اینکه ایجاد اشتغال برای مددجویان سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی شایسته تقدیر است تردیدی وجود ندارد، لیکن روشن است که این امر باید از مسیر اجرای صحیح قانون اساسی صورت گیرد. اصولاً باید نیاز بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان قبلاً و در زمان تدوین بودجه از طریق مقتضی به دولت منعکس می‌گردید تا در زمان مناسب آن پیش‌بینی و در صورت ضرورت در لایحه بودجه نیز به نحو مطلوب و قابل‌اجرا لحاظ گردد. یکی از برنامه‌های دولت در سال ۱۳۹۰ ایجاد دو میلیون و پانصد هزار شغل جدید است و اشتغال موضوع بند (۱۰۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ نیز در این قالب قابل اجرا می‌باشد.

این در حالی است که بند (۱۰۷) مذکور بدون بررسی کارشناسی در زمان تنظیم لایحه و بررسی همه‌جانبه راهکارهای اجرایی و حقوقی آن در دولت، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. برخی نکات قابل تأمل در مورد بند یادشده به شرح زیر است:

۱- موضوع بند (۱۰۷)، اعطای تسهیلات کشاورزی و دامداری و اجرای برنامه‌های اشتغال‌زایی با ایجاد تکلیف برای وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، صنایع و معادن، بازرگانی و نیرو می‌باشد. با وجود اینکه تردیدی در «ماهیت اجرایی» این امر و مربوط به قوه مجریه بودن آن وجود ندارد، در بند (۱۰۷) مذکور تصویب آیین‌نامه اجرایی آن به عهده رئیس قوه قضائیه گذاشته شده است که این امر از جمله با اصول (۵۷)، (۶۰)، (۱۱۳)، (۱۳۸) قانون اساسی ناسازگار به نظر می‌رسد.

۲- علاوه بر این در جزء (پ) بند (۱۰۷) مذکور پیشنهاد متن آیین‌نامه اجرایی به جای آنکه به عهده دستگاه‌های مربوط گذارده شود به بنیاد تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان که یک مؤسسه غیردولتی (موضوع ماده ۵۸۴ قانون تجارت) است، محول شده است و این امر نیز با اصول متعدد قانون اساسی در خصوص وظایف قوه مجریه مطابقت ندارد.

۳- از نظر ماهوی نیز این بند در تعارض با قوانین دائمی قرار دارد و به نظامات مختلف در امور

←

→

اجرائی کشور خدشه وارد می‌کند. به عنوان مثال:

۱-۳- در تبصره (۲) ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹ که هنوز یک سال از تصویب آن نگذشته است به صراحت انتقال اراضی به اشخاص حقیقی و حقوقی ممنوع اعلام شده است، در حالی که بند (۱۰۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ وزارتخانه‌های مربوطه را مکلف به انتقال اراضی به بخش غیردولتی نموده است.

۲-۳- اعمال معافیت‌ها، عوارض و سود بازرگانی نیز تابع مقررات خاص است و مکلف نمودن چهار وزارتخانه به اعمال آنها خلاف قوانین دائمی مربوط و قانون برنامه پنجم توسعه کشور است. ضمن اینکه پذیرش این نوع معافیت‌ها که محدوده آن معلوم نیست و ردیفی برای آن در بودجه پیش‌بینی نشده، آن هم با آیین‌نامه‌ای که متقاضی بخش غیردولتی پیشنهاد و به تصویب مقامی غیر از قوه مجریه می‌رساند، موجب اشکال در نظام مالی دولت و عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده و در تعارض با قوانین دائمی است و با اصول (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی نیز مطابقت ندارد.

- اکنون سؤال این است که آیا با توجه به اصل (۱۳۸) قانون اساسی، جزء (پ) بند (۱۰۷) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ در خصوص تصویب آیین‌نامه توسط رئیس قوه قضائیه مانع تصویب آیین‌نامه اجرایی توسط دولت در اجرای اصل (۱۳۸) قانون اساسی و به منظور تأمین اجرای قانون و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی می‌باشد؟

- آیا آیین‌نامه‌ای که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه خواهد رسید، می‌تواند متضمن دستورات و اوامر و نواهی در امور اجرایی مربوط به قوه مجریه به ویژه در زمینه اموال دولتی و اعتبارات مصوب دستگاه‌های اجرایی و نحوه توزیع وظایف اجرایی باشد؟
خواهشمند است نظریه تفسیری شورای نگهبان در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی با توجه به ملاحظات فوق اعلام گردد.

فاطمه بداعی

۱.

شماره: ۱۴۳۳۰-۹۰/م- تاریخ: ۱۳۹۰/۵/۳

حضرت آیت‌الله جنتی (دام ظلّه العالی)- دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

با احترام، پیرو نامه شماره ۸۰۲۹-۹۰/م مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۸ در خصوص استعلام از اصل (۱۳۸) قانون اساسی مبنی بر اینکه:

اولاً با توجه به اینکه طبق این اصل، تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی توسط هیئت وزیران و یا هر یک از وزیران و یا کمیسیون‌های وزراء صورت می‌پذیرد (و همچنین با عنایت به اصل ۵۷ و اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی)، آیا آیین‌نامه‌ای مصوب رئیس قوه قضائیه می‌تواند متضمن تکلیفی برای دستگاه‌های اجرایی از جمله اوامر و نواهی در امور اجرایی یا نحوه توزیع وظایف اجرایی و اعتبارات مصوب دستگاهی باشد؟

ثانیاً در مواردی که به موجب قانون عادی، تصویب آیین‌نامه اجرایی به مرجعی غیر از هیئت وزیران

←

قانون اساسی مبنی بر اینکه:

اولاً با توجه به اینکه طبق این اصل، تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی توسط هیئت وزیران یا هر یک از وزیران و یا کمیسیون‌های وزراء صورت می‌پذیرد (و همچنین با عنایت به اصل ۵۷ و اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی)، آیا آیین‌نامه‌های مصوب رئیس قوه قضاییه می‌تواند متضمن تکلیفی برای دستگاه‌های اجرایی از جمله اوامر، نواهی در امور اجرایی یا نحوه توزیع وظایف اجرایی و اعتبارات مصوب دستگاهی باشد؟

ثانیاً در مواردی که به موجب قانون عادی تصویب آیین‌نامه اجرایی به مرجعی غیر از هیئت وزیران سپرده شده است، آیا دولت می‌تواند به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی در همان موضوع و به منظور هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در انجام وظایف اداری و یا تأمین اجرای همان قانون آیین‌نامه یا تصویب‌نامه وضع نماید؟ خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایید که موضوع در جلسه شورای محترم نگهبان مطرح گردیده و نظریه تفسیری آن شورای محترم در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم اعلام گردد.

محمود احمدی‌نژاد

شماره: ۹۰/۳۰/۴۳۴۵۸ - تاریخ: ۱۳۹۰/۶/۲

جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۱۰۹۰۲۹ مورخ ۱۳۹۰/۵/۲۹ مبنی بر اظهار نظر تفسیری در خصوص اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، موضوع در شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«بدیهی است رئیس قوه قضائیه نمی‌تواند برای دستگاه‌های خارج از این قوه آیین‌نامه

→

سپرده شده است، آیا دولت می‌تواند به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی در همان موضوع و با منظور هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در انجام وظایف اداری و یا تأمین اجرای همان قانون آیین‌نامه یا تصویب‌نامه وضع نماید؟ خواهشمند است ترتیبی اتخاذ فرمایید که موضوع در جلسه شورای محترم نگهبان مطرح گردیده و پاسخ آن شورا ابلاغ گردد.

تسریع در پاسخ مزید امتنان است.

فاطمه بداغی

وضع نماید، اما می‌تواند در حدود اختیارات مذکور در قانون اساسی، آیین‌نامه تصویب کند. در این صورت آیین‌نامه مصوب ایشان برای همه دستگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - محمدرضا علیزاده

۸- نظریه تفسیری شماره ۷۳۲/۳۰/۹۱/م مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رهبر معظم انقلاب اسلامی نسبت به حیطه صلاحیت و اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی، مقرر در اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی:

شماره: ۶۰۸۲-۱/م - تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۳

حضرت آیت‌الله جنتی دامت برکاته

دبیر محترم شورای نگهبان

نامه شماره ۱۶۶ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲ رئیس محترم هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه* در ارتباط با موضوع ارجاعی اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در اجرای ذیل اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی و نتیجه حاصله به استحضار مقام معظم رهبری مدظله‌العالی رسید، مرقوم فرمودند:

«آیت‌الله جناب آقای جنتی دبیر محترم شورای نگهبان دامت برکاته

طبق نظر صائب هیئت عالی حل اختلاف، شایسته است آن شورای محترم نظر تفسیری خود را در مورد اصول ذی‌ربط قانون اساسی در این مسئله، اعلام نماید. والسلام علیکم ورحمت‌الله ۱۳۹۱/۳/۲»

ضمن ارسال تصویر دست‌خط مبارک معظم‌له و سوابق مربوط، مراتب برای اقدام مقتضی و اعلام نتیجه، ایفاد می‌گردد.

دفتر مقام معظم رهبری - محمدی گلپایگانی

* نامه رئیس هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه به مقام معظم رهبری به شرح زیر است:

شماره: ۱۶۶ - تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۲

رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی

موضوع ارجاعی اختیارات رئیس مجلس شورای اسلامی در اجرای ذیل اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی (نامه شماره ۱۱۷۹۷ مورخ ۱۳۹۱/۲/۵ رئیس جمهور محترم منضم به نامه شماره ۱/۲۰۴۸۲ مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۲) در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۲/۱۳ هیئت عالی مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه حاصله به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«الغاء اثر مصوبات دولت توسط رئیس محترم مجلس شورای اسلامی مبتنی بر

قوانین مصوب مجلس است. رئیس جمهور محترم نیز در نامه ارجاعی، پیش‌بینی چنین اختیاری در قانون عادی را موجب توسعه اختیارات رئیس مجلس در اصول یادشده و تضییق اختیارات دولت دانسته‌اند. از آنجا که عمده اختلافات و ناهماهنگی‌ها در این زمینه به اختلاف برداشت از اصول یادشده مربوط می‌شود و با توجه به تأکید بند نخست راهبردهای ابلاغ‌شده اجرای بند (۷) اصل (۱۱۰) بر استفاده از راه‌هایی مانند تفسیر قانون اساسی برای حل اختلاف و تنظیم روابط قوا، تفسیر شورای نگهبان از اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی در این مورد که آیا اصول مذکور، اختیار الغاء اثر مصوبات دولت را به رئیس مجلس اعطا می‌کند یا خیر، راه‌گشا خواهد بود.

چنانچه اعلام نظر هیئت عالی در خصوص برداشت از اصول فوق نیز مورد نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد، متعاقباً اعلام نظر خواهد شد.

به همراه این نامه، گزارش تفصیلی دبیرخانه هیئت عالی تقدیم می‌گردد. رئیس هیئت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه - سید محمود هاشمی‌شاهرودی

شماره: ۹۱/۳۰/۷۳۲ - م - تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۲۰

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی‌گلپایگانی (دامت برکاته)

رئیس محترم دفتر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۶۰۸۲-۱/م مورخ ۱۳۹۱/۳/۳ مبنی بر اظهار نظر تفسیری در خصوص اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۳/۱۰ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«هیئت وزیران پس از اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی، مکلف به تجدیدنظر و اصلاح مصوبه خویش است؛ در غیر این صورت پس از گذشت مهلت مقرر قانونی، مصوبه مورد ایراد ملغی‌الاثراً خواهد شد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل یکصد و سی و نهم

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به دآوری در هر مورد، موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۹۹۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۹/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به لزوم یا عدم لزوم تصویب مجلس در هنگام انجام تصرفات جزئی در قراردادهای، امضای یادداشت تفاهم‌ها و انعقاد قراردادهای جزئی در چارچوب قراردادهای کلی:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۷۷)، ص ۱۲۶.

۲- نظریه تفسیری شماره ...^۱ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به لزوم یا عدم لزوم تصویب مجلس در صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی، در قراردادهای خارجی که انعقاد آنها نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نبوده است:

شماره: م/۱۲۱۱۲-۱ تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۸

شورای محترم نگهبان

با ارسال تصویر نامه شماره ۲۰/۲۳۶۱-۱۳۶۴/۲/۵ دادستان عمومی تهران منضم به تصاویر نامه‌های مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۹ و ۱۳۶۴/۱/۲۸ بازپرسی شعب (۳۵) و (۴۰) دادرای عمومی تهران،^۲ تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نسبت

۱. نظر مزبور، بدون شماره، در مستندات مربوط ضبط شده است.

۲. در اسناد و مدارک موجود، آنچه در این خصوص در دسترس است صرفاً نامه‌ای از سوی بازپرسی شعبه (۴۰) دادرای عمومی تهران به شماره ۲۰/۱۸/۳۲۸۵ مورخ ۱۳۶۴/۳/۱۴ به شرح زیر است:

شماره: ۲۰/۱۸/۳۲۸۵- تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۱۴

ریاست محترم دادرای عمومی تهران

با توجه به دستور مورخ ۶۴/۳/۲ جناب‌عالی، قبل از طرح سؤال مورد نظر، تذکاره زیر جهت روشن‌شدن قضیه ضرورت دارد:

۱- شرح سؤال در تاریخ ۶۳/۱۰/۹ وسیله آقای بازپرس شعبه ۳۵ دادرای عمومی تهران (صفحات ۲۳۶ تا ۲۴۹ پرونده) اشاره شده که فتوکپی آن نزد جناب‌عالی ارسال شده است ولی تاکنون پاسخ آن داده نشده است.

۲- ضمناً تفسیری که از اصول ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی از طرف شورای نگهبان داده شده است، در تاریخ‌های (۶۲/۹/۸ و ۶۳/۸/۱۶) مغایر یکدیگر بوده و رافع مشکل پرونده نیست. توجه ریاست محترم دادرای را به این دو نظریه جلب می‌نمایم. و اما سؤال مورد نظر فعلی از شورای نگهبان به شرح زیر می‌باشد:

به مورد زیر را اعلام فرمایید:

۱- صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده، در مواردی که طرف دعوی شرکت دولتی خارجی است و حاصل از قراردادی باشد که انعقاد اصل قرارداد با توجه به تفسیر شماره ۲۰۰۹-۶۳/۸/۱۶ از اصل ۷۷ قانون اساسی نیاز به تصویب مجلس نداشته، آیا احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد؟

۲- تفاهم‌نامه مورخ ۱۳۶۲/۲/۲ به نحو عنوان‌شده در گزارش مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۹، مصداق صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی را دارد یا خیر؟

از طرف شورای عالی قضایی- ابوالفضل میرحمادی

شماره:- تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۱۹

شورای محترم عالی قضایی

عطف به نامه شماره م/۱۲۱۱۲ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۸، توجه آن شورای محترم را بدین نکته معطوف می‌دارد که: «اصل ۱۳۹ قانون اساسی صراحت دارد که صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی در صورتی که طرف دعوی خارجی باشد، باید علاوه بر تصویب هیئت وزیران به تصویب مجلس نیز برسد و هیچ‌گونه استثنائی هم پیش‌بینی نشده و از این جهت موردی برای تفسیر آن ندارد و اما برخلاف استنباط آقایان بازپرسان، ابهام و یا تعارض بین دو نظر شورای نگهبان که در تاریخ‌های ۱۳۶۲/۹/۸ و ۱۳۶۳/۸/۱۶ در رابطه با تفسیر اصل ۷۷ قانون اساسی و قراردادهای بین‌المللی ابراز شده وجود ندارد؛ زیرا در نظریه مورخ ۱۳۶۲/۹/۸ خلاصه نظر شورای نگهبان در رابطه با سؤال نمایندگان مجلس این بوده که یادداشت تفاهم اگر ایجاد تعهد نماید و قراردادهای جزئی اگر خارج از محدوده اصل قرارداد باشد، در حکم قرارداد است و ضوابط حاکم بر قرارداد بر آنها در

→

صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده، در موردی که طرف دعوی شرکت دولتی خارجی است، چنانچه حاصل از قراردادی باشد که انعقاد اصل آن قرارداد با توجه به تفسیر شماره ۲۰۰۹-۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان در مورد اصل ۷۷ قانون اساسی که اظهار نظر نموده احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد، آیا صلح دعاوی مذکور احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد یا خیر؟

بازپرس شعبه (۴۰) دادسرای عمومی تهران- قسمت کارکنان دولت

مورد باید رعایت شود؛ یعنی چنانچه قرارداد بین المللی محسوب شود، طبقاً طبق اصل ۷۷ باید به تصویب مجلس برسد.

و نظریه مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ نیز در مقام بیان مفاد قرارداد بین المللی بوده و اظهار نظر شده که قراردادهایی که برای انجام معامله با شرکت های خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می شود، خود به خود مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نبوده، یعنی قرارداد بین المللی محسوب نمی شود و انعقاد آن نیاز به تصویب مجلس ندارد و طبق ضوابطی که وسیله قانون عادی معین می شود، قابل انعقاد است. بنابراین تعارضی بین دو نظریه شورای نگهبان وجود ندارد و هیچ یک از آنها نمی تواند در مورد صلح دعوی دولتی مورد استناد قرار گیرد؛ زیرا صلح دعوی ارتباطی با انعقاد قرارداد ندارد و در اصل ۱۳۹ بدون ابهام، حکم آن تعیین شده است. بجا است شورای عالی قضایی ارشاد و راهنمایی لازم را در این خصوص نسبت به قضات مربوط معمول فرمایند.»

دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

۳- نظریه تفسیری شماره ۳۷۸۶ مورخ ۱۳۶۴/۴/۱۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به لزوم یا عدم لزوم تصویب مجلس در صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی، در قراردادهای خارجی که انعقاد آنها نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نبوده است:

شماره: ۱۳۶۴/۴/۲ - تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۲

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر خود را در پاسخ به سؤال دادستان عمومی تهران، که عیناً به پیوست* ایفاد می گردد، بیان فرمایید.

سید علی خامنه‌ای - رئیس جمهور

* نامه دادستان عمومی تهران به رئیس جمهور:

شماره: ۲۰/۷۱۱۷ - تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۲۰

پیوست: ۱ برگ

حضرت حجت الاسلام خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عین نامه شماره ۲۰/۱۸/۳۲۸۵ - ۶۴/۳/۱۴ بازپرس شعبه (۴۰) دادرای عمومی

تهران** جهت طرح در شورای محترم نگهبان، به پیوست تقدیم می گردد.

دادستان عمومی تهران - میرعمادی

** نامه بازپرس شعبه (۴۰) دادرای عمومی تهران خطاب به دادستان عمومی تهران:

ریاست محترم دادسرای عمومی تهران

با توجه به دستور مورخ ۶۴/۳/۲ جناب‌عالی، قبل از طرح سؤال مورد نظر، تذکاره زیر جهت روشن شدن قضیه ضرورت دارد:

۱- شرح سؤال در تاریخ ۶۳/۱۰/۹ وسیله آقای بازپرس شعبه (۳۵) دادسرای عمومی تهران (صفحات ۲۳۶ تا ۲۴۹ پرونده) اشاره شده که فتوکپی آن نزد جناب‌عالی ارسال شده است ولی تاکنون پاسخ آن داده نشده است.

۲- ضمناً تفاسیری که از اصول ۷۷ و ۱۳۹ قانون اساسی از طرف شورای نگهبان داده شده است، در تاریخ‌های ۶۲/۹/۸ و ۶۳/۸/۱۶ مغایر یکدیگر بوده و رافع مشکل پرونده نیست. توجه ریاست محترم دادسرا را به این دو نظریه جلب می‌نمایم. و اما سؤال مورد نظر فعلی از شورای نگهبان به شرح زیر می‌باشد:

صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده، در موردی که طرف دعوی شرکت دولتی خارجی است، چنانچه حاصل از قرارداد باشد که انعقاد اصل آن قرارداد با توجه به تفسیر شماره ۲۰۰۹-۶۳/۸/۱۶ شورای نگهبان در مورد اصل ۷۷ قانون اساسی که اظهار نظر نموده احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد، آیا صلح دعوی مذکور احتیاج به تصویب مجلس شورای اسلامی دارد یا خیر؟

بازپرس شعبه (۴۰) دادسرای عمومی تهران- قسمت کارکنان دولت

شماره: ۳۷۸۶- تاریخ: ۱۳۶۴/۴/۱۹

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱/۲۱۳۶ مورخ ۱۳۶۴/۴/۲، توجه آن جناب را بدین نکته معطوف می‌دارد که: «اصل ۱۳۹ قانون اساسی صراحت دارد که صلح دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی در صورتی که طرف دعوی خارجی باشد، باید علاوه بر تصویب هیئت وزیران به تصویب مجلس نیز برسد و هیچ‌گونه استثنائی هم پیش‌بینی نشده و از این جهت موردی برای تفسیر آن ندارد و اما برخلاف استنباط آقایان بازپرسان، ابهام و یا تعارضی بین دو نظر شورای نگهبان که در تاریخ‌های ۱۳۶۲/۹/۸ و ۱۳۶۳/۸/۱۶ در رابطه با تفسیر اصل ۷۷ قانون اساسی و قراردادهای بین‌المللی ابراز شده وجود ندارد؛ زیرا در نظریه مورخ ۶۲/۹/۸ خلاصه نظر شورای نگهبان در رابطه با سؤال نمایندگان مجلس این بود که یادداشت تفاهم

اگر ایجاد تعهد نماید و قراردادهای جزئی اگر خارج از محدوده اصل قرارداد باشد، در حکم قرارداد است و ضوابط حاکم بر قرارداد بر آنها در مورد باید رعایت شود؛ یعنی چنانچه قرارداد بین‌المللی محسوب شود، طبعاً طبق اصل ۷۷ باید به تصویب مجلس برسد. و نظریه مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ نیز در مقام بیان مفاد قرارداد بین‌المللی بوده و اظهار نظر شده که قراردادهایی که برای انجام معامله با شرکت‌های خارجی دارای شخصیت حقوقی منعقد می‌شود، خود به خود مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نبوده، یعنی قرارداد بین‌المللی محسوب نمی‌شود و انعقاد آن نیاز به تصویب مجلس ندارد و طبق ضوابطی که وسیله قانون عادی معین می‌شود قابل انعقاد است. بنابراین تعارضی بین دو نظریه شورای نگهبان وجود ندارد و هیچ یک از آنها نمی‌تواند در مورد صلح دعوی دولتی مورد استناد قرار گیرد؛ زیرا صلح دعوی ارتباطی با انعقاد قرارداد ندارد و در اصل ۱۳۹ بدون ابهام، حکم آن تعیین شده است.^۱

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۴- نظریه تفسیری شماره ۷۴۸۴ مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران نسبت به شمول یا عدم شمول تشریفات مقرر در اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص طرح دعوی در مراجع قضایی و نیز مرجع صالح برای طرح دعوا و احقاق حق جمهوری اسلامی ایران در دعوی که حقوق و اموال عمومی و دولتی مورد تعدی قرار گرفته است:

شماره: ۱۹۳۰-۵۲-۱۴۰۱-۴۵۴-ح- تاریخ: ۱۳۶۵/۱۰/۱۰

از وزارت دفاع - معاونت حقوقی

به ریاست محترم شورای نگهبان جمهوری اسلامی ایران

موضوع: پرونده (۵۶) میلیون دلاری

۱- در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۳ قراردادی به مبلغ ۷۳,۵۵۰,۰۰۰ دلار آمریکایی به منظور خرید تجهیزات نظامی بین وزارت دفاع و شرکت ایرانی ایتتر پارتس به امضاء می‌رسد. شرکت مذکور شخصی به نام احمد حیدری (یکی از سهامداران شرکت) را در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۴ به عنوان نماینده فروشنده و وزارت دفاع نیز کاردار وقت سفارت جمهوری اسلامی ایران در مادرید را به عنوان نماینده خریدار تعیین و معرفی می‌نمایند.

۲- بانک ملی ایران - شعبه پاریس در تاریخ ۱۳۵۹/۱۱/۳ به استناد اوراقی که به امضای نمایندگان فوق رسیده بود کلاً مبلغ ۵۶,۹۴۶,۸۶۸ دلار را در وجه شرکت اونیورسال اوایل

۱. گفتنی است مفاد این نظریه با نظریه تفسیری پیشین شورای نگهبان (مندرج در بند ۳) تفاوت چندانی ندارد، لیکن با توجه به اینکه این نظرات، در پاسخ به دو مرجع مختلف قانونی و با اندک تغییرات عبارتی، صادر شده است، در اینجا به صورت جداگانه ذکر شدند.

ترید پرداخت، در حالی که مطلقاً کالا و تجهیزاتی تحویل نماینده وزارت دفاع نشده بود.

۳- وزارت دفاع با هماهنگی و همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در پاریس، آقای بورگه را که به عنوان وکیل جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت امور خارجه تعیین شده بود مأمور می‌نماید تا در مقام احقاق حق [و] حقوق از دست‌رفته برآید. وکیل مذکور و نماینده اعزامی از طرف این وزارت پس از انجام تحقیقاتی مطلع می‌شوند که احتمالاً ممکن است مقداری از مبالغ کلاهبرداری‌شده در حساب‌های شخصی کلاهبرداران در سوئیس موجود باشد. مراجع قضایی سوئیس توقیف موقت حساب‌های شخصی کلاهبرداران را منوط به سپردن وثیقه‌ای می‌نمایند که این وثیقه بلافاصله به دادگاه ارائه و نهایتاً موفق به توقیف چندین حساب مشترک و شخصی کلاهبرداران و شرکت اونیورسال اوایل ترید می‌گردد.

۴- وکلای کلاهبرداران و همچنین شرکت اونیورسال اوایل ترید در جهت اعتراض به توقیف حساب‌های مسدودشده به مراجع قضایی سوئیس دادخواست‌هایی تقدیم می‌نمایند. مراجع مذکور طی پنج فقره رأی جداگانه کلیه شکایات آنان را مردود اعلام داشته و در حال حاضر وزارت دفاع با سپردن ده میلیون فرانک سوئیس به عنوان وثیقه، حساب‌های مذکور را که حدوداً بین (۲۳) تا (۳۰) میلیون دلار موجودی آنهاست در توقیف دارد. وکیل شرکت اونیورسال ترید سعی دارد به نحوی از انحاء با ارائه دلایل و ایرادات مختلف، وزارت دفاع را محروم از ادامه توقیف وجوه نماید. به منظور دستیابی به این هدف از یک سال گذشته وکیل مذکور به بهانه واهی و با استناد به اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ادعا نموده که:

اولاً- بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی ایران تفاوت وجود دارد و طبق اصل ۱۳۹ قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران صلاحیت و اختیار اقامه دعوی برای قراردادی که وزارت دفاع منعقد نموده در مراجع قضایی خارجی را ندارد. ثانیاً- طرح دعوی منحصرأ در صلاحیت وزارتخانه‌ها بوده و نه در صلاحیت جمهوری اسلامی ایران.

۵- این وزارت بنا به پیشنهاد وکیل سوئسی پرونده و با هماهنگی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران تأییدیه یکی از استادان دانشکده حقوق دانشگاه تهران را اخذ و به دادگاه ارسال نمود. مجدداً ایراد گرفته شد که در خصوص اصل ۱۳۹ قانون اساسی گواهی دیگری توسط سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئیس تهیه و ارائه شود که پس از هماهنگی با وزارت امور خارجه و دفتر خدمات حقوقی گواهی مورد نظر نیز تهیه و به دادگاه تسلیم گردید.

۶- در جلسه رسیدگی ماهوی، وکیل شرکت اونیورسال تردید از محضر دادگاه درخواست نمود که در خصوص مسئله تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی بحث و تبادل نظر گردد که درخواست مذکور مورد قبول واقع و جلسه رسیدگی بعدی به تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۵ موکول گردیده است.

بدیهی است اگر دادگاه نظریه وکیل شرکت مذکور را بپذیرد دعوی مطروحه علیه شرکت مردود و توقیف انجام شده، باطل اعلام خواهد شد.

با نگرش به موارد فوق، استنباط این وزارت از برداشت وکیل شرکت اونیورسال اوایل تردید بر این منوال است که وقتی «صلح دعاوی و ارجاع به داوری راجع به اموال عمومی و دولتی در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد و در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد» و با توجه به اینکه رئیس هیئت وزیران نخست‌وزیر می‌باشد، بنابراین اقامه دعوی بالاخص زمانی که طرف دعوی خارجی باشد نیز می‌بایست توسط رئیس دولت و یا وزارتخانه ذی‌ربط صورت گیرد نه «جمهوری اسلامی ایران» و در واقع «جمهوری اسلامی ایران» به طور مطلق با «دولت جمهوری اسلامی ایران» متفاوت می‌باشد. خواهشمند است مقرر فرمایند در خصوص تفسیر اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظریه عالی آن شورای محترم را اعلام تا مورد اقدام قرار گیرد.

وزیر دفاع- سرهنگ ستاد- خلبان محمدحسین جلالی

شماره: ۷۴۸۴- تاریخ: ۱۳۶۵/۱۰/۱۱

وزارت محترم دفاع جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۹۳۰-۵۲-۱۴۰۱-۴۵۴- ح مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ اشعار

می‌دارد: موضوع در شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اظهار نظر گردید:

«۱- انجام تشریفات مذکور در اصل ۱۳۹ قانون اساسی منحصرأ مربوط به صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی و یا ارجاع دعاوی به داوری می‌باشد و شامل طرح دعوی در مراجع قضایی نمی‌باشد.

۲- در مواردی که حقوق و اموال عمومی و دولتی مورد تعدی قرار گیرد جمهوری اسلامی ایران با توجه به قانون اساسی می‌تواند برای احقاق حقوق مزبور اقدامات لازم، از جمله طرح دعوی در مراجع قضایی اعم از داخلی و خارجی، معمول دارد. همچنین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به وسیله وزارتخانه‌ها و یا سازمان‌های ذی‌ربط اقدامات مزبور را انجام دهد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۵- نظریه تفسیری شماره ۵۶۰۶ مورخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر جهاد سازندگی نسبت به شمول یا عدم شمول اموال دولتی موضوع اصل ۱۳۹، نسبت به اموال شرکت‌های دولتی:

شماره: ۴۱۷۹/ص/۱۰/و- تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۷

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

به سبب نظرات و تفاسیر متفاوتی که از اصل ۱۳۹ قانون اساسی به عمل آمده و با عنایت به اینکه اصل نود و هشتم، تفسیر این قانون را به عهده آن شورای محترم قرار داده و نظر شورای محترم نگهبان می‌تواند به بحث‌های مختلف و برخوردهای قانونی متفاوت که دامنگیر شرکت‌های وابسته به این وزارت نیز شده خاتمه دهد، مستدعی است نظر آن شورای محترم را در خصوص اصل مزبور دایر بر اینکه اموال دولت به معنی اخص بیان گردیده یا شامل اموال شرکت‌های دولتی نیز می‌باشد اعلام فرمایید. ضمناً خاطر نشان می‌سازد، شرکت تهیه، تولید و توزیع علوفه وابسته به این وزارت در خصوص عدم انجام تعهدات شرکت تعاونی عمران بار موضوع قرارداد سال ۶۳ دو شرکت (سوابق به پیوست می‌باشد) دادخواست خود را به محاکم قضایی تسلیم، لیکن به لحاظ تفاوت تفسیر اصل نامبرده، دادخواست شرکت فوق‌الذکر رد گردیده است. مراتب جهت استحضار و اعلام نظر تقدیم می‌گردد.

غلامرضا فروزش - وزیر جهاد سازندگی

شماره: ۵۶۰۶- تاریخ: ۱۳۷۲/۹/۱۷

وزیر محترم جهاد سازندگی

نامه شماره ۴۱۷۹/ص/۱۰/و مورخ ۷۲/۹/۷ آن وزارت در جلسه مورخ ۷۲/۹/۱۷

شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی به لحاظ صراحت و وضوح نیازی به تفسیر ندارد و اعضای شورای نگهبان به اتفاق آراء، اصل مذکور را شامل اموال شرکت‌های دولتی نیز می‌دانند.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - احمد علیزاده

اصل یکصد و چهل و یکم

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سِمَت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است.

اصل سابق: رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای ملی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سِمَت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است. نخست‌وزیر می‌تواند در موارد ضرورت به طور موقت تصدی برخی از وزارتخانه‌ها را بپذیرد.

۱- نظریه تفسیری شماره م/۴۳ و ۴۲۹ مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به امکان اشتغال همزمان نمایندگان مجلس به شغل قضاوت:

شماره: ۸۳۸۳- ش- تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۳

شورای محترم نگهبان

طبق اصل یکصد و چهل و یکم، رئیس جمهور، نخست‌وزیر، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند. با توجه به اصل فوق آیا آن عده از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در گذشته در دادگاه‌های انقلاب اسلامی اشتغال به قضاوت داشته‌اند نمی‌توانند در ضمن تصدی امر نمایندگی به قضاوت در دادگاه‌های انقلاب اسلامی ادامه دهند و یا شغل قضاوت دادگاه‌های انقلاب بدون استخدام رسمی دولتی مخالفتی با اصل فوق ندارد؟ مستدعی است نظر محترم شورا را مرقوم بفرمایید.

از طرف شورای عالی قضایی- عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: م/۴۳ و ۴۲۹- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۸

شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۸۳۸۳/ش- ۱۳۵۹/۹/۱۳ در مورد اشتغال برخی از نمایندگان

مجلس شورای اسلامی به قضاوت در دادگاه‌های انقلاب اشعار می‌دارد موضوع در

شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضاء شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«قضاتی که طبق بند سوم اصل ۱۵۷ قانون اساسی از طرف شورای عالی قضایی استخدام و عزل و نصب آنها با شورای مزبور می‌باشد، مطابق اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی‌توانند نماینده مجلس شورای اسلامی باشند.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۱۴۰۱ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نمایندگان امام در سازمان اوقاف نسبت به امکان تصدی همزمان سِمَت نمایندگی مجلس شورای اسلامی با سرپرستی سازمان اوقاف:

شماره: - تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۷

حضور محترم اعضای شورای نگهبان قانون اساسی دامت برکاتهم
پس از سلام؛ جناب آقای عسگر اولادی، با داشتن سِمَت نمایندگی مجلس شورای اسلامی، سرپرست اوقاف نیز می‌باشد. از آن شورا محترماً تقاضا می‌شود که بیان فرمایند آیا ایشان با داشتن سِمَت نمایندگی می‌توانند شغل دیگری که سرپرستی اوقاف باشد داشته باشند یا خیر؟ و آیا این امر مخالف با قانون اساسی است؟
با تقدیم احترام - نمایندگان امام در سازمان اوقاف - سید مهدی امام جمارانی - محمدعلی نظام‌زاده

شماره: ۱۴۰۱ - تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۱

دفتر نمایندگی امام در سازمان اوقاف

عطف به نامه مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۷، موضوع در شورای نگهبان مطرح و بررسی شد.
«نظر شورا بر این است، چون سازمان اوقاف سازمان دولتی است، سرپرستی آن با سِمَت نمایندگی مجلس شورای اسلامی مخالف اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌باشد.»
دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۳- نظریه تفسیری شماره ۲۰۹۱ مورخ ۱۳۶۰/۲/۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر دفاع ملی نسبت به امکان به‌کارگیری پرسنل وزارت دفاع در هیئت مدیره سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی وابسته به وزارت دفاع:

شماره: ۱۳۶۰/۱/۱۸ - پ/۴۰۲/۰۲/۳۷/۹۳ - تاریخ:

از: وزارت دفاع ملی (معاونت پارلمانی)

به: ریاست محترم شورای نگهبان قانون اساسی

موضوع: اصل ۱۴۱ قانون اساسی

وزارت دفاع در نظر دارد برای تأمین اعضاء هیئت مدیره سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی وابسته، از پرسنل تابعه خود استفاده نماید. با توجه به اینکه چنین اشخاصی در

هر صورت فقط از یک حقوق استفاده خواهند نمود، لذا خواهشمند است با عنایت به اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی نظریه اعلام فرمایند.

وزیر دفاع ملی - سرهنگ جواد فکوری

شماره: ۲۰۹۱ - تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۳

جناب آقای محمدعلی رجائی - نخست‌وزیر

چون راجع به مفاد اصل ۱۴۱ قانون اساسی از جانب بعض مقامات و افراد، سؤالاتی از شورای نگهبان می‌شود، موضوع در جلسات متعدد شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود:

«ممنوعیت دو شغل داشتن اعم از موظف بودن است و در مورد مؤسسات و سازمان‌های تابعه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، اگر آن مؤسسات ضمیمه وزارتخانه یا اداره باشد، به‌طوری که تصدی و سرپرستی آن جزو وظایف وزیر یا مدیر یا رئیس مربوط باشد و تعیین مسئول دیگر برای آن قانوناً منتفی باشد، تصدی آن مغایر قانون اساسی نیست، ولی اگر تصدی سازمان یا مؤسسه با حفظ استقلال آن، برای شخص وزیر یا رئیس یا مدیر به عنوان رئیس یا سرپرست آن واحد باشد، مخالف قانون اساسی است.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی^۱

۴- نظریه تفسیری شماره ۱۷۲۲ مورخ ۱۳۶۰/۲/۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار مدیر دفتر حقوقی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران نسبت به امکان به‌کارگیری کارمندان صدا و سیما به عنوان نمایندگان سهام‌دار سازمان صدا و سیما در شرکت‌های خصوصی که بخشی از سهام آنها متعلق به سازمان صدا و سیما است:

شماره: ۳۶۹۳/د ح - تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۴

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

احتراماً به استحضار می‌رساند:

سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران در گذشته چند مورد سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خصوصی داشته است و بعد از پیروزی انقلاب برای حفظ منافع سازمان و بیت‌المال نمایندگانی در شرکت‌ها که (۴۹٪) سهام آن متعلق به سازمان

۱. شماره: ۱۸۷۹ د - ۱۲ - تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۹ - پیوست: یک برگ

وزارت دفاع - معاونت پارلمانی

عطف به نامه شماره ۴۰۲/۲۳۷/۹۳/پ مورخ ۱۳۶۰/۱/۱۸، محترماً فتوایی نامه شماره ۲۰۹۱ ارسالی شورای نگهبان جهت جناب آقای رجائی نخست‌وزیر در خصوص تفسیر کلی اصل ۱۴۱ قانون اساسی به پیوست، جهت اطلاع ارسال می‌گردد.

دفتر شورای نگهبان

است منصوب می‌نماید. اما بعد از تصویب قانون اساسی نمایندگان سهام‌دار (سازمان) خود را مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌دانند و این امر مشکلی برای سازمان ایجاد نموده است. حال با توجه به اینکه این اشخاص صرفاً نمایندگان صدا و سیما (سهام‌دار) می‌باشند دفتر حقوقی سازمان برای حل این مشکل محتاج به تفسیر و تأویل اصل مزبور به وسیله آن شورای محترم می‌باشد. لذا خواهشمند است تصمیمات متخذة در این مورد که آیا نمایندگان سهام‌دار (سازمان) مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی هستند یا خیر، به این دفتر ابلاغ فرمایند.

از طرف دیگر کلیه نمایندگان سهام‌دار (سازمان) کارمندان رسمی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بوده و تنها از بودجه و اعتبار سازمان حقوق دریافت می‌نمایند و برای نمایندگی خود در شرکت‌ها که (۴۹٪) سهام آن به سازمان تعلق دارد چیزی به عنوان حقوق و یا غیره دریافت نمی‌نمایند.

مدیر دفتر حقوقی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۷۲۲- تاریخ: ۱۳۶۰/۲/۹

صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۳۶۹۳/د ح - ۵۹/۱۲/۲۴، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و بررسی شد:

«در صورتی که نمایندگی مرقوم به عنوان مأموریت است و شغل مستقل شمرده نمی‌شود، مانع قانونی ندارد.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۵- نظریه تفسیری شماره م/۲۷۰۸ مورخ ۱۳۶۰/۳/۲۷ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان بازگشت به شغل نمایندگی مجلس پس از استعفای از نمایندگی به دلیل پذیرش شغل دولتی دیگر:

شماره: ۸۰۳-ق - تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۴

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

چنانچه نماینده‌ای شغل رسمی دولتی از قبیل استانداری بپذیرد و استعفاء نیز بدهد ولی استعفاء در جلسه علنی قرائت نشود و پس از مدتی بخواهد به شغل نمایندگی برگردد آیا از نظر قانون اساسی منعی وجود دارد یا نه؟

مستدعی است به دلیل اینکه انتخابات نزدیک است ضرورتاً پاسخ را سریعاً مرقوم فرمایید.

از طرف هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی - سید محمد موسوی خوئینی‌ها

شماره: م/۲۷۰۸- تاریخ: ۱۳۶۰/۳/۲۷

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۸۰۳-ق، ۱۳۶۰/۳/۲۴، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می شود:

«مستفاد از اصل ۱۴۱ قانون اساسی این است که نماینده مجلس شورای اسلامی با قبول و عهده دار شدن یکی از مشاغل دولتی مذکور در اصل مرقوم در حکم مستعفی از نمایندگی است، هر چند به طور رسمی استعفاء نداده باشد یا استعفايش در مجلس قرائت نشده باشد.»
دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

۶- نظریه تفسیری شماره ۳۰۹۱ و-۳ مورخ ۱۳۶۰/۵/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران نسبت به امکان تصدی پست های سازمانی ارگان ها و سازمان های دادگستری توسط اعضای شورای عالی قضایی:
شماره: ۱/۱۱۰۷- تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۲۸

شورای محترم نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
دستور فرمایید جواباً اعلام دارند اعضای شورای عالی قضایی می توانند رئیس یکی از سازمان های تابعه یا اورگان های دادگستری مانند رئیس کل دادگاه های عمومی یا رئیس کل دادگاه های صلح و ... باشند یا خیر؟
از طرف شورای عالی قضایی - عبدالکریم موسوی اردبیلی

شماره: ۳۰۹۱ و-۳ تاریخ: ۱۳۶۰/۵/۱۳

شورای عالی قضایی

عطف به نامه شماره ۱/۱۱۰۷ مورخ ۶۰/۴/۲۸، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و به نظر اکثریت اعضای شورای نگهبان، «اعضای شورای عالی قضایی نمی توانند رئیس یکی از سازمان ها یا اورگان های دادگستری باشند و مغایر اصل ۱۴۱ قانون اساسی می باشد.»
دبیر شورای نگهبان - لطف الله صافی

۷- نظریه تفسیری شماره ۸۵۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان تصدی برخی مشاغل سازمانی دولتی و نهادهای انقلابی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی:
شماره: ۴۰۵-ک ق- تاریخ: ۱۳۶۲/۲/۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

احتراماً در اجرای اصل نود و هشتم قانون اساسی که تفسیر قانون اساسی را به عهده

شورای نگهبان گذاشته است، استدعا می‌شود نسبت به وضع نمایندگان در ارتباط با اصول «یکصد و چهل و یکم» و «پنجاه و هفتم» قانون اساسی در موارد زیر نظر تان را اعلام فرمایید:

۱- ریاست دانشگاه‌های کشور

۲- عضویت در هیئت‌های مربوط به قانون بازسازی نیروی انسانی

۳- عضویت در هیئت‌های گزینش دستگاه‌ها و ...

۴- سرپرستی و اشتغال در ارگان‌های انقلابی و نهادها و بنیادها

ضمناً برداشت ما از تفسیر مذکور چنین است:

یکی از اهداف اصل ۱۴۱ قانون اساسی، (۲) بار حقوق نگرفتن یک فرد از صندوق دولت است. به علاوه تأمین اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی یعنی تفکیک و استقلال قوای سه‌گانه منظور مقتن بوده است؛ زیرا مسلم است که مجاز نبودن نمایندگان مجلس به پذیرفتن مشاغل دیگر فقط به دلیل حقوق نیست و با نگرفتن حقوق، نمایندگان مجلس نمی‌توانند سیمتی دیگر را تصدی نمایند. دلیل این موضوع این است که در همین اصل ۱۴۱ می‌گوید: «سیمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است»؛ یعنی نماینده مجلس می‌تواند استاد دانشگاه یا شاغل در یک سیمت تحقیقاتی باشد و از این بابت حقوق هم دریافت کند و در گذشته هم چنین بوده است و نمایندگان مجلس به عنوان استاد و ... خدمت می‌کرده‌اند. بنابراین نمایندگان مجلس در اجرای (۲) اصل فوق نمی‌توانند در مسئولیت‌های دیگر قرار بگیرند.

احمد کاشانی - محمد رشیدیان - علی موحدی ساوجی - عباسعلی اختری -

اسماعیل فردوسی‌پور - بهاء‌الدین علم‌الهدی - مهدی طیب و ...*

* آقای محمد یزدی نایب‌رئیس وقت مجلس شورای اسلامی نیز در هامش نامه فوق، چنین مرقوم نموده‌اند:

بسمه تعالی

سؤال در بند اول این است که ریاست دانشگاه آیا یک سیمت آموزشی است یا اداری؟ و در بندهای دیگر این است که آیا شغل رسمی دولتی است یا نه؟ نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

محمد یزدی

شماره: ۸۵۱۳ - تاریخ: ۱۳۶۲/۲/۲۰

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۰۵ - ک ق مورخ ۱۳۶۲/۲/۶، نظر تفسیری شورای نگهبان

نسبت به اصل ۱۴۱ قانون اساسی به شرح زیر اعلام می‌شود:

«۱- ریاست دانشگاه، نظر به اینکه سمت اداری محسوب می‌شود، مانع از اشتغال به سمت نمایندگی است.

۲ و ۳- عضویت در هیئت‌های بازسازی و گزینش برای نمایندگان مجلس در صورتی که مشاغل سازمانی تحت عناوین مذکور پیش‌بینی شده باشد و نماینده با عضویت در هیئت‌های مزبور، کارمند دولت محسوب شود، مانع از اشتغال او به نمایندگی مجلس است.

۴- نهادها و ارگان‌ها و بنیادهای انقلابی که دولت بودجه آنها را تأمین می‌نماید و مسئولیت‌های اجرایی برحسب قانون عهده‌دار می‌باشند، دولتی محسوب می‌شوند و کارمندی آنها کارمندی دولت می‌باشد و مانع از اشتغال به نمایندگی است و چنانچه در رابطه با خدماتی که می‌نمایند مسئولیت‌های اجرایی قانونی ندارند، کارمندی آنها کارمندی دولت محسوب نمی‌گردد، هر چند دولت به آنها کمک مالی بنماید.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

۸- نظریه تفسیری شماره ۹۳۴۱ مورخ ۱۳۶۲/۵/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به موضوع تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بدون وزیر و لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی با تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر، به وسیله نخست‌وزیر:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۲.

۹- نظریه تفسیری شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور با استعفای وزراء یا تعیین سرپرست موقت برای وزارتخانه‌های بی‌وزیر:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۵)، ص ۲۱۳.

۱۰- نظریه تفسیری شماره ۳۵۸۷ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۸ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به لزوم یا عدم لزوم موافقت رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی با تصدی سرپرستی وزارتخانه‌های بدون وزیر، به وسیله نخست‌وزیر:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۲۴)، ص ۱۸۸.

۱۱- نظریه تفسیری شماره ۱۱۸ مورخ ۱۳۶۸/۲/۱۹ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار نخست‌وزیر نسبت به امکان عضویت وزراء و کارکنان دولت در هیئت امنای مؤسسات خصوصی یا دولتی:

شماره: ۱۲۷۹۶- تاریخ: ۱۳۶۸/۱/۲۸

شورای محترم نگهبان

با توجه به اصل ۹۸ قانون اساسی خواهشمند است اعلام نظر فرمایند آیا عضویت

وزراء و کارکنان دولت در هیئت امنای مؤسسات خصوصی و یا دولتی از جمله عضویت در هیئت امناء دانشگاه‌ها و مدارس غیر انتفاعی مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی دارد یا خیر؟ خصوصاً با توجه به مشابَهت مسئولیتی که هیئت امنای مؤسسات با مجامع عمومی شرکت‌ها دارند و وزراء به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان در مجامع عمومی شرکت‌های مختلف عضویت یافته‌اند؛ از جمله قانون اخیرالتصویب نحوه اداره شرکت‌های بیمه در این مورد قابل ذکر است.

میرحسین موسوی - نخست‌وزیر

شماره: ۱۱۸ - تاریخ: ۱۳۶۸/۲/۱۹

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی

نخست‌وزیر محترم

عطف به نامه شماره ۱۲۷۹۶ مورخ ۱۳۶۸/۱/۲۸، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر شورای نگهبان به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«عضویت وزراء و کارمندان دولت در هیئت امناء مؤسسات خصوصی و یا دولتی (از جمله عضویت در هیئت امنای دانشگاه‌ها و مدارس غیرانتفاعی) به لحاظ اینکه سِمَت‌های مذکور، شغل سازمانی تلقی نمی‌گردد، مغایرتی با اصل ۱۴۱ قانون اساسی ندارد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - خسرو بیژنی

۱۲- نظریه تفسیری شماره ۵۴۰۰ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس نسبت به امکان تصدی پُست ریاست دیوان محاسبات کشور توسط یکی از نمایندگان مجلس:

شماره: ۲۲۲/د/ک - تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۱۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی «دامت توفیقاتهم»

با سلام و دعای خیر

همان‌گونه که استحضار دارید بر اساس ماده (۱۱) قانون دیوان محاسبات،^۱ انتخاب رئیس دیوان محاسبات کشور بر اساس پیشنهاد این کمیسیون و رأی مجلس شورای اسلامی انجام می‌پذیرد و نظر به اینکه تعدادی از نمایندگان مجلس درصدد

۱. ماده (۱۱) قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- رئیس دیوان محاسبات کشور پس از افتتاح هر دوره قانون‌گذاری به پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه مجلس شورای اسلامی و تصویب نمایندگان ملت انتخاب می‌شود. تبصره- برکناری رئیس دیوان محاسبات با پیشنهاد کمیسیون دیوان محاسبات و با تصویب اکثریت نمایندگان انجام می‌گیرد.»

معرفی یک نفر از نمایندگان جهت تصدی این پُست با حفظ سِمَت نمایندگی می‌باشند، خواهشمند است نظر آن شورا را به کمیسیون در این خصوص جهت بهره‌برداری اعلام فرمایید. ضمناً اضافه می‌نماید دیوان محاسبات کشور تنها دستگاه نظارتی مجلس است که جدای از قوه مجریه انجام وظیفه می‌نماید و رئیس آن نیز مستقیماً از طرف مجلس انتخاب می‌گردد.

با تشکر- رئیس کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس- علی کامیار

شماره: ۵۴۰۰- تاریخ: ۱۳۷۲/۷/۲۴

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

نامه شماره ۲۲۲/د/ک مورخ ۷۲/۷/۱۹ رئیس محترم کمیسیون دیوان محاسبات و بودجه و امور مالی مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۱ شورای نگهبان مطرح و نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«چون رئیس دیوان محاسبات کشور، کارمند دولت محسوب می‌شود، لذا با حفظ سِمَت نمایندگی مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در دیوان محاسبات انجام وظیفه نماید و موضوع با اصل ۱۴۱ قانون اساسی مغایر شناخته شد.»

دبیر شورای نگهبان- احمد جنتی

۱۳- نظریه تفسیری شماره ۶۷۷۲ مورخ ۱۳۷۳/۶/۲۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به امکان تصدی پُست ریاست دانشکده‌های دانشگاه‌های کشور توسط نمایندگان مجلس:

شماره: ۴۴۱۶۲/۱۰/۵- تاریخ: ۱۳۷۳/۶/۵

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

در اجرای اصل ۹۸ و با توجه به اصول ۱۴۱ و ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را در دو مورد زیر اعلام فرمایید:

۱- آیا اعطای مسئولیت ریاست یا سرپرستی دانشکده‌های دانشگاه‌های کشور به نمایندگان مجلس شورای اسلامی مانع از اشتغال به سِمَت نمایندگی است یا این قبیل سِمَت‌ها مشمول قسمت اخیر اصل ۱۴۱ قانون اساسی که صراحت دارد سِمَت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنی است می‌باشد؟

۲- آیا قوانینی که به صورت اجرای آزمایشی در کمیسیون‌های داخلی مجلس تصویب می‌شوند و برای مدت معین با تصویب مجلس به اجرا درمی‌آیند قابل تمدید

و اجرا برای یک دوره یا مدت دیگر نیز می‌باشد یا خیر؟

علی اکبر ناطق نوری - رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره: ۶۷۷۲ - تاریخ: ۱۳۷۳/۶/۲۳

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۰/۴۴۱۶۲/د مورخ ۱۳۷۳/۶/۵، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۶/۲۳ شورای نگهبان مطرح و نظر شورا بدین شرح اعلام می‌گردد:

«۱- در مورد بند اول به اتفاق آراء، نظر به اینکه ریاست دانشکده مانند ریاست دانشگاه، سِمَت اداری محسوب می‌شود تصدی آن برای نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی خلاف اصل ۱۴۱ قانون اساسی است.

در این رابطه نظر ریاست محترم مجلس را به بند اول نامه شماره ۸۵۱۳ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۰ شورای نگهبان جلب می‌کنیم.

۲- در مورد بند (۲)، شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید.»

قائم مقام دبیر شورای نگهبان - احمد علیزاده

۱۴- نظریه تفسیری شماره ۲۹۱۷۳/۳۰/۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار عضو حقوقدان شورای نگهبان نسبت به امکان تصدی سِمَت مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره در مؤسسات فرهنگی توسط کارکنان دولت:

شماره: ۸۶/۳۲/۲۴۸۲۴ - تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۲۶

حضرت آیت الله جنتی - دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

با احترام، با توجه به برداشت‌های متفاوت در مقام اجرا و نظارت از اصل ۱۴۱ قانون اساسی، استدعا دارد نظر آن شورای محترم را در مورد موضوع زیر، اعلام فرمایند:

آیا کارکنان دولت به عنوان مدیرعامل یا عضو هیئت مدیره بنیادهای فرهنگی که کاملاً غیر اقتصادی هستند و این فعالیت نیز غیرمستمر است، می‌توانند فعالیت داشته باشند؟ لازم به ذکر است که شورای محترم نگهبان قبلاً عضویت در هیئت امنای این نوع مؤسسات را مغایر با اصل ۱۴۱ نشناخته است.

عضو حقوقدان شورای نگهبان و وزیر دادگستری - غلامحسین الهام

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به این نظریه تفسیری و مستندات قانونی آن، رجوع کنید به ذیل اصل (۱۴۱)، ص ۲۵۸.

شماره: ۸۷/۳۰/۲۹۱۷۳- تاریخ: ۱۳۸۷/۸/۲۲

جناب آقای دکتر الهام دام مجده العالی
عضو محترم حقوقدان شورای نگهبان
سلام علیکم

عطف به نامه شماره ۸۶/۳۲/۲۴۸۲۴ مورخ ۸۶/۱۰/۲۹^۱ موضوع در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«عضویت به عنوان هیئت مدیره و یا مدیرعامل مؤسسات فرهنگی غیردولتی و غیرعمومی و مؤسساتی که سرمایه آن تماماً یا جزئاً متعلق به دولت و مؤسسات عمومی نیست و نیز شرکت دولتی یا خصوصی محسوب نشوند، مشمول اصل ۱۴۱ قانون اساسی نمی‌باشد.»

ارادتمند- محمدرضا علیزاده

۱. تاریخ نامه مزبور، ۱۳۸۶/۱۰/۲۶ بوده است که در اینجا، به اشتباه ۱۳۸۶/۱۰/۲۹ درج شده است.

اصل یکصد و چهل و چهارم

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت بپذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۷۳۵+ مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار سرپرست اداره سیاسی- ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نسبت به شرط اسلام برای استخدام در ارتش:
شماره: ۹۳-۷-۸۰۱- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۰/۸

از: اداره سیاسی- ایدئولوژیک

به: دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

موضوع: پرسنل نیروهای مسلح

از آنجا که ارتش جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی نیاز مبرمی به استخدام پرسنل کادر دارد و نیز با توجه به اینکه طرح جدید سازمان ارتش در ستاد مشترک ارتش در دست تهیه جهت پیشنهاد به مجلس می‌باشد، مستدعی است با توجه به مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین فرمایند که «آیا نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران می‌توانند اقلیت‌های مذهبی رسمی را انتخاب نمایند یا تنها باید افراد مسلمان را به استخدام درآورند؟»

سرپرست اداره سیاسی- ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش

جمهوری اسلامی ایران- غلامرضا صفائی

شماره: ۷۳۵- مورخ: ۱۳۵۹/۱۰/۲۴

سرپرست محترم اداره سیاسی- ایدئولوژیک

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۹۳-۷-۸۰۱ مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۸، «موضوع در شورای نگهبان مطرح، رأی متفق علیه اعضاء حاضر در جلسه بر این است که در استخدام پرسنل ارتش باید شرط اسلام مذکور باشد.»

دبیر شورای نگهبان- لطف الله صافی

۲- نظریه تفسیری شماره ۲۶۳۰ مورخ ۱۳۶۰/۴/۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار سرپرست اداره سیاسی- ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران نسبت به شرایط استخدامی و انجام خدمت وظیفه غیرمسلمانان در نیروهای مسلح:

شماره: ۱۲۱-۰۳-۷۰۱- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۱/۱۵

از: اداره سیاسی- ایدئولوژیک سماجا

به: شورای محترم نگهبان قانون اساسی

موضوع: شرایط استخدامی پرسنل نیروهای مسلح

با توجه به اینکه نیروهای مسلح به منظور تأمین نیاز پرسنلی خود مستمراً از طریق استخدام و نیز اعزام به خدمت وظیفه افرادی را به کار می‌گیرند، خواهشمند است تعیین فرمایید «با نگرش به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز با نظر به اینکه افراد مزبور از قشرهای مسلمان، اقلیت‌های شناخته‌شده در قانون اساسی، بهائیان و امثال آن و نیز پیروان مرام کمونیسم می‌باشند، استخدام کدامیک از اقشار فوق در نیروهای مسلح مجاز است. همچنین کدامیک از اقشار فوق می‌توانند به عنوان خدمت وظیفه در نیروهای مسلح وارد گردند. بدیهی است در صورتی که بعضی از اقشار فوق ورودشان به نیروهای مسلح به عنوان خدمت وظیفه ممنوع شناخته شود باید ترتیبی اتخاذ گردد که خدمت مزبور را در یکی دیگر از سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی انجام دهند تا عدم صلاحیت آنها موجب معاف شدن آنها از خدمت نشود.»

سرپرست اداره سیاسی- ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۲۶۳۰- تاریخ: ۱۳۶۰/۴/۴

سرپرست محترم اداره سیاسی- ایدئولوژیک ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۱۲۱-۰۳-۷۰۱ مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۱۵، موضوع در جلسه

رسمی شورای نگهبان مطرح شد. نظر اکثریت اعضای شورا بر این است که:

«در استخدام برای نیروهای مسلح طبق اصل ۱۴۴، افراد مکتبی و مؤمن به اهداف انقلاب باید استخدام شوند و نسبت به خدمت وظیفه اقلیت‌ها از جهت قانون منعی نیست. هر نوع که وضع ارتش و مصالح عالی آن اقتضاء دارد اقدام نماید.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

اصل یکصد و چهل و پنجم

هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

- نظریه تفسیری شماره ۱۳۸۴ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۴ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار وزیر دفاع ملی نسبت به امکان به‌کارگیری موقت کارشناسان خارجی در ارتش، در موارد ضروری:

شماره: ۹۴-۴۲-۰۲-۴۰۲/پ- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۹

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

۱- به موجب اصل ۸۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی.

۲- برابر اصل ۱۴۵ قانون مذکور هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی‌شود.

۳- با توجه به وضع موجود و نیاز ارتش به استفاده از وجود افراد خارجی به طور موقت، سازمان‌ها و ادارات ذی‌ربط استعلام می‌نمایند با در نظر گرفتن مفاد (۲) اصل یادشده بالا، آیا می‌توان به طور موقت از خدمت این قبیل اشخاص استفاده نمود یا خیر؟

۴- به نظر وزارت دفاع ملی به‌کار گماردن افراد مورد بحث به طور موقت، استخدام یا عضویت در ارتش تلقی نمی‌گردد.

۵- استدعا می‌شود مقرر فرمایید با توجه به مراتب بالا نظریه آن شورای محترم را در این باره ابلاغ فرمایند تا به همان قرار اقدام شود.

وزیر دفاع ملی - سرهنگ جواد فکوری

شماره: ۱۳۸۴- تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۴

وزارت دفاع ملی جمهوری اسلامی ایران

عطف به نامه شماره ۹۴-۴۲-۰۲-۴۰۲/پ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۹ اشعار می‌دارد،

موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«به‌کار گرفتن کارشناسان خارجی و استفاده از تخصص آنان به طور موقت در ارتش، عضویت در ارتش که در اصل ۱۴۵ قانون اساسی ممنوع شده، محسوب نمی‌گردد. طبیعی است طبق اصل ۸۲ قانون مزبور، استخدام کارشناسان خارجی در موارد ضرورت با تصویب مجلس شورای اسلامی امکان‌پذیر است.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۱- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۶۰)، ص ۲۷۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۴۲۰۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس سازمان بازرسی کل کشور نسبت به حدود و نحوه نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین: شماره: ۳/۴۰۶/۹- تاریخ: ۱۳۶۰/۱۰/۲۹

شورای محترم نگهبان

خواهشمند است نظر آن شورای محترم را در مورد حدود و نحوه نظارت قوه قضائیه بر حسن اجرای قوانین با توجه به بند (۳) اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴ قانون اساسی و مواد (۹) و (۱۰) قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور اعلام فرمایید. با احترام- سید مصطفی محقق داماد- رئیس سازمان بازرسی کل کشور

شماره: ۴۲۰۹- تاریخ: ۱۳۶۰/۱۱/۵

ریاست محترم سازمان بازرسی کل کشور

عطف به نامه شماره ۳/۴۰۶/۹ مورخ ۶۰/۱۰/۲۹، موضوع سؤال در شورای نگهبان

مطرح و مورد بررسی قرار گرفت و به شرح ذیل اعلام نظر شد:

«بر حسب بند (۳) اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه نظارت بر حسن اجراء قوانین دارد. بنا بر این اصل می‌تواند در موارد تخلف از اجراء قوانین به مقامات مسئول اخطار کند و مقامات مسئول موظفند به اخطارات قوه قضائیه که به موجب اصل ۱۷۴ قانون اساسی انجام می‌شود توجه نمایند و در صورت عدم توجه، از قانون اساسی تخلف نموده‌اند و ترتیب و حدود این وظایف در قانون عادی نیز بیان شده است.»

دبیر شورای نگهبان- لطف‌الله صافی

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

اصل سابق: به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر است:

- ۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم
- ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
- ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

۱- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۶۰)، ص ۲۷۷.

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۰/۳۰/۴۳۴۵۸ مورخ ۱۳۹۰/۶/۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس جمهور نسبت به امکان وضع آیین‌نامه قانونی توسط رئیس قوه قضائیه برای دستگاه‌های اجرایی خارج از این قوه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۳۸)، ص ۲۴۰.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:
۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم
۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.
اصل سابق: شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:
۱- رئیس دیوان عالی کشور
۲- دادستان کل کشور
۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.
اعضای این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است. شرایط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را قانون معین می‌کند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۳۴۷۲ مورخ ۱۳۶۴/۳/۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به دوره‌ای بودن شورای عالی قضایی:

شماره: ۴۴/۶۷/م - تاریخ: ۱۳۶۴/۲/۲۶

شورای محترم نگهبان

بعدالتحیه والسلام

نظر به اینکه مطابق اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، «شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور

۲- دادستان کل کشور

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور

اعضای این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است. شرایط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را قانون معین می‌کند.»

و نظر به اینکه تعبیر «مدت پنج سال» با توجه به دوره‌ای بودن برخی دیگر از تأسیسات قانون اساسی، نظیر ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی محل سؤال و تفسیر قرار گرفته است که آیا «مدت پنج سال» در خصوص شورای عالی قضایی نیز افاده دوره می‌کند یا نه، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را درباره این اصل قانون اساسی اعلام فرمایند.

با عنایت به اینکه تاریخ تشکیل اولین شورای عالی قضایی تیرماه ۱۳۵۹ بوده است تسریع در اعلام نظر شورای محترم نگهبان موجب سپاسگزاری است.
از طرف شورای عالی قضایی - مرتضی مقتدائی

شماره: ۳۴۷۲ - تاریخ: ۱۳۶۴/۳/۱

شورای محترم عالی قضایی

عطف به نامه شماره ۶۷/۶۴/م مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۶، موضوع سؤال در جلسه شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر اکثریت اعضاء (بیش از سه چهارم) به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«مستفاد از اصل ۱۵۸ قانون اساسی، دوره‌ای بودن شورای عالی قضایی است؛ لذا باید در هر پنج سال انتخاب اعضاء شورای مزبور تجدید شود، هر چند برخی از آنها در اثناء دوره انتخاب شده باشند.»

دبیر شورای نگهبان - لطف‌الله صافی

۲- نظریه‌های تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲ و شماره ۷۸/۲۱/۵۶۱۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به تشکیلات وزارت دادگستری و ارتباط آن با قوه قضائیه و قوه مجریه:

شماره: ۱۷۸/۶۷۸۸ - تاریخ: ۱۳۷۸/۷/۱۳

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام و تحیات

چون طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی مقام معظم رهبری، رئیس قوه قضائیه را به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی تعیین می‌فرمایند و نظر به اینکه طبق بند (۱) اصل ۱۵۸ این قانون، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از وظایف رئیس قوه قضائیه محسوب گردیده است،

و با عنایت به اصل ۱۶۸ قانون اساسی که در آن اصل از عنوان وزارت دادگستری ذکری به میان نیامده و تنها وزیر دادگستری را به عنوان مسئول کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه معرفی نموده است،

در صورتی که وزیر محترم دادگستری بخواهد تشکیلاتی را برای وزارت ایجاد نماید آیا این تشکیلات و معاونت‌های مربوط به آن بایستی به نحوی که در اصل ۱۵۸ آمده ایجاد شود؟ و از اعتبارات اداری مالی قوه قضائیه استفاده نماید یا تشکیلات ایجادشده، جزء تشکیلات قوه مجریه محسوب گردیده و خارج از شمول اصل مذکور

است و نیازی به تصویب و تأیید رئیس قوه قضائیه ندارد.

خواهشمند است با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی نظر تفسیری شورای نگهبان را اعلام فرمایید.

سید محمود هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه

شماره: ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ - تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۲

حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۷۸/۶۷۸ مورخ ۷۸/۷/۱۳، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۹ شورای نگهبان مطرح شد و نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می گردد:

«آنچه مربوط به وظایف وزیر دادگستری مذکور در اصل ۱۶۰ قانون اساسی است، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود. این تشکیلات باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد و اعتبارات آن باید از طرف قوه قضائیه تأمین شود.

آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری و نیز وظایفی است که هیئت دولت به عهده وی واگذار کرده، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

شماره: ۱/۷۸/۷۷۱۶ - تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۸

حضرت آیت الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

با سلام

عطف به شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ - ۷۸/۸/۲ با توجه به قسمت دوم پاسخ شورای محترم نگهبان، این سؤال پیش می آید آیا تشکیلات جدیدالتأسیس به عنوان تشکیلات وابسته به هیئت دولت است و یا تشکیلاتی است که به عنوان وزارت دادگستری ایجاد می شود؟ در صورت دوم چون مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود دولت نمی تواند وزارتی جداگانه با تشکیلاتی جدید برخلاف آنچه که در قانون اساسی آمده است ایجاد نماید خواهشمند است پس از بررسی مجدد، نظریه توضیحی شورای محترم نگهبان را اعلام فرمایید.

سید محمود هاشمی شاهرودی - رئیس قوه قضائیه

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه‌های شماره ۱/۷۸/۷۷۱۶ مورخ ۱۳۷۸/۸/۸ و شماره ۱/۷۸/۶۷۸۸ مورخ ۷۸/۷/۱۳ و پیرو نامه شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ مورخ ۷۸/۸/۲، موضوع در جلسه

مورخ ۷۸/۸/۱۲ شورای نگهبان مطرح شد و نظر شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری است که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و نیز در مورد وظایفی که هیئت دولت به عهده وی واگذار کرده است، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی^۱

۱. گفتنی است پس از این ارائه این نظریه تفسیری، رئیس قوه قضائیه، نامه‌ای به شرح زیر به دبیر شورای نگهبان نوشته‌اند که در اسناد مربوط به این موضوع، موجود است:

شماره: ۱/۷۸/۸۱۱۵ - تاریخ: ۱۳۷۸/۸/۱۹

محضر شریف برادر بزرگوار حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

عطف به پاسخ آن شورای محترم که شفاهاً بدین شرح اعلام گردید: «آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری است که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و نیز در مورد وظایفی که هیئت دولت به عهده وی واگذار کرده است مشمول اصل ۱۵۸ نمی‌باشد»، مراتب زیر معروض می‌گردد:

اولاً از مفاد این پاسخ چنین استنباط می‌گردد حتی اگر هیئت دولت وظایفی را بر عهده وزارت دادگستری نگذارد وزارت دادگستری وظایف دیگری دارد که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و این مطلب یقیناً برخلاف قانون اساسی است؛ چون معنایش این است که این وزارت ابتداءً هم می‌تواند وظایفی خارج از محدوده رابط بودن قوه قضائیه با دو قوه دیگر داشته باشد که بعید است منظور عزیزان در آن شورای محترم با آن تیزی و دقت نظر که حقیر در آنان سراغ داشتم این مطلب باشد.

ثانیاً پیشنهاد مشخص این جانب این است که بخش اول این ذیل حذف شود و فقط گفته شود چنانچه وظایفی را هیئت دولت بر عهده وزارت دادگستری یا شخص وزیر دادگستری بگذارد که ارتباط با قوه قضائیه نداشته باشد مشمول اصل ۱۵۸ نیست.

ثالثاً چنانچه برخی از اعضای محترم شورا با این پیشنهاد نیز موافق نباشند، که ظاهراً در آن روز جلسه چنین احساس کردم، از جناب‌عالی به عنوان دبیر شورای نگهبان تقاضا دارم این مکاتبات را در سابقه مربوط به این اصل از اصول قانون اساسی منظور و محفوظ بدارید تا مظلومیت قوه قضائیه برای تاریخ و آیندگان ثبت شود. این جانب خوف آن را دارم که بر اثر این تفسیر شورای محترم نگهبان، در آینده دو تشکیلات مستقل از هم و غیر هماهنگ یکی به عنوان قوه قضائیه و دیگری به

۳- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به ماهیت لوایح قضایی و تفاوت آن با لوایح قانونی و تشریفات بررسی و تصویب آنها در مجلس:

شماره: ۱۳۷۹/۷/۱۷- تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۱۷

خدمت حضرات اعضای محترم شورای نگهبان «دامت برکاتهم»

با عرض سلام خدمت همه بزرگواران و عزیزان آن شورای محترم، استدعا دارد در رابطه با بند (۲) اصل ۱۵۸ قانون اساسی که سابقاً نیز در زمانی که خدمتتان بودیم یک بار مورد بحث و تفسیر قرار گرفت، جهات زیر را روشن نمایید. مزید امتنان و تشکر است.

۱- تعریف لایحه قضایی و فرق آن با لایحه قانونی چیست؟

۲- آیا قوه قضائیه پس از تهیه کردن لایحه قضایی توسط ریاست قوه (همان طوری که در بند (۲) آمده است) لازم است آن را ابتدا به هیئت دولت جهت تصویب ارسال داشته و سپس از طریق دولت به مجلس شورا ارسال شود و یا خود قوه قضائیه می‌تواند رأساً آن را به مجلس شورا ارسال نماید؟

۳- آیا هیئت دولت می‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورا جهت تصویب نهایی ارسال نماید یا خیر؟

۴- آیا هیئت دولت می‌تواند در لایحه قضایی که توسط قوه قضائیه آماده شده است تغییر محتوایی (به نحو حذف و یا اضافه کردن موادی و یا تغییر مفاد ماده) انجام داده و سپس آن را به مجلس شورا ارسال نماید یا خیر؟

۵- آیا مقصود از لایحه قضایی تنها لوایحی است که جداگانه و مستقل به مجلس می‌رود و یا شامل مواد قضایی که ممکن است در لوایح قانونی گنجانیده شود نیز می‌گردد؟

۶- بنا بر اینکه قوه قضائیه بتواند لایحه قضایی را ابتدا به مجلس شورا ارسال نماید، در صورتی که آن لایحه دارای بار مالی و مستلزم بودجه اضافی باشد، آیا مخالف اصل ۷۵ خواهد بود و یا خیر؟

→

عنوان تشکیلات وزارت دادگستری ایجاد شود و باز در درون وزارت دادگستری دو سنخ تشکیلات عریض و طویل راه یابد یکی مربوط به قوه قضائیه و دیگری مستقل و آزاد عمل کند که قطعاً مضر بوده و برخلاف روح تمرکز قوه قضائیه و استقلال آن که از اصول مربوط به قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی استفاده می‌شود خواهد بود. والسلام علیکم و رحمت الله

رئیس قوه قضائیه- سید محمود هاشمی شاهرودی

۷- آیا مجلس شورا می‌تواند قوانین قضایی را از طریق طرح و پیشنهاد نمایندگان به تصویب برساند یا لازم است از طریق قوه قضائیه و به نحو لایحه قضایی تقدیم شده باشد؟ در خاتمه پیش‌نویس ... برگ فتوکپی لایحه جرایم سیاسی که از طرف قوه قضائیه در سال ۷۸ به دولت ارسال شده، همراه با فتوکپی (۱۰) برگ از لایحه مذکور با توجه به تغییراتی که در دولت انجام گرفته جهت ملاحظه به پیوست ارسال می‌دارد.

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

شماره: ۱/۵۰۴۸ - تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۲۶

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان (دام عزه)

سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷۰ و سؤالاتی که در آن از شورای محترم نگهبان به عمل آمده بود، نظر مبارک حضرات را به دو مطلب ذیل معطوف می‌دارم:

۱- فعلاً سؤال شماره (۲) و به تبع آن سؤال شماره (۶) و (۷) مورد نیاز قوه قضائیه نبوده، لهذا تقاضا می‌شود این سه سؤال را از لیست حذف نمایید.

۲- در مورد سؤال اول (تعریف لایحه قضایی) منظور از سؤال، مشخص کردن ماهیت مسائل و مواد قضایی است که به نظر اینجانب کلیه موارد ذیل را شامل می‌شود:

۱- هرگونه تعیین جرم و مجازات آن

۲- کلیه تشریفات قضایی و آیین‌های دادرسی مربوط به جنبه شکلی قضاوت

۳- کلیه قوانین و لوایحی که به عنوان قانون عادی راجع به یکی از اصول فصل یازدهم قانون اساسی تنظیم شده باشد.

در صورت مطابقت نظر مبارک حضرات با این موارد و یا هرگونه تغییری در آن ما را بهره‌مند فرمایید.

والسلام علیکم و رحمت‌الله و برکاته

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

شماره: ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ - تاریخ: ۱۳۷۹/۷/۳۰

حضرت آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی دامت برکاته

رئیس محترم قوه قضائیه

سلام علیکم

عطف به نامه‌های شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۷ و شماره ۱/۵۰۴۸ مورخ

۱۳۷۹/۷/۲۶، موضوع در جلسه شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر تفسیری شورا ذیلأ اعلام می‌شود:

«۱- فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به‌ویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می‌کند.

۲- هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم نموده و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

۳- لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می‌شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می‌گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این‌گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز می‌باشد.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.

اصل سابق: وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

۱- نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه:

شماره: ۷۷۲۷/ش - تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

در رابطه با حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری سؤالات زیر مطرح است، خواهشمند است با توجه به اصول مربوط از قانون اساسی نظر آن شورا روشن شود تا تکلیف مسائل مورد تردید مشخص گردد:

۱- اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگر و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهوری برقرار می‌گردد.

۲- اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعدی می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

۳- اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است.

۴- اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

۵- اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات

مدون جزائی اسلامی

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۶- اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و

پنجاه و ششم

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و

تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

۷- اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و

قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر

پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

با توجه به اصول مزبور درباره اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور مالی،

اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی، سازمان ثبت اسناد و املاک و نظایر اینها،

این سؤال مطرح است که آیا مسئولیت اداره آنها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است، یا با شورای عالی قضایی که مستقل از قوه مجریه است. یک نظر این است که مسئولیت این امور بر عهده شورای عالی قضایی است به دلایل زیر:

الف: استقلال قوه مقننه و قوه قضائیه ایجاب می‌کند که اداره امور مربوط به کلیه نیازمندی‌های هر قوه نیز به دست همان قوه باشد. به‌همین جهت با اینکه کار قوه مقننه، قانون‌گذاری و نظارت بر امور کشور است اداره کارگزینی، کارپردازی و چاپخانه مجلس، کتابخانه مجلس، حسابداری و نظایر اینها در قوه مقننه در اختیار خود مجلس و هیئت رئیسه مجلس است. بدین ترتیب در مورد قوه قضائیه نیز، هر چند کار اصلی رسیدگی به دعاوی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و نظایر اینها است، ولی کارهایی که در رابطه با تأمین نیازهای این دادگاه‌ها و مدارک ثبتی مورد استناد این دادگاه‌ها است باید مستقل از قوه مجریه و در اختیار شورای عالی قضایی که مسئول قوه قضائیه است باشد.

ب: در اصل یکصد و شصتم وظایف وزیر دادگستری صریحاً ذکر و گفته شده است که وزیر دادگستری رابط میان قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه است و مفاد آن این است که در اداره امور داخلی این قوه دخالت و مسئولیتی ندارد و کار او نظیر کاری است که در گذشته معاون پارلمانی وزارت دادگستری انجام می‌داده، منتهی در رابطه با مجلس و هیئت دولت هر دو.

ج: مشمول بند (۳) از اصل یکصد و پنجاه و هفتم: استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون. نظر دیگر این است که چون این امور به خودی خود و صرف نظر از ارتباطش با دادگاه‌های امور اجرایی است، باید در دست قوه مجریه باشد و در این صورت می‌تواند مسئولیت آن بر عهده وزیر دادگستری قرار گیرد.

خواهشمند است با توجه به این جهات و ضرورت یکسان بودن وضع در مورد قوه مقننه و قوه قضائیه در رابطه با مسائل اداری و مالی مربوط به هر قوه، نظر آن شورای محترم را اعلام فرمایند.

از طرف شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۴۲۱ - تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۱

شورای عالی قضایی

عطف به نامه شماره ۷۷۲۷/ش - ۱۳۵۹/۹/۶، موضوع سؤال در شورای نگهبان

مطرح و به شرح زیر اظهار نظر گردید:

«وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران می‌باشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند: اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی، وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضایی می‌باشد.»

شورای نگهبان

۲- نظریه تفسیری شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به حدود حقوق نمایندگان مجلس در رابطه با سؤال از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی و حدود پاسخگویی وزیر دادگستری و دیگر مسئولان قضایی به این سؤالات:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۸۸)، ص ۱۵۴.

۳- نظریه‌های تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲ و شماره ۷۸/۲۱/۵۶۱۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به تشکیلات وزارت دادگستری و ارتباط آن با قوه قضائیه و قوه مجریه:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۵۸)، ص ۲۷۱.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل سابق: دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود بر اساس ضوابطی که شورای عالی قضایی تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

– نظریه تفسیری شماره ۰۴۱۸ مورخ ۱۳۶۹/۵/۲ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار دادستان کل کشور نسبت به حق نظارت دیوان عالی کشور در اصل ۱۶۱ قانون اساسی و شمول آن بر دادسرای دیوان عالی کشور:

شماره: ۱۴۰/۶۹/۸۶۶۱/۶۱ – تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۰

شورای محترم نگهبان

سلام علیکم

با عنایت به اینکه طبق قوانین موجود (که قسمتی از آن به ضمیمه ارسال می‌گردد)^۱ نظارت بر دادسراها و محاکم با دادسرای دیوان عالی کشور و دادستان کل

۱. قسمتی از مواد قانونی که دلالت بر اختیارات و حق نظارت دادستان کل بر محاکم و دادسراها دارد: ماده (۴۹) قانون اصول تشکیلات دادگستری: «مدعیان عمومی صاحب منصبانی هستند که برای حفظ حقوق عامه و نظارت در اجرای قوانین، موافق مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند.» ماده (۵۲) قانون اصول تشکیلات دادگستری: «مدعیان عمومی نسبت به جریان امور محاکمی که در نزد آن محاکم مأموریت دارند نظارت داشته و مراقب می‌باشند که تجاوز از حدود قانونی کشور و در صورت تجاوز و سوء جریان به وزارت عدلیه راپورت خواهند داد.» ماده (۱۷) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری: «دادستان کل بر کلیه دادسراهای شهرستان و استان و دیوان کیفر نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آنها پیشنهادهای لازم را به وزیر دادگستری می‌دهد.»

چون طبق ماده (۱۷) دادستان کل بر دادسراهای عمومی نظارت دارد و دادستان‌های عمومی نیز به موجب دو ماده فوق بر حسن اجرای قوانین در محاکم نظارت دارند در نتیجه دادستان کل نیز نظارت بر محاکم و دادسراها را دارد.»

ماده (۱۹۳) قانون دیات: «هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور به منزله ولی او است و موظف است حق او را بدون عفو استیفا نماید.»

ماده (۵۲) قانون حدود و قصاص: «... اگر ولی دم غایب باشد و غیبت او طولانی شود حاکم شرع ولی او است و برابر مصلحت تصمیم می‌گیرد.

→

به موجب مصوبه شورای عالی قضایی چون قضات مأذون در محاکم حاکم شرع نیستند لذا در مورد ماده (۵۲) قانون حدود و قصاص نیز طبق ماده (۱۹۳) قانون دیات باید عمل شود.»

ماده (۵۵۱) قانون آیین دادرسی مدنی: «... عضو ممیز مکلف است ضمن مراجعه به پرونده برای تهیه گزارش چنانچه از هر یک از قضات یا دادستان‌ها یا دایاران یا بازپرس‌ها که در آن پرونده مداخله داشته‌اند تخلف از مواد قانون و یا اعمال غرض و یا بی‌اطلاعی از مبانی قضایی مشاهده نمود آن را مشروحاً و با استدلال در گزارش خود تذکر دهد و همچنین نماینده دادستان دیوان کشور در آن شعبه نیز مکلف است چنانچه تخلفاتی به شرح فوق در پرونده مشاهده نمود که عضو ممیز آن را در گزارش خود قید نکرده بود آن را به مشارالیه تذکر دهد و در هر دو صورت هرگاه بین عضو ممیز و نماینده دادستان موافقت در تعقیب حاصل شد رونوشتی از گزارش مزبور رأساً به دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود که طبق مقررات مورد رسیدگی قرار گیرد...».

ماده (۳۵) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (۱) و (۲) و شعب دیوان عالی کشور: «هرگاه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور آرای هر یک از محاکم اعم از حقوقی، کیفری، مدنی خاص انقلاب و نظامی را ولو اینکه در مقام تجدیدنظر صادر شده باشد نسبت به موارد تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها و نحوه رسیدگی آنها قابل تجدیدنظر بدانند حق درخواست تجدیدنظر به نحو مندرج در قانون مذکور را دارند در مورد این ماده مرجع تجدیدنظر مجدد آرای صادره وسیله دادگاه در مقام تجدیدنظر دیوان عالی کشور است.

تبصره- آرای که وسیله دادگاه‌های حقوقی یا کیفری و نظامی یک در مقام رسیدگی تجدیدنظر نسبت به آرای دادگاه‌های حقوقی یا کیفری یا نظامی دو صادر می‌شود جز به درخواست رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قابل تجدیدنظر مجدد در دیوان عالی کشور نمی‌باشد.»

ماده (۴۲) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری (۱) و (۲) و شعب دیوان عالی کشور: «متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آنکه شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است، احضار می‌گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رأی می‌نماید....».

تبصره- دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رأی دادگاه می‌تواند به یک یا چند جهت پیش‌بینی شده برای تجدید نظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی‌حق قرار گرفته تقاضای تجدیدنظر نماید.»

قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب تیرماه ۱۳۲۸: «ماده واحده- هرگاه در شعب دیوان عالی کشور نسبت به موارد مشابه رویه‌های مختلف اتخاذ شده باشد به تقاضای وزیر دادگستری یا رئیس دیوان مزبور و یا دادستان کل هیئت عمومی دیوان عالی کشور موضوع مختلفیه را بررسی کرده نسبت به آن اتخاذ نظر می‌نماید نظر اکثریت برای شعب دیوان عالی کشور و برای دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع خواهد بود.»

ماده (۳) اضافه‌شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷: «هرگاه از طرف دادگاه‌های اعم از جزایی و حقوقی راجع به استنباط از قوانین رویه‌های مختلفی اتخاذ شده باشد

←

کشور است و از سوی دیگر بر مبنای استنباط از اصل یکصد و شصت و یک قانون اساسی واحد نظارت بر محاکم زیر نظر ریاست محترم دیوان عالی کشور تشکیل شده است، خواهشمند است اعلام نظر فرمایید:

- ۱- دیوان عالی کشور در اصل مذکور شامل دادسرای دیوان عالی هم هست یا خیر؟
 - ۲- در صورتی که دیوان عالی کشور شامل دادسرای دیوان هم باشد، نظارت ریاست دیوان بر محاکم نیاز به قانون دارد یا طبق همین اصل، ریاست دیوان می‌تواند در عرض دادسرای دیوان نظارت بر محاکم داشته باشد؟
- دادستان کل کشور- محمد محمدی ری‌شهری

شماره: ۰۴۱۸- تاریخ: ۱۳۶۹/۵/۲

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدی ری‌شهری

دادستان محترم کل کشور

عطف به نامه شماره ۱۴۰/۶۹/۸۶۶۱/۶۱ مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۰، موضوع سؤال در جلسه روز سه‌شنبه دوم مردادماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. نظر متفق‌علیه شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«۱- با توجه به تشکیلات موجود، عنوان دیوان عالی کشور در اصل ۱۶۱ قانون اساسی شامل دادسرای دیوان عالی نیز می‌باشد.

۲- در خصوص نظارت رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل و ایجاد واحد نظارت توسط هر یک از آنان، اصل ۱۶۱ ساکت است و نیاز به قانون دارد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان- حسین مهرپور

→

دادستان کل پس از اطلاع مکلف است موضوع را در هیئت عمومی دیوان کشور مطرح نموده رأی هیئت عمومی را در آن باب بخواهد. رأی هیئت عمومی در موضوعاتی که قطعی شده بی‌اثر است ولی از طرف دادگاه‌ها باید در موارد مشابه پیروی شود.»

ماده (۴۰) قانون اصول تشکیلات دادگستری: «... در صورتی که عقیده دادیار انتظامی بر تخلف و دادستان انتظامی بر عدم تعقیب باشد پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود. در این صورت نظر دادستان دیوان عالی کشور اجراء خواهد شد. در مواردی که عقیده به تعقیب باشد ادعائنامه تهیه و به امضای دادستان انتظامی قضات به دادگاه عالی انتظامی فرستاده می‌شود...»

ماده (۴۳) قانون امور حسبی: «دادستان دیوان کشور از هر طریقی که مطلع به سوء استنباط از مواد این قانون در دادگاه‌ها بشود یا به اختلاف نظر دادگاه‌ها راجع به امور حسبی اطلاع حاصل کند که مهم و مؤثر باشد نظر هیئت عمومی دیوان کشور را خواسته و به وزارت دادگستری اطلاع می‌دهد که به دادگاه‌ها ابلاغ شود و دادگاه‌ها مکلفند بر طبق نظر مزبور رفتار نمایند.»

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سِمَتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل سابق: قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آنست بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سِمَتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضایی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

- نظریه تفسیری شماره ۰۴۴۸ مورخ ۱۳۶۹/۴/۲۳ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به تعیین متعلق استثنای مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی:

شماره: م/۵۶۳۹-۱ تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۱۴

حضرت آیت‌الله محمدی‌گیلانی «دام تأییداته العالیه»

دبیر محترم شورای نگهبان

خاطر مبارک مستحضر است که در بحث‌های بازنگری قانون اساسی، این‌جانب اصرار داشتم که ابهام از اصل یکصد و شصت و چهارم برداشته شود و پیشنهاد مشخص این بود که پس از پایان جمله اول اصل، کلمه «یا بدون رضای او» جداگانه به شکل جمله مستقل بیاید که تغییر محل خدمت یا سِمَت، متعلق مُستثانیه باشد و به هر دلیل پذیرفته نشد.^۱ دستور فرمایید نظر تفسیری آن شورای محترم را نسبت به قید و استثناء که آیا به جمله اخیر می‌خورد یا به همه، ابلاغ فرمایند.

رئیس قوه قضائیه- محمد یزدی

شماره: ۰۴۴۸- تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۲۳

حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ محمد یزدی

ریاست محترم قوه قضائیه

عطف به نامه شماره م/۵۶۳۹-۱ مورخ ۱۳۶۹/۴/۱۴، موضوع سؤال در جلسه روز سه‌شنبه نوزدهم تیرماه ۱۳۶۹ شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار

۱. برای اطلاع بیشتر در این خصوص، بنگرید به: صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ج ۳، جلسه ۴۱، صص ۱۶۷۴ تا ۱۶۷۷.

گرفت. نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«استثناء مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی (مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل) صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت (یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد) می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد.»

قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان - حسین مهرپور

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

۱- نظریه تفسیری شماره ۸۰/۲۱/۱۳۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۸ در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به زمان ترتب آثار ابطال بر مقررات دولتی مغایر شناخته‌شده با موازین شرع:

شماره: ۱۷۹/۱۸۲۴۷-۱/۷۹/۱۸۲۴۷- تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۲۸

حضرت آیت‌الله جنتی «دام توفیقاته»

دبیر محترم شورای نگهبان قانون اساسی

با سلام و تحیات

پیرو نامه شماره ۱۷۲/م/ک/۴۱ مورخ ۷۹/۱/۴ دیوان عدالت اداری،^۱ دایر به

۱.

تاریخ: ۱۳۷۹/۱۰/۴- شماره: ۱۷۲/م/ک/۴۱

حضرت آیت‌الله جنتی دامت برکاته

دبیر محترم شورای نگهبان

با عرض سلام و تحیت و آرزوی قبولی عبادات و طاعات جناب‌عالی و اعضاء محترم شورای نگهبان، به استحضار می‌رساند:

همان‌گونه که آگاهی دارند در اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی مصرح است که قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با مقررات اسلامی یا خارج از حدود و اختیارات قوه مجریه است خودداری ورزند و نیز هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری درخواست نماید.

با عنایت به اصل فوق آرای که از هیئت عمومی دیوان صادر می‌گردد، به چهار دسته کلی قابل تقسیم است:

۱- ابطال به لحاظ اینکه مورد طبق نظر فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص گردیده است.

۲- صدور رأی وحدت رویه و تعیین اصلح الرأیین در اعلام تعارض آراء شعب دیوان

۳- نقص آراء مخدوش و ارجاع به شعبه دیگر

۴- مواردی که از برخی مصوبات، آیین‌نامه‌ها یا بخشنامه‌ها توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی به دیوان شکایت می‌شود و دیوان موظف به رسیدگی است و نهایتاً در صورت مغایرت بخشنامه یا آیین‌نامه یا مصوبه با قانون یا تشخیص خروج از حدود اختیارات، رأی به ابطال آن داده می‌شود.

اینک پرسش پیش‌آمده این است که آثار ابطال به‌ویژه در مورد چهارم با توجه به تبعات بسیار گسترده حقوقی و مالی و اجتماعی که قابل تأمل است، از چه زمانی مترتب می‌گردد؛ آیا از زمان تصویب

درخواست اعلام نظر تفسیری شورای محترم نگهبان، راجع به موارد ابطال مندرج در نامه پیرو، عنایت تسریع در صدور پاسخ و ارسال نسخه‌ای از نظریه ابرازی برای اینجانب موجب امتنان خواهد بود.

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

شماره: ۸۰/۲۱/۱۲۷۹ - تاریخ: ۱۳۸۰/۲/۱۸

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم قوه قضائیه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱/۷۹/۱۸۲۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۸ مبنی بر تفسیر اصل یکصد و هفتادم از این جهت که وقتی در مواردی توسط دیوان عدالت اداری تصویب‌نامه یا آیین‌نامه دولتی مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه تشخیص داده می‌شود و رأی به ابطال آنها صادر می‌گردد، آثار ابطال از چه زمانی مترتب بر آن موارد می‌شود، موضوع در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۱۰ شورای نگهبان مطرح شد که نظر تفسیری شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«نسبت به ابطال آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها اصل یکصد و هفتادم به خودی خود اقتضای بیش از ابطال از زمان ابطال را ندارد، لکن چون ابطال موارد خلاف شرع مستند به تشخیص فقهاء شورای نگهبان است و از مصادیق اعمال اصل چهارم قانون

→

قانون، مؤثر است؟ یا از زمان صدور رأی؟ یا احیاناً رأی هیئت عمومی، موردی ملاحظه خواهد شد و یا اصلاً نسبت به موارد فرق می‌کند؟

آیا رسمیت مصوبات قابل شکایت در دیوان نیاز به تأیید، امضاء، رضایت، سکوت توأم با رضایت دیوان دارد، تا قبل از آن به طور کلی ملغی‌الاثرباشد، یا ابطال دیوان کاشف از عدم صحت مصوبه است، یا ابطال مانند نقل در باب اجازه می‌ماند یا کشف حکمی می‌کند؟ واضح است چنانچه کشف از بطلان بنماید که ظاهر امر چنین است یک نوع حمایت جدی قانونی و مالی و اداری و حقوقی را می‌طلبد و آلا تبعات و آثار فراوانی برای کشور به وجود خواهد آورد.

مستدعی است نظر تفسیری آن شورای محترم را در این باب به دیوان عدالت اداری ابلاغ فرمایید. عنایت دارید که این قهیل موارد، ابطال نیاز به شکایت و طرح دادخواست در دیوان دارد و چه بسا تا رسیدگی دیوان سال‌ها با زمان مصوبه فاصله باشد. در صورت نیاز اجازه فرمایید حضوراً نیز توضیح داده شود.

با تشکر - قربانعلی درّی نجف‌آبادی - رئیس کل دیوان عدالت اداری

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۲- نظریه تفسیری شماره ۸۳/۳۰/۹۳۸۷ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ در پاسخ به استفسار رئیس قوه قضائیه نسبت به محدوده اختیارات دیوان عدالت اداری در اصل ۱۷۰ قانون اساسی از جهت رسیدگی به تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های خلاف قانون نهادهای حکومتی: شماره: ۱/۸۳/۱۱۸۷۰ - تاریخ: ۱۳۸۳/۸/۲۸

محضر شریف آیت الله جنتی

دبیر شورای محترم نگهبان «دامت برکاته»

سلام علیکم

همان طور که مستحضرید در اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: «قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هر کس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.»

خواهشمند است نظریه تفسیری آن شورای محترم را در این رابطه تبیین فرمایید که آیا محدوده اختیارات دیوان عدالت اداری در این اصل شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های قوه مقننه و قضائیه و سازمان‌های وابسته به آنها و همچنین مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مصوبات اداری شورای نگهبان، مجمع تشخیص و

۱. گفتنی است دیوان عدالت اداری در خصوص مخالفت آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و بخشنامه‌های دولتی با موازین شرع نمی‌تواند مستقلاً اظهار نظر نماید، بلکه دیوان در این موارد بر اساس اصل ۴ قانون اساسی از فقهای شورای نگهبان استعلام می‌کند. در این خصوص، تبصره (۲) ماده (۸۴) و نیز ماده (۸۷) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵، ترتیب قانونی این موضوع را جهت اخذ نظریه فقهای شورای نگهبان اعلام داشته است. تبصره (۲) ماده (۸۴) مقرر می‌دارد: «تبصره ۲- هرگاه مصوبه مورد شکایت به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی لازم‌الاتباع است.» ماده (۸۷) نیز مقرر می‌دارد: «ماده ۸۷- در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی، لازم‌الاتباع است.» گفتنی است پیش از تصویب قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۲، ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ و ماده (۴۱) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ در این زمینه، تعیین تکلیف کرده بود.

امثال آن نیز می‌شود یا مخصوص به تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت به معنای قوه مجریه می‌باشد.

از عنایت جناب عالی متشکرم. والسلام علیکم و رحمت‌الله

رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

شماره: ۹۳۸۷/۳۰/۸۳ - تاریخ: ۱۳۸۳/۱۰/۲۱

حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی

رئیس محترم قوه قضائیه

باسلام

عطف به نامه شماره ۱/۸۳/۱۱۸۷۰ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۸، بدین وسیله نظریه تفسیری

شورای نگهبان از اصل ۱۷۰ قانون اساسی به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«با توجه به قرینه «قوه مجریه» در قسمت اخیر اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی،

مقصود از تعبیر «دولتی» در این اصل، قوه مجریه است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

اصل سابق: بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حُسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌کند.

– نظریه تفسیری شماره ۴۲۰۹ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۵ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار رئیس سازمان بازرسی کل کشور نسبت به حدود و نحوه نظارت قوه قضائیه بر حُسن اجرای قوانین:

* جهت ملاحظه متن این نظر و مستندات قانونی آن، بنگرید به ذیل اصل (۱۵۶)، ص ۲۶۸.

اصل یکصد و هفتاد و پنجم

در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هرکدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت. خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.

اصل سابق: در رسانه‌های گروهی (رادیو و تلویزیون) آزادی انتشارات و تبلیغات طبق موازین اسلامی باید تأمین شود. این رسانه‌ها زیر نظر مشترک قوای سه‌گانه قضائیه (شورای عالی قضایی)، مقننه و مجریه اداره خواهد شد. ترتیب آن را قانون معین می‌کند.

- نظریه تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۹۷۹ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار عضو فقیه شورای نگهبان نسبت به امکان تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی:

تاریخ: ۱۳۷۹/۴/۲

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام علیکم

احتراماً، با توجه به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون نحوه اداره صدا و سیما و خصوصی‌سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و برداشت‌های مختلف از اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی و همچنین با عنایت به اینکه در جلسه‌ای که در محل شورای نگهبان در جریان مذاکرات اصل ۴۴ قانون اساسی به همراه دو تن از حقوقدانان این شورا با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت داشتیم در مورد امکان خصوصی‌سازی صدا و سیما مطالبی عنوان نمودند؛ لذا مطابق ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان درخواست می‌شود تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند:

الف- مطابق ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی، خط مشی و ترتیب اداره نظارت بر سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را قانون معین می‌کند. آیا عبارت «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» نیز که در صدر این اصل ذکر شده، می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟

ب- آیا مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان ایجاد و راه اندازی شبکه های خصوصی رادیویی و تلویزیونی وجود دارد یا خیر؟
عضو فقهاء شورای نگهبان- محمد یزدی

آقای علی لاریجانی رئیس وقت سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران نیز در همین رابطه نامه ای به شورای نگهبان ارسال داشته اند که به این شرح می باشد:
شماره: ۱۳۷۹/۵/۳۰- تاریخ: ۲۳۰۰/۱۷۰۱/۵۴۰۰-م- شماره: ۱۳۷۹/۵/۳۰

حضرت آیت الله جنتی
دبیر محترم شورای نگهبان
سلام علیکم

احتراماً با عنایت به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون خصوصی سازی شبکه های رادیویی و تلویزیونی و چگونگی اداره این وسیله و رسانه ارتباط جمعی و معطوفاً به اصول ۵، ۴۴، ۵۷، ۱۱۰ و ۱۷۵ قانون اساسی، خواهشمند است تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند:

۱- تفسیر آن شورای محترم نسبت به اصل ۱۷۵ قانون اساسی در خصوص موارد ذیل به چه ترتیبی است؟

۱-۱- آیا صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است؟
۲-۱- آیا مقام معظم رهبری صرفاً نصب و عزل و قبول استعفاء رئیس سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد یا اینکه علاوه بر آن، سیاست گذاری، هدایت و تدابیر معظم له در همه ابعاد، خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور نیز به آن اشاره شده است از اختصاصات مستمر مقام معظم رهبری بوده و بر صدا و سیما حاکم است؟

۲- تفسیر آن شورای محترم نسبت به اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص موارد ذیل به چه ترتیبی است؟

آیا اجازه تأسیس و راه اندازی رادیو و تلویزیون و یا شبکه های خصوصی در داخل یا خارج از کشور و یا انتشار فراگیر (مانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و ...) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران مجاز می باشد؟

رئیس سازمان صدا و سیماى جمهوری اسلامی ایران- علی لاریجانی

حضرت آیت‌الله یزدی

عضو محترم فقهاء شورای نگهبان

عطف به نامه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲ جناب‌عالی مبنی بر اینکه آیا عبارت «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» که در صدر اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است، می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ و همچنین آیا امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد یا خیر؟

موضوع با توجه به ماده (۱۸) آیین‌نامه داخلی^۱ در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۶ شورای نگهبان مطرح و نظریه تفسیری شورا در خصوص این دو اصل به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

الف - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۱۷۵ قانون اساسی

«مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاست‌گذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است، از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد.»

ب - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی

«مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون، دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، خلاف اصل مذکور است.»

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

۱. ماده ۱۸ - تفسیر اصول قانون اساسی با ارجاع مقام معظم رهبری و یا با درخواست رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه و یا یکی از اعضای شورای نگهبان صورت می‌گیرد.



انشارات پژوهشکده‌ی شورای نگهبان

فهرست منشورات پژوهشکده شورای نگهبان

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

۱۳۹۷	۱. مشروح مذاکرات سال ۱۳۵۹ شورای نگهبان، چاپ دوم - ویرایش اول
۱۳۹۰	۲. مشروح مذاکرات سال ۱۳۶۰ شورای نگهبان
۱۳۹۵	۳. مشروح مذاکرات سال ۱۳۹۲ شورای نگهبان (نیم سال اول)
۱۳۹۷	۴. مشروح مذاکرات سال ۱۳۹۳ شورای نگهبان (نیم سال اول)

مجموعه نظرات شورای نگهبان

	۵. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره اول تا نهم
۱۳۸۴	۶. مجموعه نظرات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری
۱۳۹۶	۷. مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد اساسنامه‌های مصوب دولت؛ (از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۹۵)
۱۳۹۷	۸. نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان بر اساس اصل (۴) قانون اساسی (۱۳۵۹-۱۳۹۷)
۱۳۹۴	۹. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۴)، جلد اول، اصول ۱ تا ۵۵
۱۳۹۵	۱۰. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۴)، جلد دوم، اصول ۵۶ تا ۷۵
۱۳۹۵	۱۱. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۴)، جلد سوم، اصول ۷۶ تا ۱۱۲
۱۳۹۶	۱۲. اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۴)، جلد چهارم، اصول ۱۱۳ تا ۱۷۷
۱۳۹۶	۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و ... شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۶)
۱۳۹۷	۱۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۶)

مبانی نظرات شورای نگهبان

۱۳۹۱	۱۵. مبانی فقهی آراء فقهای شورای نگهبان؛ فروردین تا مرداد ۱۳۶۱ هـ ش (جلد اول و دوم)، محمدحسین بیاتی
۱۳۹۷	۱۶. مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان؛ مستبیط از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷
۱۳۹۳	۱۷. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۰
۱۳۹۴	۱۸. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۱
۱۳۹۴	۱۹. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۲
۱۳۹۵	۲۰. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۳
۱۳۹۷	۲۱. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۱۳۹۵	۲۲. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون برنامه پنجم توسعه و قوانین بودجه مربوط به آن (۱۳۸۹-۱۳۹۴) برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان
۱۳۹۸	۲۳. مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۴

قوانین

۱۳۹۵	۲۴. مجموعه قوانین و مقررات شورای نگهبان؛ ویراست دوم، زمستان ۱۳۹۵
۱۳۹۷	۲۵. مجموعه قوانین و مقررات انتخابات؛ ویراست پنجم، ۱۳۹۷
۱۳۹۳	۲۶. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبانی نظرات شورای نگهبان پیرامون این قانون
۱۳۹۲	۲۷. قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست (مصوب ۱۳۹۲) در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبانی نظرات شورای نگهبان
۱۳۹۳	۲۸. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) در پرتو نظرات شورای نگهبان؛ به انضمام مبانی نظرات شورای نگهبان
۱۳۹۶	۲۹. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با اصلاحات و الحاقات بعدی) در پرتو نظرات شورای نگهبان
۱۳۹۶	۳۰. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همراه با کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی در پرتو نظرات شورای نگهبان

۱۳۹۷	۳۱. تفکیک تقنین و اجراء؛ تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه، علی‌محمد فلاح‌زاده و همکاران
۱۳۹۳	۳۲. مردم و حکومت اسلامی، علی فتاحی زفرقندی
۱۳۹۳	۳۳. تحلیل وقایع روز از دیدگاه حقوق عمومی، جمعی از نویسندگان
۱۳۹۳	۳۴. دادرسی اساسی تطبیقی؛ مطالعه‌ی مبانی، ساختارها و صلاحیت‌های نهاد دادرسی اساسی، جمعی از نویسندگان
۱۳۹۴	۳۵. جایگاه و صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، میلاد قطبی
۱۳۹۴	۳۶. موافقتنامه‌های بین المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حسین خلف رضایی
۱۳۹۴	۳۷. تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی؛ جلد اول (اصول اول تا هفتم)، آیت‌الله عباس کمی
۱۳۹۵	۳۸. تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی؛ جلد دوم (اصول هشتم تا هجدهم)، آیت‌الله عباس کمی
۱۳۹۵	۳۹. حقوق اساسی کشورهای اسلامی؛ اسماعیل آجارلو
۱۳۹۶	۴۰. نظام حقوقی حاکم بر انتخابات؛ جلد نخست: نظام‌های انتخاباتی، مصطفی منصوریان
۱۳۹۷	۴۱. شورای نگهبان؛ نظارت بر انتخابات؛ تبیین و تحلیل صلاحیت شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات
۱۳۹۷	۴۲. کتابشناسی شورای نگهبان
۱۳۹۷	۴۳. شرح قانون اساسی؛ فصل ششم - قوه مقننه (جلد اول)، محمدرضا اصغری، دکتر حسین خلف رضایی و دکتر سید محمدهادی راجی، زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی
۱۳۹۷	۴۴. شرح قانون اساسی - فصل هشتم - رهبر (جلد اول)، دکتر هادی طحان نظیف، دکتر ابوالفضل درویشوند و علی فتاحی زفرقندی، زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی
۱۳۹۶	۴۵. شرح قانون اساسی - فصل ششم - شورای نگهبان (جلد اول)، دکتر محمد بهادری چهرمی، دکتر میثم درویش متولی و علی فتاحی زفرقندی، زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی
۱۳۹۸	۴۶. شرح قانون اساسی؛ فصل اول - اصول کلی (جلد اول؛ ۵، ۱۱ و ۱۲) دکتر حامد نیکو نهاد و دکتر سید محمد مهدی غمامی، زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی
۱۳۹۸	۴۷. شرح قانون اساسی؛ فصل نهم قوه مجریه، ریاست جمهوری و وزرا (جلد اول؛ اصول ۱۱۳، ۱۲۳ و ۱۲۷) دکتر ابوالفضل درویشوند و دکتر حسین عبداللہی، زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی
۱۳۹۷	۴۸. شرح قانون اساسی - فصل چهاردهم - بازنگری در قانون اساسی اصل ۱۷۷، مصطفی منصوریان، زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی
۱۳۹۷	۴۹. آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی (۲ جلد)؛ جمعی از نویسندگان
۱۳۹۸	۵۰. قانون‌گذاری و اجراء؛ مجموعه نشست‌های تخصصی تحلیل روابط قوای مقننه و مجریه

فصلنامه‌دانش حقوق عمومی

شمارگان ۱ تا ۲۱

تهران، میدان فردوسی، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲-۴۵-۸۸۳۲۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

در سال ۱۳۹۸ منتشر خواهد شد:

مشروح مذاکرات سال ۱۳۶۱ شورای نگهبان

مشروح مذاکرات سال ۱۳۶۲ شورای نگهبان

مشروح مذاکرات سال ۱۳۹۲ شورای نگهبان (نیم سال دوم)

مشروح مذاکرات سال ۱۳۹۳ شورای نگهبان (نیم سال دوم)

مشروح مذاکرات سال ۱۳۹۵ شورای نگهبان

مشروح مذاکرات سال ۱۳۹۶ شورای نگهبان

مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه های سال ۱۳۹۴

نظام حقوقی حاکم بر انتخابات؛ جلد دوم